



**همراه با جوایز نفیس و ارزنده:
(کارت هدیه، بن خرید، سکه پارسیان و...)**

• قالب های شرکت در مسابقه:

• بزرگسالان:
پاسخ به آزمون آنلاین

• کودکان و نوجوانان:
ارسال نقاشی با موضوع سهم من از جوانی ایران

• مهلت شرکت: ۳۱ خرداد ۱۴۰۲

• نحوه شرکت در مسابقه و دریافت رایگان نسخه pdf کتاب:
مراجعه به سامانه مرکز مجازی مسابقات کتابخوانی

www.mketab.ir

دبیرخانه: موسسه فرهنگی هنری شهید روحی

پيام رسان ایتا: ۰۹۱۵ ۰۷۵ ۱۸ ۴۸



جوانی ایران

مسابقه ملی کتابخوانی

سهم من از جوانی ایران

از کتاب: هفت خوان خیالی

پژوهشی در باب ارتباط معیشت و تربیت فرزند صالح



هفت خوان خیالی

با همکاری مؤسسه فرهنگی تبلیغی سیدپناه

پژوهشی در باب ارتباط معیشت و تربیت فرزند صالح • سحر فرهادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هفت‌خوان خیالی

سرشناسه: فرهادی، سحر، ۱۳۶۸.

عنوان و پدیدآور: هفت‌خوان خیالی: پژوهشی در باب ارتباط معیشت و تربیت فرزند صالح /

سحر فرهادی؛ با همکاری مؤسسه فرهنگی تبلیغی سدید.

مشخصات نشر: قم: ارمغان کوثر، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۸۰ص.

شابک: ۴۰۰۰۰۰۰ ریال؛ ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۰۸-۰۲-۱.

وضعیت فهرست‌نویسی: قیما.

یادداشت: کتابخانه.

عنوان دیگر: پژوهشی در باب ارتباط معیشت و تربیت فرزند صالح.

موضوع: کودکان - سرپرستی - جنبه‌های مذهبی - اسلام.

موضوع: Child rearing - Religious aspects - Islam.

موضوع: تربیت خانوادگی - جنبه‌های مذهبی - اسلام.

موضوع: Domestic education - Religious aspects - * Islam.

موضوع: اقتصاد خانواده - جنبه‌های مذهبی - اسلام.

موضوع: Home economics - Religious aspects* - Islam.

موضوع: والدین و کودک.

موضوع: Parent and Child.

شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی تبلیغی سدید.

رده‌بندی کنگره: BP۲۵۳/۲:ف۴-۷-۱۳۹۷

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۶۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۸۳۱۸۳

بیشکش به محضر مبارک

حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)

رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

خَاتَمَ النَّبِيِّينَ

أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ

بِالْمُؤْمِنِينَ زُؤُفَ رَجِيمَ

باتقدیر و تشکر فراوان از:

- استاد ارجمند، جناب آقای احسان دادخولتیرانی
- اساتید بزرگوار: حجت‌الاسلام حسین ثروتی، حجت‌الاسلام سیدبابانز نویان، حجت‌الاسلام ناصر صفوی
- سرکار خانم الهه بهرامی، کارشناس ارشد مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام
- پژوهشگران محترم مؤسسه فرهنگی تبلیغی سدید: خانمها مرضیه کانلمی، رقیه رضایی، زهرا لاهوتیان، زهرا نادری، عطیه سادات حسینی و سایر اعضا که به نوعی در انجام این کار نقش داشتند.

۷ پیشگفتار

بخش اول: دلواپسی‌های اقتصادی و تربیتی

۱۰ فصل اول: دغدغه‌های اقتصادی

۱۱ فقیریم یا احساس فقر داریم؟!

۱۹ رزق و برکت: دو اعتقاد فراموش شده!

۲۹ فصل دوم: دغدغه‌های تربیتی

۳۰ تأثیر رفاه و سختی در تربیت

۵۲ عوامل مؤثر بر هدایت و تربیت فرزند

۶۴ چالش بانوان؛ نقش‌ها و اشتغالات

بخش دوم: بررسی جیستی، جرای و جگونگی هزینه‌های فرزندآوری و فرزندپروری

۷۹ فصل اول: هزینه‌های پیش از ولادت

۸۰ به چه کسی رجوع کنیم؟ «ماما» یا «متخصص»

۸۴ سونوگرافی و چالش‌های بررسی جنین

۸۷ وضع حمل

۹۲ رسم سیمونی

۱۰۲ فصل دوم: هزینه‌های پس از ولادت

۱۰۳ شیردهی

۱۰۹ عقیقه و ولیمه

۱۱۳ پوشاک

۱۱۷ بازی و اسباب‌بازی

۱۲۶ شناسایی استعدادها

۱۳۱ اوقات فراغت

بیشگفتار

افزایش جمعیت مایه برکت و فراوانی، منشأ اقتدار و امنیت ملی، عامل مهم پیشرفت و توسعه اقتصادی است و حفظ جمعیت جوان از مسائل اساسی و تعیین کننده برای یک کشور به حساب می آید.

امروز، مسئله تحدید نسل برای کشور خطر بزرگی است. پیش بینی ها حاکی از آن است که با ادامه روند کنونی رشد جمعیت، در کمتر از سه دهه، کشورمان سالخورده و با آثار سوء آن دست به گریبان خواهد شد. امروز، ایران جوانمان در شرایطی است که به گسترش نسل و افزایش فرزندآوری نیاز دارد؛ لکن سیاست های جمعیتی گذشته و تأکید بر کاهش فرزندآوری در طول زمان به صورت عرف درآمده و خانواده ها به راحتی زیر بار افزایش جمعیت نمی روند.

پس از مطالبات امام خامنه ای (دام ظلّه) مبنی بر پیش گیری از مبتلا شدن کشور به پیری در آینده ای نه چندان دور و فرمانشان مبنی بر این که: «جوانب قضیه را بسنجید؛ ببینید چه چیزهایی است که موجب می شود جامعه ای مادچار میل به کم فرزندی بشود؛ چرا افرادی ترجیح می دهند که فقط یک فرزند داشته باشند؛ چرا ترجیح می دهند فقط دو فرزند داشته باشند؟ چرا زن به شکلی، مرد به شکلی پرهیز می کنند از فرزندداری؟... این عوامل را پیدا کنید»^۱ بر آن شدیم که به بررسی یکی از عوامل مهم این مسأله یعنی ارتباط معیشت با فرزندآوری و فرزندپروری بپردازیم؛ چرا که ظاهراً آنچه خانواده ها را در کمیت فرزندان به تأمل واداشته، عمدتاً شرایط اقتصادی و عدم اطمینان به فردایی بهتر و بعضاً نگرانی از ناتوانی در تربیت صحیح است.

بررسی ارتباط معیشت و تربیت فرزند صالح در دو بخش اقناعی و کاربردی سازماندهی شده است؛ بخش اول تحت عنوان دلواپسی های اقتصادی و تربیتی، به باورهایی اختصاص دارد که در فرزندآوری والدین مؤثرند. فصل اول از این بخش، ضمن تبیین دغدغه های اقتصادی، به فقیر بودن با احساس فقر داشتن خانواده ها اشاره دارد و عوامل ایجاد احساس فقر را بررسی می کند. سپس به دو اعتقاد فراموش شده، یعنی رزق و برکت می پردازد.

۱. بیانات در دیدار اعضای همایش ملی «تعمیرت جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» این دیدار ۶ آبان ماه ۱۳۹۲ برگزار و متن آن ۹ آبان در این همایش در شهر قم قرائت شد.

دغدغه‌های تربیتی، موضوعی است که در فصل دوم بدان پرداخته شده است. این فصل از نقش مخرب رفاه‌زدگی و از نقش سازنده‌ی سختی در روند تربیت سخن گفته است و می‌خواهم یک دانه فرزندم در رفاه بزرگ شود؛ دارا و نمی‌خواهم فرزندم مانند خودم در سختی بزرگ شود؛ ندار را پاسخ می‌دهد. پس از آن به دغدغه‌ی خانواده‌هایی که نسبت به هزینه‌های فرزندآوری نگرانی نداشته و تنها دلواپس پرورش فرزندانشان هستند، می‌پردازد. قسمت آخر از این بخش به بررسی چالش بانوان؛ نقش‌ها و اشتغالات اختصاص دارد.

بررسی چستی، چرایی و چگونگی هر یک از هزینه‌های فرزندآوری و فرزندپروری موضوعی است که در بخش دوم مورد بحث قرار گرفته است. در فصل اول، هزینه‌های پیش از ولادت یعنی هزینه‌های بارداری و رسومات تبیین می‌شود و در فصل دوم، هزینه‌های پس از ولادت مورد بررسی قرار می‌گیرد و به موضوعاتی از قبیل شیردهی، ولیمه و عقیقه، پوشاک، بازی و اسباب‌بازی، استعدادشناسی و اوقات فراغت پرداخته می‌شود. بی‌تردید این تلاش را کاستی‌ها و نارسایی‌ها است که به دلیل گسترده بودن مباحث و بضاعت اندک نگارنده، امری بدیهی می‌نماید؛ لکن به وعده راستین خداوند مهربان که فرمودند «أَلَى لَا أُضِيعُ عَمَلٌ بِمَنْكُمُ دَلْ بَسْتَهْ اِیْمٍ وَ اَمِیدٌ نَارِیْمُ قَلَمِیْ بَاشُدُ دَر جِهتِ تَصْحِیحِ نِگَاه‌ها بَهِ اَمْرِ فَرزَند‌اَوْرِی وَ فَرزَند‌پَرورِی وَ پِیشِ دَر اَمَدِی بَر تَحْقِیقاتِ بَیْشَر وَ گِستَرده‌تر.

نظرات اصلاحی همه عزیزان را پذیرایم.

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ

سحر فرهادی

تذکر:

کتاب «هفت‌خوان خیالی» در ۳۸۰ صفحه به سامان رسیده است و اکنون با حذف برخی سرفصل‌ها و تلخیص مطالب برای مسابقه کتابخوانی «سهم من از جوانی ایران» آماده و در ۱۵۰ صفحه تقدیم مخاطب شده است.

«بهای کتاب: دست بوسی مادر و بزرگداشت شغل شریف مادری است»

امید است همه خوانندگان محترم، این بهار را به شایستگی بپردازند.

بخش اول

دلوایسی های اقتصادی و تربیتی

آنچه در این بخش خواهیم خواند:

• دغدغه های اقتصادی

فقیریم یا احساس فقر داریم؟
رزق و برکت؛ تو اعتقاد فراموش شده!

• دغدغه های تربیتی

تأثیر رفاه و سختی در تربیت
عوامل مؤثر بر هدایت و تربیت فرزند
چالش بانوان؛ نقش ها و اشتغالات

فصل اول

دغدغه‌های اقتصادی

فقیریم یا احساس فقر داریم؟

ترس از فقر و نداری و فرار از فرزندآوری بحث دیروز و امروز نیست. در آیات قرآن به این موضوع اشاره شده است. خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِفْلَاقٍ فَرَزْنَا لَنْ تَكُونُوا عُقَبًا وَلَا لَهْرًا وَلَا يَفْرَقُوا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فَذَرُوا الْبِرَّ إِنَّكُمْ بِعَيْنِنَا لَآتُونَ»^۱ و «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَةَ إِفْلَاقٍ فَرَزْنَا لَنْ تَكُونُوا عُقَبًا وَلَا لَهْرًا وَلَا يَفْرَقُوا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فَذَرُوا الْبِرَّ إِنَّكُمْ بِعَيْنِنَا لَآتُونَ»^۲ در آیات چنین دغدغه‌ای نهی و با جمله «نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِنَّهُمْ عَلِيلُونَ»^۳ تعلیل شده است.

خدای مهربان وعده رزق و روزی می‌دهد و شیطان همواره انسان را از فقر می‌ترساند و وعده فقر می‌دهد «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ»^۴ ترس از فقر و تنگی معیشت نتیجه اعراض از یاد خداست. امروز ما فقیریم یا احساس فقر داریم؟

تعریف فقر و غنا

«فقر» در چند معنای مختلف به کار می‌رود:

اول: نیاز ضروری؛ این معنا همه انسان‌ها را تا زمانی که در دنیا هستند، بلکه تمام موجودات را شامل می‌شود: «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْخَبِيرُ»^۵

دوم: تهی‌ستی؛ به معنای نداشتن چیزهایی که مورد احتیاج است. نداشتن آنچه مورد نیاز نیست فقر نامیده نمی‌شود.^۶

سوم: فقر نفس که عبارت است از آزمندی و سیری ناپذیری و به نظر برخی مقصود از حدیث نبوی «كَانَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا»^۷ نزدیک است که فقر به کفر انجامد، همین معناست که در مقابل آن، حدیث «توانگری، استغنای نفس

۱. سوره طه، آیه ۱۵۱.

۲. سوره سوره، آیه ۳۱.

۳. سوره بقره، آیه ۲۶۸.

۴. سوره قاطر، آیه ۱۵.

۵. ترائف، محتوی علم لئلاق لئلام، ج ۲، ص ۱۰۵.

۶. کلینی، مستطوی کافی، ج ۲، ص ۲۰۷.

است «قرار دارد و مقصود از این جمله که «کسی که قناعت نداشته باشد، مال و ثروت او را توانگری بی‌نیاز نمی‌کند» نیز همین توانگری است. از دید روایات فقر نفس، بدترین نوع فقر است.^۱ البته از نظر برخی بزرگان این روایت آقا رسول اکرم (ص) که نزدیک است فقر به کفر انجامد تقطیع شده و اصل روایت این چنین است: لولا زحفة زنی علی فقراء أمتی، کاذ الفقر یكون کفراً؛^۲ بدین معنا که اگر لطف پروردگار بر فقیران اتم نبود، نزدیک بود فقر آنها به کفر کشیده شود.

نقطه مقابل فقر، «غنا» به معنای بی‌نیازی است و بنابراین همان موارد استعمال چندگانه را برای آن ذکر کرده‌اند:

اول: غنا به معنای عدم احتیاج به هیچ چیز، که مخصوص خدا است.

دوم: به معنای عدم کمبود در مایحتاج زندگی.

سوم: غنا و بی‌نیازی نفس یعنی قناعت.^۳

بر اساس تفسیر روان‌شناختی، فقر و غنا بیش از آن که یک مفهوم اقتصادی و عینی باشند، یک مفهوم روحی و روانی‌اند. اساساً غنا به معنای بی‌نیازی است نه دارایی، فقر به معنای نیازمندی است نه نداری و مال و ثروت یکی از لوازم احساس بی‌نیازی است نه این که معنای اصلی آن باشد. بر اساس این تفسیر، غنا یعنی برخوردار بودن از احساس بی‌نیازی در درون و انسان غنی کسی است که چنین احساسی دارد، هر چند از امکانات مادی بی‌بهره باشد؛ و فقر یعنی داشتن احساس نیازمندی در درون و انسان فقیر کسی است که چنین احساسی دارد، هر چند از امکانات برخوردار باشد. بنابراین صرف داشتن امکانات زندگی، موجب رضایت نمی‌شود و نداشتن آن، موجب نارضایی نمی‌گردد.^۴ از فردی که به رغم برخوردار بودن از مواهب و نعمات بسیار و توانایی تأمین نیازهای اولیه همواره احساس نیاز دارد و در حسرت دارایی‌های دیگران است با عنوان فردی که احساس فقر یا به عبارتی فقر نفس دارد یاد می‌شود. فقری که هر کس نسبت به دیگری احساس می‌کند فقر حقیقی نیست. در قرآن آمده است: «وَلَا تَقْنُؤُوا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهٖ بَعْضُکُمْ عَلٰی بَعْضٍ... وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمًا»^۵ نسبت به آنچه شما ندارید و خدا به دیگران مرحمت فرموده تمنا نکنید. - و نگویید ای کاش من نیز مثل فلان شخص فلان نعمت را

۱. برخی دیگر از مفسران حدیث، نظیر عزالی، لغتاً فقر در این سخن را به همان معنای فقر مادی گرفته و در تبیین آن گفته‌اند فقر، انسان را در پرتگاه کفر قرار می‌دهد زیرا اولاً موجب حسادت به توانگران می‌شود که حسد، حسانت و خوبی‌های انسان را از بین می‌برد. ثانیاً فقر موجب می‌شود که فقیر در برابر ثروتمندان اظهار ذلت و خواری کند و به آبرو و دینش لطمه وارد شود. ثالثاً سب ناخشنودی به فسا و فساد الهی و نارضایی از روزی می‌شود و این امر اگر هم کفر نباشد، به کفر می‌کشاند. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۳۱.

۲. تخطی العقول، ج ۵۰۶۴. تخطی العقول، ج ۵۰۶۶.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴۷.

۴. مکرم شیواری، پیام قرآن، ج ۲، ص ۴۷. رانج اسفندی، مفردات، ص ۲۸۳.

۵. پسنده الکوئی اسلامی شادکامی، ۳۲۸.

۶. سوره نساء، آیه ۳۲.

می‌داشتیم - زیرا این خدا است که بعضی را بر بعضی برتری داده است، اگر درخواستی دارید از خدا بخواهید، فضل او را بخواهید، که او به همه چیز دانا است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «هیچ فقری چون فقر روحی و هیچ توانگری‌ای چون استغنائی روحی نیست»^۱.

عوامل ایجاد احساس فقر

برخی عوامل ایجاد احساس فقر عبارتند از:

- **مقایسه کردن زندگی خود با زندگی دیگران:** نمونه این مقایسه را قرآن در داستان قارون روایت می‌کند. قارون از ثروت فراوانی برخوردار بود؛^۲ به طوری که مشاهده زندگی او دیگران را به مقایسه وامی‌داشت و آرزوی زندگی قارونی می‌کردند؛^۳ اما مقایسه‌ی خود با افراد فرادست در مادیات، محصول اجتناب ناپذیر تفاوت اجتماعی نیست؛ بلکه به ویژگی‌های افراد بستگی دارد در داستان مذکور، گروهی بودند که با دیدن ثروت قارون اقدام به مقایسه کردند و تمنایشان چنان ثرونی شد، خداوند از آنان با عنوان «الَّذِينَ يُبَدُونَ الْخَبْوَءَ الدُّنْيَا بَادِرَةً»^۴ یاد کرده است. گروه دیگر هر چند قارون را دیدند، ولی مقایسه نکردند. توصیف خداوند از آنان «الَّذِينَ أُوْتُوا الْعِلْمَ» و ویژگی آنان خردمندی و فرزنگی است؛ پس مشاهده لزوماً منجر به مقایسه نمی‌شود. حلقه مفقود میان مشاهده و مقایسه، شگفت‌زدگی و چشم‌دوختن است. خداوند در آیه «وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ»^۵ می‌خواهد که مردم در مواجهه با زندگی‌های قارونی، شگفت‌زده نشوند و برای این کار، ماهیت ثروت‌مندی آنان را (که وسیله عذاب آن‌ها بود) بیان نموده است. کسی که بداند ماهیت مال‌های قارونی چیست، از دیدن آن‌ها شگفت‌زده نمی‌شود و آنگاه که در شگفت نشد، چشم نمی‌دوزد و چون چشم ندوخت، به مقایسه نیز اقدام نمی‌کند. چشم‌ندوختن، کلید مقایسه نکردن است و خداوند متعال چشم‌ندوختن به زندگی‌های قارونی را از ما می‌خواهد: «وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا بِاللَّهِ عِزَّتْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زُخْرًا الْخَبْوَءَ الدُّنْيَا لِنُعْذِبَنَّهُمْ فِيهِ وَرِزْقِي زَيْتُكَ حَيْزٌ وَأَنْبِي»^۶ در این آیه شریفه، از این قبیل اموال به عنوان شکوفه یاد شده است که عمری کوتاه و ناچیز دارد. در مقابل، رزق خداوند یاد شده که خیر و پایدار است.

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۶.

۲. پستانده، رضایت از زندگی، تلخیص بخش اول، فصل ششم.

۳. سوره قسص، آیه ۲۶.

۴. همان، آیه ۸۰ و ۷۹.

۵. سوره توبه، آیات ۸۵ و ۵۵.

۶. سوره طه، آیه ۳۱.

مقایسه خود با افراد فرادست از نظر مادیات، سبب می‌شود که انسان آنچه را در خود دارد، نبیند و پیوسته حسرت زندگی دیگران را بخورد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «پرهیزید از این که به آنچه در دست فرزندان دنیا است، چشم بدوزید؛ چرا که هر کس به آن چشم بدوزد، ... نعمتی را که نزد اوست، کوچک می‌شمرد و در نتیجه، سپاس‌گزاری او کاهش می‌یابد.»^۱

- **نگاه اشتباه و غیرتوحیدی برخی افراد جامعه:** در طول تاریخ همواره افرادی فقر و غنا را ملاک ارزش در جامعه و حتی معیار شخصیت در پیشگاه خداوند می‌دانستند؛ بعنوان مثال فرعون برای رد رسالت حضرت موسی (ع) او را به دلیل نداشتن ثروت و مقام، به پستی متهم می‌کرد و خود را برتر از وی می‌دانست.^۲ او مدعی بود که اگر موسی (ع) راست می‌گوید، باید دستبندهای طلا در اختیار داشته باشد.^۳ جامعه جاهلی عرب نیز شخصیت افراد را با مقدار مال، ثروت، شکوه و جلال ظاهری می‌سنجیدند. از نظر اسلام ملاک ارزش داوری شخصیت، امور مادی نیست.^۴ این مکتب با تأکید بر اموری مانند ایمان، عمل شایسته، تقوا^۵ و دانش^۶ مسائل اقتصادی را از ملاک‌های شخصیتی و ارزشی خارج می‌کند.^۷

- **اعراض از یاد خدا:** در قرآن کریم آمده است «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»^۸ کسی که از یاد خدا اعراض نماید، برای او زندگی سخت خواهد بود. ضنک به معنای تنگی همراه با سختی است.^۹ کسی که خدای مهربان را فراموش و با او قطع رابطه می‌نماید، دیگر چیزی غیر دنیانمی ماند که وی دل‌بسته‌اش باشد و آن را مطلوب بگانه خود قرار دهد، در نتیجه همه کوشش‌های خود را منحصر به اصلاح زندگی دنیا و توسعه آن میکند اما این معیشت او راضی و حدی از ثروت او را قانع نمی‌کند و دائماً خواهان ثروت افزونتر است. این حرص تنها ندارد و چنین کسی سرشار از غم و اضطراب و ترس و دائماً در فقر و تنگی و علاقه‌مند به چیزی است که ندارد.^{۱۰}

۱. علامه مجلسی، بحر الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۶۸.

۲. سوره زخرفه آیه ۵۲.

۳. همان، آیه ۵۲.

۴. سوره سبأ، آیه ۳۷.

۵. سوره حجرت، آیه ۱۳.

۶. سوره مجادله، آیه ۱۱.

۷. موسوی اسلم، فقر و بهداشت روانی از دیدگاه دین و روان‌شناسی، روان‌شناسی و دین، ش ۴.

۸. سوره طه، آیه ۱۲۴.

۹. ابن منظور، لسان العرب، ذیل واژه ضنک.

۱۰. علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۳۱۴.

- **دنیادوستی:** در روایتی از پیامبر (ص) آمده است «هر کس هدفش در زندگی، دنیا باشد، خداوند کارهای او را پریشان نموده و فقر و تهیدستی را در نظرش مجسم می‌دارد و از مزایای دنیای جز همان مقدار که بر او نوشته شده به او نخواهد رسید، ولی آن کس که در زندگی دنیایی، هدفش آخرت باشد، خداوند امور او را مرتب و منظم داشته و طبع و حالت بی‌نیازی در قلبش قرار می‌دهد و دنیا با کمال سهولت به او رو می‌کند.^۱

- **فراگیری نیازهای کاذب در جامعه:** اصلی‌ترین آثار فرهنگی و اجتماعی ایجاد نیازهای کاذب، شکل‌گیری احساس محرومیت و به تبع آن بروز رفتارهای دفاعی و رهایی بخش از این حس در وجود مخاطب است که به شکل مصرف‌گرایی برای کسب وجهه اجتماعی، مدگرایی برای دیده شدن و سرپوش گذاشتن بر عقده‌های متراکم درونی، جرائم اجتماعی در نتیجه احساس ناامیدی بروز میکند.

- **آرزوهای طولانی:** کسی که صاحب آرزوهای طولانی است، همواره لذت را در چیزی می‌داند که ندارد و از آنچه دارد بهره‌مند نمی‌شود. برای چنین فردی مهم نیست که چه دارد، مهم آن است که همواره آنچه را ندارد، مایه خوشبختی می‌داند و وقتی به آنچه زمانی آرزویش را داشت، دست یافت، باز هم احساس بهره‌مندی و خوشبختی نمی‌کند و به آنچه در دور دست‌ها وجود دارد، می‌اندیشد. امام علی (ع) می‌فرماید: «هر کس آرزوهایش زیاد شود، رضایت او کم می‌شود»^۲ هم ایشان تذکر می‌دهند که از آرزوهای پرهیزید؛ زیرا نشاط نعمت‌هایی را که دارید، از میان می‌برد و آن‌ها را نزد شما کوچک می‌سازد و حسرت آنچه را که آرزو دارید، در پی می‌آورد.^۳

هیچ ثروتی به اندازه راضی بودن از روزی، احساس فقر و نیازمندی انسان را از میان نمی‌برد.^۴

عوامل ایجاد فقر مادی

- **تن‌آسایی و خوش‌نشینی:** رسول‌الله (ص) فرمودند: «خداوند مستی و تنبلی را آفرید و میان آن دو را پیوند داد، پس از آن دو، فقر زاده شده»^۵ متأسفانه امروزه کار کردن به خودی خود ارزش نیست؛ بلکه ارزش کار ملازم با نوع حقوق و جایگاه و مراتب شده است. امروزه کسب روزی حلال به هر طریقی عار به نظر می‌آید، اکثر آبه دنبال خوش‌نشینی و انقب دهان‌پرکن بوده و هر کاری (مثلاً کارهای سختی مثل کارگری و کشاورزی و...) مورد قبول نیست، کارهای اداری و پشت میز نشینی هم برای همه میسر نیست، لذا آمار بیکاری افزایش می‌یابد. (غرض بیان

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۲۵.

۲. علی محمدی، بررسی فقهی ایجاد نیاز کاذب با تأکید بر آثار اجتماعی آن، معرفت فرهنگی - اجتماعی، ش ۲۲.

۳. غررالحکم، ج ۳۰۲.

۴. کلینی، مستطوی کافی، ج ۵، ص ۱۸۵، رتبه‌رسانی، رضایت از زندگی، ص ۴۷.

۵. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۱.

۱. محمدی ری شهری، حکمت‌نامه پیامبر اعتدالی، ص ۱۲ و ۱۳، ص ۲۰.

فاصله از متقبل شدن زحمت برای کسب روزی است نه نادیده گرفتن وظایف حکومت برای ایجاد شغل). در سیره ائمه (ع) که در همه شئون زندگی به عنوان الگو معرفی شده‌اند، آمده است که آن بزرگواران همواره به کارهای سختی چون کندن قنات، کشاورزی و... مشغول بودند. یکی از یاران امام صادق (ع) می‌گوید: آن حضرت را دیدم در حالی که بیلی در دست و جامه‌ای خشن و زبر بر تن داشت و در زمین شخصی خود مشغول کار بود و عرق از پشتش می‌ریخت. به حضرت عرض کردم: «اجازه دهید من به جای شما کار کنم». در پاسخ فرمودند: «من دوست دارم که انسان برای تأمین معاش و در طلب معیشت، سختی و آزار آفتاب گرم را تحمل کند».^۱

- اسراف: از عوامل دیگری که در ایجاد فقر در خانواده و به دنبال آن پس روی جوامع بشری، نقش مهمی ایفا می‌کند و به تدریج آن را به سمت انحطاط و سقوط می‌برد، اسراف و تبذیر است.

اسراف به معنای هرگونه تجاوز از حد در کاری است که انسان انجام می‌دهد، مثل این که انسان لباس گران قیمتی بپوشد که بهایش چندین برابر مورد نیازش باشد و یا غذای خود را آن چنان گران قیمت تهیه کند که با قیمت آن بتوان عدّه زیادی را آبرو مندانه تغذیه کرد. در اینجا از حد تجاوز شده، ولی در ظاهر چیزی ناپود نشده است، و تبذیر از «بذر» به معنای افشاندن و پاشیدن بذر است که بعد از افشاندن، بذر دیگر قابل جمع‌آوری نیست و حالت ناپودی به خود گرفته است. تبذیر، در مواردی است که انسان اموال خود را به صورت غیر منطقی و فساد، مصرف کند و معادل آن در فارسی ریخت و پاش است؛ مانند این که برای دو نفر میهمان غذای ده نفر تهیه و مازادش تلف شود. اسراف اعم از تبذیر است؛ زیرا تبذیر در خصوص امور مالی به کار می‌رود ولی اسراف در اموال و غیر اموال، هر دو کاربرد دارد.^۲

باید توجه داشت که اسراف نسبی است و به شأن متعارف و توان مالی فرد بستگی دارد. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «چه بسا فقیری که از توانگر اسراف‌کارتر است، توانگر از آنچه به او داده شده خرج می‌کند، ولی فقیر از آنچه به او داده نشده خرج می‌کند»؛^۳ یعنی ممکن است ثروتمند متناسب با دارائی‌اش خرج نماید اما فقیر غیر متناسب با آنچه دارد هزینه کند. دیگر این که حد و سطح متعارف رفاه در جوامع مختلف با هم فرق دارند، همین‌طور تفاوت دوره‌ها و زمان‌ها و مسئولیت و اقتضانات هر زمان چنین است؛ یعنی اگر زمانی سطح زندگی مردم بهتر شد و جامعه رو به رشد و پیشرفت گذاشت، مردمان می‌توانند زندگی بهتری را تشکیل دهند و در مقایسه با گذشته اسراف نخواهد بود البته در صورتی که به اندازه‌ای نرسد که منجر به طغیان و تجاوز باشد.

۱. کلینی، مصنفی، کلی، ج ۵، ص ۲۳-۲۴.

۲. مکرم شیرازی، در تعارف فقه مقارن، ج ۲، ص ۳۶.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۲.

«**تدبیر**» از امیر مؤمنان (ع) روایت است: «تدبیر نیکو مال کم را رشد و نمو می دهد و تدبیر بد مال زیاد را نابود می کند.»^۱ پیامبر اسلام (ص) نیز تهدید نگران کننده برای آینده امت اسلامی را سوء تدبیر می دانند و می فرمایند: «من برای آتم از فقر نمی ترسم؛ ولی از سوء تدبیر ترسانم.»^۲ اندازه موفقیت به اندازه مهارت در تدبیرگری است، نه میزان درآمد. این گونه است که امام علی (ع) وقتی مهارت های زندگی را به فرزند خود آموزش می دهند، می فرمایند: «خوب تدبیر کردن همراه با روزی به اندازه، برای تو کارآمدتر از روزی زیاد همراه با اسراف است.»^۳

«**امتحان الهی**» گاهی خداوند برای این که درجه کسی را بالاتر ببرد، او را مبتلا می سازد و به جهت امتحان، رزق عده ای را وسیع و رزق عده ای را تنگ می کند. این تنگی رزق، غیر از آن فقری است که به جهت گناه و ظلم برای اهل دنیا پیش می آید.^۴

رسول خدا فرمودند: «خداوند می فرماید: برخی از بندگان مؤمن کسانی باشند که امر دینشان جز با ثروت و تمندی و وسعت و تندرستی اصلاح نشود، آن ها را با ثروت و وسعت و تندرستی می آزمایم تا امر دینشان اصلاح شود و برخی از بندگان مؤمن کسانی باشند که امر دینشان جز با فقر و تهیدستی و ناتندرستی اصلاح نشود، آن ها را با فقر و تهیدستی و ناتندرستی می آزمایم تا امر دینشان اصلاح شود. من به آنچه امر دین بندگان مؤمن را اصلاح کند داناتریم.»^۵ بنابراین نه فقر نشانه اهانت است و نه دارایی نشانه کرامت؛ بلکه هر دو وسیله آزمایش است.

«**گناه**» فقر و تنگدستی یکی از آثار گناه در زندگی دنیوی است. قرآن کریم در آیات متعدد و به بیان های متنوع تأکید می کند که علت اصلی محرومیت های انسان، اعمال و رفتارهای ناشایست خود اوست: «و ما أصابکم من مُصِيبَةٍ فَمَا كُنْتُمْ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»^۶ هر مصیبتی به شما رسد به سبب دستاورد خود شماست و خدا بسیاری را نیز عفو می کند؛ هر چند ما نتوانیم با عقل خود رابطه میان گناه و محرومیت از رزق، به ویژه رزق های مادی را درک کنیم، اما این رابطه، از نظر قرآن و معارف اصیل اسلامی، رابطه ای قطعی و ضروری معرفی شده است.^۷ پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «همانا شخص مؤمن هنگامی که به گناه نزدیک شود به سبب آن دچار فقر و تنگدستی می شود.»^۸

۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۸۳.

۲. پستنده رضایت از زندگی، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳. علامه مجلسی، بحر الأنوار، ج ۷۷، ص ۴۱۸.

۴. طهرزاده، جایگاه رزق انسان در هستی، ص ۱۲۱.

۵. کلینی، مستطوی، کافی، ج ۲، ص ۱۰۰.

۶. سوره شوری، آیه ۳۰.

۷. تریفی، همیشه یار، ص ۲۹۲.

۸. علامه مجلسی، بحر الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۷.

- **کفر ورزیدن و بی تقوایی جوامع:** در جهان بینی توحیدی عوامل متعددی بر مادیات اثر دارند؛ چنان که در آیات قرآن آمده است: «فَكَفَرْتَ بِاتِّعْمَانِ اللَّهِ فَذَاقْنَا اللَّهُ لِبِئْسَ الْأَلْعَابِ الْكَافِرِينَ الْخَوْفُ وَالْجُوعُ وَالْحَقُوقُ»^۱ آنگاه به نعمت‌های الهی کفران ورزیدند و سپس خداوند به کیفر کار و کردارشان بلای فراگیر گرسنگی و ناامنی را به آنان چشاند. بنابراین کفر ورزیدن و بی تقوایی جوامع نیز موجب مشکلات اقتصادی می‌شود؛ بعلاوه دلایل اجتماعی دیگری چون عدم پرداخت خمس و زکات در خانواده‌های مرفه و کاهش روحیه انفاق در میان مردم، رفتارهای ناسالم اقتصادی،^۲ سیاست‌های غلط اقتصادی، استثمار و غارت ثروت‌های ملل توسط جوامع دیگر به عنوان دلیل خارجی.

در قبال فقر نباید دست از کار و تلاش کشید؛ بلکه باید عوامل فقر را شناسایی کرد و به رفع آن‌ها پرداخت. این نکته نیز مورد توجه است که کیفیت و نوع نگاه به زندگی و باورها مهم‌تر از کمیت‌هاست. اساساً خط فقر وجود ندارد؛ بلکه یک دزک است که در هر خانواده‌ای ممکن است وجود داشته باشد. فردی که ماهی ده میلیون درآمد دارد اما دوازده میلیون هزینه دارد، دو میلیون زیر خط فقر است و فردی که ماهی پانصد هزار تومان درآمد دارد ولی ۴۵۰ هزار تومان هزینه می‌کند، پنجاه هزار تومان بالای خط فقر است! عقل معاش خط فقر را تعیین می‌کند، نه عدد و ارقام.

ما انسان هستیم و لحظه به لحظه در حال انتخاب اگر با داشته‌هایمان زندگی کنیم و لذت ببریم در بهشت خواهیم بود و اگر باندانشن‌هایمان زندگی را سپری کنیم، در حسرت و آتش و دوزخ خواهیم بود.

۱. سوره نحل، آیه ۱۱۳.

۲. سوره شعرا، آیه ۱۸۳، سوره بقره، آیه ۱ و ۲، سوره توبه، آیه ۳۴.

رزق و برکت؛ دو اعتقاد فراموش شده!

برای تبیین مسئله رزق - این اعتقاد فراموش شده^۱ - ناچاریم از بیان معانی رزق، نیاز، کفاف و حرص؛^۲ چراکه آنچه ما را محتاج رزق می‌کند، نیاز؛ آنچه طلب رزق را تنها هدف می‌کند، حرص و آنچه طلبش را تعدیل می‌نماید، کفاف است. از رزق می‌گوییم و چستی‌اش، تا نگران روزی فردای خود و فرزندانتان نباشیم. از نیاز، تا کاذبش را بشناسیم و به عواقبش آگاه گردیم. از حرص، که به طمع بیشترها مبتلایش نشویم و از کفاف، که در پس آن آرامش بیابیم و این همه برای آن که به وعده‌های خداوند ایمان داشته باشیم.

رزق

«رزق» بر عطای جاری در دنیا یا آخرت، بهره و نصیب و نیز به آنچه به شکم جاندار می‌رسد و با آن تغذیه می‌کند اطلاق می‌شود.^۳ در بعضی کتب آمده است «الرِّزْقُ مَا يَنْتَفِعُ بِهِ»^۴ یعنی رزق آن است که انسان از آن برخوردار گردد و استفاده برده؛ بنابراین غذایی که می‌خوریم، لباسی که می‌پوشیم، رزق است و مابقی هر چه هست، از میلیون‌ها و میلیاردها تومان ثروت، رزق مانیست و احیاناً بر اثر بیماری یا پیری، توانایی بهره‌برداری از آن‌ها را نخواهیم داشت و اتیبارداری برای دیگران است. چنانکه امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «ای پسر آدم! در مازاد بر قوتت که به دست آورده‌ای، خزانه‌دار دیگران هستی»^۵ ایشان در نامه به فرزندشان جایگاه رزق در زندگی انسان را تحلیل کرده و می‌فرمایند: «بدان رزق و روزی دو گونه است: یک روزی آن است که تو آن را می‌جویی و یک روزی آن است که او

۱. خداوند در آیه ۲۶ سوره سبأ می‌فرماید: «فَلْإِنْ رَضِيَ بِرِزْقِ رَبِّكَ لَمَنْ يَشَاءُ وَ يَغْتَبِرْ وَ لَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» این آملاری است که خداوند از بندگانش گرفته و می‌فرماید اکثر مردم از این موضوع غافل هستند؛ خدا روزی‌ها را تعیین می‌کند ولی اکثر مردم - این را - نمی‌دانند؛ مردم با سبب و علل مادی درگیر می‌شوند و علت حقیقی را فراموش می‌کنند.

۲. تقی‌اش از مباحث حسن عباسی، از مباحث کلمه کرمانه، سبب اندیشکده بقی.

۳. راجع اسفهان، مفردات ذیل وژه رزق.

۴. فیروزآبادی، قاموس المحیط، ج ۲، ص ۲۲۵.

۵. صدیقی، رزقیت خالق.

۶. نهج البلاغه، حکمت ۱۸۲.

تو رومی جوید که اگر تو به سویش نروی او به نزد تو می آید... از دنیا همان چیزی به سود توست که با آن امر آخرتت را اصلاح می کنی.^۱

پس آن مقدار از ثروت دنیا رزق حقیقی ماست که می توانیم به کمک آن قیامت خود را اصلاح کنیم؛ باقی اش مال مانیت و این قدرش هم حتمی است؛ چراکه محال است خدای حکیم ما را بدون رزق مناسب خلق کند، و گرنه به طور یقین ما به ابدیت و قیامت، یعنی همان نتیجه ای که باید در راستای خلقت خود برسیم، نخواهیم رسید. باید طالب رزق حقیقی مان -رزقی که ما را به ابدیت می رساند- باشیم اما متأسفانه اکثر رزق غیر حقیقی را می خواهیم. برای نمونه لباس برای آن است که اولاً وسیله کرامت و عزت و ثانیاً حافظ گرما و سرما باشد. این لباس در واقع رزق حقیقی است؛ اما اگر وسیله جلب توجه شد، دیگر این رزق حقیقی نیست و نه تنها به وسیله آن ابدیت خود را آباد نکرده ایم، بلکه آن را خراب کرده ایم.^۲

نیاز واقعی و نیاز کاذب

«نیازهای واقعی» از یک واقعیت عینی و از عمق ساختمان جسمی و روحی انسان و از طبیعت زندگی اجتماعی او سرچشمه می گیرند؛ شامل نیازهای جسمی مانند نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن و همسر؛ نیازهای روحی مانند علم، زیبایی، نیکی، پرستش، احترام و تربیت و نیازهای اجتماعی از قبیل معاشرت، مبادله، تعادل، عدالت، آزادی و مساوات. دین با ارضای خواسته ها و نیازهای مادی انسان مخالف نیست، بلکه حتی یک سلسله از تعالیم تربیتی خود را بر اساس آن ها مبتنی ساخته است؛ اما به ارضای خواسته ها و نیازهای مادی، اصالت نمیدهد و آن را مقدمه ای برای ارضای نیازهای متعالی انسان میداند.^۳

از نظر قرآن کریم گرایش های متعالی بر گرایش های مادی ترجیح دارد: «وَمَا أُوْتِیْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَفْتَنَّا الْخَیْطَةَ الدُّنْیَا وَزَیْنُهَا وَمَا عِلْدَ اللَّهِ خَیْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تُعْقِلُونَ»^۴

مقصود از «نیاز کاذب» خواسته هایی است که صرفاً جنبه تجملی و تشریفاتی و حتی راحت طلبی داشته باشند.^۵ اکثریت افراد از نیازهای اولیه و حتی بیش از آن برخوردارند و آنچه نام نیاز بر آن می نهند غالباً نیاز کاذب است. مانند خوراکی و سفره های آن چنانی و به چشم و هم چشمی آلوده شده، پوشاک آن چنانی و به تنوع و زرق و برق و فخر فروشی و علو آلوده شده. اکثر اوقات خود را گرفتار نیازهای کاذب می کنیم و از خدا گلایه داریم که

۱. همان نامه ۳۱.

۲. طاهرزاده، جایگاه رزق انسان در هستی، ص ۳۵ و ۳۶.

۳. شهید مطهری، حکم نبوت، ص ۷۲.

۴. سوره قسص، آیه ۶۰.

۵. علی محمدی، بررسی فقهی ایجاد نیاز کاذب با تأکید بر اثر اجتماعی آن، صرفت فرهنگی - اجتماعی، ش ۲۲.

روزی رسائی اش کجاست؟ اما باید دانست آن چنان نیست که خدا بر آوردن نیازهای کاذب ما را بر عهده گرفته باشد، این نیازها ساخته خود ماست.^۱ در بحث فرزندآوری، توقع ما آن است که قبل از به دنیا آمدن فرزند، اتاقی کامل برای او داشته باشیم. این نیاز کاذب است و رزقی نیست که خدا وعده اش را داده است. نیاز واقعی آن است که خدا به محض چشم گشودن نوزاد نزد مادرش فراهم کرده است.

امام علی (ع) فرمودند: «از دنیا آن قدری مربوط به ماست که به کمک آن قیامت خود را آباد کنیم». ^۲ گویا ایشان با بیان این نکته می خواستند نیازهای غیر ضروری، ذهن و فکر ما را اشغال نکند و گرفتار حرص نشویم. پس پیوسته باید این سخن امام علی (ع) را به خودمان القاء کنیم که آنچه برای آبادانی قیامت نیست، ارزش ندارد.

حرص

«حرص» به معنای ولع، طمع^۳ و نیز زیاده خواهی و افزون طلبی آمده^۴ و تلاش بیهوده ای است که انسان برای کسب آنچه پیش از نیاز اوست انجام می دهد.^۵ تصور انسان این است که باید هر چه پیش تر بهره مند شود تا لذت زندگی را درک کند. اینجاست که حرص و طمع متولد می شود و او را از لذت و آرامش دور می کند.^۶ امام صادق (ع) می فرمایند: «حرص از دو چیز محروم است و دو چیز، گریبان گیر او می شود: از قناعت محروم می شود، پس به بی آسایشی مبتلا می گردد و از رضایت محروم می شود، پس به بی یقینی مبتلا می گردد».

«قناعت» مقابل حرص و به معنای رضایت و اکتفا به مقدار ناچیز از وسایل زندگی در حد ضرورت و نیاز است.^۷ شخص قانع برای کسب روزی تلاش می کند، ولی به آنچه خدا روزی او کرده، بسنده می کند. از این رو، نه معترض است و نه احساس ناکامی می کند؛ بنابراین از زندگی خود احساس رضایت خواهد کرد.

پیامبر خدا (ص) می فرمایند: «آگاه باشید که برای هر کس، روزی ای هست که به ناچار به او می رسد. پس اگر کسی به آن راضی باشد، مایه برکت او شده و نیازهایش را فرامی گیرد»؛^۸ از این رو نیاز انسان به قناعت، بیشتر از نیاز او به حرص و طمع است.^۹

۱. طاهرزاده، جایگاه رزق انسان در هفتاد و دو، ص ۲۲.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳. دهخدا لغت نامه دهخدا، ذیل واژه حرص.

۴. عمید فرهنگ نامه عمید، ذیل واژه حرص. واژه حرص در قرآن بیشتر در معنای مثبت به کار رفته است؛ چنان که درباره حرص و ریزیدن پیامبر (ص) درباره هدایت مردم آمده است: «سوره توبه، آیه ۱۲۸» در احادیث نیز، حرص بار معنایی مثبت و منفی دارد. نمونه مثبت، احادیثی هستند که در آنها بر حرص برای انجام دادن کارهای خیر مفرط شده و یا حرص بر فهم فقه و جهاد در راه خدا از نشانه های مؤمنان دانسته شده است. کافی، مستطوی، کافی، ج ۲، ص ۲۳۱.

۵. همان، ص ۱۲۰.

۶. پسندیده، هنر رضایت از زندگی، ص ۲۸.

۷. رغب اسفهانی، مفردات، ذیل واژه قناعت.

دنیا دوستی و سوءظن به خدا^۱ از جمله «ریشه‌های حرص»^۲ و غفلت از یاد خداوند،^۳ ناامیدی از خدا و ناخرسندی به رضای او، از یاد بردن قیامت و به دام گناهان افتادن از «عواقب حرص» به شمار می‌آیند.^۴

بهرغم نگوئیم فراوان حرص بر دنیا در تعالیم معصومین (ع) زحمت کشیدن برای کسب مال از راه حلال و بی‌نیازی جستن از دیگران، پاداشی بالاتر از جهاد در راه خدا دارد.^۵ پیامبر خدا (ص) فرمودند: «خداوند متعال دوست دارد که بنده خود را در طلب روزی حلال خسته ببیند»؛^۶ بنابراین اشکال ندارد که انسان برای اصلاح زندگی خود تلاش کند و در راستای چنین هدفی از وسایل دنیا استفاده کند؛ مسأله آن است که اولاً متوجه باشد جایگاه رزق در زندگی کجاست و بیهوده حرص نرزد، ثانیاً به دنبال اصلاح زندگی برای هر چه بهتر انجام دادن بندگی باشد.

کفاف

«کفاف» چیزی را افزون نخراستن و به اندازه نیاز اکفا کردن است؛^۱ یعنی آن اندازه‌ای که نه گرفتار فقر باشیم و از این طریق فکر و ذهن ما مشغول باشد و نه گرفتار ثروت باشیم و مشغول ثروت.^۲ در واقع حالتی است که نه فشارها و محرومیت‌های فقر را به دنبال دارد و نه طغیانگری و خودسری و استکبار سرمایه‌داری و ثروت را. از این رو رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «بهترین روزی آن است که انسان را کفایت کند»^۳ و بهترین مردم، بنده‌ای است که در دنیا به اندازه کفاف اکفا کند.^۴ پس خوشا به حال کسی که تسلیم باشد و زندگی‌اش به قدر کفاف.^۵ روزی اندک و

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۹، ج ۱۲۶۵۲.

۲. نور الحکیم، ج ۱۸۵.

۳. پسندیده هنر رضایت / زندگی، ص ۳۸.

۴. نهج البلاغه، نامه ۴۹.

۵. راتب السلفی، مفردات، ص ۳۷۷.

۶. گیلاس، مصباح الشریعه، ص ۱۰۷.

۷. کلینی، مصطفوی، کاف، ۸، ص ۱۹.

۸. حرلی، تحف العقول، ج ۲۴۰۴.

۹. همان، ج ۷۲۰۹.

۱۰. عمید فرهنگ عمید، ذیل واژه کفاف.

۱۱. طهرزاده، جایگاه رزق انسان در هفتاد و هشت، ص ۶۸.

۱۲. حرلی، تحف العقول، ج ۷۲۴۱.

۱۳. حکیمی، احیاء، ج ۴، ص ۳۷.

۱۴. حرلی، تحف العقول، ج ۷۲۳۶.

بسنده بهتر از روزی بسیار و یازدارنده از یاد خداست.^۱ و کسی که به اندازه کفاف بسنده کند، در آسایش و آرامش خواهد بود.^۲

سطح کفاف اختصاص به ضروریات ندارد؛ بلکه شامل هرگونه نیاز متعارف انسان می شود. می توان گفت کسی که زندگی اش به قدر کفاف است در طبقه متوسط جامعه قرار دارد. در روایت است که پیامبر اکرم (ص) همواره کفاف را زیباترین رزق می دانستند و می فرمودند: «خوشبخت ترین مردم کسی است که متعلقانش کم باشد و از نمازش بهره کامل ببرد و رزقش در حد کفاف باشد و بر همان رزق شکیبایی ورزد تا خدا را ملاقات کند».^۳

بسنده به کفاف به معنای کم کار کردن نیست، بلکه به معنای کار کردن به اندازه ای توان و خدمت به جامعه اسلامی و خرج کردن به اندازه ای نیاز است

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ

خداوند در قرآن، خود را روزی دهنده معرفی می کند و می فرماید: «خداست روزی دهنده و اوست صاحب نیرویی استوار».^۴ «ای مردم، نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید. آیا جز خدا آفریننده دیگری هست که شمارا از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست، پس چگونه عقیده شما را دگرگون می سازند».^۵ و اطمینان می دهد که نگران رزق خود نباشید و «فرزندانتان را از ترس فقر نکشید، من روزی دهنده ام».^۶

ترس از فقر ناشی از هیچ کاره دانستن خدا و دل بستن به اسباب و مسببات ظاهری است. وقتی گمان کردیم مسئولیت رزق یا خودمانست و به اسباب ظاهری امید بستیم، گاه گرانی و ناسازگاری سبب های این دنیا، دچار ناامیدی می شویم. امروز صحبت از رزق را شعار و ندیدن واقعیت می دانند اما واقعیت این است که تنها قسمتی از دنیا به مادیات مربوط می شود و محدود به آن نیست. قوانین و سنت هایی وجود دارد که با محاسبات دنیوی و مادی قابل تفسیر نیستند، قاعده «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»،^۷ قاعده «لَهُ مُقَابِلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»،^۸ قاعده «إِنَّ شُكْرَكُمْ لَازِبْدُنْكُمْ»^۹ همه ی دودوتاها را به هم می زند.

۱. همان ج ۷۳۳.

۲. همان ج ۷۳۶.

۳. پاینده، نهج الفصاحه، ج ۳۷۱.

۴. سوره نزلت، آیه ۵۸.

۵. سوره فاطر، آیه ۴.

۶. سوره اسراء، آیه ۳۱.

۷. سوره طلاق، آیه ۳.

۸. سوره شوری، آیه ۱۲.

۹. سوره بقره، آیه ۷.

خدای امروز همان خدای قدیم است و سنت‌هایش همان، «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»^۱ همان گونه که همیشه و در طول تاریخ «بَغَضُكُمْ عَلَيَّ» وجود داشته و دارد، ضمانت خدای بزرگ و توانا و سفارش به نگران رزق نبودن و فرزندآوری نیز وجود دارد، ماییم که با نگاه مادی صرف به دنیا و فراموشی صاحب رزق، تنها با محاسبات و اسباب و علت‌ها و معلول‌های مادی، امورمان را مدیریت کرده و به تبع آن، کل زندگی‌مان را با دغدغه کسب درآمد و مال سپری می‌کنیم.

امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند روزی شما را تضمین کرده و به اعمال انجام و اجبات فرمان یافته‌اید، پس طلب روزی تضمین شده نیاید. برای شما مقدم بر اعمال واجب باشد؛ ولی به خدا سوگند که شک بر شما عارض شده و او هام نادرست با یقین در آمیخته است؛ چندان که آنچه برای شما تضمین شده گویی به صورت امری واجب درآمده و آنچه واجب شده از دوش شما برداشته شده است»^۲.

اینک ما و اجبات امر واجب فرزندآوری و سپردن رزق و روزی‌اش به خدای مهربان...

عوامل افزایش روزی

اگر نگاه انسان نسبت به کار و زندگی، نگاه رزق‌گونه باشد و بداند هرچه که رزق او باشد نصیبش می‌شود، تلاش می‌کند و نتیجه را به خدا واگذار می‌نماید. با این نگاه، دیگر توجه فرد فقط به کار کردن نیست.

در تقسیم‌بندی اوقات روز از دیدگاه سکولار، زمان دو قسم می‌شود؛ قسمتی از زمان برای کار و قسمتی دیگر برای استراحت، این یعنی در یک زمان درآمد کسب می‌شود و زمان دیگر برای استراحت است اما در تفکر اسلامی حتی زمانی که فرد در حال استراحت است، به دیدار خانواده و رجم می‌رود و یا در نظافت امور خانه کمک می‌کند هم برکت زندگی و رزقش توسعه می‌یابد.^۳

۱. سوره فتح آیه ۲۲.

۲. نهج لئله خطبه ۱۱۴.

۳. جایگاه رزق بر سبک زندگی و تقدیر همیشه مطلوب از دیدگاه اسلام.

برخی از عوامل افزایش روزی از منظر آیات و روایات عبارت‌اند از:

ایمان،^۱ استقامت بر دین حق،^۲ تقوا،^۳ استغفار،^۴ دعا،^۵ اخلاق نیکو،^۶ نیکی به پدر و مادر،^۷ ازدواج،^۸ خرج کردن برای خانواده،^۹ صلح و رحمت و همسایه‌داری،^{۱۰} خمس و زکات،^{۱۱} انفاق،^{۱۲} نیت نیکو،^{۱۳} امانت‌داری،^{۱۴} اطعام،^{۱۵} به جا آوردن حج و عمره،^{۱۶} طهارت دائمی،^{۱۷} شکرگزاری،^{۱۸} خیرخواهی نسبت به مؤمنان،^{۱۹} میانه‌روی در خرج^{۲۰} و بسیاری موارد دیگر.

عوامل کاهش روزی

گناه،^{۲۱} ناسپاسی در برابر نعمت‌های خدا،^{۲۲} اسراف،^{۲۳} کم شمردن روزی،^{۲۴} پایمال کردن حقوق دیگران^{۲۵}، اجبر شدن^{۲۶} و... از عواملی است که در آیات و روایات بدان تذکر داده شده است.

۱. سوره اعراف، آیه ۹۶.
۲. سوره جن، آیه ۱۶.
۳. سوره مائمه، آیه ۶۷ سوره طلاق، آیات ۲ و ۳.
۴. سوره هود، آیه ۳، بجز آنطور، ج ۷۷، ص ۲۷۰.
۵. بجز آنطور، ج ۹۳، ص ۲۹۱.
۶. محصلی ری شهری میزان الحکمه، ص ۱۵۱، بجز آنطور، ج ۶۹، ص ۲۰۸.
۷. بجز آنطور، ج ۷۱، ص ۸۱.
۸. بجز آنطور، ج ۱۰۳، ص ۲۱۷.
۹. مکرم الاخلاق، ص ۲۱۶.
۱۰. بجز آنطور، ج ۷۳، باب ۳، ج ۳۳.
۱۱. کاشف کبره، ج ۲، ص ۱۹۲، بجز آنطور، ج ۹۶، ص ۱۴.
۱۲. سوره سبأ، آیه ۳۹، بجز آنطور، ج ۷۷، ص ۱۷۶.
۱۳. الغصن، ج ۱، ص ۹۹.
۱۴. بجز آنطور، ج ۷۵، ص ۱۷۲.
۱۵. بجز آنطور، ج ۷۳، ص ۳۶۲.
۱۶. کشف القضاة، ج ۲، ص ۲۲۷.
۱۷. کثر العمل، ج ۳۱۵۴.
۱۸. سوره ابراهیم، آیه ۷.
۱۹. بجز آنطور، ج ۷۳، ص ۳۹۵.
۲۰. بجز آنطور، ج ۶۳، ص ۳۲۴.
۲۱. نصف العقول، ج ۷۲، ص ۲.
۲۲. سوره نحل، آیه ۱۱.
۲۳. سوره طه، آیه ۸۱.
۲۴. سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۲۰.
۲۵. بجز آنطور، ج ۱۰۳، ص ۸.
۲۶. کلی، مسطور، کلی، ج ۵، ص ۹۰.

برکت

«برکت» به معنای ثبوت و پایداری خیر الهی در چیزی^۱ و رشد و افزایش^۲ آمده است.

اصل کلمه برکت، «برک» به فتحه باء^۳ و به معنای سینه شتر است؛ ولیکن در غیر این معنا نیز استعمال می شود، «برک البعیر» به معنای این است که شتر سینه خود را به زمین زد و چون این معنا مستلزم یک نحو قرار گرفتن و ثابت شدن است، بنابراین کلمه مزبور را در ثبوت که لازمه معنای اصلی است نیز استعمال کرده اند، برکت ثبوت خیر خداوندی است در چیزی. از آن جایی که خیرات الهی از مقام ربوبیتش به طور نامحسوس صادر می شود و مقدار و عدد آن هم قابل شماردن نیست، بنابراین به هر چیزی که دارای زیاده غیر محسوس است می گویند این چیز مبارک و دارای برکت است.

مقصود از روایتی هم که می گوید هیچ مالی از صدقه دادن کم نمی شود همین نقصان غیر محسوس است نه کاهش محسوس که بعضی از زیان کاران پنداشته و در رد آن گفته اند ما ترازو می گذاریم و از فلان مال، مقداری صدقه داده سپس آن را بار دیگر می سنجم و می بینیم که به مقدار صدقه کم شده است.

علامه طباطبایی (ره) درباره ادعای متکرین برکت مبنی بر این که اثری که اسباب طبیعی در اشیاء باقی می گذارد جایی برای اثر کردن هیچ سبب دیگر نمی گذارد و خلاصه چیزی به نام برکت و یا به هر اسم دیگری نیست که اثر اسباب طبیعی را در اشیاء باطل کرده و خود در آن اثر کند می فرمایند: «سببیت خدا و برکت او در طول سایر اسباب است و نباید پنداشت که نزول برکت الهی بر چیزی منافات با عمل سایر عوامل دارد؛ زیرا معنای این که خداوند اراده کرده که فلان چیز دارای برکت و خیر کثیر باشد، این نیست که اثر اسباب و علل مقتضی را ابطال کند. مثلاً اگر می گوئیم: خداوند فلان طعام را برکت داده معنایش این نیست که علل و اسبابی را که در آن طعام و در مزاج خورنده آن است همه را ابطال کرده و اثر شفا و یا توراتیت را از پیش خود در آن قرار داده؛ بلکه معنایش این است که اسباب مختلفی را که در این میان است طوری ردیف کرده و ترتیب داده که همان اسباب، نتیجه مطلوب را از خوردن آن غذا به دست می دهند و یا باعث می شود که فلان مال ضایع نمی گردد و یا دزد آن را به سرقت نمی برد»^۳.

۱. رانج اسفهان، مفردات ذیل واژه برکت

۲. ابن منظور، لسن العرب ذیل واژه برکت

۳. علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۹۱.

عوامل نزول برکت

برخی عوامل نزول برکت از منظر آیات و روایات عبارت‌اند از: تلاوت قرآن،^۱ ایمان و تقوا،^۲ شکرگزاری،^۳ صدقه،^۴ اطاعت از خدا و کسب رضایت او،^۵ سلام کردن،^۶ رضایت نسبت به آنچه داریم،^۷ نماز خواندن،^۸ مدارا کردن،^۹ نماز شب،^{۱۰} ذکر پشم الله الرحمن الرحیم هنگام غذا،^{۱۱} یاد خدا،^{۱۲} پذیرش ولایت امام علی (ع) و اطاعت از ایشان،^{۱۳} سوره توحید، سحر خیزی،^{۱۴} صلح رحم،^{۱۵} مشورت با عاقل خیرخواه،^{۱۶} قرض دادن،^{۱۷} با وضو بودن، عدم کسالت و تبلی، قناعت،^{۱۸} خوش رفتاری،^{۱۹} عدالت،^{۲۰} یاد و سپاس خدا هنگام غذا خوردن،^{۲۱} رعایت بهداشت،^{۲۲} زکات،^{۲۳} استغفار،^{۲۴} کسب و کار،^{۲۵} انگشتر عقیق،^{۲۶} عیادت از بیمار،^{۲۷} خرید و فروش آسان،^{۲۸} فرزند،^{۲۹} دسته‌جمعی غذا خوردن^{۳۰} و...

۱. کلینی، مصطفوی، کافی، ج ۴، ص ۲۵۷.
۲. سوره ابراهیم، آیه ۹۶.
۳. سوره ابراهیم، آیه ۷۱.
۴. برکت مال و فرزندان تو تصدق است.
۵. کلینی، مصطفوی، کافی، ج ۲، ص ۳۷۷.
۶. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۸۳.
۷. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۵۸۵.
۸. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۳۳.
۹. محمدی ری شهری، خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث، ص ۲۸۶.
۱۰. محمدی ری شهری، حکمت‌نامه پیامبر، ج ۱، ص ۳۴۴.
۱۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۲۵۸.
۱۲. حرلی، تحف العقول، ج ۱، ص ۹۴.
۱۳. کلینی، مصطفوی، کافی، ج ۱، ص ۳۰۰.
۱۴. محمدی ری شهری، دانشنامه قرآن و حدیث، ص ۵۱۰.
۱۵. کلینی، مصطفوی، کافی، ج ۳، ص ۲۲۳.
۱۶. محمدی ری شهری، دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۱۲، ص ۴۳۵.
۱۷. سوره حنید، آیه ۱۱.
۱۸. سوره قصص، آیه ۸۲.
۱۹. کلینی، مصطفوی، کافی، ج ۳، ص ۱۸۲.
۲۰. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۴۶.
۲۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۷۱.
۲۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۹۰.
۲۳. حرلی، تحف العقول، ج ۱، ص ۲۸۵.
۲۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳.
۲۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۶۰.
۲۶. محمدی ری شهری، دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۱۲، ص ۴۴۳.
۲۷. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۲۳.

عوامل محرومیت از برکت

گناه،^۱ قسم در معامله،^۲ تقصیری حرام،^۳ ترک امر به معروف و نهی از منکر،^۴ پرداخت نکردن زکات،^۵ سرقت، خیانت، شرب خمر و عمل خلاف عفت،^۶ فحاشی،^۷ جنایات علنی، نیت بد^۸ و... از عواملی است که در آیات و روایات بدان تذکر داده شده است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۲.

۲. نهج نصیحه، ص ۲۶۴.

۳. نهج نصیحه، ص ۶۱۵.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳.

۵. کنز، مصنفوی، کافی، ج ۵، ص ۱۶۲.

۶. سوره بقره، آیه ۲۶۶.

۷. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹۴.

۸. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۶۹.

۹. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶.

۱۰. کنز، مصنفوی، کافی.

۱۱. غرر الحکم، ج ۲۲۸.

فصل دوم دغدغه‌های تربیتی

تأثیر رفاه و سختی در تربیت

وقتی صحبت از فرزندآوری به میان می‌آید بی‌درنگ نگرانی‌های ناشی از مسئولیت و سخت‌شدن شرایط زندگی برای والدین و احتمال در سختی بزرگ شدن فرزند مطرح می‌شود. حتماً شما هم دو عبارت «منی خواهم فرزندم مانند خودم در سختی بزرگ شوم» و «منی خواهم دنیا را پای فرزندم بریزم» را شنیده‌اید! اما آیا راه گریز از سختی در این دنیا وجود دارد؟ آیا سختی بذاته نامطلوب است؟ و آیا رفاه آسیب ندارد؟

تعریف صحیحی از زندگی و دنیا و فایده این نوع نگاه

برداشت‌ها و انتظارات بی‌جا از زندگی ناشی از عدم درک صحیح معنای آن است. چینی زندگی، یکی از بزنگاه‌های فریب‌انسان است و او در اثر غفلت و خیال‌پردازی‌ها ممکن است تلقی اشتباهی از زندگی پیدا کند. زندگی یعنی مدیریت علاقه‌ها، تلاش و مبارزه برای رسیدن به علاقه‌های برتر و پذیرش محدودیت‌ها؛ چراکه «محدودیت» جزئی از زندگی است. مرگ، پیر شدن، سیر شدن، تسلیم شدن در برابر محدودیت‌ها و... همه جزئی از زندگی و البته رنج‌آور است. این مبارزه و مدیریت درونی و تلاش بیرونی برای رسیدن به علاقه‌های انتخاب‌شده و برتر، در بستر حیات مقدر است، یعنی در آن بستری که خداوند برای ما تقدیر کرده و محور مقدرات الهی هم چیزی جز امتحان نیست. خداوند می‌فرماید: «الذی خلق الموت و الحیة لیتلوهکم»^۱ کل زندگی انسان امتحانی بیش نیست.^۲

اگر فکر کنیم که می‌توانیم طوری زندگی کنیم که دیگر در آن تلاش و مبارزه نباشد، محدودیت نباشد، بی‌رنجی و راحتی باشد، اشتباه و خیال‌پردازی است؛ چون در این دنیا اصلاً راحتی خلق نشده است. «الراحة لم تُخلق فی الدنیا ولا لأهل الدنیا، إنما خلقت الراحة فی الجنة ولأهل الجنة»^۳ امام سجاده (ع) می‌فرماید: «لا تطلب ما لم یخلق». اگر خیال کنیم که در این دنیا راحتی وجود دارد، غیرعقلانه به سوی راحتی حرکت می‌کنیم و به واقعیت‌ها توجه

۱. سوره ملک آیه ۲.

۲. پاهان سابت بیان معنوی

۳. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۵۴۹.

نخواهیم داشت. قرآن کریم درباره واقعیت زندگی انسان در دنیا می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ مَا تَنبَغِي» نگاه کن به این که تمام تلاش ما را برای برطرف کردن درد و رنج و رسیدن به راحتی و هر چیز دل خواه معطوف ساخته است، نگاه اشتباه و از دنیا انتظار بهشت داشتن است.

خداوند در آیه ۳۵ سوره قاف می‌فرماید: «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ» در بهشت آنچه می‌خواهند فراهم است و طبق آیات قرآن، نمی‌شود بدون تحمل گرسنگی و یا ضربه خوردن یا دچار سختی و مشکل شدن، بهشتی شویم. می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَكْبِرِينَ...» آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید در حالی که هنوز مانند آنچه بر سر پیشینیان شما آمد، بر سر شما نیامده است؟ «بأساء» به معنای شدت و سختی است که از خارج نفس آدمی به او وارد می‌شود، مانند گرفتاری‌های مالی، جانی، خانوادگی و نداشتن امنیتی که در زندگی اش به آن نیازمند است. «طُرَاء» عبارت است از شدتی که به جان و تن انسان می‌رسد، مانند جراحی و قتل و مرض.^۱ در ادامه آیه فوق می‌فرماید: «وَزَلْزَلُوا حَتَّى يَبْقُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا مَقْتًا مَقْتًا نَضْرِبُ اللَّهُ لِلرَّاسِخِينَ أَصْحَابِ الْإِيمَانِ» و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند پس نصرت و یاری خدا چه شد؟^۲ پروردگار عالم در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» ما این روزهای سخت را بین مردم می‌چرخانیم. بر اساس این آیه، همه باید منتظر روزهای سخت باشیم؛ اما ما انسان‌ها معمولاً به جای این که این سختی‌ها را تحمل کنیم، دعا می‌کنیم که خدا سختی ندهد یا آن را برطرف کند. باید برای تحمل سختی‌ها به خدا پناه بردنه برای فرار از سختی‌ها.

۱. سوره بلد آیه ۴.

۲. سوره بقره آیه ۲۱۴.

۳. علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۲۷.

۴. همان.

۵. سوره آل عمران، آیه ۱۴۰.

فلسفه سختی

آنچه درباره فلسفه سختی در آیات و روایات آمده، اجمالاً بدین قرار است:

- **امتحان الهی و ترفیع درجه:** در آیه ۳۵ سوره انبیاء آمده است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالسَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً

وَ اَلینَا نُرْجِعُوْنَ» هر کسی چشمنده مرگ است و ما شمارا به نوعی خیر و شر آزمایش می کنیم و به سوی ما بازگردانده می شوید.

یکی از معانی «امتحان» از قوه به فعل آوردن و تکمیل است. پس فلسفه شداید و بلا یا فقط سنجش وزن، درجه و کمیت نیست و خداوند امتحان نمی کند که تنها وزن واقعی، حد و درجه معنوی و اندازه شخصیت کسی معلوم شود. امتحان کردن، بالا بردن درجه و افزایش دادن به کمیت نیز هست.^۱

- **نظیر گناهان:** فلسفه‌ی دوم بلا یا و شداید، پاک کردن گناهان و لغزش های انسان است. امام باقر (ع) می فرمایند: «وقتی این آیه نازل شد که هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر آن را می بیند، بعضی از اصحاب پیامبر خدا (ص) گفتند: آیه ای از این سخت تر نیست! پس پیامبر خدا (ص) به آنان فرمودند: آیا در اموال و جان ها و خانواده تان دچار مصیبت نمی شوید؟ گفتند: بله. حضرت فرمود: این از آن چیزهایی است که خداوند به وسیله آن، برای شما حسنه می نویسد و به وسیله آن، بدی ها را محو می کند.»^۲

سختی بلا، سختی پاکیزه شدن است و پاکیزگی، ارزش سختی های آن را دارد. خداوند در خوشی ها، نعمت تفضل دارد و در سختی ها، نعمت پاک کردن.^۳

- **رشد و پیشرفت:** فلسفه‌ی دیگر سختی ها، به فعلیت رسیدن توانایی ها و استعداد های بالقوه انسان است. امیر المؤمنین (ع) می فرمایند: «عَلَّمَ نَعَاقِبَ الشَّدَائِدِ تُظْهِرُ فَضَائِلَ الْإِنْسَانِ»^۴ سختی ها سبب رشد انسان و افزایش ظرفیت های او می شوند. به این دلیل است که امتحانات الهی دائمی هستند؛ زیرا انسان آفریده شده تا دائماً ظرفیت های خود را افزایش دهد و رشد کند. سختی ها و شداید، خاصیت تغییر دادن، تکامل بخشیدن و به حرکت در آوردن دارند. ضعیف را قوی و خام را پخته می کنند و ضعف و سستی را از بین می برند. به این معنا که انسان در شداید و بلا یا به نقاط ضعف خود پی می برد و نسبت به ایرادات خود شناخت پیدا می کند و می تواند در جهت از بین بردن آن ها تلاش کند. مانند دانشمندان و نامداریانی که در شرایط سخت (مالی) بزرگ شده اند، اتاقی خصوصی و انواع

۱. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۷۵۳.

۲. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۷۷.

۳. علاءه مجلسی، بحر الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۳۳.

۴. نزهة الحکیم، ج ۲۰۴.

امکانات که سهل است، حتی غذایی برای خوردن و سرپناهی برای خواب نداشته‌اند. البته وجه اشتراک بسیاری‌شان بر خورداری از یک مادر یا یک مربی خوب بوده است.

فواید سختی

- **درک جایگاه دین:** توجه به رنج، جایگاه دین را بهتر ترسیم می‌کند. اگر دنیا را محل لذت ببینیم، دین را محل رنج خواهیم یافت. وقتی کسی درک کرد که در این دنیا اصل بار رنج بردن است، دین را به عنوان راه کاهش رنج‌ها، به راحتی خواهد پذیرفت. رنج‌های دنیا باعث می‌شود که شناخت صحیحی از هستی و دنیا پیدا کنیم و در پرتو این شناخت، درک عمیق‌تری هم نسبت به دین پیدا خواهیم کرد.

- **سختی‌ها شرط وصول به بهشت:** امام رضا (ع) می‌فرماید: «مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَلَمْ يُضَيِّرْ عَلَى السَّائِلِ فَقَدْ اسْتَهْرَأَ نَفْسِهِ» هر کسی بهشت و رضوان الهی را بخواهد ولی بر سختی‌ها صبر نکند در واقع خودش را مسخره کرده است.

- **سختی، شرط لذت از زندگی:** امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ وَإِنْ سَاعَدْتَهُ الْأَمْوَارُ بِمُسْتَخْلَصِ غَضَاةٍ غَشِيَتْ إِلَّا مِنْ جَلَالِ مَكْرُوهٍ» احدی نمی‌تواند لذت زندگی را ببرد، اگر چه تمام امکانات برایش مهیا باشد، مگر این که از راه سخت به آن برسد.

- **سختی، شرط تداوم نعمت:** امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «لَا تَدْوَمُ النِّعْمُ إِلَّا بَعْدَ ثَلَاثِ مَعْرِفَةٍ بِمَا يَلْزَمُ لِلَّهِ سُخْيَالُهُ فِيهَا وَأَنَاءُ شُكْرِهَا وَالتَّعَبُ فِيهَا» نعمت‌ها تداوم پیدا نمی‌کنند مگر به سه شرط: در این معرفتی نسبت به پروردگار وجود داشته باشد، شکر نعمت به جا آورده شود، به خاطر نعمت سختی کشیده شود.

- **سختی در راه معاش، پاک‌کننده گناهان:** پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «إِنَّ مِنَ اللَّئُوبِ ذُنُوبًا لَا يَكْفُرُهَا صَلَاةٌ وَلَا صَدَقَةٌ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا يَكْفُرُهَا فَإِنَّ الْهَيْبَةَ فِي ظَلَمِ الْفَعْبِيشَةِ» بعضی از گناهان هستند آن‌ها را نه نماز پاک می‌کند و نه صدقه دادن. از رسول خدا (ص) پرسیدند: چه چیزی آن گناهان را پاک می‌کند؟ حضرت فرمودند: سختی‌هایی که شما برای تأمین معاش خودتان تحمل می‌کنید.

- **سختی برای دوری از فساد:** امام صادق (ع) می‌فرماید: «ملحدان، حکمت سختی‌ها و بلاهایی را که بر مردم وارد می‌شود انکار می‌کنند. آنان می‌گویند: اگر جهان هستی، آفریننده با رأفت و مهربانی دارد، چرا این بلاها و

۱. ویران، تنبیه العقول، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲. علامه مجلسی، بحر الانوار، ج ۷۵، ص ۲۶۸.

۳. حرلی، تحف العقول، ج ۳۱۸.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲.

مصیبت‌ها در آن پدید می‌آید؟ آنان چنین می‌پندارند که انسان در این دنیا نیاید هیچ دشواری و بلائی بچشد. او باید همواره خوش باشد؛ در حالی که اگر انسان این‌گونه باشد، استکیار، سرمستی و راحتی، او را به فساد در دین و دنیا می‌کشاند. چنان‌که بسیاری از رفاه‌طلبان و کسانی که در امن و آسایش رشد می‌کنند در فساد سقوط می‌کنند. اینان گاه حتی فراموش می‌کنند که انسان هستند، پروردگار و سرپرستی دارند، زیبایی به آنان خواهد رسید، ناخواسته‌ای برایشان واقع می‌شود، باید ضعیفان را یاری کنند، فقیران را کمک رسانند، بر مبتلایان و گرفتاران رحم کنند و برای ناتوانان و بیچارگان دل بسوزانند. اما هنگامی که انسان در سختی‌هایی گرفتار آمد و طعم تلخ آن‌ها را چشید، موعظه می‌شود و چشم خود را در برابر آنچه پیش از این نمی‌دانست و از آن‌ها در غفلت بود، می‌گشاید و به بسیاری از وظایف خود، آگاه می‌شود و به آن‌ها می‌پردازد...^۱

اثرات تربیتی سختی

سختی دادن یکی از شیوه‌های تربیتی خداوند است. خدا برای تربیت و پرورش جان انسان‌ها دو برنامه تشریحی و تکوینی دارد و در هر برنامه، شداید و سختی‌ها را گنجانده است. در برنامه تشریحی، عبادات را فرض کرده و در برنامه تکوینی، مصائب را در سر راه بشر قرار داده است. روزه، حج، جهاد، اتفاق و نماز، شدایدی هستند که با تکلیف ایجاد گردیده و صبر و استقامت در انجام آن‌ها موجب تکمیل نفوس و پرورش استعدادهای عالی انسانی است. و گرسنگی، ترس، تلفات مالی و جانی، شدایدی هستند که در تکوین پدید آورده شده است و به طور قهری انسان را در بر می‌گیرد.^۲

از جمله اثرات تربیتی سختی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- **فروتنی در مقابل خداوند:** قرآن یکی از اثرات سختی را خاکساری و به تضرع در آمدن در برابر خداوند بیان کرده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّةِ لَعَلَّهُمْ يَنْظُرُونَ...»^۳ آنان را به گزند و محنت گرفتار کردیم باشد که در برابر خدا فروتنی کنند و او را بخوانند و خود، دلیل این بازنگشتن را می‌گویند: بلکه قساوت قلب گرفته‌اند و شیطان کارهایی را که می‌کردند برای آنان بیزار است.^۴

امیرالمؤمنین امام علی (ع) نیز در خطبه قاصعه می‌فرماید: «خداوند بندگان خود را به انواع شداید خبر می‌دهد (امتحان می‌کند) و آن‌ها را به انواع دستورات سختی که به آن‌ها می‌دهد می‌آزماید، آن‌ها را به ضرب سختی‌ها مبتلا

۱. مفصل بن عمر، علامه مجلسی، شگفتی‌های قریش (توحید مطلق) ص ۱۵۴.

۲. نهج‌المطهری، عدل الهی، ص ۱۶۲ و ۱۶۱.

۳. سوره‌العام، آیه ۳۳.

می‌کند، برای این که تکبر از دل‌هایشان خارج شود و تذلل و فروتنی را در وجودشان قرار دهد تا این که درهای فضل و رحمت الهی به سمت انسان باز شود و اسباب عفو و بخشش او فراهم گردد.^۱

- **توبه و بازگشت به سمت خدا:** وقتی انسان دچار گرفتاری‌ها می‌شود، به سوی خدا برمی‌گردد «وَقَطَعْنَا لَهُمْ فِي

الْأَرْضِ أَمْقًا قَتَلْتَهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ».^۲

- **خالص شدن:** «وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ»^۳؛ بلا عامل تمحیص است، دل را می‌شکند و

توکل بر عمل و حالت را می‌گیرد و انسان را از خودش جدا می‌سازد و این حقیقت اخلاص است.^۴

در حدیثی از امام رضا (ع) است که مردم چنان که طلا آزمایش می‌شود، امتحان می‌شوند و چنان که طلا خالص

می‌شود، خالص می‌شوند.^۵

- **حق یاری:** گاهی خداوند می‌خواهد که خود و قدرتش را به بندگانش نشان دهد؛ بنابراین او را گرفتار شداید و

بلاها می‌کند. «وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ النَّهْرَ فَأَتَّبَعُهُمْ فِرْعَوْنُ وَ جُلُودُهُ بَغْيًا وَ غَدُورًا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْقَبُ قَالَ ءَأَمِنْتُ أَنَّهُ لَا

إِلَهَ إِلَّا أَنَا الَّذِي ءَأَمِنْتُ بِهِ بَلْأَوْ إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ».^۶

- **مقاومت:** امام علی (ع) در نامه ۴۵ نهج البلاغه می‌فرماید: «وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَضَلُّبُ عُودًا، وَالزَّوَالِغَ الْخَصْبَةَ أَرْقُ

جُلُودًا، وَالتَّائِبَاتِ الْعَدِيَّةَ أَقْوَى وَفُودًا، وَابْطَأَ حُمُودًا، شَرِيبَةُ نَاهِمُورٍ وَ تَغْذِيَةُ سَادَةٍ، اِزْئِيرُوِي اِنْسَانٍ نَمِي كَاهِدٍ وَ قَدْرَتِ رَا

تَضْعِيفِ نَمِي كُنْد. درختان بیابانی که از مراقبت و رسیدگی مرتب باغبان، محروم می‌باشند، چوب محکم‌تر و دوام

بیش‌تری دارند. برعکس، درختان باغستان‌ها که دائماً مراقبت شده‌اند و باغبان به آن‌ها رسیدگی کرده است، نازک

پرست‌تر و بی‌دوام‌ترند.»

- **معرفت نفس:** خداوند در سختی‌ها نداشته‌هایمان را به ما نشان می‌دهد و در واقع نقاط ضعفمان را نشانه می‌-

گیرد. انسان در شرایط عادی زندگی، نمی‌داند دارای چه نقاط قوت و ضعفی است، اما وقتی حوادث و مشکلات از

راه می‌رسند و او را احاطه می‌کنند، تأثیر آن‌ها را در وجود خود مشاهده می‌کند و نقاط ضعفش نمایان می‌شود.^۷

امام علی (ع) در نهج البلاغه به این مسئله اشاره کرده‌اند: «فِي ثَقَلَبِ الْاِحْوَالِ غَلِيمٌ جَوَاهِرُ الرِّجَالِ»^۸ در دگرگونی و

رفت و آمد حادثه‌ها در زندگی است که جوهره و عصا و وجودی انسان‌ها معلوم می‌گردد.»

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۶۸.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۵۴.

۴. صفای حائری، ولایت عاتق، ص ۷۴.

۵. کلینی، مصنفی، کلی، ج ۱، ص ۳۷۰.

۶. سوره یونس، آیه ۹۰.

۷. صفای حائری، تظہیر با جاری قرن، ج ۱، ص ۲۲۹.

رفاه فراغتی: بهره‌مندی از امکانات تفریحی همچون استراحت و تعطیل کردن کار برای رفتن به سفرهای داخلی و خارجی، خرید باغ یا ویلا، استفاده از انواع کلاس‌های تفریحی و آموزشی^۱ برخورداری از امکانات را میتوان به گونه‌ای دیگر و در سه سطح طبقه بندی کرد: کمتر از حد کفاف (عدم رفاه)؛ کفاف (رفاه متعادل)؛ اتراف (رفاه افراطی).

قدر «کفاف» آن اندازه از امکانات زندگی است که انسان را از دیگران و درخواست از آن‌هایی نیاز کند.^۲ مقصود از کفاف، فقط داشتن قوت لایموت نیست؛ بلکه زندگی آبرومندانه‌ای است که در آن احتیاجات گوناگون فرد از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، ازدواج، تفریحات و امثال این‌ها تأمین شود و فرد در طبقه‌ی متوسط جامعه قرار داشته باشد.^۳ در واقع کفاف حالت متوسطی بین فقر و غناست که فرد در این شرایط از پیامدهای نامناسب فقر و غنا مصون می‌ماند^۴ و دین‌داری‌اش در این شرایط نیز به نحو بهتری حفظ می‌شود.^۵

«اتراف» و ترفه به معنای توسعه دادن در نعمت است، وقتی گفته می‌شود: فلانی متراف است، معنایش این است که نعمتش از حد گذشته است. متراف کسی است که دارای نعمت و ثروت زیادی است و در بهره‌وری از ثروت همان گونه که خودش می‌خواهد رفتار می‌کند. به عبارت دیگر متراف به کسی می‌گویند که فزونی نعمت و زندگی مرفه و امکانات گسترده مادی و دنیوی او را مغرور و غافل ساخته و به طغیانگری واداشته است (مرفهین بی‌درد) و سرگرمی به نعمت، آن‌چنان او را مشغول کرده که از مآورای نعمت غافل گشته است.^۶

حد رفاه

حد مطلوب بهره‌مندی از نعمت‌های الهی و مصرف ایده‌آل از دیدگاه اسلام، آن است که همراه با رعایت اعتدال و به قدر کفاف باشد. اعتدال و میانه‌روی در مصرف، که در روایات از آن به قصد و اقتصاد تعبیر شده، حد وسطی است که در آن اسراف و تقصیر (سخت‌گیری در مصرف) نباشد.^۷ پیامبر اکرم (ص) همواره از خداوند برای خود، اهل و دوستان‌ان خویش زندگی همراه با عفاف و کفاف طلب می‌کردند.^۸ از نگاه اسلام، توسعه بر اهل و عیال، داشتن زندگی خوب، توأم با آرامش و راحتی و برخورداری از رفاه نسبی، نه تنها منعی ندارد؛ بلکه از سعادت‌السان شمرده

۱. صدیق لوری، بررسی اولویت‌های رفاهی در خانواده‌های متعلقه ۹ شهر مشهد، معرفت فرهنگی - اجتماعی، ش ۴۱.

۲. تفریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۱۳.

۳. موسوی اصل، فقر و بهداشت روانی از دیدگاه دین و روان‌شناسی، روان‌شناسی و دین، ش ۴.

۴. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۶۰.

۵. همان ص ۶۶.

۶. قرشی بنی، قاموس، ذیل ویژه ترفه.

۷. محمد جمال خلیلیان لکوی، صحیح مصرف، مبانی نظری و راهبردی در قرآن کریم و روایات معرفت، ش ۶۶.

۸. کلینی، مستدرک، ج ۲، ص ۱۴۰.

شده و در محدوده کفاف تعریف شده است. اسلام حتی رعایت جایگاه اجتماعی افراد را در بهره‌گیری بیشتر از امکانات تا آنجا که برای حفظ عزت و آبرو لازم است، خارج از محدوده کفاف نمی‌داند.^۱

مخالفت اسلام با برده پول شدن و حرص و آزار است «الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبُذِّبَتْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ». در قرآن آمده که وای بر کسی که مالی فراهم آورده و آن را پی در پی شمرده است «الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَّدَهُ»^۲ هدفش از جمع‌آوری مال، شمردنش است نه این که احتیاجی به استفاده از آن مال داشته باشد. نقطه مقابل، این است که انسان پول را به عنوان یک وسیله برای فعالیت و عمل و تسهیل و تولید بخراهد.^۳

اسلام طرفدار تقویت بنیه اقتصادی است؛ اما نه به عنوان اینکه اقتصاد، خود هدف یا تنها هدف باشد؛ بلکه به عنوان اینکه هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم و نیروی مستقل اقتصادی میسر نیست. اسلام، اقتصاد را یک رکن از ارکان حیات اجتماعی می‌داند؛ لهذا به خاطر اقتصاد به سایر ارکان ضربه و لطمه نمی‌زند.^۴ رفاه و ثروت از نظر اسلام مطرود نیست، نه تولیدش، نه مبادله‌اش، نه مصرف کردنش؛ بلکه همه این‌ها تأکید و توصیه شده و برای آن‌ها شرایط و موازین مقرر شده است.^۵

در صورت عدم تأمین رفاه نسبی، دوزیان بزرگ در جامعه بروز می‌کند: غافل شدن و بازماندن از عبادت و ارتباط با خدا در نتیجه‌ی به طور پیوسته دنبال طلب مال و تحصیل معاش رفتن جهت تأمین نیازهای فیزیولوژیکی خود و عائله؛ رواج بزه‌کاری و رذایل اخلاقی و فساد اقتصادی.^۶

البته باید توجه داشت جامعه‌ای که همه امکانات و نیازهایش تأمین شده است، تا وقتی که تربیت نداشته باشد، بی‌بست‌هایی که تجربه می‌کند به مراتب دشوارتر خواهد بود. نقطه مقابل این جامعه، جامعه‌ای است که امکانات ندارد؛ بلکه یک جامعه بدوی است که هنوز در کار بهداشتش مانده است و در تأمین غذایش هم مشکل دارد. انسان‌های چنین جامعه‌ای اگر تربیت داشته باشند در همین شرایط فقر و کاستی‌های جامعه، می‌توانند جزء اولیاء خدا باشند و راه به سوی خدا ببرند و برای تأمین نیازهایشان هم تلاش کنند.^۷ این بدین معناست که تربیت نسبت به رفاه در اولویت است و مهم‌ترین نیاز هر جامعه بشری با هر امکانات و در هر شرایطی، تربیت است.

۱. مکارم شیرازی، تکریم‌الذکر، ج ۲، ص ۳۳۸.

۲. سوره همزه، آیه ۲.

۳. شهید مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ص ۱۵ و ۱۶.

۴. اسلام طرفدار این نظریه که سرچشمه درآمد تقاضاها و تعاملات است، نیست؛ بلکه معتقد است باید تعاملات با مصالح عالی و همه‌جانبه بشریت تطبیق یابد. از این رو فصل مهمی در اسلام هست به نام مکاتبت محرمه. شهید مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ص ۳۳.

۵. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۴۰۴.

۶. لیاقت‌دار، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام سجاد (علیه‌السلام)، ص ۳۳۸.

۷. هادی‌زاده، شرح کتاب مسئولیت و سازندگی اسلامی، ج ۱، سایت اهل‌القدر.

بنابراین از نظر اسلام، گرچه برخورداری از نعمت‌های الهی، رفاه و گشایش در زندگی مطلوب بوده و عدم استفاده و محروم نمودن خود از آن‌ها مورد نکوهش قرار گرفته است، اما این به آن معنا نیست که اگر رفاه و آسایش مایه دل‌بستگی به دنیا شود و هدف قرار گیرد باز هم مطلوب است؛ بلکه در چنین شرایطی زهد و ترک برخی لذت‌ها یا کاستن از آن‌ها ضرورت می‌یابد. همچنین رفاه و بهبود کیفی زندگی، آنگاه مطلوب است که همه مردم امکان برخورداری از آن را داشته باشند؛ اما در شرایطی که بیش تر افراد جامعه در تنگنای فقر اقتصادی به سر می‌برند، افراد متمکن و مرفه باید دیگران را بهره‌مند سازند و زندگی خود را هماهنگ و متناسب با عامه قرار دهند.^۱

مرز رفاه و رفاه‌زدگی

وقتی راحت‌طلبی به صورت افراطی در انسان بروز می‌کند، آثار مخرب بسیاری بر انسان دارد که یکی از آن‌ها «رفاه‌زدگی» است. گرایش به دنیا و رفاه‌زدگی به معنای فراموش کردن فلسفه هستی و غرق شدن در زرق و برق دنیا و دل‌بستن به آن است.^۲

مرز رفاه و رفاه‌زدگی وابستگی به دنیا و هدف قرار دادن آن است. اگر انسان در مسیر بهره‌گیری و تعامل با دنیا به گونه‌ای رفتار کند که از پروردگارش دور شود و یاراه کمال را بر فرد و جامعه ببندد و سبب شود خداوند از یادها برود و از مقصد و مقصود بودن بیرون افتد، در این زمان است که این شیوه رفتاری به عنوان اتراف و رفاه‌زدگی معرفی و شخص به سبب این رفتار سرزنش و نکوهش می‌شود.

چیزی که در رابطه انسان و دنیا نیابستی است و آفت و بیماری در انسان تلقی می‌شود و اسلام در تعلیمات خویش مبارزه‌ای بی‌امان با آن دارد، تعلق و وابستگی انسان به دنیاست نه علاقه و ارتباط او با دنیا، اسیر زیستی انسان است نه آزاد زیستی او، هدف و مقصد قرار گرفتن دنیاست نه وسیله و راه واقع شدن آن.^۳ در تفکر اسلامی، دنیا برای انسان است، نه انسان برای دنیا. در این تفکر دنیا بد نیست، بلکه برای انسان و عظمتش کم است.^۴

آسیب‌های رفاه‌زدگی

نگرش مرفهانه به دنیا و ابزار زندگی، آثار سوء اقتصادی و اخلاقی فراوانی را در پی می‌آورد که عمده‌ترین اثر آن نابودی و سقوط تمدن بشری است.

۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۱۲.

۲. گریش به تشریفات و رفاه‌زدگی، مجله حوزه، ش ۱۱.

۳. شهید مطهری، سیری در نهج‌البلغه، ص ۲۷۵.

۴. از هنر زیستی شایسته‌سجده حوزه، ش ۱۷.

اینک از منظر قرآن و روایات به برخی از آسیب‌ها پرداخته می‌شود:

آسیب‌های فردی

- **درک نکردن لذت‌ها:** شهید مطهری (ره) در این باره از قول زوسو می‌گوید: «بدبخت‌ترین کودکان، آن‌هایی هستند که والدینشان، آن‌ها را در ناز و نعمت پرورش می‌دهند و نمی‌گذارند سردی و گرمی دنیا را بچشند و پستی و بلندی جهان را لمس کنند. این‌گونه کودکان در مقابل سختی‌ها حساس می‌شوند و در مقابل لذت‌هایی تفاوت، هم‌چون ساق نازک یک درخت کوچک در مقابل هر نسیمی می‌لرزند و کوچک‌ترین حادثه سونی آنان را ناراحت می‌کند. تا جایی که یک حادثه کوچک، آنان را به فکر خودکشی می‌اندازد و از آن طرف، هر چه موجبات لذت به آن‌ها داده شود به هیجان نمی‌آیند و نشاط پیدا نمی‌کنند. یکی از علل خودکشی صادق هدایت این بود که اشراف‌زاده بود. او پول توجیبی بیش از حد کفایت داشت، اما فکر صحیح و منظم نداشت. او از موهبت ایمان بی‌بهره بود، جهان را مانند خود، بوالهوس و گرافه‌کار و ابله می‌دانست. لذت‌هایی که می‌شناخت کیفیت‌ترین لذت‌ها بودند که دیگر چیز جالبی از آن‌ها باقی نمانده بود و دیگر نمی‌توانست از جهان لذت ببرد»^۱

- **تنوع‌طلبی:** «وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُصِبرَ عَلٰی طَعَامِ وَاجِبِهِ»^۲ درباره‌ی بنی‌اسرائیل آمده است که آن‌ها تمام وقتشان صرف آموزش و پیامدهای آموزش بود و آذوقه‌شان از آسمان می‌آمد و همواره به قدر نیازشان فراهم بود. آنها پس از مدتی نزد حضرت موسی (س) از یکنواختی آذوقه شکایت کردند. حضرت به آنان مأموریتشان را گوشزد و آنان را به سیری قناعت‌گراانه توصیه کرد و از تنوع‌طلبی بر حذر داشت؛ اما بنی‌اسرائیل نپذیرفتند. خداوند امر فرمود که جای اردوگاه را عوض کنند و به مصر درآیند که در آنجا همه چیز هست. نتیجه این بود که برای خرید باید پول می‌دادند و برای پول داشتن باید کار می‌کردند. لازمه‌ی کار کردن، واماندن از اردوگاه و آموزش‌های آن بود. پس به قرض و نسیه افتادند و آزادی‌شان سلب شد. آن‌ها دریافتند که این تنوع‌خواهی چه ذلتی برایشان آورد و دوباره آنان را به بردگی و خفت کشانید. زیاده‌خواهی عامل سقوط و هبوطشان گشت.^۳ و زمینه‌ای شد برای ذلت و خواری‌شان.^۴ از اینجا بود که یهودیان یکی از راه‌های به‌زانو درآوردن اقوامی که با آن درگیر می‌شوند را در دچار کردن آنان به تنوع‌خواهی یافتند.^۵

۱. شهید مطهری، عدل الهی، ص ۱۶۱.

۲. سوره بقره، آیه ۶۱.

۳. همان، «لَنْ نُصِبرَ عَلٰی طَعَامِ وَاجِبِهِ» - لَنْ نُصِبرَ.

۴. همان، «لَنْ نُصِبرَ» - شَرِيتَ عَلَيْهِمُ اللَّهُ - ۸.

۵. لرجی، تبار تخرافه، ص ۱۲۸.

- **پرتو نغمی:** شهید مطهری (ره) در ضمن عواملی که سبب می شود تربیت فاسد و اختلالاتی در ادراکات یا احساسات پیدا شود به رفاه زدگی اشاره کرده و می فرماید: «نازپروردگی روح را پرتوقع و در مقابله با حوادث، ناتوان و در نتیجه مأیوس و بدبین و غیر متکی به نفس باز می آورد»^۱.

- **طغیان:** بی نیازی منشأ و علت طغیان آدمی است. خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ»^۲. انسانی که به خود و هواهای نفسانی خود می پردازد و به اسباب ظاهری که تنها وسیله مقاصد او است (و نه هدف) دل می بندد و از پروردگارش غافل می شود.^۳ این آسیب در آیه ای دیگر نیز بیان شده است: «وَلَوْ تَبَوَّأَ اللَّهُ لِرِزْقِ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ»^۴ و اگر خداوند برای بندگانش رزق را توسعه می داد در زمین طغیان می کردند، ولیکن آنچه را می خواهد به اندازه ای (معین) نازل می کند، زیرا که او به بندگانش آگاه و بیناست.^۵

خدای متعال به عنوان عبرت از هلاکت قوم های این چنینی مثال می زند: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَوْمٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مَعِيشَةٌ ظَهِيرٌ بَعْدَ مَمَاتِهِمْ»^۶. کلمه «بطر» به معنای سرمستی و طغیان ناشی از نعمت است، چه بسا قریه ها که در معیشت خود طغیان کردند و ما هلاکشان کردیم؛^۷ بنابراین صبر، تنها در برابر تلخی ها نیست؛ بلکه در رفاه و شادی نیز باید صبر کرد و گرنه سبب طغیان انسان خواهد شد. امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۲۹۴ نهج البلاغه می فرماید: «تصور نشود که فرد مبتلا به بلای الهی و گرفتار مشکلات دنیا از کسی که در آسایش و رفاه است به دعا نیاز مندتر است. فرد مرفه نیز نیاز مند دعاست تا نعمت را از دست ندهد و رفاه باعث طغیان او نشود».

- **عدم استقامت:** راحت طلبی و عدم تحمل فشارها و سختی های موسمی و موقتی، با سلحشوری سازگاری ندارد. «قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ»^۸.

نازپروردگی موجب شکنندگی در همه امور است. شهید مطهری (ره) برای تبیین این مورد به فردی از یک خانواده طبقه چهارم مثال می زند که زندگی سخت، او را آدمی جدی و سخت کوش بار آورده و موفق به تأسیس کارخانه شده است. بعدها فرزندان او در این زندگی که مقرون به رفاه است بزرگ می شوند و آدم های متوسطی بار می آیند. چون اوایل زندگی شان در زندگی همین آدم بوده و در سختی بزرگ شده اند این ها هم تا

۱. شهید مطهری، یادداشت های نشر مطهری، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲. علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۵۵۰.

۳. سوره شوری، آیه ۲۷.

۴. سوره قصص، آیه ۵۸.

۵. علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۸۷.

۶. سوره بقره، آیه ۲۶۹.

حد زیادی آدم‌های جدی و کارآمدی هستند و آن ثروت را حفظ می‌کنند؛ اما نسل این‌ها چون تدریجاً زندگی، رفاه و خوشی را توسعه می‌دهند و سبک زندگی‌شان تغییر می‌کند، افرادی نازپرورده خواهند شد که فقط باید به آن‌ها رسید، از کوچک‌ترین زنج، ناراحت می‌شوند؛ در نتیجه، قدرت حفظ آن زندگی و آن ثروت را ندارند. همین‌که پدر از دنیا رفت در مدت کمی تمام زندگی را به باد می‌دهند، دوباره به همان صورت فقیرهای درجه اول با وضعیت مفلوک برمی‌گردند، و باز تکرار همین چرخه...^۱

- غرور: مصداق این آسیب در قرآن آمده است: «وَ كَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَ هُوَ يُحَاورُهُ أَنَا أَكْثَرُ مَالًا وَ أَغْرُرُ نَفْرًا، وَ دَخَلَ جَنَّتُهُ وَ هُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا»^۲ و برای آن مرد میوه‌ای (فراوان) بود. پس به دوستش در حالی که با او گفتگو می‌کرد، گفت: من از تو مال دارتر و از نظر نفقات نیرومندترم و او در حالی که بر خویش ستمکار بود، به درون باغ خود آمد. (و با غرور و سرمستی) گفت: گمان ندارم که هرگز این (باغ، یا دنیا) نابود شود! و در ادامه به از دست رفتن آنچه موجب غرور او شده بود، اشاره می‌شود. امام علی (ع) توصیه می‌فرمایند: «از مستی توانگری به خدا پناه برید؛ زیرا توانگری را مستی ای است که دیر از سر می‌پرد؛ بنابراین دارایی و نعمت‌های سرشار، زمینه‌ی غرور است»^۳ خداوند هشدار می‌دهد: «فَلَا تُغْوِيَكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغْوِيَكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ»^۴ زندگی دنیا شما را مغرور نکند و شیطان شما را با استناد به رحمت و مغفرت خدا فریب ندهد.

- غفلت: عوامل غفلت عمدتاً مادی است: تکثیر اولاد و اموال،^۵ پیروی از هواهای نفسانی،^۶ دنیاگرایی،^۷ تجارت^۸ و... در قرآن آمده است که خداوند به معبودهای مشرکین می‌گوید: آیا شما بندگان مرا گمراه کردید یا خودشان راه را گم کردند؟ معبودها گویند تقدیس تو می‌کنیم، ما را سزاوار نبود که جز تو معبود، اولیائی بگیریم ولی تو ایشان و پدرانشان را نعمت دادی و در نتیجه مستی نعمت، یاد تو را فراموش کردند و گروهی هلاکت زده شدند.^۹

۱. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۵، ص ۴۰.

۲. سوره کهف، آیه ۲۵ و ۳۴.

۳. غر الحکم، ج ۲۵۵۵.

۴. سوره فاطر، آیه ۵.

۵. سوره منافقون، آیه ۹. سوره نور، آیه ۳۷. سوره حجر، آیه ۲.

۶. سوره کهف، آیه ۲۸.

۷. سوره روم، آیه ۷.

۸. سوره نور، آیه ۳۷.

۹. سوره فرقان، آیه ۱۸.

پس علت نسیان و عدولشان از توحید به شرک، عبارت بود از اشتغال زائد از حد به اسباب دنیوی؛ به طوری که دیگر به غیر از تمتع از لذات مادی مجالی برای یاد خدا برایشان نماند و این استغراق در بهره‌گیری از زندگی مادی هم سبب شد که یکسره دل به دنیا دهند و در شهوات فرو بروند و این نیز باعث شد که از هالکان شده یکسره تباه گردند.^۱

جهالت: دل بستگی به محیط مرفه و غرق شدن در دریای تمایلات نامتناهی نفس، پرده‌ای است که نمی‌گذارد آدمی حقایق را بدان گونه که هست ببیند. خداوند در قرآن، مرفهین را به اشتباهی که داشته‌اند متنبه نموده و می‌فرماید: «آیا اینان گمان می‌کنند که اگر در مدت مهلت، مال و فرزندان به ایشان دادیم، از این جهت بوده که دوستشان داشته‌ایم و یا نزد ما احترام داشتند، بنابراین خواستیم خیرشان را زودتر به ایشان برسانیم؟^۲ نه! بلکه نمی‌فهمند، مطلب به عکس است؛ ولی آنان حقیقت امر را درک نمی‌کنند، زیرا حقیقت امر این است که ما ایشان را املاء و استدراج کرده‌ایم.»^۳

انکار قیامت: دل بستگی به دنیا و دنیاگرایی، زمینه‌ی انکار قیامت است.^۴ در آیه ۳۶ سوره کهف فرد ثروتمند پس از فخر فروشی، منکر قیامت شد: «أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ ... وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً»^۵ گمان نمی‌کنم که قیامت برپا شود و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، یقیناً بهتر از این (باغ) را در باغ گشت، خواهم یافت».

کفر: «وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ»^۶ زیاده‌روی در لذت، کار آدمی را به جایی می‌کشاند که از پذیرفتن حق استکبار و رزد و خود را حتی مبرا از عذاب پندارد: «وَ قَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ»^۷ در واقع غرور مقدمه‌ی کفر است، از اشراف قوم نوح کسی به او ایمان نیاورد و بنا به حکایت قرآن کریم دلیلشان این بود: «وَ مَا نُوَاكُ أَتَّبِعُكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّئِ الرَّأْيِ»^۸ به عبارتی دلیل ایمان نیاوردن آنها، سرمستی به جلوه‌های دنیا بود. «لَمْ يُؤْمَلُوا ... جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً»^۹ خداوند در قرآن درباره‌ی آنان می‌فرماید: «آنان را (به حال خود) رها کنید تا بخورند و بهره‌مند شوند و آرزوهای سرگرمشان کند، پس به زودی (نتیجه این بی‌تفاوتی‌ها را) خواهند فهمید»^۹.

۱. علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۶۳.

۲. سوره مؤمنون، آیه ۵۶.

۳. علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۵۳.

۴. قرآنی، تفسیر نور، ج ۵، ص ۱۷۱.

۵. سوره کهف، آیه ۳۶.

۶. سوره سبأ، آیات ۳۵ و ۳۳.

۷. آیه ۲۷.

۸. سوره کهف، آیات ۸۵ و ۸۶.

۹. سوره حجر، آیه ۳.

- واپس گزایی در برابر آیات الهی: آیه ۶۶ سوره مؤمنون اشاره دارد به مرفهانی که از خداوند اعراض می کردند و خداوند پس از چشاندن عذاب به آنان و ندامت و ناله های آنان می فرماید: «قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُثَلَّى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تُكَيِّصُونَ» همانا آیات من به طور مداوم بر شما تلاوت می شد ولی شما اعراض کرده، به عقب باز می گشتید.

- گمراهی دیگران: «وَ قَالَ الْفُلَا مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَلَّبُوا بِلِغَاءِ الْاِخْزَةِ وَ اَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» اشراف و بزرگان قوم نوح که فرورفته در دنیا و فریفته زندگی مادی بودند با این کلام خود عامه مردم را علیه پیغمبرشان شوراندند.^۱ شاهد دیگر آیه ۸۸ سوره یونس است که می فرماید: «وَ قَالَ مُوسَىٰ زَيْنَا اِنَّكَ اَتَيْتِ فِرْعَوْنَ وَ عُلَاةَ زَيْنَتِهِ وَ اَفْوَالَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا زَيْنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ» و موسی گفت: پروردگارا! توبه فرعون و بزرگان قومش در زندگی دنیا زینت و اموال بسیار داده ای، پروردگارا! (به وسیله آن ها)، مردم را از راه تو گمراه سازند.

شهبه مطهری (ره) در این باره می گوید: «قرآن کریم انحراف ها و گمراهی ها را از طبقه ای می داند که نام این ها را مترقین می گذارد، یعنی غرق شدگان در نعمت و رفاہ، این ها هستند که هیچ نوع آمادگی برای شنیدن سخن حق ندارند، دیگران را هم این ها گمراه می کنند».^۲

- انکار پیامبر و نهمت دیوانگی: شاهدش کافر شدن مترقان «وَ مَا اَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ اِلَّا قَالُوا مُتْرَفُوها اِنَّا بِمَا اُرْسِلْتُمْ بِهِ كَاْفِرُونَ»^۳ و آنها را ناروای دیوانگی از سوی اشراف مکه به پیامبر اکرم (ص) «خَلِي اِنَّا اَحْلَيْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ اِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ... اَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ...»^۴

- لجاجت در باطل: «وَ لَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَ كَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ظُلْمٍ لِلْجَاوِ فِي طَعْنَانِهِمْ يَغْفُوْنَ»^۵ این آیه نیز درباره مترقان است که گرفتار شده اند و خدا می فرماید اگر ما به ایشان رحم کنیم و گرفتاری شان را برطرف سازیم، باز به ما رو نمی آورند و با شکر خود نعمت ما را مقابله و تلاقی نمی کنند؛ بلکه بر تهمرد خود از حق و لجاجت در باطل اصرار می ورزند و در طغیان خود تردد نموده و می خواهند به آن ادامه دهند...^۶

۱. سوره مؤمنون، آیه ۲۲.

۲. و اگر آنان ترین آیه به وصف اَلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ توصیف شده اند این توصیف برای توضیح است نه احتراز؛ چراکه اصلاً لُ اشراف قوم نوح کسی به او ایمان نیاورده بود به دلیل اینکه بنا به حکایت قرآن کریم به او گفتند: «مَا نَرَاكَ اَتَمَكَ اِلَّا اَلَّذِينَ هُمْ اَرَادُوا بِاَدْبِی لِرَاي».

۳. شهبه مطهری، اشنای با قرآن، ج ۱۰، ص ۵۷.

۴. سوره سبأ، آیه ۲۳.

۵. سوره مؤمنون، آیات ۶۴ و ۷۰.

۶. همان آیه ۷۵.

۷. علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۶۸.

- **فساد:** تنعم و نازپروردگی و آسایش زیاد جسم روح را فاسد می‌کند و از زوح فاسد جز فساد صادر نمی‌شود.^۱ خداوند می‌فرماید: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» و مراد از مشرکین در این آیه که به کسانی که در زمین فساد میکنند توصیف شده‌اند، اشراف و بزرگان هستند که دیگران آنان را پیروی می‌کنند و مراد از اطاعت امر آنان، تقلید عامیانه و پیروی کورکورانه ایشان در اعمال و روش زندگی است.^۲ به فرموده امام خمینی (ره) «این خوی کاخ‌نشینی اسباب این می‌شود که انحطاط اخلاقی پیدا شود. اکثر این خوی‌های فاسد از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است».^۳

بررسی جرم در بستر جامعه نشان می‌دهد فقر و غنا هر دو عامل ارتکاب جرم هستند. متها در زندان، بیشتر طیف فقیر و طبقه پایین جامعه حضور دارند صرفاً به این دلیل که قدرت پوشاندگی ندارند و به راحتی در معرض دستگیری و محاکمه قرار می‌گیرند. ولی در جرائم ویژه ثروتمندان به واسطه داشتن پول، قدرت فرار و گریز دارند؛ بنابراین کمتر در معرض دستگیری و محاکمه و زندان قرار می‌گیرند. از این رو بسیاری از افراد تصور می‌کنند جرم مختص طبقات محروم جامعه است در حالی که این گونه نیست.^۴

- **اعراض از خدا:** «وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ غَرِيبٍ»^۵ و هر گاه به انسان کافر نعمتی بخشیم، روی گرداند و خود را کنار کشد و هر گاه شرّی به او رسد پس دعایی طولانی کند. کلمه‌ی نای به معنای دور شدن است و هر گاه باواژه جانب، بکار رود، کنایه از تکبر و غرور است. نای بجانبه یعنی به خاطر نعمت و رفاه مغرور شد و متکبرانه خود را کنار کشید.^۶

- **فسق:** گویا مرفهان بیش از بقیه زمینه‌ی غفلت و فساد و فسق را دارند. خداوند می‌فرماید: «أَمْزِنَا لَهُمْ فِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا...»^۷ ما نعمت را برایشان افاضه نموده و با املاء و استدراج فراوانش کردیم تا بدین وسیله دسترسی مترفان به فسق بیشتر گشته و فسق را از حد بگذرانند و قول بر آنان محقق گردد تا عذاب نازل شود.

- **دوری از حق پذیری:** حضرت زهرا (س) علت پشت کردن به امام علی (ع) را رفاه زدگی می‌داند و آن‌هایی را که جریان سقیفه را در مقابل غدیر علم کردند این‌طور معرفی می‌کنند: «وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةٍ مِنَ الْعَيْشِ وَادْعُونَ فَاكِبُونَ أَمْلُون»^۱ و شما همیشه در زندگی همراه با رفاه متنعم و خوش بودید.

۱. شهید مطهری، بیست گفتار، ص ۱۵۲.

۲. تلامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۲۹.

۳. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۱۸.

۴. در گفتگوی یک جامعه‌شناس با آفتاب یزد، ماه سوم بهاری رفاه زدگی بر سر جامعه انحصاری، ۹۴، ۵۳۱.

۵. سوره فصلت، آیه ۵۱.

۶. قرآنی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۳۶۲.

۷. سوره سوره، آیه ۱۶.

- **فرار از جهاد:** «وَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطُّلُوقِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذُرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ»^۱ و هر گاه سوره‌ای نازل شود که به خداوند ایمان آورید و همراه پیامبرش جهاد کنید، صاحبان ثروت از تو اجازه‌ی مرخصی (برای فرار از جبهه) می‌خواهند و می‌گویند: ما را واگذار تا با خانه‌نشینان، (آنان که از جنگ معاف‌اند و باید در خانه بنشینند) باشیم. تنها مواخذه (و ملامت و عقاب) بر کسانی است که باین که مکنت دارند از تو اجازه مانندن می‌خواهند و بدین تن در می‌دهند که با زنان و زمین‌گیران باشند و خدا بر دل‌هایشان مهر نهاده، در نتیجه نمی‌دانند.^۲

در فرهنگ تجملی تعیش جای دلبری می‌نشیند و تلاش و کوشش به تبلی بدل می‌گردد. طبیعی که به رفاه و آسایش طلبی خوی کرد، احساس قدرتمندی، شجاعت و آزادی در او فروکش می‌کند. مردم لذت‌جو اهل مبارزه نیستند. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «آن‌ها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان، با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافاتی ندارد، با القبای مبارزه بیگانه‌اند و آن‌هایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد، با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آن کمک می‌کنند، آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام راحت‌طلب‌ها، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی، دو مقوله‌ای است که هرگز باهم جمع نمی‌شوند و تنها آن‌هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند»^{۳، ۴}

در جنگ جمعیتی و جهاد امروز، رفاه‌زدگان نقش کمتری ایفا می‌کنند.

- **سست شدن در دین‌داری:** دل‌بستگی و فریفته شدن به دنیا، زمینه‌ی به بازی گرفتن دین است^۵ و انسان را به کفر می‌کشاند.^۶ فرهنگ رفاه، آدمی را به زندگی روزمره و مطالبات خرد رفاهی معطوف می‌سازد و ذهن او را از کلان‌نگری باز می‌دارد. این امر موجب عرضی شدن دین‌سنی می‌گردد. انسان‌ها حاضر می‌شوند پای رفاه، حتی دین را فدا کنند یا به ویرایش دین و پیراستن آن از عناصر مخالف رفاه پردازند. در چنین وضعیتی، دین به اقل مؤلفه‌هایش فرو کاسته می‌شود و عبارت می‌شود از عناصری که چندان تضادی با رفاه فرد و رفاه اجتماعی ندارند یا

۱. طه‌رزنه هر مرن.

۲. سوره توبه، آیه ۸۶

۳. سوره توبه، آیه ۹۳

۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۶

۵. زهدسنی شایسته، مجله حوزه، ش ۵۲

۶. هَلْ دِينٌ نَخْتَدُوا بِدِينِهِمْ لِمَا - فَرْتَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

۷. هَلْ فَرْتَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا - أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

عناصری که رفاه بزرگ تری در اینجا و اکنون می آفرینند. حال آنکه خدای مقتدر و حکیم برای ما رشد زامی خواهد، نه تنها رفاه و عدالت و تکامل را که فرمود: «أراد بهم زلیم زشده»^۱

- **تنگی معیشت و نداشتن سبک روحی:** از نظر امام خاмене‌ای (دام‌الله): «ضنک و سختی و تنگی زندگی فقط این نیست که انسان غذا برای خوردن پیدا نکند یا فقط این نیست که انسان اگر خواست پول خرج بکند پول در جیب خودش نداشته باشد تا خرج کند، یا این که اگر کسی پول در جیب داشته باشد و زندگی آسوده‌ای، بگویم این دیگر معیشت ضنک ندارد. انسان علاوه بر این نیازها یک نیاز فطری دیگری هم دارد که آن نیاز فطری با این چیزها برآورده نمی‌شود، آن نیاز آرامش قلب و طمأنینه است که جز با توجه به خدا و جز با کار برای خدا تأمین نخواهد شد. آن کسی که از نعمت و عیش دنیوی برخوردار است آن اطمینان و آرامش و سبکی روحی را ندارد، بنابراین هر لحظه برای او از دست دادن این نعمت یک دلقه است و هر لحظه‌ای از عمر خود را که از دست می‌دهد، یک خسارت و یک حسرت است، چون این چیزی را که دارد از دست می‌دهد به جای آن هیچ چیزی در دست او نخواهد بود»^۲

آسیب اجتماعی

بعد از ارتحال پیامبر اکرم (ص) فرماندهان مسلمان در پرتو جذابیت و حقیقت اسلام و پس از برقراری ثبات و امنیت داخلی، روبرو سوی مرزها گذاشتند و اقدام به کشورگشایی کردند. در این لشکرکشی‌ها، اضافه بر نابودی ظلم و کفر و آزادسازی انسان‌ها، به ثروت‌ها و غنائم فراوانی نیز دست می‌یافتند و اموال سردمداران کفر به چنگ آنان می‌افتاد. این ثروت‌های زیاد، در شرایطی به زندگی مسلمانان و مرکزیت اسلام راه می‌یافت که آمادگی روحی و برنامه‌ریزی سنجیده‌ای برای برخورد با آن وجود نداشت ثروت‌های زیاد و برخی از این غنائم که اشیای لوکس و تجملی بود و از کاخ‌های اشراف به دست آمده بود در روحیه مسلمانان و سابقه‌داران انقلابی تأثیر می‌گذاشت و به تدریج نطفه اشرافیت و ترفه را بارور می‌کرد. روز به روز شور انقلاب و تعصب دینی فروکش می‌کرد و نشانه‌های راحت‌طلبی و رفاه‌جویی رخ می‌نمایاند و نخستین کسی که از این خطر به شدت برآشفته، امام علی (ع) بود. آن حضرت پیش از معصومین دیگر درباره فریبندگی زرق و برق‌های دنیا و خطرهای ناشی از تجمع ثروت و سرگرمی بدان‌ها، سخن گفته است.^۳

۱. سوره جن، آیه ۱۰.

۲. طهرزاده فرزانه، این چنین باید بود، ج ۱.

۳. امام خاмене‌ای، بیانات در جلسه بیست و ششم تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۱/۰۲/۳۳.

۴. زهرا زینبی شایسته، مجله حوزه، ش ۵۲.

ایشان در کلمات خود از «سکر نعمت» به معنای مستی ناشی از رفاه می‌گویند و در خطبه ۱۵۱ می‌فرمایند: «لَمَّا أَنْكُمْ مَغْشَرِ الْعَرَبِ الْغَرَضِ بَلَايَا قَدِ افْتَرَيْتُمْ، فَأَنْقَوَا سُكْرَاتِ النُّعْمَةِ وَاحْذَرُوا بَوَائِقِ النُّقْمَةِ، شَمَا مَرْدَمِ عَرَبِ هَدَفِ مَصَائِبِ هَسْتِيدُ كِه نَزْدِيكِ اسْت. هَمَانَا از مَسْتِي هَاي نَعْمَتِ بَرَسِيدِ وَ از بَلَايِ اَنْتِقَامِ بَهْرَسِيدِ». همچنين در خطبه ۱۸۵ می‌فرمایند: «ذَاكَ حَيْثُ تَشْكُرُونَ مِنْ غَيْرِ شَرَابٍ بَلَى مِنَ النُّعْمَةِ وَ التُّعْمِيبِ، اَنْ دَر هِنكَا مِي اسْت كِه شَمَا مَسْت مِي كَرْدِيدِ، اَمَانِه از بَادِه بَلَكِه از نَعْمَتِ وَ رِفَاهِ. سَرَا زِير شَدَن نَعْمَتِ هَاي بِي حَسَابِ بَه سَوِي جِهَانِ اسْلَامِ وَ تَقْسِيمِ غَيْرِ عَادِلَانِه ثَرَوَتِ وَ تَبْعِضِ هَاي نَارَوَا، جَامِعِه اسْلَامِي رَا دِچَار بِيْمَارِي مَزْمِنِ دُنْيَا زَدَكِي وَ رِفَاهِ زَدَكِي كَرْدُ^۱ وَ مِلْتِ مَسْلَمَانِ، دَر بِي رَوَاجِ اَنْوَاعِ شِيْوَه هَاي تَجْمَلِي وَ رِفَاهِ زَدَكِي، شَاهِدِ غُرُوبِ اَفْتَابِ خِلَافَتِ وَ شَوَكْتِ مَسْلَمَانِي بُوْدَنَد.

ابن‌خلدون در مقدمه‌ی جامعه‌شناسی خود، یکی از عوامل سقوط تمدن‌ها را با وجود شکوفایی ظاهریشان، آلوده شدن به رفاه می‌داند. از نظر وی شکوفایی ظاهری یک تمدن، نشانه‌ی سلامت آن تمدن نیست. اگر مشاهده شد هدف یک تمدن، تنها برای کسب رفاه بدون فضائل انسانی است، بی‌درنگ مرگ چنین تمدنی حتمی است؛ زیرا از علت حیات خود که همان مبارزه و تلاش و تحرک بوده است، فاصله گرفته است. وقتی تحرک‌ها متوقف گردد و تمدن به رفاه آلوده شود، سقوط آن تمدن آغاز شده است.^۲ پندارهای مرفهان عمدتاً عبارت‌اند از: ^۳ «این هدف بودن جهان^۴، برتری نسبت به پیامبران^۵، مصونیت از عذاب^۶، برتری بر دیگران به خاطر مال و فرزند^۷، دانستن نعمات از خود و نه از خدا^۸».

اینک...

بعضی از پرنده‌گان برای آموزش پرواز به جوجه او را با خود از آشیانه بیرون می‌آورند، بالای سرش می‌نهند و سپس رهاش می‌کنند. جوجه مدتی تلاش می‌کند، همین‌که در اثر خستگی می‌خواهد به زمین بیفتد مادرش او را روی بال خود می‌گیرد. سپس دو مرتبه او را از اوج بلندی رها می‌کند. باز جوجه مدتی تلاش و خود را خسته می‌کند. همین‌که کاملاً خسته شد مادر او را می‌گیرد و روی بال می‌نشاند و به همین ترتیب چند بار عمل می‌کند تا فرزندش

۱. شهید مطهری، سیری در نهج لیلانه، ج ۱، ص ۲۶۱.

۲. طاهرزاده، فرزندم این چنین باید بود، ص ۱۸۴.

۳. رفسنجی، فرهنگ قرآن، ج ۱۵، ص ۱۰۹، با تصرف.

۴. سوره لیل، آیات ۱۱ و ۱۳ و ۱۶.

۵. سوره سبأ، آیات ۲۵ و ۲۳.

۶. هملن.

۷. سوره کهف، آیات ۳۳-۳۶ و سوره مؤمنون، آیات ۵۵ و ۵۶.

۸. سوره فتن، آیه ۷۸.

بر پرواز کردن مسلط گردد. این اصل طبیعی فطری باید در تربیت فرزند آدم نیز مورد استفاده قرار بگیرد. طفل از اول باید با کار و زحمت و سختی آشنا باشد.^۱ رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «خوب است که کودک در خردسالی و نوجوانی با سختی و مشکلات اجتناب‌ناپذیر حیات که غرامت زندگی است، روبر و شود تا در جوانی و بزرگسالی خویشن‌دار و صبور باشد»^۲.

اگر واقعیت خلقت انسان «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبِيرَةٍ»^۳ است و انسان در طول زندگی دائماً با سختی‌ها و رنج‌ها مواجه می‌شوند چرا والدین نمی‌گذارند فرزندان، تحت حمایت آنها سردی و گرمی دنیا را بچشند و پستی و بلندی جهان را لمس کنند، والدین تا چه زمانی می‌توانند مانع بر خوردن فرزند خود با رنج‌ها شوند؟

یکی از عواملی که روحیه را ضعیف و ناتوان و اخلاق را فاسد می‌کند تنعم و «نازپروردگی» است. انسان نازپرورده‌ای که از دوران کودکی تا جوانی به واسطه‌ی محبت‌های بی‌جای والدین خود با هیچ سختی مواجه نشده و هرچه خواسته فراهم بوده است به انسان ضعیف و وابسته‌ای تبدیل خواهد شد که قدرت مواجهه با هیچ مشکلی را ندارد و با کوچک‌ترین سختی می‌شکند و کم می‌آورد، ناامید می‌شود و حتی ممکن است به خودکشی فکر کند؛ چراکه شخصیتش رشد نکرده و استعدادها و توانایی‌هایش ظهور و بروز پیدا نکرده‌اند. او به انسان پرتوقعی تبدیل می‌شود که از همه طلبکار است، حتی از خدا. چنین فردی به احتمال زیاد در امتحانات الهی موفق نخواهد بود؛ زیرا از طرفی در امتحان نعمت، قدر نعمت‌های الهی را نمی‌داند و شکرگزار نخواهد بود و از طرف دیگر در امتحان سختی و بلا، قدرت صبر و استقامت در برابر مشکلات را ندارد و از رحمت الهی ناامید خواهد شد. به این ترتیب هم در زندگی دنیوی خود ناموفق خواهد بود و هم در زندگی اخروی. بزرگ‌ترین دشمنی‌هایی که درباره اطفال و کودکان می‌شود، همان است که پدران و مادران نادان به عنوان محبت و از روی کمال علاقه انجام می‌دهند؛ یعنی نوازش‌های بی‌حساب، مانع شدن از برخورد با سختی، نازپرورده کردن آن‌ها. این‌ها طفل را بیچاره و ناتوان بار می‌آورد، او را در صحنه زندگی خلع سلاح می‌کند، کاری می‌کند که کوچک‌ترین ناامی می‌آورد او را از پا درآورد و کمترین تغییر وضعی سبب نابودی وی گردد.^۴ در مقابل، سختی‌ها و فشارها وسیله‌ای است برای تکمیل و تهذیب بیشتر نفس و خالص شدن گوهر وجود انسان. ششاید و مشکلات، روح را ورزش می‌دهد، نیرومند می‌سازد، فلز وجود انسان را خالص و محکم می‌کند. رشد و نمو و بارور شدن وجود آدمی جز در صحنه گرفتاری‌ها و مقابله با ششاید و مواجهه با مشکلات حاصل نمی‌شود، زیرا تا تعیین در هم نریزد و خرد نشود تکامل حاصل نمی‌شود.

۱. شهید مطهری، بیست گفتار، ص ۱۵۱.

۲. حر عاملی، وسائل الشریعه، ج ۱۵، ص ۱۹۸.

۳. شهید مطهری، بیست گفتار، ص ۱۵۰-۱۵۲.

شهید مطهری (ره) برای درک بهتر تأثیر شادایی، از سیر تکاملی گندم سخن به میان می‌آورد؛ گندم که زیر خاک می‌رود، در زندان خاک شکافته می‌شود و تعین خود را از دست می‌دهد و قدم به مرحله کامل تر می‌گذارد و طولی نمی‌کشد که به صورت ساقه و خوشه و دانه‌های زیادتری ظاهر می‌شود. آن زیر خاک قرار گرفتن مقدمه تکامل اوست. همین گندم در زیر سنگ آسیاب نرم و آرد می‌شود و بعد نان می‌گردد و نان بار دیگر در زیر دندان، آسیاب می‌شود و جذب بدن می‌گردد تا بالاخره به عالی‌ترین مراحل کمال ممکن خود می‌رسد و به صورت عقل و فهم تجلی می‌کند. شادایی و سختی‌ها قهرمان می‌آفریند، نبوغ می‌بخشد، باعث تهیج نیرو و بروز قدرت می‌گردد و نوابغ عظیم و نهضت‌های بزرگ به دنیا تحویل می‌دهد.^۱

حقیقت این است که والدینی که واقعاً می‌خواهند در حق فرزندان خود لطف و خدمت کنند باید در روش تربیتی خود مسیری را طی کنند که در آن با امتحان شدن و سختی کشیدن، استعدادها و فضائل فرزندان به فعلیت برسد و تقویت شود. البته مسلم است که منظور از سختی دادن به فرزندان، سختی معقول است که زمینه رشد و پرورش استعدادهای آنها را فراهم کند.

اصلی‌ترین تکلیفی که انسان‌ها بر عهده دارند مبارزه با نفس است. بر این اساس، در هفت سال اول تعلیم و تربیت، که در واقع از هفت سال دوم زندگی یک انسان شروع می‌شود (به تعبیر امام صادق (ع) از سن هفت تا چهارده سالگی)، پدر و مادر باید مستقیماً عملیات مبارزه با نفس را برای فرزند خود مدیریت کنند. کودک در این دوران باید اهل مبارزه با راحت‌طلبی شود و بداند که دیگر زندگی به آن راحتی‌ها نیست و الا حتی یک بچه خوب، در خانواده خوب، با ایمان نسبتاً خوب و معمولی، بعد از چهارده سالگی به سختی می‌تواند جلوی شهوات خودش را بگیرد؛ چون قبلاً با راحت‌طلبی خودش مقابله نکرده است.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُجْهِدْ نَفْسَهُ فِي صِغَرِهِ لَمْ يَنْتَلِ فِي كِبَرِهِ» کسی که در کودکی با نفسش جهاد نکند، در بزرگسالی نمی‌تواند با تبلی‌ها مبارزه کند؛ بنابراین پدر و مادر باید ضمن تأمین امنیت روانی فرزندان بعنوان یک اصل قطعی و بسیار مهم، آنان را در معرض امتحان و مبارزه با راحت‌طلبی قرار دهند. والدین علاوه بر این که فرزندان خود را در حد معقول در معرض امتحانات و سختی‌های زندگی قرار می‌دهند، خود نیز باید خیال راحت زندگی کردن را از سر بیرون کنند؛ چون «الرَّاحَةُ لَمْ تُخْلَقْ فِي الدُّنْيَا».

۱. شهید مطهری، بیست گفتار، ص ۱۳۸. شهید مطهری، سیری در نهج لیلانه، ص ۲۲۹.

۱. نورالحکم، ج ۸۲۳.

فرزندآوری و فرزندپروری سخت است، اما تحت حمایت خلای سبحان، مهربان و بزرگ، واقعا هفت‌خوان نیست! پس به استقبال برویم و مطمئن باشیم که راحتی هم در جای خودش به سراغ ما خواهد آمد و نتیجه این سختی‌هایی که از آن استقبال می‌کنیم، راحتی خواهد بود. اگر نگران سختی کشیدن فرزندانمان هستیم، اتفاقاً از این فرصت سختی، در جهت تربیتش استفاده کنیم و باور کنیم بیش‌ترین چیزی که موجب سختی و ناراحتی فرزندان می‌شود، عدم مهرورزی و ارتباط صمیمی والدین، نامهربانی با فرزند و درک نکردن او و وقت نگذاشتن هست، نه صرفاً دغدغه‌هایی از جنس مادیات!

عوامل مؤثر بر هدایت و تربیت فرزند

شاید در اطرافتان افرادی را دیده باشید که تنها دلوپیششان برای تأخیر در امر مقدس فرزندآوری، دغدغه تربیت فرزند باشد نه مسائل اقتصادی، پس زمان می‌خرند تا رشد و پیشرفت فردی داشته باشند، اما به راستی نقش پدر و مادر در رشد و تعالی فرزندان چه کیفیتی دارد؟ خدای تبارک و تعالی در کجای این دغدغه قرار دارد...

معنای تربیت و هدایت

«تربیت» در دو معنای افزودن و رشد و نمو کردن^۱ و رهبری، سرپرستی و به تعالی رساندن^۲ آمده است و در اصلاح دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آنگاه که به انجالی که آن را سزود برسد.^۳ آنچه در تربیت روی می‌دهد فراهم کردن زمینه‌هایی است تا به تدریج استعدادهای انسان شکوفا شود و به فعلیت درآید و به سوی حدنهایی و کمال خود سیر نماید.

«هدایت» نیز به معنای ارشاد و راهنمایی^۴ و در اصطلاح راه نمودن بانومی و لطف است.^۵ بر این اساس، هدایت به معنای مطلق راهنمایی نیست، نوعی از نشان دادن راه است که توأم با لطف و مهربانی باشد؛ چنان که هدیه فقط مطلق بخشش نیست، بلکه بخشش همراه با لطف است.^۶

گرچه هدایت در کانون معنایی تربیت حضور دارد اما مراجعه به لغات و کاربردها، نشان می‌دهد که هدایت اعم از تعلیم و تربیت است.^۷ البته از منظر برخی بزرگان، تربیت به معنی رشد دادن است و هدایت ممکن است زمینه‌ای برای رشد و در واقع تربیت باشد.

۱. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ذیل واژه ربا، یرو.

۲. همان، ذیل واژه ربه یرو.

۳. رانقب، مفردات رانقب، ذیل واژه ربه یرو.

۴. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ذیل واژه هدی.

۵. رانقب اسفهلانی، مفردات ذیل واژه هدی.

۶. محمدی ری‌شهری، گونه شناسی هدایت الهی در قرآن و حدیث، فصلنامه علمی، پژوهشی علوم حدیث، ش ۶۴، ص ۳-۲۲.

۷. صالحی، تربیت اندیشی قرآنی، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۹ و ۶۰.

اما هدایت و تربیت و شکوفا کردن استعداد های انسان بر عهده کیست و چه لوازمی دارد؟ برای پاسخ به این سؤال باید دید که ما به انسان از چه دیدگاهی می‌نگریم؟! انسان زمین و محدود به چند سال زندگی؟! یا انسان تمام هستی و رهرو به سوی بی‌نهایت؟! قطعاً مادر مکتب اسلام، انسان را به عظمتی شناخته‌ایم که این هستی را زیر پا دارد پس شکوفا کردن استعداد های این انسان عظیم بر عهده هادی و مربی‌ای است که وجودی دارد عظیم‌تر و وسیع‌تر از او، وجودی آگاه از انسان و استعداد های بی‌نهایت او و محیط به همه‌ی قوانین عالم!^۱

خداوند ارشاد و راهنمایی این انسان را بر خود واجب کرده است؛ چنان‌که در سوره لیل می‌فرماید: «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ»^۲ شأن مربی‌گری انسان‌ها، بلکه تمامی پدیدارها نیز از آن خداوند است: «زَبَّ السَّقَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمٰنِ»^۳ در این مربی‌گری رحمت و دلسوزی نهفته است؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»^۴ وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ»^۵ و پیامبران الهی همواره در صدد معرفی این مربی توانا بوده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۶

برخی از وساطتی که خداوند به وسیله‌ی آن انسان‌ها را هدایت می‌کند عبارت‌اند از:

- کتاب؛ خداوند درباره قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ نَسَرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ»^۷ ما قرآن را آسان کردیم تا به وسیله آن متذکر شوند و خدای تعالی و شتون او را یاد آورند، آیا متذکری هست که با قرآن به خدا ایمان آورد و به دین حق و برنامه زندگی که به آن دعوت می‌کند متدبین شود؟! قرآن بسان سفره‌ای است که از شرق تا غرب عالم گسترده شده و هر انسانی با هر سطحی از ذخیره دانایی و سعه وجودی و در هر برهه زمانی، از هنگامه وحی تا قیامت می‌تواند در حیطه مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و خلاصه در خصوص مسائل زندگی هر دو عالم از آن بهره گیرد.^۸

- اولیاء؛ سرسپردگی و عشق به معصومین موجب هدایت می‌شود. خداوند در این باره می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ

أُمَّةً يَتَّبِعُونَ بِأَمْرِنَا...»^۹ و آنان را پیشوای مردم ساختیم تا (خلق را) به امر ما هدایت کنند.

۱. صفای خاوری، مسئولیت و سازندگی، ص ۵۰

۲. سوره لیل، آیه ۱۲.

۳. سوره نبا، آیه ۳۷.

۴. سوره کهف، آیه ۲۹.

۵. سوره انفص، آیه ۱۲۳.

۶. سوره آل عمران، آیه ۵۱.

۷. سوره فجر، آیه ۱۷.

۸. تلمیح خمینی، صحیفه امام ج ۱۴، ص ۳۸۸ و ۳۸۷.

۹. سوره انفص، آیه ۹۰.

پروردگارتان دانتر است به کسی که به هدایت نزدیک تر است. «شاکله» به معنای ساختار و بافت روحی انسان است که در اثر وراثت و تربیت و فرهنگ اجتماعی برای انسان پیدامی شود.^۱

والدین چگونه می‌توانند به شایستگی این نقش را ایفا کنند؟

رسول خدا(ص) فرمودند: «الشعیذ من سعید فی بطن أمه، والشقی من شقی فی بطن أمه»^۲ علاوه بر اینکه قانون وراثت، صفات پدر و مادر را به فرزند منتقل می‌کند، از همان زمانی که کودک در شکم مادر پرورش پیدامی یابد، با روحیات او بزرگ می‌شود؛ بنابراین پدر و مادر باید مواظبت کنند.^۳

سپس لزوم رعایت قاعده‌ی «کُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ الْمَسْتَبْتِكُمْ لِيُرَوْا بِكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِحْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْحَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ»^۴ مردم را با غیر زبان خود (به مذهب خویش) دعوت کنید تا پارسایی و سخت‌کوشی و نماز و خوبی را از شما بیینند؛ زیرا این‌ها خود مبلغ‌اند. کودک امانتی است در دست پدر و مادر که مانند موم از همه نقش‌ها خالی است. او آینه تمام‌نمای خانواده خویش است که هر خوبی و بدی و هر آنچه را که از آن‌ها می‌بیند و می‌شنود، در خود منعکس می‌سازد.^۵ پدر و مادر باید چنان در رفتار و اخلاق دستورات فاجر اسلام را به نمایش درآورند که فرزندان مجذوب آنان شوند و سپس به آرمان و عقاید چنین والدینی گرایش یابند. تعلیم از راه زبان تنها با افکار و ادراکات بشر سروکار دارد ولی عمل تا اعماق روح بشر نفوذ نموده، قلب و احساسات او را تحت تصرف خویش درمی‌آورد. سخن از زبان بیرون می‌آید و از گوش می‌گذرد؛ ولی عمل، انعکاسی عمیق در روح پدید می‌آورد.^۶

والدین خوب کسانی‌اند که علاوه بر ایمان و اخلاق حداقل دارای سه مؤلفه اساسی باشند: آگاهی از شیوه تربیت، وقت گذاشتن و حوصله کافی برای اجرای آنچه نسبت به آن آگاه شده‌اند و توکل بر خدا.

پدر و مادر باید تمام تلاش خود را در امر تربیت و بیدار کردن هدایت‌گر درونی یعنی فطرت و ایجاد زمینه برای شکل‌گیری عوامل مؤثر در هدایت انجام دهند؛ اما باید بدانند، نمی‌توانند مطمئن باشند که فرزندشان حتماً صالح و سعادتمند می‌شود. قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَفِيرٌ

۱. بعضی شاکله را به معنای فطرت گرفته‌اند؛ در حالی که فطرت‌ها یکدست و ثابت است و آنچه در انسان‌ها متفاوت است، تکوینها، خلق و خوی، عادات و بافت فکری و خانوادگی فرد است و عمل هر کس هم در گروه آن‌هاست. قرآنی، تفسیر نور، ذیل آیه‌ی ۸۴ سوره اسراء.

۲. پانصد، نهج الفصاحه، ص ۵۳۰.

۳. مقصود، نداشتن دلخنده انجام واجبات و ترک محرمات است. باید منتظر عصمت بود تا بجهت‌دار شد. اگر بنا باشد که در انتظار عصمت بنشینیم چیزی نمی‌گذرد که نسل مسلمانان منقرض می‌شود. باید تلاش کرد که گناه نکرد و اگر گناه کردیم خیلی زود توبه کنیم. به این حالت می‌گویند دلخنده انجام واجبات و ترک محرمات.

۴. کلیس، مصطلوی، کافی، ج ۲، ص ۷۸.

۵. امام غزالی، کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۳۷.

۶. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۱۸۲.

مِثْمُمْ فَاِیْسُقُوْنَ^۱ نوح و ابراهیم را فرستادیم و در نسل آنان دو پیامبر و کتاب قرار دادیم، بعضی از ذریه نوح و ابراهیم هدایت شدند و بسیاری از نسل آن هافاسق گشتند؛ بنابراین مانه تنها در تربیت فرزند، بلکه در تمام ابعاد زندگی باید وظیفه خود را انجام دهیم، نتیجه هر چه شد بر عهده ما نیست؛ چنان که خداوند نیز به پیامبر (ص) می فرماید: «إِنَّمَا أَلِتْ لَنَبِيِّكَ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكَلِيمٌ^۲ توبه و وظیفه ات عمل کن، باقی امور را به خداوند واگذار».

راهم کردن زمینه برای تحقق عوامل جلب هدایت الهی و دفع موانع آن، کسب لقمه حلال، تدارک محیط پاک، دوست سالم و استاد خوب از دیگر وظایف والدین است که در ادامه بررسی می شود.

برخی از آنچه در قرآن به عنوان عوامل تحقق جلب هدایت الهی و دفع موانع ذکر شده و وظیفه والدین فراهم کردن یا برچیدن زمینه تحقق آنهاست اجمالاً عبارت اند از:

ایمان به خدا و اعتصام به او؛^۳ عمل صالح؛^۴ ایمان به خدا و رسول و تبعیت از پیامبر (ص)؛^۵ تسلیم بودن؛^۶ توبه، اصلاح و جبران گذشته؛^۷ پیروی از مؤمنان؛^۸ تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان و خشیت از خدا؛^۹ شرح صدر؛^{۱۰} صبر بر مصیبت ها؛^{۱۱} جلب رضای خداوند؛^{۱۲} جهاد؛^{۱۳} اقامه نماز و پرداخت زکات؛^{۱۴} تلاوت قرآن؛^{۱۵} شنیدن سخن حق و پیروی کردن از آن؛^{۱۶} و...

۱. سوره حدید، آیه ۲۶.

۲. سوره هود، آیه ۱۲.

۳. سوره نساء، آیه ۱۷۵.

۴. سوره بونس، آیه ۹.

۵. سوره اعراف، آیه ۱۵۸.

۶. سوره آل عمران، آیه ۲۰.

۷. سوره آل عمران، آیات ۸۶ و ۸۹ سوره شوری، آیه ۱۳.

۸. سوره نساء، آیه ۱۱۵.

۹. سوره بقره، آیه ۱۵۰.

۱۰. سوره انعام، آیه ۱۲۵.

۱۱. سوره بقره، آیات ۱۵۵-۱۵۷.

۱۲. سوره مائده، آیات ۱۵ و ۱۶.

۱۳. سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۱۴. سوره لقمان، آیات ۴ و ۵.

۱۵. سوره نمل، آیه ۹۲.

۱۶. سوره زمر، آیه ۱۸.

برخی زمینه‌های محرومیت از هدایت عبارتند از: غفلت و اعراض از ذکر خدا،^۱ انحراف از مسیر حق،^۲ ایمان نیاوردن به آیات خدا،^۳ پیروی از راه‌های انحرافی و گمراه‌کننده،^۴ فسق و گناه،^۵ لجاجت و خود را به نادانی زدن،^۶ پافشاری در مخالفت با حق و شکاکیت^۷ و دروغ پردازی،^۸ هواپرستی به معنای نادیده گرفتن وظایف و پیروی از غرایز^۹ و...

نقمة حلال

«كسبُ الحرامِ تبيينٌ في الذنوبِ»^{۱۱} مال حرام در فرزندان آشکار می‌شود و روی آن‌ها اثر می‌گذارد.

مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «چون غذای حرام به شکم وارد شد مصداق آیه «وَالَّذِي خَبَثَ لَا يُخْرِجُ إِلَّا كَيْدًا»^{۱۲} خواهد بود که از خبیث چیزی جز خبیث خارج نشود و قوت یافتن و بسته شدن نطقه‌ای که با لقمه حرام بسته و رشد یافته چیزی جز خیانت نیست»^{۱۳} لقمه حلال، انسان حرام‌زاده را حلال‌زاده می‌کند و بالعکس لقمه حرام، انسان حلال‌زاده را حرام‌زاده می‌کند.^{۱۴}

در احادیث علت بسیاری از ناهنجاری‌ها، تجاوزها، ظلم‌ها و مصداقاً گوش ندادن لشکر دشمن در صحرای کربلا به سخنان ایشان و حمله به آن بزرگوار، لقمه‌ی حرام معرفی شده است. امام حسین (ع) در روز عاشورا به لشکریان عمر سعد فرمودند: «لَقَدْ مَلِئْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طَبِعَ عَلَي قُلُوبِكُمْ وَبَلَّغْتُكُمْ إِلَّا تُنصِفُونَ إِلَّا تُسْفَعُونَ»^{۱۵} شکم‌هایتان از حرام پر شده و بر دل‌هایتان مهر خورده، دیگر حق را نمی‌پذیرید»^{۱۵}.

۱. سوره کهف، آیه ۵۷.

۲. سوره صف، آیه ۵.

۳. سوره نحل، آیه ۱۰۴.

۴. سوره نعام، آیه ۱۵۴.

۵. سوره نوبه، آیه ۸۰.

۶. سوره حجر، آیات ۱۲ و ۱۳.

۷. سوره روم، آیه ۵۹.

۸. سوره غافر، آیه ۳۳ و ۳۵.

۹. سوره غافر، آیه ۲۸.

۱۰. سوره جاثیه، آیه ۲۳.

۱۱. کلیسی، مصطفوی، کافی، ج ۵، ص ۱۳۴.

۱۲. سوره اعراف، آیه ۵۸.

۱۳. نهاوندی، خزینه الجواهر فی زینت المنابر، ص ۳۳۰.

۱۴. ری شهری بابگانی، کیمیای محبت، ص ۶۳.

۱۵. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۸.

محیط

خانواده نخستین محیط اجتماعی انسان و مهم‌ترین کانون پرورش و تربیت کودک است و بدون تردید اصلی‌ترین پایه‌های تربیتی فرزند، ریشه در این محیط دارد. اگر محیط خانواده مطلوب باشد، هرچند تعداد فرزند در این محیط، به نیکویی تربیت می‌شوند. یک خانواده خوب حتی در یک جامعه بد هم می‌تواند فرزند خوب تربیت کند. پدر و مادر پس از فراهم کردن محیطی امن، صمیمی و متعالی در خانواده موظف‌اند در زمان نیاز فرزندان به حضور در اجتماعی بزرگ‌تر، زمینه‌ی حضور آنان را در محیط‌های مناسب با پشتوانه‌های قوی اعتقادی و فرهنگی فراهم آورند و با شیوه‌های صحیح، ارتباطاتشان را کنترل کنند و دست‌بزرگان آن محیط‌ها قرار دهند و به این ترتیب سرمایه‌ی بزرگ برای تربیت آنان فراهم آورند؛ چراکه بخش مهمی از شخصیت فرزندان را حرف‌ها و رفتارهای معلم یا اساتید آن‌ها می‌سازد. در محیط خوب و البته با اهتمام والدین، زمینه یافتن دوست خوب نیز برای فرزندان مهیا می‌شود.

وقتی صحبت از محیط مناسب می‌شود عده‌ای فکرشان به سمت بالاشهر و پایین‌شهر می‌رود و از این دغدغه که هزینه‌ی استقرار در مکان‌های بالا را ندارند، سخن می‌گویند؛ اما منظور از محیط مناسب، بالاشهر و پایین‌شهر نیست. قطعاً در هر محله‌ای مکان‌های مناسبی به لحاظ فرهنگ و اعتقاد و اجتماع وجود دارد. مثلاً مسجد یک محل، محیطی امن و بزرگان و نخبگان و جوانان این محیط، سرمایه‌ای برای تربیت فرزند اتمان هستند.

دوست

انسان موجودی است اجتماعی و طبیعت زندگی اجتماعی، اقتضا دارد که آدمی با سایر افراد بشر هم‌زیستی داشته باشد تا علاوه بر رفع نیازمندی‌های گروهی و فردی خویش، بتواند از طریق معاشرت با دیگران، نشاط روحی و معنوی خود را حفظ کند و در نتیجه، انسانی متعادل و مثبت در جامعه باشد.

در اهمیت دوست همین بس که امام علی (ع) به فرزندانشان می‌فرماید: «فرزندم نخست دوست، سپس راه».^۱ همین بس که انسان‌ها در دوزخ قبل از اینکه به یاد خویشاوندان و بستگان خود باشند به فکر دوستان مددکار می‌افتند و حسرت می‌خورند که در این موقعیت مشکل، چرا دوستانی حمایت‌کننده ندارند «فما لنا من شافعیین ولا ضدیقی خمیب»^۲ در این روز سخت، نه شفیعیم داریم که شفاعت‌مان کند و نه دوستی که از ما حمایت نماید و البته حسرتی دیگر که «یا وئلی لیثی لم آخذ فلانا خلیلاً»^۳ رفیق بد، موجب حسرت انسان، حتی در آخرت و باعث پشیمانی و

۱. محتوی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ح ۷۳۶۸.

۲. سوره شعراء آیه ۱۰۱.

۳. سوره فرقان، آیات ۲۷ و ۲۸.

ضررهای دائمی و جبران ناپذیر است؛ چنان که رسول حق (ص) فرمودند: «انسان یردین دوستش است؛ پس بنگرید که شخص با چه کسی دوست است».^۱

پس از روشن شدن اهمیت دوست و دوستی، این بحث مطرح است که چه کسانی را دوست خویش قرار دهیم و با چه اشخاصی دوستی نکنیم؟

از نظر آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، هر شخصی صلاحیت دوستی ندارد.

خصوصیاتی برای افراد شایسته‌ی دوستی بیان شده است که اجمالاً عبارت است از:

- همواره یاد خدا؛ علاوه بر اینکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعِشِيِّ

يُرِيدُونَ وَجْهَهُ»^۲ در روایتی آمده است هنگامی که از حضرت عیسی (ع) سؤال شد با چه کسانی معاشرت کنیم، فرمودند: «با کسانی معاشرت کنید که هرگاه آنان را می‌بینید، خدا را به یاد آورید و منطبق و عقلشان، موجب زیادی عمل شما و عمل آنان، موجب رغبتتان به آخرت گردد».^۳

- عاقل؛ امام علی (ع) فرمودند: «با انسانی که عقلش ضعیف است، رفاقت مکن؛ زیرا او عمل زشت خویش را برای تو زیاجلوه می‌دهد و ممکن است تو هم مثل او شوی».^۴

- محبوبه خدا؛ خداوند در قرآن کریم انسان‌های محبوب خود را معرفی نموده است و چه نیکوست دوستی با کسانی که دوست و محبوب پروردگارند. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۵ «يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^۶ «يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^۷ «يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»^۸ «يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^۹ «يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^{۱۰} و...^{۱۱}

افرادی که شایستگی دوستی ندارند اجمالاً عبارت‌اند از:

- دشمنان خدا؛^{۱۲} کسانی که انسان را غافل کنند؛ کسانی که در برابر خدا و رسول او موضع گرفته‌اند؛^{۱۳}

۱. «المرة علی دین خلیفه فلینظر احدکم من ینظر الی مجلس، بحر الأثور، ج ۷۴، ص ۱۹۲.

۲. مستطاری، همان سعادت.

۳. سوره کهف، آیه ۲۸.

۴. علامه مجلسی، بحر الأثور، ج ۷۷، ص ۱۴۷.

۵. علامه مجلسی، بحر الأثور، ج ۷۴، ص ۱۹۹.

۶. مستطاری، همان سعادت، ص ۵.

۷. سوره بقره، آیه ۱۹۵، سوره آل عمران، آیه ۱۳۴، سوره مائده، آیه ۱۳.

۸. سوره بقره، آیه ۲۳۲.

۹. سوره آل عمران، آیه ۷۶.

۱۰. هطن، آیه ۱۲۶.

۱۱. هطن، آیه ۱۵۹.

۱۲. سوره مائده، آیه ۲۴.

۱۳. سوره متجه، آیه ۱.

- کسانی که محبوبه‌ی خدا نیستند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْتِنِينَ»^۱ لَا يُحِبُّ كُنْ كَفَّارًا أَيْمًا،^۲ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ،^۳ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ،^۴ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُجُورًا،^۵ لَا يُحِبُّ عَنْ كَانَ خَوَّانًا أَيْمًا،^۶ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَاهِلَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ و...»^۷

- کسانی که مورد غضب خداوند هستند: «کسانی که به خاطر دین با مسلمانان در ستیزند»^۸

- بی‌باکان، احمقان و دروغ‌گویان؛ از امام صادق (ع) نقل است که امیر المؤمنین (ع) فرمودند: «برای مسلمان سزاوار است که از رفاقت با سه کس اجتناب کند: بی‌باک (در گفتار و کردار و هرزه) و احمق و دروغ‌گو، اما شخص بی‌باک و هرزه، کار خود را برای تو زینت دهد و دوست دارد که تو هم مانند او باشی و در کار دین و آخرتت تو را یاری نکند و رفاقت با او جفا و سخت‌دلی آورد و رفت و آمدش برای تو ننگ و عار است و اما احمق، پس او به خیر و خوبی تو دستور ندهد و در دفع شر از تو امیدی به او نیست اگر چه خود را به تعب و رنج اندازد و چه بسا بخواهد که به تو سودی برساند (ولی به واسطه حماقتش) به تو زیان رساند، پس مرگ او بهتر از زندگی اش باشد و خموشی اش به از سخن گفتن است و دوزی اش به از نزدیکی است و اما دروغ‌گو، هیچ‌گاه زندگی به همراهی او بر تو گوارا نیست. گفته تو را نزد دیگران برد و حدیث دیگران را نزد تو آورد و هرگاه داستانی را به آخر رساند داستان دیگری به دنبالش افزاید تا آنجا که بسیار است گوید ولی باور نکنند و در میان مردم دشمنی اندازد و در سینه مردمان کینه‌ها برویاند، پس از خدا بترسید و خود را بپایید (که با چه کسی رفاقت می‌کنید و طرح دوستی می‌افکنید)»^۹

- قطع کنندگان رحم؛ امام صادق (ع) فرمودند: «پدرم امام سجاد (ع) مرا نصیحت فرمود که ای پسر من! از رفاقت با

کسانی که قطع رحم می‌کنند، بپرهیز؛ زیرا من آن‌ها را در قرآن شریف سه بار مورد لعن و نفرین پروردگار یافتیم»^{۱۰}

۱. سوره فرقان، آیه ۲۷.

۲. سوره مجاثله، آیه ۲۲.

۳. سوره بقره، آیه ۱۹۰.

۴. همن، آیه ۲۰۵.

۵. همن، آیه ۲۷۶.

۶. سوره آل عمران، آیه ۳۳.

۷. همن، آیات ۵۲ و ۱۴۵.

۸. سوره نساء، آیه ۳۶.

۹. همن، آیه ۱۰۷.

۱۰. همن، آیه ۱۴۸.

۱۱. سوره ممتحنه، آیه ۱۳.

۱۲. همن، آیه ۹.

۱۳. کلیس، مصنفی، کافی، ج ۴، ص ۸۵.

۱۴. الحویزی، تفسیر نورالقلین، ج ۱، ص ۲۵.

- عیب جویان؛ امام علی (ع) فرمودند: «ارفاقت و نشست و برخاست یا کسانی که عیب جو هستند و همیشه به دنبال نقاط ضعف دیگران اند، پرهیز کن؛ زیرا دوست چنین اشخاصی، از ضرر آنان سالم نمی ماند و خود نیز طعمه عیب جویی های آنان خواهد گشت»^۱.

- حسودان؛ حضرت علی (ع) می فرمایند: «لئن الرفیق الخسود» بدترین دوستان، حسودانند» و...

رفیق در دین انسان تأثیر بسزائی دارد،^۲ پس باید متوجه باشیم با چه کسی رفاقت می کنیم. مخصوصاً این که هر کس را از آنکه دوست اوست می شناسند.^۳ امام صادق (ع) فرمودند: «مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الْعَطَّارِ إِنْ لَمْ تُصِبْ مِنْ عَطْرِهِ، أَوْ قَالَ: لَمْ يُعْطِكْ مِنْ عَطْرِهِ أَصْنَبَتْ مِنْ رِيحِهِ»^۴ مثل همنشین شایسته و خوب، مثل عطار است که اگر از عطر خودش هم به تو ندهد ولی از بوی خوش او به تو می رسد و مثل همنشین بد، همچون کوره پز آهنگری است که اگر لباس تو را هم نسوزاند، ولی بوی کوره به تو می رسد».

اگر انسان در تمام عمر خویش در صدد یافتن رفیقان عاقل و خالص باشد، ضرر نکرده است؛ زیرا یک دوست خوب، می تواند سرنوشت آدمی را در دنیا و آخرت تغییر داده، موجب سعادت وی گردد. مسئله‌ی دوستی مسئله‌ی ساده نیست، در این بین نقش والدین، ایجاد زمینه‌ی مناسب و صحیح جهت انتخاب دوست شایسته برای فرزندان است. والدین با آموزش‌ها و تبیین اهمیت دوست‌یابی برای فرزندان و نیز با محیط و معاشرت‌هایی که بر می‌گزینند می‌توانند آنان را در جهت انتخاب دوست یاری نمایند.

علم

«باقت انسان و قالب و تراش یک انسان مطلوب اسلام چیزی است که با تربیت حاصل می‌شود. همه‌ی انسان‌ها در معرض تغییر و تبدیلی هستند که با تربیت حاصل می‌شود، این در درجه‌ی اول به عهده‌ی چند عنصر اصلی است که یکی از عناصر اصلی معلم است».^۵ معلم اگر به وظیفه اش آگاه و عامل باشد، می‌تواند استعدادهای ذهنی و روحی را بارور کند و نفوس مستعده‌ی متربیان را مهذب سازد و بذریع‌ معنویت و مروت و مردانگی و انسانیت را در وجود آنان بکارد. این نقش از معلمی بر می‌آید که پیش از تربیت و تأدیب دیگران به تربیت و تهذیب نفس خویش همت گماشته باشد.

۱. نیرالحکوه ج ۱، ص ۱۶۰ و ۱۹.

۲. نیرالحکوه ج ۱، ص ۲۲۷.

۳. علامه مجلسی، بحر الانوار، ج ۱۳، ص ۱۹۲.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۲۹۳.

۵. هندی، کنز العمال، ج ۲۴۶۶.

۶. امام خسته ای، بیانات در دیدار مطبل و فرهنگیان سرسبز کشور، ۱۳۹۳/۰۲/۱۷.

در تاریخ نمونه‌های فراوانی از انسان‌هایی که زمینه‌های تربیتی نامناسب داشته‌اند اما با وجود یک مربی آگاه، توانستند به مقام والایی برسند وجود دارد. آیت‌الله مظاهری (ره) در کتاب «جهاد با نفس» چند نمونه از این تأثیرات را نقل می‌کند که در ادامه به یک مورد اشاره می‌شود. ایشان این گونه نقل می‌کنند: «زمانی که یزید از دنیا رفت، لباس خلافت را به اندام معاویه بن یزید پوشاندند و او را به عنوان خلیفه رسول‌الله (ص) به مسجد آوردند و وی را به نماز وادار کردند، او بعد از اقامه نماز منبر رفت و گفت خدا لعنت کند ابوسفیان را، خدا لعنت کند معاویه بن ابوسفیان را، خدا لعنت کند پدرم یزید را، این‌ها خیلی ظلم کردند. ابوسفیان جنایت‌ها کرد، معاویه غصب خلافت نمود، پدرم یزید قاتل میوه دل زهر (س)، امام حسین (ع) است و این ننگ برای بنی‌امیه و برای اسلام است. آخر کار گفت مردم! من لیاقت خلافت را ندارم، خلیفه شماعلی بن الحسین (ع) است. مادرش عصبانی شد و گفت که ای کاش یک لخته خون شده بودی و اصلاً به دنیا نیامده بودی، همان جا گفت: مادر چه خوش می‌گویی، ای کاش یک لخته خون بودم و به دنیا نیامده بودم تا این ننگ برای من باشد که من پسر یزیدم و نوه معاویه بن ابوسفیان هستم. از منبر به زیر آمد و وارد اتاقی شد. دیگر از آن اتاق بیرون نیامد و بالاخره آنجا ماند تا دق کرد و از دنیا رفت. درباره معاویه مطالعه کردند که چرا این طور شد. بعد از ریشه‌یابی دیدند یک معلم، او را عوض کرده است. معنای این که معلم او را عوض کرده یعنی قانون وراثت، قانون محیط، قانون تغذیه را خشی کرده است.»

منظور از معلم، تنها معلم به معنای جا افتاده‌ی امروزی در مدارس نیست؛ بلکه یک روحانی مسجد، یک مربی در کانون‌های فرهنگی مساجد و حتی یکی از اقوام می‌تواند نقش مربی را برای فرزند انعمان بازی کند.

اراده

علاوه بر موارد مذکور یک انسان با اراده می‌تواند تمام قوانین ضد دینی و فطری، قانون وراثت، قانون تغذیه، قانون محیط و قانون تعلیم و تعلم را خشی کند. آیت‌الله مظاهری (زیدعزه)، بشر حافی را بعنوان کسی که در پیری همه قوانین‌ها را خشی کرد مثال می‌زند. روزی موسی بن جعفر (ع) از درب خانه‌ی او رد می‌شدند، دیدند صدای ساز و آواز از خانه بشر بلند است. موسی بن جعفر (ع) ناراحت شدند، در همان حین کنیز بشر آمده بود بیرون خاکروبه بریزد، از کنیزش پرسیدند صاحب این خانه آزاد است یا بنده؟ گفت: آقای من آزاد است. اینجا منزل بشر است. موسی بن جعفر (ع) فرمودند: بله، آزاد است که این کارها را انجام می‌دهد، اگر بنده خدا بود که چنین نمی‌کرد. کنیزک آمد بشر از او پرسید با که حرف می‌زدی؟ قضایا را گفت. این سخن بشر را متقلب کرد، پابره‌ته آمد دنبال موسی بن جعفر (ع)، دست ایشان را بوسید و گفت آقا پشیمانم. به دست موسی بن جعفر (ع) توبه کرد، حافی توانست قانون وراثت و محیط و رفیق بد و... را خشی کند.^۱

۱. مظاهری، جهاد با نفس، ص ۳۶.

بنابراین تأثیر پدر و مادر، لقمه حلال، دوست، محیط، معلم، تنها زمینه‌ساز و به نحو دخالت و اقتضا است، نه علت تامه اصل انتخاب مربوط به انسان است و باقی، علت مُعدّه هستند. انسان‌ها بر مبنای فطرتی که دارند بدی‌ها و خوبی‌ها را تشخیص می‌دهند. مؤیدش آن که خداوند در آیه ۱۷۳ سوره اعراف می‌فرماید: «أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ...» ربوبیت خود را نه تنها به پدران تنان بلکه به شعائز نشان دادیم تا روز قیامت نگویید: جز این نیست که پدرانمان پیش از ما شرک ورزیدند و ما پس از آنان فرزندان ایشان بودیم و اعتقادی جز شرک نمی‌شناختیم». خداوند حکیم با ودیعه نهادن اراده در وجود انسان‌ها آن‌ها را در برابر والدینی که با وظایف خویش آشنایستند ایمنی کرده است.^۱

بدین ترتیب تنها وظیفه‌ی پدران و مادران مهیا نمودن زمینه‌ها و باقی امر بر عهده خداست. «وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ».

چالش بانوان؛ نقش‌ها و اشتغالات

یکی دیگر از عوامل میل به کم‌فرزندگی و تأخیر در فرزندآوری بحث ترجیح انواع اشتغالات کاری، علمی و... بر امر مادری و خانه‌داری است. این ترجیح معلول آن است که متأسفانه امروز انواع اشتغالات را ظرف ظهور نقش‌ها قرار داده‌ایم؛ اما حقیقت آن است که این نقش‌ها هستند که باید تعیین‌کننده و بستر ظهور شغل و اشتغالات باشند. به راستی اساسی‌ترین نقش بانوان چیست...؟

در ادامه تلاش می‌شود به تبیین مختصر هر یک از این نقش‌ها و اشتغالات پرداخته و حل تزامن نقش‌ها و اشتغالات را پی‌گیریم.

جایگاه مادری

«اگر بنای آفرینش، انسان و جهان را به دو بخش کارهای ظریف و ریزه‌کاری و بخش کارهای مستحکم تقسیم کرده باشد، بخش اول که ظریف‌کاری‌ها، ریزه‌کاری‌ها، رشته‌رشته پروردن احساسات و عواطف بشر است، در اختیار زن است.

نقش مادر از دوران حمل و بارداری شروع می‌شود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. مردی که به دوران جوانی رسیده یا از دوران جوانی هم عبور کرده، باز تحت تأثیر عطرقت و محبت و شیوه‌های خاص مادرانه مادر است. اگر زنان از لحاظ رتبه و معلومات معرفتی و بینش، سطح خود را ارتقاء دهند، این نقش با هیچ نقش دیگری، با هیچ مؤثر دیگری از مؤثرات فرهنگی و اخلاقی تا آخر قابل قیاس نیست. مادر است که فرهنگ، معرفت، تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم، روح، خُلق و بارفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند.

گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است. هر جاسخن از تضعیف خانواده است، نقش این بخش مهم نادیده گرفته شده. هر جاسخن از بی‌اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند در آغوش پرمهر و محبت مادر است، این نقش نادیده گرفته شده. دنیای غرب این جرم بزرگ را دارد که این نقش را تضعیف کرده و در مواردی نادیده گرفته است. بخشی از بزرگی این گناه به این مربوط است که این حرکت فاجعه‌آمیز را با نام حمایت از زن انجام می‌دهد؛ در حالی که این حمایت از زن نیست، این خیانت به زن و خیانت به انسان است.

(در مقابل)، اسلام به معنای واقعی، زن را تکریم کرده است. اگر زوی نقش مادر و حرمت مادر در خانواده تکیه می‌کند، یا زوی نقش و تأثیر زن و حقوق و وظایف و محدودیت‌های زن داخل خانواده تکیه می‌کند، به هیچ وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند. عده‌ای بد و یا کج فهمیدند، یک عده‌ی مغرض هم از این کج فهمی استفاده کردند، کآنه یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد یا باید در تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند. قضیه این طوری نیست! هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه‌ی زهرا (س) مظهر چنین جمعی است.

تفهمیدن مفهوم تکریم زن در اسلام، همراه شده است با بدآموزی‌های القاء شده به عنوان تکریم زن در تمدن غرب. این‌ها با هم آمیخته شده و یک جریان غلط ذهنی و فکری را به وجود آورده‌اند.

باید در زمینه ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، باز نویسی و بازگویی و بازبینی کرده^۱ چراکه در صورت آسیب دیدن نقش مادری، همه منابع موجود بر روی این کره خاکی، روی هم رفته برای بزرگ کردن نسل جدیدی از کودکان متعذر کافی نیست.

نگاه اسلام به مادری دو بعد دارد: بعد تکلیفی و بعد حقوقی. از نظر تکلیف، حساس‌ترین و مهم‌ترین تکالیف بر عهده مادر است، به گونه‌ای که مادری را می‌توان یک رسالت دانست؛ زیرا نقش مادری، رسالت خطیر انسان‌سازی است. بعد دوم نگاه اسلام به مادری، بعد حقوق مادری است؛ اسلام حقوق بی‌بدیلی را برای مادران قائل شده و به شکلی منحصر به فرد از مقام مادر تجلیل نموده است.

مادری، برترین کاری است که یک زن می‌تواند انجام دهد و جز او هیچ موجود دیگری توان انجام آن را ندارد. اثبات برتری مادری یا همسری کردن برای یک زن نسبت به کارهای دیگر، مثل این است که بخواهیم ثابت کنیم بهترین کاری که یک نجار می‌تواند انجام دهد نجاری است نه آهنگری^۲ مناسفانه امروز و در نتیجه القای شعار برابری و نه عدالت و تزام نقش‌ها و برخی اشتغالات؛ نه زنان می‌دانند چه عظمت‌هایی را از دست می‌دهند و نه مردها می‌دانند چگونه فضای امن و پاک خانه از دست می‌رود.

بهرغم این واقعیت، ما نوعی اخلاق عمومی به وجود آورده‌ایم که در آن، همه تجلیل‌ها متوجه کار و موفقیت‌های خارج از خانه می‌شود و آن‌ها که به فرزندان خود اهمیت می‌دهند نسبت به کسانی که شغل خود را در اولویت قرار داده‌اند کم‌تر مورد احترام قرار می‌گیرند و احساس توانمندی روحی - روانی کم‌تری می‌کنند. برای مثال زنان برای یک اقدام متکبرانه و جذاب، بیش‌تر مورد تعریف و تمجید قرار می‌گیرند تا برای تربیت مناسب و

۱. امام خمینی، بیانات در دیدار جمعی از معاضین، ۱۳۸۴/۵/۵.

۲. عباس ولدی، اسطوره‌شناسی زنان باستان، تهران: نشر خاندان، ۱۳۸۴، ص ۹۲.

شکل دادن شخصیت یک انسان این اولویت‌بندی واقعاً اشتباه است. مطمئناً رضایت‌مندی شخصی ناشی از بزرگ کردن فرزندان، مثل همیشه فطری، ملموس و شدید است؛ اما اکنون نسبت به گذشته مقبولیت عمومی و تصدیق فرهنگی برای نقش والدین بسیار کم‌تر شده است. امروزه از لحاظ روانی خیلی سخت است کسی فقط مادر باشد. امروزه، بسیاری از نوزادان این کشور از عشق کافی مادرانه محروم‌اند چراکه فرهنگ ما، ماندن در خانه را در ماه‌ها و سال‌های حساس زندگی کودکان از نظر روانی برای مادران دشوار کرده است. اعتماد به نفس مادران به شغلشان وابسته شده نه به نقش مادری آنان و مادران بسیاری که ماندن در خانه را برمی‌گزینند، گاهی اوقات هزینه سنگینی را برای اثبات شخصیت خود می‌پردازند.^۱

جابگاه مادری به قدری بالاست که امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «بانوان، رهبر نهضت ما هستید، ما دنباله آن‌ها هستیم. من شما را به رهبری قبول دارم و خدمتگزار شمایم. خداوند شما را برای اسلام حفظ کند».^۲ مادر یک شغلی دارد که همان شغل انبیاست، این شغل بزرگ‌انیا را در نظر مادرها کوچک کردند. این که اصلاً انبیا آمده‌اند، خدای تبارک و تعالی منت گذاشته است بر مردم به این که پیغمبری از خود مردم فرستاده است تا این که تزکیه بکند بچه‌های مردم را. شغل انبیا این است که مردم را تزکیه بکنند، آدم بکنند، این همانی است که مادر باید بکند.^۳

اگر مادر به عنوان عامل انس فرزندی در زندگی فعال نباشد چه کسی به کودکان راه نشان دهد و دلشان را جهت‌دهی کند؟ هر جا که جوانان، جوانانی تربیت‌پذیر نیستند، ریشه‌ی آن را باید در ضعف نقش مادران آن‌ها جستجو کرد. در شرایط امروز که عموماً پدر و مادر در اداره هستند، معلم هم با حجمی زیاد از کتاب رو بروست که باید در طی یک سال درس بدهد، چه کسی با فرزندان انس بگیرد؟ وقتی مادران نتوانند نقش اصلی خود را انجام دهند، نه نتیجه کار پدران مفید است و نه نتیجه‌ی کار معلمان. کودکان و جوانان خودشان می‌مانند و خودشان، مثل یک علف خودرو، بی‌کس و بی‌یاور و عاصی و سرکش. خاتم کارمندی که مادری خود را در خرید انواع اسباب بازی‌های گران قیمت جستجو می‌کند، عملاً مادری خود را به فرزندان‌ش هدیه نداده، حقوق خود را به آن‌ها هدیه داده است. چیزهایی هست که گفتنی نیست ولی باید نسل‌ها بدانند و آن چیزها بانفوذ در سینه مادرها و مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها به دست می‌آید. جایی که نسل جوان باید بدون الفاظ و کلمات سخن‌هایی را بیابند، در دوران کودکی است، آن هم با انس طولانی با مادر، آن هم مادری که صد تا کار ندارد که یکی از آن‌ها مادری است. ما تادر جامعه‌مان کسی را نداشته باشیم که این نسل بتواند از طریق انس طولانی، از درون سینه او و از طریق بروز احساسات حرف بگیرد، این نسل خود را مقید به هیچ قیدی نمی‌داند و بنابراین نسلی عاصی و سرگردان خواهد بود و راه نجات آن هم

۱. گروه نویسندگان و جلی - منی، چه کسی گهواره را تکان خواهد داد؟ ص ۱۰۵.

۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۳۲.

۳. همان ج ۹، ص ۱۳۷.

چیزی جز تجدید نظر کلی نسبت به نقش زنان نیست و گرنه ما می‌مانیم و کودکان سرگردان و عاصی و زنان بی‌مسئولیت و آرزوزده و مردان بی‌مسئولیت.^۱ ممکن است مهدهای کودک بتوانند از نظر نظم رفتار و گفتار، کودکان ما را رام‌تر کنند ولی از آنجایی که انسان‌ها با دلشان زندگی می‌کنند، باید مادران با دلسوزی خاص خود دل‌های کودکان را جهت دهند و این کار از هیچ کس و هیچ جا به معنی خاص آن بر نمی‌آید. تربیت حقیقی انسان‌ها، مخصوص مادران است و فقط مادران‌اند که با غریزه‌ی مادری عمل می‌کنند، حتی آن مادرانی که می‌خواهند با تخصص تعلیم و تربیت خود عمل کنند بعضی جوانب را نادیده می‌گیرند. هرچند آن تخصص در جای خود برای جامعه مفید است، ولی کودک مادر می‌خواهد نه متخصص تعلیم و تربیت.^۲

«تربیت فرزند به وسیله‌ی مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست. با رفتار، با گفتار با عاطفه، با نوازش، با لالائی خواندن است، با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت می‌کنند. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد.»^۳ باید باور داشت که همان‌طور که کودک با هدایت باطنی و الهی می‌داند چگونه پستان مادرش را بکشد، اگر مادران در بستر طبیعی خود قرار گیرند به کمک همان هدایت باطنی و الهی به بهترین نحو وظیفه خود را انجام می‌دهند؛ اما اگر زنان ما پدر شدند، دیگر روحشان زمینه‌ی تلقای هدایت‌های باطنی را از دست می‌دهد و کودکان آن‌ها از اساسی‌ترین ارزش‌ها که همان تربیت مادرانه است محروم می‌شوند. اگر شخصیت زن یک شخصیت اقتصادی شد، به همان اندازه از مادری خارج شده است.^۴

امام خامنه‌ای (دام‌الله) می‌فرماید: «کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیر دادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی متوقف به وجود آن‌ها هم نیست، رها می‌کنند، دچار اشتباه شده‌اند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند. هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن‌چنان بار بیاورد که این موجود انسانی سجه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و امریکا به آن

۱. ماهرزاده فرزندم این چنین باید بود، ص ۵۶۱.

۲. همان، ص ۸۵۰.

۳. امام خامنه‌ای، بیانات بر دیوار جسمی از مناظرات، ۱۳۹۲، ص ۲۱۱.

۴. ماهرزاده فرزندم این چنین باید بود، ص ۹۴.

گرفتارند، باز آمده باشد.^۱ جامعه باید اهمیت نقش والدین را دوباره کشف کند. برای مقابله با کاهش قدر و منزلت زنان، کودکان و خانواده‌ها اهمیت مادری باید دوباره ارزیابی شود.

چیستی و ارزش خانه‌داری

از نظر امام خامنه‌ای (دام‌الله) یکی از مهم‌ترین وظایف زن، «خانه‌داری» است. ایشان می‌فرمایند: «نه این که زن‌ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند، نه! اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می‌شود گناه. خانه‌داری یک شغل است. شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز»^۲

خانه داری و یا عبارتی «مدیریت خانه» یعنی مدیریت معرفتی، عاطفی و احساسی خانه، ایجاد مؤانست و تأمین و رضایت و شور به زندگی و نیز فرزندآوری و مدیریت سنگین تربیتی آن.^۳ بنابراین هرکسی در خانه ماند، خانه‌دار نیست. زن در صورتی شایسته‌ی نام مقدس و متعالی خانه‌دار است که دو وظیفه‌ی آرامش بخشی و مادری خود را به بهترین شکل انجام دهد. زنی که در خانه است، وقتش را به بطالت میگذراند و وقتی هم همسر به منزل می‌آید مایه‌ی زجر روحی او می‌شود، و مادری که در خانه است اما وقتش را صرف تربیت و پرورش فرزند نمی‌کند، در خانه مانده است نه خانه دار!^۴

ضمن اینکه خانه‌داری به معنای خانه نشینی نیست و با فعالیت اجتماعی بانوان با هدف اثرگذاری و رشد منافع ندارد. متأسفانه امروز نگاهی که زن به جایگاه خود در خانواده دارد مثبت نیست. او با کارهایی که در خانه انجام می‌دهد احساس رشد نمی‌کند. آقای عباسی ولدی به خوبی تبیین می‌نمایند: «برخی فکر می‌کنند اگر یک کار و شغل مشخص و یا درآمد معینی داشته باشند ولو برای این منظور به هر آسیب و تباهی و مصیبتی برسند، مفیدند! و گرنه خیر! مفید بودن با چیست؟ اگر خانمی با ظرفیت روانی وسیع، باعث ایجاد آرامش در خود و در زندگی‌اش باشد، مفید نیست؟! اگر زنی با میل به مادر شدن و کسب آگاهی در مورد اصول تربیت‌های لازم برای مدیریت فرزند، مادری کند، مفید نیست؟! آیا امروزه که زنان زیادی به تحصیل و مشاغل روی آورده‌اند، خودشان، زندگی‌شان، سرنوشتشان، نتایج اجتماعی این حضور و... به مفید بودن‌ها منجر شده است؟!»

۱. امام خمینی، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. امام خمینی، بیانات در دیدار جمعی از مدافعان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱.

۳. حضور اجتماعی و نقش‌های زنانه امین کنوری، ص ۱۶۷، حبشی، سایت شهلا.

۴. عباسی ولدی، نشان‌های اسلامی زنان، خانه‌داری، اشتغال؟ ص ۱۲۶.

برخی خیال کرده‌اند «ارزش» انسان به این است که یادرس بخواند و یا شاغل در کاری باشد! در حالی که ارزش حقیقی انسان در این است که اولاً معرفت داشته باشد به این که کارش در دنیا چیست؟ و فرصت عظیم عمر را سرگرم در آموزشی نماند که برای فردای معادش ارزش ندارد. کار دیگری که ارزش آدمی را ممکن می‌کند این است که به نقش‌ها و کارکردهایی که خداوند به آن دعوت کرده است توجه کند. خدازن رازن آفرید که همسری و مادری را در دامانش بگذارد و به او قلب و روح و لطافت و احساسی بخشید که از آن‌ها برای این کارکردهای مهم بهره‌بردار نه این که به دنبال شغل‌ها و مدرک‌ها باشد. کار سوم، ظرفیت‌سازی روانی و وسعت وجودی است. وسعتی که بتواند برکت‌های بزرگ و درشت‌بندگی خدا را در ما ممکن کند. نه این که از حرص و رنج چنان تشدم و این راه به دست نیاوردم بسوزیم و بشویم یک آدم تحریک‌پذیر، حساس و زودرنج و کم‌تحملی که حوصله خودمان را هم نداریم. باید به این ارزش‌های حقیقی بازگشت، خاتم‌خانه‌داری که در خود احساس عقب‌ماندگی می‌کند، اگر نگاهش را به هویت خود و جایگاهش در این عالم اصلاح نکند نمی‌تواند از این احساس آزاردهنده خلاص شده.^۱

چه عواملی باعث می‌شود یک خانم از خانه‌داری خود ناراضی باشد؟

- برتری اقتصاد بازار بر اقتصاد پایه: از زمان پدید آمدن انقلاب صنعتی و ظهور کارخانه‌های صنعتی، به اشتغال و ارزش اقتصادی زن بها داده شد و در مقابل، اعتبار مادری او را کم کردند و به اینکه او مربی باروح لطیف و مناسب برای تربیت اولاد است، کمتر توجه شد. این در حالی است که تربیت و پرورش کودک بسیار مهم و جزو نیازهای اساسی یک جامعه است. اقتصاد بازار یعنی درآمد پرتی، اقتصاد پایه یعنی گذران زندگی. آقای رژه‌گاردی می‌گوید: «وقتی اقتصاد بازار بر اقتصاد پایه برتری پیدا کرد اعتبار و موقعیت زن در تمام سطوح زندگی اجتماعی خدشه‌دار می‌شود چون در اقتصاد بازار، کار زنان در منزل که عموماً یک سوم اقتصاد ملی جامعه را تشکیل می‌دهد، به چیزی گرفته نمی‌شود و ارزش‌های مردانه حکومت می‌کند. قدرت ارزش است و نه خدمت. وقتی پول در صحنه است، قدرت در صحنه است و عالم داخل خانه که در آن خدمت حاکم است بی‌مقدار می‌شود. بسیار تجربه کرده‌اید که درآمد بعضی از خانواده‌های روستایی زیاد نیست ولی زندگی‌شان خوب می‌چرخد. در دوران گذشته چون مادر در خانه حضور فعال اقتصادی داشت زندگی به خوبی می‌چرخید بدون این که پول زیادی وارد خانه شود، زنان همیشه با یک نوع تولید و ترمیم رابطه داشتند. اما آنچه امروز در خانواده‌های ما نقش بازی می‌کند قدرت خرید کالاهای بیرون خانه است و نه برنامه‌های مادران.

در گذشته، خانه تنها محل زندگی خانواده نبود؛ بلکه یک پایگاه اجتماعی و اقتصادی هم به حساب می‌آمد. از خانه‌ها محصولات ارزشمندی تولید می‌شد. مردان و زنان غالباً در کنار همدیگر و در کنار فرزندان خود به کار و تلاش مشغول بودند و فرزندان مانع پیشرفت (اقتصادی) و زندگی اجتماعی محسوب نمی‌شدند؛ اما امروزه خانه، مراکز اجتماعی و محل کار به شدت از هم جدا شده و دور از هم قرار گرفته‌اند. در حومه شهرها، خانه به طور معمول به مردایی بی‌روح تبدیل شده و به ندرت کارایی آن فراتر از یک خوابگاه است. بیش‌تر فعالیت‌های سازنده‌ای که شهروندان به واسطه آن‌ها تأمین درآمد و احساس شخصیت می‌کنند، در مکان‌های بسیار دور از خانه صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی است که اعتبار و موقعیت زن در تمام سطوح زندگی اجتماعی خدشه‌دار و بی‌مقدار می‌گردد و در خانه ماندن بی‌ارزش می‌شود.^۱ امروزه اندیشمندان و متفکران در صدد ارزش گذاشتن کار بدون مزد زنان در خانه هستند. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند کار در منزل هر چند در آینه آمار و ارقام، قابل محاسبه نباشد، اما به‌واقع دارای ارزش اقتصادی است و باید مورد محاسبه قرار گیرد و ارزش مادی آن محاسبه شود.^۲

- آرامش بخش نبودن منزل: خانه‌ای می‌تواند محل آرامش زن باشد که حداقل دو ویژگی داشته باشد: اول:

اعضای خانواده به‌ویژه همسر او مایه آرامش باشند، دوم: معماری صحیح خانه.^۳

- قدرناشناسی برخی مردان: بعضی از مردان کار خانه را وظیفه‌ی زن می‌دانند، وظیفه‌ای که در قبال آن غذا و پوشاک و مسکن دریافت می‌کنند؛ درحالی‌که نهمی این موارد، وظیفه‌ی مرد و انجام کارهای خانه از سوی زن اینار است. با تأسف باید گفت که ما به خانه‌دار بودن زنان جامعه‌مان افتخار نکردیم و نبایدیم و آنان را تکریم نکردیم، حالا باید به شاغل بودن آنان افتخار کنیم، آن‌هم در شغل‌های مردانه‌ای که هیچ ربطی به زن و لطافت و ظرافت زنانه ندارد. اگر نمی‌توان به صورت مادی حق زن را در این عرصه ادا کرد، با احترام و تکریم و بزرگداشت او باید چنین کاری را انجام شود. به صراحت باید گفت اگر کار خانه نزد آقایان، ارزشمند و زن‌خانه‌دار، عزیز شمرده می‌شد، بسیاری از زنان به کار بیرون رغبت پیدا نمی‌کردند. مردان از سویی کار خانه را به زنان سپردند و کمی که کار خانه پس و پیش شد خانه را روی سر زن هوار کردند و از سوی دیگر وقتی خانمی در فامیل سراغ تحصیلات رفت و از نظر مالی مستقل شد بزرگش پنداشتند، در رفتارشان به زنان شاغل احترام گذاشتند و به زنان خانه‌دار بی‌احترامی و بی‌توجهی کردند. در مسیری که زنان پیمودند تا به اینجا رسیدند بی‌شک نوع رفتار مردان یکی از اصلی‌ترین عناصر تأثیرگذار در جهت‌گیری خانم‌ها بوده است.^۴

۱. طاهرزاده زن انگونه که باید باشد، ص ۷۴.

۲. صدقت، بررسی شرایط و محدودیت‌های حق کار زنان از منظر فقه و حقوق، معرفت ج ۱۱۸.

۳. عباسی ولدی، اسامی نشان اسامی بعلن زن، مائری، خانه‌داری، انتشارات؟ ص ۳۵.

۴. همان، با تصرف.

متأسفانه امروز فضای فرهنگی جامعه را به گونه‌ای شکل داده‌ایم که انتخاب گزینه پرورش فرزندان توسط خود مادران برایشان سخت شده است و به چالش کشیده میشوند که چرا میخواهند مادر باشند و مادری کنند؟ چه کسی می‌تواند مدعی بی‌ارزش بودن مادری شود در حالی که سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود مادر (زن) است. مادر (زن) با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود.^۱

اشتغال

انقلاب صنعتی و پدید آمدن جوامع شهری و لوازم خاص آن‌ها موجب شد بحث کار زنان در صدر مباحث اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و حقوقی قرار گیرد. اشتغال زنان در این دوره به منظور تکریم و بالا بردن زن نبود. جوامع صنعتی تنها در صدد برطرف کردن نیاز خود با کار ارزان بودند. در واقع، نیاز سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌های صنعتی موجب شد شعار آزادی و حق کار زنان را تبلیغ و از آن طرف‌داری کنند.^۲ غرب و به‌ویژه اروپا، به زن استقلال اقتصادی داد و برای وارد کردن او به بازار کار و ایجاد بازار کار ارزان، اساس خانواده‌ها را متزلزل نمود و در عمل، زندگی فردی را به جای زندگی خانوادگی ترویج کرد.

تا حدود یک قرن پیش در جوامع سستی، نهاد خانواده ساختاری گسترده داشت و عواطف خویشاوندی و احساسات پیوستگی شدید بود. امروز اما خانواده در برخی موارد به نهادی تبدیل شده است که مشغولیت تمام وقت زن و مرد در بیرون از خانه و تبعات عدیده آن برای فرزندان در سنین مختلف و کم‌رنگ شدن تدریجی عواطف خانوادگی و خویشاوندی از ویژگی‌های آن است. خوشبختانه آنچه هنوز جوامع سستی را به صورت کامل به بحران‌هایی شبیه بحران جهان غرب گرفتار نکرده است، حضور زنان در فعال نگه‌داشتن خانواده و دلسوزی نمودن برای حفظ آن است. به جرئت می‌توان گفت رمز پایداری هر جامعه‌ای در مقابل بحران خانواده در جهان غرب، ایثار زنان در حفظ ساختار خانواده است و به همین جهت جهان غرب تلاش می‌کند نقش سستی زنان را در جوامع غیر غربی تخریب نماید، او را از آغوش گرم خانواده جدا سازد و برای دور کردن او از آرامش‌های طبیعی خود، با طرح موضوع‌های فریبنده‌ای همچون آزادی، فمینیسم و... او را فریب دهد تا بتواند در این جوامع نیز نفوذ کامل داشته باشد. امروز جریان فعال فمینیسم در جهان، شیوه زندگی زنان بسیاری را تغییر داده و در صدد حذف نقش‌های جنسیتی و رهاسازی زنان از نقش‌های محدودکننده (همسری و مادری!) است.^۳ آه‌گناه بزرگی که تمدن

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۸.

۲. صداقت، بررسی شرایط و محدودیت‌های حق کار زنان از منظر فقه و حقوق، معرفت، ج ۱۱۸، ص ۹.

۳. جمعی از نویسندگان، جدلی سستی، چه کسی کپوله را نکان خواهد زد، ص ۱۱.

غرب در مورد جنس زن مرتکب شده است، نه به این زودی قابل پاک شدن است، نه به این زودی قابل جبران شدن است، حتی نه به آسانی قابل بیان کردن است.^۱ تعیینیت‌ها با انگیزه میارزه با جنس مخالف، زنان را به حضور جدی و افراطی در صحنه‌های اقتصادی تشویق می‌کنند. اشتغال را برای آنان، بدون هیچ قیدی لازم و ضروری و از عوامل پیشرفت می‌دانند.^۲

این در حالی است که در اسلام، اشتغال زنان را به عنوان یک حق، به رسمیت شناخته شده و در کنار آن، به حیثیت و شخصیت زنان نیز توجه شده است. اسلام به زن، استقلال اقتصادی داده اما اساس خانواده‌ها را متزلزل نساخته است. برخلاف آنچه تبلیغ می‌کنند اسلام با کار زنان، مخالف نیست؛ اما در تعارض میان کار زنان و ارزش‌های مهم و بنیادی‌تر، نگاهش به کار زنان متفاوت است؛ چرا که باید در کنار کار زنان، ارزش‌های بنیادین و اساسی صیانت و حمایت شود.^۳ در اسلام، قاعده تراحم و اهم و مهم وجود دارد که اگر میان اهم و مهم تراحم پیدا شود، از نظر شرعی، عقلی و نقلی، اهم مقدم بر مهم است. در همین زمینه، ارزش‌ها و نهادهایی مثل خانواده که دارای اهمیت بنیادین هستند، صیانت می‌شوند و حفظ آن‌ها در درجه اول اهمیت قرار دارد. در این برداشت، زن از حالت ابزار کار بودن خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پراج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی، هم‌رزم مردان در میدان‌های فعالیت حیات سیاسی و اجتماعی تلقی شده است. نقش زنان، هم به سبب همسری و هم به دلیل ویژگی مادری در بنیان خانواده، نقشی محوری است.^۴ و هر کاری در صورتی واجد ارزش است که به این نقش آسیب نزنند.^۵

اشتغال بانوان در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی‌اش آسیب‌های متعددی دارد:

- **حوزه فردی** سختی و تضعیف لطافتی که خداوند در زن آفریده است، انحراف در نگرش و فهم ارزش و نقش زن، درگیری‌های حسی و عاطفی منبث از میدان کار، اضمحلال تدریجی بنیان‌های روانی زن و سیر به سمت آسیب‌های روحی روانی، تغییر در گرایش‌های روحی و احساس ارزش و آرامش زن و به تبع آن ناتوانی از تربیت صحیح فرزندان.^۶

«اسلام لباس و مسکن و غذای زن را به عهده مرد گذارده تا کارهای اقتصادی، روح لطیف زن را فرسایش ندهد و او همچون گل برای همسر و فرزندان‌ش شاداب بماند، زیرا جامعه سخت نیاز به چنین روح‌هایی دارد تا محبت را

۱. امام خمینی، بیانات در دیدار جمعی از مدافعان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱.

۲. فقهی، معجون سنت و مدرنیته، معارف اسلامی، ج ۴، ص ۲۹.

۳. البته این موضوع در مورد مردان نیز صادق بوده و منحصر به زنان نیست.

۴. صدقت، بررسی شرایط و محدودیت‌های حق کار زنان از منظر فقه و حقوق، معرفت، ج ۱۱۸.

۵. جشی، سبب شاهدان.

۶. جشی، سبب شاهدان.

به جای خشم نشانند. نه مردان باید زنان را گرفتار کارهای سنگین بکنند و نه زنان باید از حفظ روحیه خود غفلت نمایند. به همان اندازه که بستر آرامش روحی و جسمی زن از دست رفت، به همان اندازه جامعه از برکات واقعی که خداوند از طریق زنان به جامعه می‌دهد، محروم می‌شود. روحیه حساس و عرفانی زنان، نیاز به آرامش و آزاد بودن از ارتباطات آشفته دارد؛ زیرا امری واقعی برای این که ظرایف روح افراد تحت تربیت خود را درک کند، باید روحی لطیف و عرفانی داشته باشد و روح لطیف اگر درگیر مسائلی خشن شد، به زحمت می‌افتد و از کار ظریفی که به عهده دارد بازمی‌ماند. اگر تربیت از طریق روح‌های لطیف ممکن است، باید این روح‌ها در کشاکش مشکلات اجتماعی گرفتار نباشد و اگر کار ظریف تربیتی به عهده زنان با آن روح عرفانی خاص نباشد، مسلماً شخصیت دیگری که با آن دقت چنین کاری را انجام دهد، نخواهیم داشت. معلم و کتاب و پدر، هیچ‌کدام آنچه را از زنان انجام می‌دهند نمی‌توانند انجام دهند. همه افراد جامعه باید سخت مواظب زنان باشند که در گیرودار زندگی، روحیه تربیتی آنان آسیب نییند.^۱

تلاش و تحرک برای هر زن و مردی لازم است ولی زنان نباید خود را در ورطه‌های اقتصادی - آن‌طور که روح و روحیه آن‌ها آسیب بیند - بیندازند که در آن صورت کمر خود را می‌شکنند. وقتی مادران نتوانستند مادری کنند، کودکان هم آن‌طور که باید و شاید دارای رشد متعالی نخواهند بود و عملاً به جای عوامل گرمی محیط خانه، مزاحم خانه‌اند و همه چیز در هم می‌ریزد.

- **حوزه خانوادگی:** در صورت عدم یادگیری مهارت‌های زندگی، اشتغال خانم صرفاً با هدف کسب درآمد ممکن است موجب خدشه به روح و ارزش مرد، تباه کردن اقتدار و اعتبار مرد که مهم‌ترین ارزش مرد برای زن و زندگی است، مدعی شدن زن به مدیریت زندگی و مسائل مالی، اختلافات پایان‌ناپذیر بین زن و مرد بر حسب سهم من سهم تو، وظیفه تو و وظیفه من، نقش تو نقش من، عدم امنیت خاطر مرد از عوارض محتمل، کاهش عاطفه مرد به زن یا ایجاد سوءظن، احساس عدم استقرار و امنیت در زندگی، عدم تأمین و مدیریت نیازهای زنانه شود. واگذار کردن اصلی‌ترین کارکرد نهاد خانواده یعنی تربیت انسان به مهدکودک و محیط بیرون از خانه نیز از مهمترین آسیب‌های اشتغال و غیبت مادر است. دوری از مادر باعث ایجاد حس ناامنی، ترس جدایی، وابستگی، بی‌میلی به ارتباطات و بسیاری از نتایج سوء دیگر خواهد شد که در سال‌های آتی رشد فرزند، بخصوص بعد از نوجوانی، در حالت اختلالات رفتاری و شخصیتی فرزند، بروز بیشتری خواهد داشت.^۲

۱. طهرانی، زن آن گونه که باید باشد، ص ۱۱۹، ج۱، سایت شاهن

۲. ج۱، سایت شاهن

امام خامنه‌ای (دام‌ظله) درباره‌ی اولویت دادن نقش مادری بر هر شغلی می‌فرمایند: «شما اگر بچه خودتان را در خانه تربیت نکردید، اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را - که از نخ‌های ابریشم ظریفتر است - یا سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده‌ی [عاطفی] نشود، هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند، نه پدرش و نه به طریق اولی دیگران، فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است؛ اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ایستاده‌اند و آن کار را انجام خواهند داد؛ بنابراین اولویت با این کاری است که بدیل ندارد، تعیین با این است.»^۱ در روایت است که سلمان فارسی می‌گوید: «روزی حضرت فاطمه زهرا (س) را دیدم که مشغول آسیاب کردن غله است. فرزندش حسین (ع) به گریه افتاد و بی‌تابی می‌کرد. عرض کردم: برای کمک به شما، غله را آسیاب کنم یا بچه را آرام نمایم؟ حضرت فرمود: من به آرام کردن فرزند اولی هستم. شما آسیاب را بچرخانید.»^۲

باید یادآور شد که این یک قاعده‌ی کلی نیست که فرزندان زنان شاغل، حتماً دچار انواع آسیب‌ها می‌شوند؛ اما نکته‌ی مسلم آن است که هر اندازه رابطه‌ی مادر با فرزند کمتر شود، زمینه‌ی انحراف و اثرپذیری از محیط بیرون بیشتر می‌شود. مقصود از رابطه نیز، تنها حضور فیزیکی مادر در خانه نیست؛ بلکه منظور برقراری رابطه‌ی عاطفی و روحی با فرزندان است. اگر مادری در خانه تشسته باشد و این رابطه را نداشته باشد، ممکن است زمینه‌ی انحراف در فرزندش بیش از مادری باشد که شاغل است و به نیاز عاطفی و روحی فرزندش به اندازه‌ی نیاز رسیدگی می‌کند.^۳

- **حوزه اجتماعی:** انحراف در اصل و فرع، اختلال جدی در سبک زندگی، ناپایداری ازدواج و عدم میل به تشکیل زندگی، بی‌نصیب شدن خانواده‌ی دیگر از تأمین اقتصادی حداقلی به وسیله‌ی پدر، گسترش آلودگی و معصیت و مطامع شیطانی^۴ عدم تمایل به فرزندآوری نیز از مهم‌ترین آثار است که در اشتغال مادران نهفته است.^۵

از جمله انگیزه‌های زنان برای اشتغال عبارت است از:

- **رساندن خانواده به سطح اقتصادی بهتر:** گرچه ممکن است خانواده با درآمد حاصل از کار پدر، از سطح اقتصادی خوب یا متوسطی برخوردار باشد و با اندکی قناعت و دوری از زیاده‌خواهی بتوان با همان حقوق، خانواده را اداره کرد؛ اما مادر برای این که زندگی بهتری از نظر اقتصادی داشته باشند تصمیم به کار بیرون از خانه می‌گیرد؛ چرا که تأمین اقتصادی فرزند رازکن و پایه‌ی تربیت او می‌داند، نباید فراموش کرد که اگر وضعیت اقتصادی خانواده

۱. امام خمینی، بیانات در سومین نشست انجمن‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

۲. حسینی شاهرودی، لنگه‌های رفتاری حضرت زهرا (سلام الله علیها) در تربیت فرزند، ص ۱۴.

۳. نیاسی وندی، اسبابی نشان! اسبابی بمان! زن، مادری، خانه‌داری، اشتغال؟ ص ۱۴۱.

۴. حشی، سایت شاهن.

۵. مجموعه مقالات نلام و قمیسه، دفتر نشر معارف، ص ۶۰۶.

بهرتر شود اما فرزندان از تربیت مطلوب برخوردار نشوند، همین وضعیت اقتصادی بهتر می‌تواند عاملی برای فرو رفتن بیشتر فرزندان در باتلاق انحراف‌های تربیتی باشد. پول زیاد در دست فرزند محروم از تربیت صحیح، همانند شمیر در دست انسان مست است. بسیارند پدر و مادری که بهترین وضعیت اقتصادی را در خانه حاکم کرده‌اند اما از انحراف جوانان خود می‌نالند؛ زیرا زمانی که باید توجه ویژه‌ای صرف فرزندان خود می‌کردند، به زندگی معمولی قناعت نکرده‌اند و برای به دست آوردن زندگی بهتر از تربیت مطلوب فرزندانشان گذشته‌اند.^۱

- **تغییر نظام ارزشی:** از نظر امام خامنه‌ای «مادر از هر سازنده‌ای سازنده‌تر و با ارزش‌تر است. بزرگترین دشمنان ممکن است مثلاً یک ابزار بسیار پیچیده الکترونیکی بوجود آورند، موشک‌های فاره‌پیما بسازند، وسایل تسخیر فضا را اختراع کنند، اما هیچ‌یک از اینها اهمیت آن را ندارد که کسی یک انسان والا به وجود آورد و او مادر است.»^۲ به‌رغم این نگاه فاحر و ستودنی و برخاسته از اسلام، متأسفانه در جامعه، اخلاق عمومی را به وجود آورده‌ایم که در آن، همه تجلیل‌ها متوجه کار و موفقیت‌های خارج از خانه می‌شود و آنها که ترجیحشان بر تربیت فرزند در آغوش پرمهر و محبت مادری است نسبت به کسانی که شغل خود را در اولویت قرار داده‌اند کمتر مورد احترام قرار می‌گیرند و گاهی اوقات هزینه سنگینی را برای اثبات شخصیت خود می‌پردازند با تضعیف جایگاه مادری، اعتماد به نفس بانوان به شغلشان وابسته شده نه به نقش مادریشان و همین یکی از عوامل عدم تمایل به داشتن فرزندان بیشتر است و گاهی فرزندآوری را پرهزینه و پرچالش می‌کند.

نقش خانواده و اهمیت عجیب تأثیر زن به‌طور غیر مستقیم در اجتماع، مورد غفلت واقع شده است.^۳ وقتی هدف و ارزش در جامعه تغییر می‌کند، شیوه‌ی تربیت در خانواده هم متناسب با آن تغییر می‌کند و خانواده‌ها فرزندان را طوری تربیت می‌کنند که آنان به هدفی که در جامعه ارزش شده است، برسند. به راستی چه ارزشی بالاتر از آن که خدایی که خود مری است، وظیفه تربیت یک انسان را بر عهده زن قرار داده است.

- **دغدغه استقلال مالی و عدم وابستگی به همسر:** در نتیجه برخورد نادرست برخی مردان در مسائل اقتصادی و یا بدلیل رواج برخی اندیشه‌های سکولار که اخذ نفقه برای زنان را توهین به شخصیت اومی دانند.^۴

- **احساس نیاز به معاشرت اجتماعی و دریافت حس ارزشمند و مؤثر بودن:** در نتیجه کوچک انگاری نقش مادری و ارزش خانه داری در جامعه. روایتی از رسول اکرم (ص) است که می‌فرماید: «حق فرزند بر پدر این است

۱. عباس ولدی، نشانی‌های انسان بنان زن، مادری، خانه‌داری، استقلال؟، ص ۹۶-۹۷.

۲. بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۷۷-۷۲۵.

۳. شهید مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۰۵-۲۰۶.

۴. عباس ولدی، نشانی‌های انسان بنان زن، مادری، خانه‌داری، استقلال؟، ص ۹۸.

که... مادرش را سرزنده و گرامی بدارده.^۱ به نظر می‌رسد «احیاء کرامت حقیقی زنان»، راه برون‌رفت از بخش اعظمی از عللی باشد که بر شمرده شد.

در مورد فعالیت و اجتماعی بودن زنان، باید فعالیت را از اشتغال جدا کرد. اشتغال زنان یعنی مسیری برای کسب درآمد و توزیع آن در هزینه‌های زندگی و احساس الزام به شاغل بودن و کار داشتن و ورود زن در مدیریت‌های معیشتی و مالی که از وظایف ارزش بخش مرد است و می‌تواند جایگاه و نقش‌های حیات بخش زن را در ساماندهی و مدیریت درون خانه به تباهی بکشد (البته به برخی فعالیت‌های مهم بدون اینکه جنبه درآمدزایی داشته باشد مسامحتا شغل می‌گویند مانند مادری، خانه‌داری)؛ در حالی که فعالیت یعنی بهره‌مندی از استعدادهایی که خداوند به وی بخشیده، متناسب و هم‌راستا با نقش و جایگاه زن در ساماندهی زندگی و بدون ورود به موضوع درآمد و معیشت و مدیریت مالی زندگی. بنابراین فعالیت زن و اشتغالش مساوی هم نیستند. شاغل نبودن زن مترادف با این که او متوقف به امورات منزل باشد و از هر فعالیتی دوری کند و به اصطلاح در چهار دیواری خانه حبس باشد نیست.

صرف نظر از اغراضی که بیان کنندگان این دیدگاه دارند، باید گفت محدود شدن زن به خانه و منحصر ماندن در امورات زندگی، نه تنها ظلم به زن که ظلم به ارزش‌های الهی انسانی اوست و خداوند انسان را برای خیلی بیش تر از این‌ها آفرید. همچنان که اگر مرد تلاشش تأمین زندگی باشد و بس، به بیراهه رفته است.

فعالیتی که تربیت، خدمات و گستره معرفت را ممکن می‌کند، از تکالیف الهی زن است که نه تنها به او آسیبی نمی‌زند که رفیع و بلند مرتبه‌اش هم می‌کند. فعالیتی که با ویژگی‌های روان رفتاری زن هماهنگ است و قصد از حضور در آن‌ها صرفاً درآمد نبوده و فایده و تأثیر داشتن و آمادگی است، نه تنها منعی ندارد که مفید هم هست.^۲

امام خامنه‌ای (دام‌الله) در این باره می‌فرماید: «در صدر اسلام، زن در میدان جنگ، علاوه بر بستن زخم مجروحان - که این کار بیشتر بر عهده‌ی زنان بود - حتی گاهی با نقاب، در میدان جنگ و رزم‌های دشوار آن روز، شمشیر هم می‌زد! در عین حال در داخل خانه، فرزندان خود را هم در آغوش می‌گرفت، تربیت اسلامی هم می‌کرد، حجاب خود را هم حفظ می‌کرد؛ چون این‌ها منافاتی با هم ندارد. اگر کسی درست توجه کند، خواهد دید که منافاتی ندارد. بعضی افراط می‌کنند، بعضی تفریط می‌کنند. بعضی می‌گویند چون فعالیت اجتماعی اجازه نمی‌دهد به خانه و شوهر و فرزند برسیم، پس فعالیت اجتماعی نباید بکنیم. بعضی می‌گویند چون خانه و شوهر و فرزند، اجازه نمی‌دهد فعالیت اجتماعی بکنیم، پس شوهر و فرزند را باید رها کنیم. هر دو غلط است. نه این را به خاطر آن، نه آن را

۱. حق‌الود علی‌والنوع. آن پیغمبر بعد کلینی، کفر، ج ۶، ص ۴۸.

۲. جشی، سایت شاهان.

به خاطر این، نباید از دست داد. و در ادامه تأکید می‌کنند: از همه‌ی کارهای زن مهم‌تر، تربیت فرزندان و تقویت روحی شوهران برای ورود در میدان‌های بزرگ است.^۱

بنابراین اسلام به انگیزه اشتغال و نیز رابطه آن با وظایف دیگر زنان همچون همسر داری و تربیت فرزندان، اهمیت می‌دهد و مطالبه‌اش، اشتغال زنان با در نظر گرفتن توانایی‌ها، استعدادها و حفظ شخصیت و کرامت انسانی آنان است. مادری جایگاه و نقشی است که اصالت و اولویت دارد و فعالیت‌ها و اشتغالات باید در سایه آن شکل بگیرد. توان و استعداد مادر شدن همیشگی نیست اما وقت برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی فراوان است و چه بسا بانوانی که بواسطه اهمیت به رسالت مادری و تربیت انسان، در مقطعی به شکل متفاوتی مسئولیت اجتماعیشان را ایفا نموده و پس از مدتی با نگرانی بیشتر و رضایت خاطر افزون‌تری وارد میدان شده‌اند.

در پایان این عنوان ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

- نمی‌شود انکار کرد که برخی بانوان بدون این‌که توانشان کم شود، می‌توانند هم به کار بیرون و هم به امور خانه‌داری بپردازند؛ اما باید واقع‌بین بود، چند درصد زنان جامعه ما می‌توانند همه‌ی این‌ها را با هم داشته باشند؟^۲

- برخی از شغل‌ها هستند که هر اندازه زن‌ها در آن موارد متخصص و از مردهایی نیاز شوند، به نفع جامعه است، چه خوب است که با در نظر گرفتن برخی از ملاحظات، تلاش همه‌ی مسئولان جامعه برای اشتغال زنان در این کارها جهت پیدا کند، به گونه‌ای که بدون آسیب رساندن به محیط خانواده، کارهای زنانه را از زنان برعهده بگیرند. این کار را می‌شود با برنامه ریزی برای تربیت و پرورش بیشتر زنان توانمند و متخصص در کارهای زنانه و کم کردن ساعت کاری آنان انجام داد.^۳

- نمی‌شود انکار کرد که برخی از زنان برای به دست آوردن یک زندگی بسیار معمولی کار می‌کنند، توصیه به این دسته از زنان، آن است که تا حد امکان سراغ شغل‌هایی بروند که علاوه بر درآمد زایی مادر را از محیط خانه دور نمی‌کند.^۴

۱. امام خمینی، بیانات در دیدار مردم خوزستان، ۱۳۷۵/۱۳۷۰.

۲. عباسی وادی، اسطی نشان! اسطی بیان! زن! مادری، خانداری، اشتغال؟ ص ۸۴.

۳. همان ص ۸۸-۸۷.

۴. همان ص ۱۵۸.

بخش دوم

بررسی چایستی، چرایی و چگونگی هزینه‌های فرزندآوری و فرزندپروری

آنچه در این بخش خواهیم خواند:

• هزینه‌های پیش از ولادت

به چه کسی رجوع کنیم؟ ماما یا متخصص
سونوگرافی و چالش‌های بررسی جنین
وضع حمل (نوع زایمان)
رسم سیسمونی

• هزینه‌های پس از ولادت

شیردهی
عقیقه و ولیمه
پوشاک
بازی و اسباب‌بازی
شناسایی استعدادها
اوقات فراغت

فصل اول

هزینه‌های پیش از ولادت

ماما، عامل کلیدی دستیابی به مادری ایمن

ماما به عنوان عضوی از گروه سلامت، خدماتی را در حیطه‌های تشخیص، مراقبت و درمان، مداخله در سطوح مختلف پیشگیری، آموزشی، مشاوره‌ای، تحقیقاتی و مدیریتی در ارتباط با مادر و کودک، خانواده و جامعه ارائه می‌نماید که آموزش و مشاوره سلامت جنسی و باروری به زنان و دختران، ارائه مراقبت‌های دوران بارداری حین و بعد از زایمان، ترویج و ایجاد آمادگی برای زایمان طبیعی، تشخیص حالات غیر طبیعی در مادر، جنین و نوزاد و ارجاع این موارد به پزشک متخصص، انجام مراقبت‌های نوزادان و شیرخواران، تعیین اولویت‌ها و مشارکت در برنامه‌ریزی خدمات بهداشت مادر و کودک، گردآوری و تفسیر آمارهای بهداشتی و مشخص نمودن گروه‌های در معرض خطر به منظور انجام مراقبت ویژه از آن جمله است.

ارتقای سلامت مادران و مفهوم مادری ایمن، به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اهداف توسعه‌ی هزاره و کانون توسعه‌ی پایدار جوامع، با تأکید بر لزوم کاهش آمار سزارین و ترویج زایمان طبیعی و فیزیولوژیک، نقش ماما را به عنوان عامل کلیدی در ارائه خدمات باکیفیت مادری ایمن بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌دهد.

کنفدراسیون بین‌المللی ماماها^۱ از مهم‌ترین مراکز فعال در زمینه تأمین مادری است و رسالت خود را ارتقای جهانی حرفه مامایی با ترویج مامایی مستقل^۲ به عنوان مناسب‌ترین مراقبین برای زایمان طبیعی و ارتقای سلامت باروری زن، نوزاد و خانواده‌اش قرار داده است. هدف این سازمان دستیابی به کاهش میزان مرگ مادر و نوزاد، توسعه نقش ماما به عنوان یک متخصص سلامتی، ارتقای جایگاه و ارزش ماما در سطح جهان و پیشرفت شرایط مراقبت مادران، نوزاد و خانواده‌هاش در سراسر جهان است. معرفی مدل مراقبتی ماما محور^۳ با تأکید بیش از پیش بر لزوم توجه به نقش و حیطه‌ی اختیارات ماما در محدوده‌ی قانونی زایمان طبیعی، شاهدهی بر این ادعا است.

۱ بالاترین سازمان صنفی و جهانی ماماها

۲ Autonomous Midwifery

۳ midwifery- led care model

از جمله رشته‌هایی که در حیطه‌ی وظایف، در مواردی با رشته مامایی هم پوشانی دارد، رشته‌ی زنان و زایمان است. تفاوت اصلی رشته‌ی زنان و زایمان با مامایی در تشخیص و درمان موارد غیر طبیعی باروری و جراحی زنان، ناباروری و درمان سرطان‌های زنان است.

امروز به دلایلی از جمله ناآگاهی از خدمات ارزنده ماما، تصور اشتباه از کیفیت خدمات مراکز بهداشت، ترس از عدم مراجعه به پزشک در طول دوره بارداری و در نتیجه قبول نکردن مسئولیت زایمان سزارین، رفتار غیر حرفه‌ای برخی ماماها و ارجاع بی مورد به متخصص زنان شاهد گسست ارتباط مادران و ماما هستیم.

وظایف ماما در مراکز و پایگاههای بهداشت^۱

پیش از بارداری

- انجام مشاوره، کسب شرح حال بالینی و بررسی آزمایش‌های متداول قبل از بارداری برای تشخیص، کنترل و درمان بیماری زنان، به جهت بارداری و زایمان ایمن.
- شناسایی زنان پرخطر از نظر بارداری و زایمان و ارجاع آنها به متخصص مربوطه و انجام مشاوره در مورد به تعویق انداختن بارداری و زمان مناسب آن.
- بررسی سوابق بارداری و زایمان قبلی، وضعیت قاعدگی، سابقه بیماری زمینه‌ای مادر (قلبی، تیروئید، آنمی و...)، سابقه رفتارهای پرخطر در زوجین، سابقه بیماری‌های منتقل شونده جنسی در زن یا همسرش، سابقه بیماری ژنتیک و ناهنجاری در همسر یا خانواده درجه اول و...

دوران بارداری

- اختصاص دادن وقت کافی برای هر یک از مراجعین طی ۸ ملاقات و بررسی سلامتی مادر و جنین با تکیه بر دستورالعمل مراقبت مادران
- ارزیابی علائم حیاتی، وزن، ارتفاع رحم، صدای قلب جنین، حرکات جنین و شکایات شایع مادر
- گفتنی است تمامی زنان در اولین مراجعه توسط پزشک عمومی مرکز بهداشتی معاینه می‌شوند. پزشک ضمن انجام معاینه فیزیکی، اخذ شرح حال، ارزیابی نتیجه آزمایش‌ها و سونوگرافی، موارد غیرطبیعی را به متخصص ارجاع می‌دهد.

۱. راهنمای کشوری (که خدمات مامایی و زایمان (بارنگری سوم ۱۳۶۹).

هنگام زایمان

- به عهده گرفتن مسئولیت خاتم بارداری پس از اطمینان از سلامت مادر و جنین
- همراهی و همدلی با مادر باردار، تشویق او به انجام زایمان طبیعی و کمک به دلپذیر کردن فرایند زایمان

مراقبت‌های پس از زایمان

طی ۳ ملاقات از روز ۱ تا ۶۰ و شامل معاینات بالینی، غربالگری سلامت روان و در صورت نیاز آزمایش قند خون و پاپ‌اسمیر است. در مراکز و پایگاه‌های بهداشتی و در حین مراقبت‌های پیش از بارداری، بارداری و بعد از زایمان، مکمل‌های دارویی شامل یدوفولیک، مولتی‌ویتامین و آهن به صورت رایگان ارائه می‌شود. در صورت نیاز واکسن‌های توأم (به صورت رایگان)، آنفلوآنزا (با پرداخت هزینه شخصی) و آمپول ایمنوگلوبین آنتی‌دی (با پرداخت هزینه شخصی) برای زنان تزریق می‌گردد.^۱

مزایای ارائه مراقبت توسط ماما

- ماما به عنوان یک کارشناس، مهارت کافی برای ارائه مراقبت از زنان در دوران‌های پیش از بارداری، بارداری و زایمان را دارد و مراجعه بی‌مورد به متخصصان زنان و زایمان، تحمیل هزینه‌های فراوان برای خانواده و سامانه بهداشت و درمان را در بر دارد؛ چراکه متخصص می‌تواند در درمان موارد غیر طبیعی بارداری، جراحی زنان، درمان نازایی و اقدامات تشخیصی و درمانی پیچیده‌ای که در حیطه‌ی وظایف و تخصص ماما نیست انجام وظیفه نماید.

- ماما در هر مراقبت، ضمن تعیین ملاقات بعدی، طبق دستورالعمل‌هایی که وجود دارد برای مراجعین وقت می‌گذارد و در صورت عدم مراجعه در زمان بارداری و بعد از زایمان، از طریق تلفن یا از طریق رابطین بهداشتی علت عدم مراجعه را پیگیری می‌کند. این عامل باعث تشویق زنان برای مراجعات بعدی و بررسی مکرر مادر و جنین می‌شود و زمینه مراقبت‌ها و حفاظت از سلامتی مادر و جنین را فراهم می‌کند. در مقابل، کثرت مراجعه به مطب متخصصان زنان و حضور همزمان چند مراجعه‌کننده در اتاق پزشک باعث می‌شود که کیفیت خدمات پایین باشد و بیماران به علت شرم و حیا از بیان کردن بیماری یا سوالات خود در حضور دیگران امتناع کنند و معذب باشند. با توجه به تأثیر بارداری بر روابط جنسی و کاهش روابط جنسی به دلیل نگرانی زوجین از آسیب به جنین، سوالات زیادی در این زمینه برای زوجین مطرح است، در صورت عدم دریافت پاسخ مناسب، زندگی زناشویی فرد تحت تأثیر قرار می‌گیرد و چه‌بسا

۱. در مناطق روستایی آزمایش‌های بارداری به صورت رایگان و در مناطق شهری با هزینه شخصی انجام می‌شوند.

منجر به سردی روابط زناشویی و ناسازگاری زوجین گردد. گاهی اوقات فشار، وزن و شرح حال زنان باردار و علت مراجعه در برگه‌ای ثبت شده و به پزشک تحویل داده می‌شود تا در وقت صرفه جویی شود و فرصت برای دیدن بیماران بیشتر فراهم شود. با این شرایط نباید از پزشک انتظار داشته باشیم برای آموزش زنان باردار وقت کافی داشته باشد، این در حالی است که ماما با صرف زمان مناسب و بیان نکات بسیار ساده میتواند پاسخگوی دغدغه‌های خانم باردار باشد و به او آرامش بخشد.

- تحت پوشش بیمه بودن خدمات مامایی و نزدیک بودن مراکز و پایگاه‌های بهداشتی به محل زندگی خانم باردار هم از دیگر مزایات است.

امید است با تعرفه گذاری مناسب خدمات ارزنده ماما، اصلاح قوانین پزشکی قانونی، ارتقای متزاید آموزش بالینی مامایی شاهد پیشرفت ارائه خدمات مامایی و کاهش مراجعه بانوان باردار به متخصص به منظور کاهش هزینه‌ها و نیز فراغت بیشتر متخصص برای پرداختن به بیمارانی که با مسائل پیچیده‌ای مواجه هستند باشیم.

سونوگرافی او جالش‌های بررسی جنین

کالج متخصصان زنان و مامایی آمریکا توصیه کرده است که سونوگرافی صرفاً باید بر اساس ضروریات معتبر طبی تجویز شود و در بیماران کم خطر، اجباری به انجام سونوگرافی وجود نداشته باشد. بر اساس دستورالعمل کشوری در ایران، انجام سونوگرافی در دوران بارداری برای زنان دارای شرایط عادی ۳ مرتبه و در هفته‌های ۱۱ تا ۱۳، ۱۵ تا ۱۷ و ۳۱ تا ۳۴ است. با توجه به هزینه‌ی بالای سونوگرافی، سیاست‌گذاران امر سلامت باید در نظر داشته باشند سونوگرافی غیر ضروری به بیماری که در سلامت کامل به سر می‌برد، تحمیل نشود.

برخی از سونوگرافی‌ها به اصرار زنان باردار انجام می‌شود. آن‌ها برای تشخیص جنسیت جنین، ارزیابی سلامت جنین، بررسی وزن و قلب جنین علاقه‌مند به انجام سونوگرافی هستند. برخی مادران نیز تنها برای تهیه آلبوم عکس، سونوگرافی سه بعدی انجام می‌دهند. مؤسسه‌ی سونوگرافی پزشکی آمریکا و سازمان غذا و دارو، کاربرد سونوگرافی برای گرفتن عکس یادگاری از جنین را مجاز نمی‌داند و کالج متخصصان زنان و مامایی آمریکا اعلام کرده است، مزیت بالینی برای سونوگرافی سه بعدی وجود ندارد.

انجام سونوگرافی بارداری هزینه قابل توجهی دارد و مراکز دولتی ارائه دهنده این خدمت بسیار محدود هستند. نیاز است مسئولین امر سلامت با اتخاذ تدابیری، سونوگرافی‌های ضروری در بارداری را به صورت رایگان ارائه دهند و یا بر تعداد مراکزی که این خدمت را با هزینه دولتی انجام می‌دهند بیفزایند. نکته قابل ذکر دیگر آن که سونوگرافی بارداری توسط متخصصین خانم و آقا انجام می‌شود، نیاز است وزارت بهداشت، سهمیه مشخصی برای خانم‌ها در تخصص رادیولوژی در نظر بگیرد.

غربالگری جنین

بر اساس دستورالعمل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، باید آزمایش‌های غربالگری جنین به منظور تشخیص ناهنجاری لوله‌ی عصبی جنین و برخی اختلالات کروموزومی که شامل تریزومی ۱۳ (سندرم پائو)، تریزومی ۱۸ (سندرم ادوارد) و تریزومی ۲۱ (سندرم داون) که شایع‌ترین آن است، به تمامی زنان باردار پیشنهاد شود.

۱. قنسی جهانی و قلبی، بلونزی و زلیخان ویلیامز، ج ۱، فصل ۱۸ راهنمای کشوری از خدمات مائلی و زلیخان

با افزایش سن مادر، خطر وقوع سندرم داون افزایش می‌یابد، به گونه‌ای که در زنانی با طیف سنی ۲۰-۲۹ سال، وقوع سندرم داون ۱ در ۱۵۰۰ مورد بارداری، در زنانی با طیف سنی ۳۰-۳۹ سال، وقوع سندرم داون ۱ در ۹۰۰ مورد بارداری و در زنانی با طیف سنی ۴۰ سال و بالاتر، وقوع سندرم داون ۱ در ۱۰۰ مورد بارداری رخ می‌دهد. طبق برنامه کشوری، آزمایش نوبت اول غربالگری در ۱۱ تا ۱۳ هفته و ۶ روز بارداری و آزمایش نوبت دوم در ۱۵ تا ۱۷ هفته بارداری انجام می‌شود. از آنجا که نتایج غربالگری ناهنجاری جنین جنبه تشخیصی ندارد و تنها میزان خطر را نشان می‌دهد، در مورد انجام آن اختلاف نظر وجود دارد. در صورت مثبت بودن نتایج غربالگری، این نتیجه باید با آزمایش‌های تشخیصی مانند آمنیوستنز یا نمونه برداری از پرزهای کوریونی (CVS) تأیید شود. در واقع نتایج آزمون‌های تشخیصی تهاجمی قطعی مثل آمنیوستنز و نمونه برداری از پرزهای جنینی ملاک ختم بارداری است.

در این موضوع چند نکته مورد توجه است:

- آمنیوستنز و نمونه برداری از پرزهای جنینی همراه با عوارضی است که جدی‌ترین عارضه‌ی این روش‌ها، احتمال سقط جنین سالم است.
- آمنیوستنز و نمونه برداری از پرزهای کوریونی با دقت ۹۸٪ تا ۹۹٪ اختلال کروموزومی را تشخیص می‌دهند، اما علائم و مشکلات ایجاد شده در افراد مبتلا به اختلال کروموزومی بسته به تعداد سلول‌های غیر طبیعی و نحوه پراکندگی آن‌ها متفاوت است. طیف گسترده‌ای از مشکلات خفیف تا شدید اختلال کروموزومی در افراد دیده می‌شود و آمنیوستنز و نمونه برداری از پرزهای کوریونی قادر به تشخیص میزان ناهنجاری نیستند. جنین دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است و اختلال کروموزومی در بدن هر جنین دارای طیف گسترده‌ای از علائم است و در هر جنین میزان خاصی از اختلال بروز پیدا می‌کند و یک قانون کلی و مشابه در مورد بروز علائم برای همه‌ی افراد دارای یک نوع خاص از اختلال کروموزومی وجود ندارد. بنابراین ممکن است میزان ناهنجاری جنین خفیف باشد، اما به دلیل این که آزمون تشخیصی مثبت است، انجام سقط در نظر گرفته شود.
- پیش‌آگهی سندرم داون بسته به عوارض احتمالی مثل نقایص قلبی، احتمال ابتلا به عفونت و ابتلا به لوسمی متغیر است. از طرفی علائم و تأثیر سندرم داون در افراد طیف گسترده‌ای دارد، برخی افراد به شدت تحت تأثیر قرار

۱. Baluja-Conde IB, Rodríguez-López MR, Zulueta-Rodríguez O, Ruiz-Escandón B, Bermúdez-Velásquez S. Biochemical serum markers for Down syndrome screening. *Rev Biomed*. 2005;16(4):259-72

۲. Lim JH, Park SY, Ryu HM. Non-invasive prenatal diagnosis of fetal trisomy 21 using cell-free fetal DNA in maternal blood. *Obstetrics & gynecology science*. 2013;562:۶۵-۶۸.

۳. Organization WH. Genes and human disease. Available from:

<http://www.who.int/genomics/public/geneticdiseases/en/index1.html>.

می‌گیرند. در حالی که برخی دیگر مشکلات کمتری دارند و قادر به زندگی نسبتاً نرمال (به هنجار، عادی) هستند. هیچ راهی برای پیش‌بینی این که کودک تا چه اندازه ممکن است تحت تأثیر قرار بگیرد وجود ندارد.^۱

- زنان بارداری پس از آگاهی از احتمال ابتلا جنین به ناهنجاری تا زمان انجام آزمون‌های تشخیصی بیشتر، در اضطراب به سر می‌برند و دوران بارداری‌شان تبدیل به کابوس خواهد شد و نهایتاً ممکن است مشخص شود جنین مشکلی نداشته است و اتفاقاً همین اضطراب‌های مادر اثرات بدی بر جنین گذارد.

نظر مراجع تقلید در مورد اجازه سقط جنین نابهنجار^۲

امام خمینی (ره)، آیت‌الله بهجت (ره)، آیت‌الله خویی (ره)، آیت‌الله نوری همدانی (زیدعزه)، آیت‌الله وحید خراسانی (زیدعزه): «سقط جنین ناقص الخلقه جایز نیست».

امام خامنه‌ای (دام‌الله): «سقط جنین در هر سنی به مجرد ناقص الخلقه بودن آن و یا مشکلاتی که در زندگی با آن مواجه می‌شود، جایز نیست».

آیت‌الله سیستانی (زیدعزه): «انداختن حمل پس از انعقاد نطفه جایز نیست مگر این که مستلزم حرج فوق‌العاده و بسیار شدید برای مادر (هر چند در آینده باشد) باشد که قابل تحمل نیست که در این صورت قبل از دمیدن روح و جان گرفتن جنین جایز است و بعد از آن مطلقاً جایز نیست».

آیت‌الله مکارم شیرازی (زیدعزه): «سقط جنین حرام است، ولی هر گاه جنین در مراحل ابتدایی باشد و به صورت انسان کامل در نیامده باشد و باقی ماندن جنین در آن حالت، سپس تولد ناقص آن باعث عسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، با این شرایط جایز است».

با توجه به هزینه‌های بسیار بالای غربالگری و آزمون‌های تشخیصی، عوارض آن‌ها، تحمیل اضطراب به مادر و عدم تعیین دقیق میزان ناهنجاری جنین و نظرات مراجع درباره انجام یا عدم انجام سقط جنین، نباید انجام این آزمون‌ها برای همه زنان باردار یا هر طیف سنی، تجویز شود.

۱. Aldred SK, Takwoingi Y, Guo B, et al. First and second trimester serum tests with and without first trimester ultrasound tests for Down's syndrome screening. Cochrane Database of Systematic Reviews [Internet]. 2017; (3). Available from: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/14651858.CD012599/abstract>.

۲. بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع مطابق با فتاوی سیزده نفر از مراجع معظم تقلید، ج ۲.

وضع حمل

امروزه سزارین انتخابی بنا به درخواست مادر، به عنوان یک امر پذیرفته شده جای زایمان طبیعی را پر کرده است و یکی از علل افزایش سزارین در دنیا است. با وجود آن که سازمان بهداشت جهانی، میزان استاندارد سزارین را ۱۵٪-۱۰٪ کل زایمان‌ها در نظر گرفته، میزان سزارین در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه افزایش یافته است.^۱ در سال ۱۳۹۳ میزان سزارین در کشور ایران، ۴۸٪ از کل زایمان‌ها بوده است.^۲

علل گرایش به سزارین

انجام سزارین باید محدود به موارد پزشکی از جمله عدم تطابق سر جنین با لگن مادر، زجر جنین، نعایش غیر طبیعی جنین، جفت سر راهی، عروق سر راهی جفت، سزارین قبلی، احتمال پارگی رحم و برخی از بیماری‌های مادر یا جنینی باشد؛ اما امروزه سازوکار طبیعی تولد نوزادان، با انواع مداخله‌های غیر ضروری همراه شده است و علل غیر پزشکی و علل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در افزایش سزارین دخالت دارند. ناآگاهی و نگرش‌های غلط زنان، ترس از زایمان طبیعی، نگرانی در مورد عوارض نامطلوب بر عملکرد جنسی، قابل برنامه‌ریزی بودن زمان سزارین، ممانعت شدن برخی پزشکان از تمایل زنان باردار به سزارین و ترس آنان از دادخواهی مراجعین به دنبال عوارض احتمالی زایمان طبیعی، سودآوری مالی سزارین برای برخی پزشکان و بیمارستان‌ها، تغییر نگاه به زایمان به عنوان یک بیماری نه یک روند فیزیولوژیک، افزایش سن زنان باردار، کاهش تعداد فرزندان و رواج تک فرزندی، کم رنگ شدن نقش ملما در جامعه زنان و دختران، افزایش مراقبت‌های الکترونیکی از جنین و نگرانی در مورد غیر اطمینان بخش بودن ضربان قلب جنین و کاهش آستانه‌ی انجام زایمان طبیعی و افزایش استفاده از داروهای تسریع‌کننده زایمان از جمله این علل است.^۳

۱. WHO statement on caesarean section rates 2015. Available from:

http://www.who.int/reproductivehealth/publications/maternal_perinatal_health/cs-statement/en/

۲. Azami-Aghdash S, Ghojzadeh M, Dehdilani N, Mohammadi M, Asl Armin Abad R. Prevalence and Causes of Cesarean Section in Iran: Systematic Review and Meta-Analysis. *Iran J Public Health*. 2014;43(5):545-55

۳. I. Azami-Aghdash S, Ghojzadeh M, Dehdilani N, Mohammadi M, Asl Armin Abad R. Prevalence and Causes of Cesarean Section in Iran: Systematic Review and Meta-Analysis. *Iran J Public Health*. 2014;43(5):545-55.

2. Hopkins K. Are Brazilian women really choosing to deliver by cesarean? *Soc Sci Med*. 2000;51(5):725-40.

علل ترس از زایمان طبیعی

عدم برقراری رابطه‌ی عاطفی با ماما و پزشک در بخش زایمان: ترس زنان از دردهای زایمانی و اعتقاد به این که تحمل درد را ندارند و سزارین، زایمان بدون درد است، عدم استفاده از روش‌های بی‌دردی در بخش زایمان، عدم حضور همسر یا همراه در کنار مادر در اتاق زایمان، محدود کردن مادر به تخت زایمان برای دریافت داروهای تسریع‌کننده زایمان، ممنوعیت خوردن مواد غذایی در اتاق زایمان به منظور آماده‌نگه داشتن مادر برای سزارین اورژانسی احتمالی، هم‌اتاق بودن خانم‌های باردار با یکدیگر که منجر به انتقال ترس و نگرانی بر یکدیگر می‌گردد، فضای خشک، بی‌احساس و ناآشنای اتاق‌های زایمان و انبوه لوازم و تجهیزات پزشکی که منجر به اضطراب در زنان می‌شود، نحوه پذیرش خانم باردار در بخش‌های زایمان و برخورد بیمارگونه با او و عدم توجه به این مسئله که زایمان یک روند فیزیولوژیک و طبیعی است و مادر بیمار نیست، برقراری راه‌وریدی به صورت روتین برای تزریق دارو در حالی که این کار برای همه زنان باردار لازم نیست، ترس از آسیب به عضلات کف لگن و اختلال در روابط جنسی، عدم شرکت در کلاس‌های آمادگی برای زایمان و آشنایی با فن‌های کاهش درد زایمان و غلبه بر شکایت‌های شایع بارداری، کمبود ماما به نسبت بیماران و حجم بالای وظایف که باعث عدم توجه به بیماران در بخش زایمان و بعد از زایمان می‌شود از عوامل ترس از زایمان طبیعی هستند.

عوارض سزارین^۱

سزارین همراه با عوارض کوتاه‌مدت و بلندمدت مادری و نوزادی است. در مادران، ممکن است منجر به عفونت‌های ادراری، افزایش احتمال پارگی رحم، تزریق خون، آندومتریت (عفونت رحم)، گسیختگی و هماتوم زخم، عوارض بی‌حسی و بی‌هوشی، سوراخ شدن روده، چسبندگی روده، آسیب به مثانه، ترمبوآمبولیسم وریدی، هیسترکتومی (خارج ساختن رحم)، دوران بستری طولانی در بیمارستان در مقایسه با زایمان طبیعی، افزایش هزینه‌ی زایمان شود. همچنین بر بارداری آینده مادر تأثیر گذار بوده و ممکن است منجر به جفت سرراهی، حاملگی خارج رحمی و چسبندگی رحم و... شود. در نوزادان، احتمال استفاده از ونتیلاتور (تهویه مکانیکی)، نمره آپگار پایین، تشنج، دیسترس (مشکل تنفسی) به دلیل زایمان زود هنگام قبل از بلوغ ریه‌ی جنین و عدم فشرده شدن قفسه‌ی سینه برای خروج مایع درون ریه حین سزارین و عدم جایگزینی هوا به جای مایع درون ریه)، آسپکسی (کمبود اکسیژن جنین، آسیب به بافت‌ها و

3 Mi J, Liu F. Rate of caesarean section is alarming in China. *Lancet*. 2014;383(9927):1463-4

4 Zwecker P, Azoulay L, Abenhaim HA. Effect of fear of litigation on obstetric care: a nationwide analysis on obstetric practice. *Am J Perinatol*. 2011;28(4):277-84.

۱. لانس جتلی و فلتی، بارداری و زایمان و طباس، ج ۲، فصل ۲۵.

مشکلات مغزی جنین) و به دنبال آن مرگ وجود دارد. کالج متخصصان زنان و مامایی آمریکا توصیه کرده است که در صورت عدم امکان بررسی رسیده بودن ریه‌های نوزاد با انجام آزمون‌های لازم، هرگز سزارین انتخابی قبل از ۳۹ هفته بارداری انجام نشود.

برخی از سزارین‌های انتخابی به منظور جلوگیری از بروز تشنج نوزادی، فلج مغزی و مشکلات نوروزیک نوزاد است؛ اما مشخص شده است بین زایمان سزارین و کاهش این موارد ارتباطی وجود ندارد.

اغلب نوزادان در ساعت‌های ابتدایی تولد، هوشیار، بیدار و نسبت به محرک‌ها پاسخگو هستند؛ بنابراین بهترین زمان آغاز تغذیه در همان ساعت‌های اولیه است، اما زنانی که سزارین می‌شوند به علت دریافت داروهای بیهوشی، بی‌حسی و بی‌دردی، هوشیارشان کاهش یافته و چون سزارین یک جراحی بزرگ محسوب می‌شود در ساعت‌های اولیه توانایی در آغوش گرفتن و تغذیه نوزاد را ندارند. این عوامل احتمال شیردهی موفق را کاهش می‌دهد.

زمان عمده انتقال ایمونوگلوبین G (در جنین، نقش حفاظتی در برابر عفونت‌های بعد از تولد را دارد) از مادر به جنین در ۴ هفته آخر تولد است. با توجه به این که سزارین انتخابی در ۴ هفته آخر بارداری صورت می‌گیرد و همچنین در زمانی که سابقه سزارین قبلی دارند به دلیل پیشگیری از شروع دردهای رحمی و احتمال پارگی رحم در ۲ هفته آخر بارداری سزارین انجام می‌شود، از انتقال ایمونوگلوبین G جلوگیری شده و ممکن است در این نوزادان احتمال عفونت افزایش پیدا کند.

طی ۲ ماه آخر بارداری، جنین ماهانه ۷۰۰ گرم وزن‌گیری دارد. در موارد سزارین انتخابی جنین از وزن‌گیری مطلوب بازمی‌ماند و با وزن کمتری متولد می‌شود و نوزادان کم‌وزن در قبال عفونت‌ها آسیب‌پذیری بیشتری دارند. به‌علاوه آنکه نتایج یک مطالعه‌ی کوهورت که در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ در استرالیا انجام شده نشان داده است، سزارین و سایر مداخلات زایمانی نظیر القاء با تقویت زایمان، اثرات سوء بسیاری بر نوزادان دارد و نوزادان متولد شده با استفاده از القاء یا تقویت لیسر در معرض زردی قرار دارند. همچنین نوزادان متولد شده به روش سزارین نسبت به زایمان طبیعی، بیشتر در معرض خطر ابتلا به اگزما و اختلالات متابولیک هستند.^۱

نقض حقوق کودک و مادر در زایمان سزارین

زنان باردار از عوارض سزارین به خوبی آگاهی ندارند و در بیشتر موارد برای فرار از درد و ترس و اضطراب، سزارین را انتخاب می‌کنند. این در حالی است که اطلاع کامل از مزایا و معایب روش درمانی از حقوق زنان باردار و

^۱Peters LL, Thornton C. The effect of medical and operative birth interventions on child health outcomes in the first 28 days and up to 5 years of age: A linked data population-based cohort study. Birth (Berkeley, Calif). 2018;1-11.

خانواده‌های آنان است. زنان بارداری که در بیمارستان بستری می‌شوند فرم رضایت آگاهانه را امضاء می‌کنند و بر اساس رضایت آگاهانه اعلام می‌کنند که از تمامی عوارض و منافع زایمان طبیعی و سزارین آگاهی دارند. در حالی که درخواست مادر مبتنی بر انتخاب سزارین تنها زمانی باید به رسمیت شناخته شود که مادر کاملاً از خطرات سزارین آگاه باشد؛ بنابراین باید با آموزش‌های لازم، مادر را در انتخاب روش صحیح زایمان یاری نمود و از سزارین فقط در موارد اورژانسی و برای نجات جان مادر و جنین استفاده شود.

راهکارهای کاهش سزارین

- تقویت علمی و بالینی روزافزون حرفه‌ی مامایی
- آموزش اخلاقی حرفه‌ای به کادر بهداشتی و درمانی که با زنان باردار در ارتباط هستند؛
- افزایش تعداد ماما در بیمارستان‌ها برای توجه و رسیدگی بیشتر به زنان باردار و رضایت مندی آنان؛
- کاهش ساعت کاری ماما در بیمارستان که منجر به کاهش فشارهای روحی کارکنان و افزایش صبر و برخورد مناسب‌تر ماما با زنان باردار می‌شود؛
- تغییر فضای فیزیکی اتاق زایمان و دورنگاه داشتن تجهیزات بیمارستانی از دید زنان باردار؛
- آگاه کردن مادران از فواید زایمان طبیعی و خطرات سزارین؛
- ارتباط موثر ماما با دختران و آماده نمودن آنان از دوران نوجوانی برای پذیرش نقش مادری و همسری و تقویت این باور که بدن زنان به طور طبیعی پذیرش بارداری و زایمان را دارد؛
- نهادینه کردن روش‌های زایمان بدون درد، اعم از روش‌های دارویی و غیر دارویی؛ روش‌های کاهش درد غیر دارویی به عنوان روشی بی‌ضرر به منظور توانمندسازی مادر و کاهش ترس و اضطراب وی است، شامل القای خواب یا هیپنوتیزم، تحریک الکتریکی پوست (TENS)، زایمان در آب، ماساژ و آرامش (Relaxation). روش‌های دارویی نیز شامل گاز انتونوکس، بی‌حسی اسپینال یا اپیدورال، تزریق ماده‌ی بی‌حسی به ناحیه‌ی نخاعی یا اطراف نخاعی است.
- ترویج زایمان فیزیولوژیک؛ زایمان فیزیولوژیک همان زایمان طبیعی است، با این تفاوت که در زایمان فیزیولوژیک تا حد امکان از هرگونه مداخله در زایمان از جمله برقراری راه وریدی برای تزریق دارو، محدود کردن مادر به تخت زایمان، تجویز دارو برای تسریع روند زایمان، پاره کردن کیسه آب و انجام روتین‌های زیاتومی (برش ناحیه پرینه) اجتناب می‌شود و عمدتاً بر خوشایندسازی زایمان و توانمندسازی مادر، کاهش ترس و اضطراب او، حمایت توسط همسر و خانواده استوار است. در این زایمان روش‌های غیر دارویی برای کاهش درد زایمان به کار گرفته می‌شود و خانم باردار می‌تواند هنگام در تمامی مراحل زایمان، همسر یا همراه دیگری که

همراه با او در کلاس‌های زایمان فیزیولوژیک شرکت کرده است، کنار خود داشته باشد. کلاس‌های آموزشی زایمان فیزیولوژیک، از هفته ۲۱ بارداری به مدت ۸ جلسه برگزار می‌شود و در زمینه بارداری و مسائلی که مادر بعد از زایمان با آن‌ها مواجه است، آموزش داده می‌شود.

- حضور مامای همراه ماهر و خوش برخورد در اتاق زایمان کنار مادر باردار؛ مامای همراه، مامایی است که دوره‌ی زایمان فیزیولوژیک را گذرانده است و در صورت تعادل مادر، می‌تواند به عنوان همراه و مشاور با فن‌های کاهش درد غیر دارویی، فرایند زایمان را برای خانم باردار خوشایند کند.

- انجام زایمان طبیعی توسط ماما در منزل؛ به منظور کاهش اضطراب در زنان باردار، همراه با فراهم نمودن شرایطی که در صورت نیاز، مادر به بیمارستان منتقل شود.

- فراهم کردن شرایط انجام زایمان طبیعی بعد از سزارین؛ در طب زایمان، کمتر موضوعی وجود دارد که به اندازه اداره زنان دارای سابقه سزارین، مورد اختلاف نظر باشد. چند دهه اعتقاد بر این بود که زنان دارای سابقه‌ی سزارین، به علت احتمال پارگی رحم نمی‌توانند در بارداری بعدی، زایمان طبیعی انجام دهند، اما امروزه توصیه شده است، زنانی که قبلاً تحت سزارین یا برش عرضی رحم قرار گرفته‌اند، اندازه‌های لگنی مناسبی داشته و پارگی رحم یا برش رحمی دیگری ندارند، می‌توانند بعد از سزارین اقدام به زایمان طبیعی کنند به شرط آن که دسترسی فوری به پزشک و کارکنان بی‌هوشی در سرتاسر مراحل زایمان برای انجام سزارین فوری در بیمارستان فراهم باشد. لازم به ذکر است، ممکن است احتمال پارگی رحم و مرگ یا آسیب جنین در زایمان واژینال به دنبال سزارین ایجاد گردد. البته شواهد ضد و نقیضی در این مورد وجود دارد.

همی توان به‌جای واژه منفی «پرخطر» که باعث و بانی خیلی از تجویزهای ضد جمعیتی است واژه «نیازمند مراقبت بیشتر» را جایگزین کرد تا پزشکان خود را متعهد به افزایش مراقبت در آن شرایط (فرزندآوری در سنین پایین و بالا) بدانند نه اینکه صورت مسأله با تجویز عدم فرزندآوری پاک شود.

لازم به ذکر است از سال ۱۳۹۰ دستورالعمل ترویج زایمان طبیعی با هدف ارتقاء شاخص‌های سلامت مادران و نوزادان از طریق کاهش سزارین، افزایش رضایت‌مندی مادران باردار با حفظ حریم خصوصی از طریق بهینه‌سازی فضای فیزیکی اتاق‌های زایمان، رایگان شدن زایمان طبیعی در بیمارستان‌های دولتی و افزایش انگیزه ارائه دهندگان خدمت جهت افزایش میزان زایمان در مراکز دولتی اجرا شده و به موفقیت‌های خوبی در این زمینه دست یافته است. حمایت‌های مالی از این طرح می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت‌های بیشتر آن باشد.

رسم و رسوم

آیین، سنت و قاعده متداول میان افراد یک جامعه را «رسم و رسوم» آن جامعه گویند.^۱

آداب و رسوم بر دو قسم است:

۱. آداب و رسومی که شارع وضع نموده و در قالب امر واجب یا مستحب عرضه شده است؛ با توجه به اینکه دین اسلام تشریفاتی نیست و دستورات گزاف ندارد بنابراین باید این آداب و رسوم را که به آنها سنت گفته میشود همواره حفظ نماییم

۲. آداب و رسومی که خدا در قبال آنها سکوت کرده و خود مردم واضع آنها هستند؛ این رسوم گاه جنبه تشریفات و تکلف دارد و گاه موجب تألیف قلوب و سامان یافتن امور خواهد بود. بلدا، عید باستانی نوروز، سیمونی از جمله رسومات ایرانیان است

در مورد نظر اسلام عزیز در خصوص رسم و رسومی که خود مردم آن را وضع مینمایند میتوان به دو

نکته اشاره کرد:

- جامعیت اسلام ایجاب می‌کند که در بسیاری از امور مردم آزاد باشند و به اصطلاح تکلیفی نداشته باشند.^۲ در حکمت ۱۰۵ نهج البلاغه از امیرالمومنین نقل شده است: «خدا چیزهایی را واجب کرده است، آنها را ترک نکنید، چیزهایی را هم ممنوع اعلام کرده است، به آنها نیز تجاوز نکنید. خدا درباره بعضی از مسائل سکوت کرده است. البته فراموش نکرده، بلکه خواسته است که سکوت کند و بندگانش در آن مسائل آزاد و مختار باشند. در آنچه خدا مردم را آزاد گذاشته است، شما دیگر تکلیف معین نکنید و خود را به رنج نیندازید. نیز در روایت است «خدا دوست دارد در مسائلی که مردم را آزاد گذاشته است، مردم هم آزاد باشند»^۳

۱. عبد فرهنگ تحت عنوان ذیل ویژه رسم.

۲. شهید مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۴

۳. وسائل الشیخ، ج ۱، ص ۸۱

- نحوه مواجهه اسلام با سنن نیکو، عمل نمودن و تقض نکردن است؛ چنان‌که امام علی (ع) در ضمن نامه‌ای به مالک می‌فرمایند: «سنت نیکویی را که بزرگان این امت بدان عمل کرده‌اند و سبب الفت میان مردم گشته و امور رعیت بر آن سامان یافته مشکن! اگر این رسماً دست و پاگیر است و موجب گناه می‌شود باید برچیده شود»^۱.

و مواجهه اسلام با رسومات متناقض با عقل و شرع، نفی یا اصلاح و تعدیل و تکمیل دفعی و تدریجی است؛ بررسی سیره‌ی عملی و اقوال و احوال پیامبر (ص) نیز نشان می‌دهد که آن حضرت متعرض بسیاری از آداب و سنن و باورهای عرب می‌شدند، گاهی به طرد و نفی عاداتی چون ازدواج نکاح سفار، بدل (معاوضه) و... پرداخته و گاه با تأیید قالب برخی عناصر فرهنگی، آداب را محدود و تعدیل نموده‌اند، مانند آنکه عرب به مناسبت‌های مختلف ولیمه می‌داد.^۲ گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که حدود شانزده نوع ولیمه در میان آنان مرسوم بوده است اما روایتی از پیامبر (ص) نقل شده است که ایشان ولیمه دادن به مناسبت ازدواج، تولد فرزند، ختنه، خرید خانه و بازگشت از مکه را مورد تأیید قرار داده‌اند. چرا ایشان یک سری از ولیمه‌های مرسوم مردم عرب را حذف کردند؟ مگر نه این‌که می‌توانست فایده داشته باشد! فایده‌ای چون اطعام که بسیار سفارش شده، صلوات‌رحم و دوره‌می و...! پیامبر (ص) آن را حذف کرد تا مردمش به آزادی برسند و از اسارت‌های خودساخته رهایی یابند.^۳

رسم سیمونی و وضع امروز جامعه

«سیمونی» مجموعه اقلامی است که خانواده‌ی عروس بعد از ماه ششم و اغلب در ماه هفتم برای ایام نوزادی اولین فرزند دختر خود خریداری می‌نمایند. این رسم از زمانهای قدیم و در بسیاری از شهرها جاری بوده است و تاکنون نیز ادامه دارد؛ اما کمیت و کیفیت برگزاری آن نسبت به گذشته متفاوت شده است. مقایسه لیست اقلام سیمونی امروز و گذشته گویای حجم این تفاوت‌هاست. در گذشته تهیه‌ی سیمونی فرصت هنرورزی خوبی برای خانواده‌ها حساب می‌آمد و بسیاری از اقلام مورد نیاز کودک حاصل کار توأم با ذوق و نشاط مادرها و مادر بزرگ‌های هنرمند بود و لوازم بنا به ضرورت و برای دوران نوزادی آماده می‌شد اما امروز شاهد فروشگاه‌های متعدد و تخصصی سیمونی هستیم که نه فقط لوازم مورد نیاز دوران نوزادی که اسباب و وسایل غیر ضروری تمام دوران کودکی را نیز در قالب سیمونی عرضه

۱ نهج البلاغه، نامه ۵۳

۲ شیخ صدوق، نظری، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۶.

۳ فاضل، مواجهه قرآن با فرهنگ‌های عصر نزول، پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۲ و ۲۳.

و خانواده‌ها خریداری میکنند. این در حالی است که برخی روانشناسان کودک بر این عقیده‌اند که هر چه محیط اطراف کودک ساده‌تر باشد، کودک آرامش خاطر بیش‌تری خواهد داشت. کودکی که تا چشم باز می‌کند همه امکانات را در اطراف خود می‌بیند، همه آن‌ها خیلی زود برایش عادی خواهند شد و ذوق و شوقی برای آن‌ها نخواهد داشت. از آن گذشته لذت اینکه کودک در سن مقتضی آنچه خودش می‌پسندد را انتخاب کند با داشتن چیزی که از وقتی چشم باز کرده بی استفاده در کنار خود دیده قابل مقایسه نیست. از طرفی زمانی که کودک آنچه واقعا نیاز است (نه نیاز کاذب) را داشته باشند و بعد انتظار بکشند تا آنچه گاهی فراتر از نیازش می‌خواهد برسد، در نمونه‌های کوچک، قانونی از زندگی را می‌آموزد، اما خرید مجموعه‌ای از آرزوهای نداشته والدین در سیسمونی، نه درسی به بچه‌ها خواهد داد و نه به رشد منطقی آن‌ها کمکی می‌کند! و چه بسا مقدمه‌ای باشد برای فخر فروشی کودک در آینده‌ای نه چندان دور.

متأسفانه امروز غم و اندوه کاذب ناشی از دغدغه تهیه وسایل غیر ضروری جای آن ذوق و نشاطها را گرفته و رسم سیسمونی سنگی شده جلوی پای فرزندآوری. اگر در ادوار گذشته خانواده‌ها فرزندانشان را به بچه دار شدن ترغیب می‌کردند، متأسفانه امروز برخی والدین به دلایلی از جمله تمام نشدن قسط چهار یا بالا بودن سطح توقعات چون گذشته اشتیاق به نوه ندارند.

ولذا مشاهده میشود که رسمی خودساخته از حاشیه به متن آمده و این چنین باعث تکلف و نابسامانی امور میشود. از نظر قرآن، اولاد با تمام اکرام و عزتی که دارد مایه‌ی آزمایش است و نباید هدف واقع شده و اغلثوا لئلا أفوالکم وأولادکم بفئله. امروز اما فرزند و بیش از آن، متعلقاتش هدف قرار گرفته است. متأسفانه وضعیت امروز به گونه‌ای است که خیرین هم وارد کار سیسمونی شده‌اند! گویا امر واجب است! برخلاف متقدمین رسم سیسمونی به شکل امروزی، برخی موافق این رسم هستند و استدلالشان این است که چه اشکالی دارد خانواده‌ها که وضعیت اقتصادی بهتری نسبت به زوج‌های جوان دارند آن‌ها را برای تأمین هزینه‌های نوزاد کمک کنند؟ آنان معتقدند که در این حمایت، نوعی تقسیم کار بین خانواده‌ی عروس و داماد صورت گرفته است. به طوری که از زمان‌های گذشته خانواده‌ی پسر وظیفه‌ی حمایت زوج جوان در تهیه مسکن و تأمین مخارج زندگی را به عهده دارد در مقابل، خانواده‌ی دختر وظیفه‌ی تهیه‌ی جهیزیه و سیسمونی را به عهده دارد و در اکثر موارد، وظایف خانواده‌ی دختر و پسر تقریباً با هم برابری می‌کند. اگر هر کس در حد توان خودش سیسمونی تهیه کند هیچ مشکلی پیش نمی‌آید!

۱. سفلی، نور دیده

۲. سوره انفال، آیه ۲۸.

برای بررسی رضایتمندی یا نارضایتی خانواده‌ها می‌توان سه حالت را متصور شد: ۱. حالتی که وضعیت اقتصادی خانواده‌ی دختر و زوج جوان در یک سطح است. ۲. حالتی که وضعیت اقتصادی خانواده‌ی دختر از زوج جوان بهتر است. ۳. حالتی که وضعیت اقتصادی خانواده‌ی دختر از زوج جوان بدتر است.

رسم سیمونی، آن هم به شکل امروز برای گروه اول و سوم سخت است. اصولاً رسم و رسوم از جانب قشر مرفه و برخوردار جامعه تولید و قریه می‌شود و بر گرده‌ی قشر متوسط و ضعیف جامعه تحمیل می‌شود، گاهی همین گروه دوم که توانایی دارد، رسمی را باب می‌کند و باقی به خاطر فرار از حرف مردم و یا به اصطلاح جا نماندن و... دنباله‌رو آنها می‌شوند. ممکن است گفته شود هر کس در حد خود وسعت سیمونی دهد، این حد را چه کسی تعیین می‌کند؟ اگر حد کسی با دیگری فرق داشت و بسیار پایین‌تر بود عواقبش را که می‌پذیرد؟ چه خانواده‌هایی که به خاطر مشکلات این چنینی از هم نپاشیده‌اند!

آیا اکنون که متأسفانه به تبع جهاز متجمل و مفصل دختر، وضع زندگی جوانان حتی از خانواده‌هایشان بهتر است، این رسم جایگاهی دارد؟ حمایت از جوانان بسیار پسندیده است اما تا جایی که نامش لطف باشد نه وظیفه. کمک هر دو خانواده لطف است اما این لطف از سمت خانواده داماد دربارهی همه صادق نیست؛ چون عنوان رسم بر آن نیامده است، اگر کسی امکانش را داشت حمایت می‌کند و اگر نداشت نه حمایتی اتفاق می‌افتد و نه گلایه‌ای! اما حمایت خانواده‌ی عروس دربارهی همه صادق است و چون نام رسم بر سر آن آمده است همه انتظار دارند، انتظاری که اگر برآورده نشود عواقب خواهد داشت. در حال حاضر چه کسی تردید دارد سیمونی که از طرف خانواده دختر تهیه می‌شود تبدیل به وظیفه شده است؟ به راستی این رسم و رسوماتی که از آنها دفاع می‌شود، چقدر به استحکام زندگی کمک کرده‌اند؟ اکنون با وجود بحران جمعیتی در کشور، با این رسم کلدایی چه باید کرد؟ چرا مردم همچنان متوقع‌اند و پافشاری می‌کنند؟

نگاه برخی از مردم به این رسم:

- وقتی می‌بینم که پدرم پول ندارد که دندان بگذارد تا نان بخورد، می‌خواهم به زمین فرو بروم. خواهرم دو سال است که در عقد است و باید به خاطر جهیزیه در عقد بماند و پدرم می‌خواهد برای من سیمونی بخرد. چه کار می‌شود کرد؟ لعنت به حرف مردم!

۱. گلچینی از پیامک‌های برنامه گلبرگ.

- پدر زخم قرار بود که برای تهیه سیمونی پول نزول کند. اگر این پول وارد زندگی ما می شد معلوم نبود چه بلایی سر زندگی ما می آمد!

- من از روی ناچاری برای سیمونی دخترم، کلیه ام را فروختم و الآن دخترم در آستانه طلاق است. به دامادم بگویند که خدا را خوش نمی آید.

این حرف ها، حرف های دوران جاهلیت نیست، حرف های امروز است! امروز، جاهلیت مدرن!

مانیز جاهلیم!

«جاهلیت عبارت است از غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب انسانی بر محیط زندگی؛ یعنی جوامع انسانی، تحت تأثیر تعابلات شهوی و غضبی به شکلی دربیاید که فضائل در آن کم بشود و رذایل حاکم بشود»^۱

«جاهلیت، امروز هم در دنیا وجود دارد. باید چشممان را باز کرده و جاهلیت را بشناسیم. امروز هم عیناً همین معنا وجود دارد، جاهلیت مدرن»^۲. ما نیز جاهلیم، مانند همان بت پرستانی که با دست خودشان بت می تراشیدند و مقابلش گریه می کردند. قرآن می فرماید: «أَتَعْبُدُونَ مَا تَجْعَلُونَ»^۳ با دست خودت می تراشی مقابلش اشک هم می ریزی؟ ما هم با دست خودمان آداب و رسوم درست کردیم و در آن مانده ایم.^۴ «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»^۵.

اما چرا با وجود آن که بسیاری از افراد جامعه راضی به برگزاری این رسومات نیستند، این رسم ها همچنان به قوت خود باقی هستند و روز به روز مرفقی تر می شوند؟

به دلیل «از خود بیگانگی»؛ انسانی که شناختی از خود ندارد، شناخت درستی از اهداف و انگیزه های وجودی خود نیز نخواهد داشت و در رفتار و منش خود، به نمونه ای از خود بیگانگی دچار می شود. این حقیقت را قرآن به ضلالت و گمراهی تعبیر می کند.

«تقلید کورکورانه» دلیل دیگری بر جاهلیت ماست؛ «إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَادَهُمْ ضَالِّينَ، فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ»^۶

«تقلید کورکورانه» به معنای کشانده شدن قهری و بدون اختیار است.^۷ بدترین نوع تقلید هم آن است که با علم و آگاهی، از

۱. امام خمینی، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶.

۲. امام خمینی، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶.

۳. سوره صافات، آیه ۹۵.

۴. قرآنی، پایگاه درس های از قرآن، ۱۳۸۵/۰۵/۲۶.

۵. سوره ابراهیم، آیه ۱۵۷.

۶. سوره صافات، آیات ۶۹ و ۷۰.

۷. قرآنی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۳۶.

منحرفان تقلید کنیم. «إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَانَنَا فَأَصْلُونَا»^۱ و گویند: پروردگارا! همانا ما سران و بزرگانمان را اطاعت کردیم، پس آنان ما را از راه به در بردند.

رسم سیمونی و رسوم دیگر، اگر به شکل ساده و بدون هرگونه تکلف و سختی و به حرام افتادن و اسراف و تبذیر و تجمل گرایی و فخر فروسی و وظیفه قلمداد شدن انجام گیرد انتقاد چندانی به آن وارد نیست؛ اما آنچه امروزه مشاهده می شود جاهلیتی مدرن است!

عوامل تأثیرگذار در بداجرا شدن رسم سیمونی

وضع سیمونی های امروز ناشی از به روز کردن رسم ساده گذشته با بی فرهنگی اقتصادی رایج است. برخی عوامل که باعث می شود این رسم به شکل سخت برگزار شود عبارتند از:

- **تجمل گرایی:** «تجمل» به معنای خود را زینت دادن و آراستن و نیز به معنای وسایل آرایش و آنچه موجب نشان دادن شأن و شکوه باشد آمده است.^۲ سیره پیامبر اکرم (ص) مؤید این است که تجمل به خودی خود، ناپسند نیست و حتی معدوح است. آنچه نهی شده «تجمل گرایی» به معنای افراط و زیاده روی در آراستگی برای خودنمایی است و فرد تجمل گرا به کسی اطلاق می شود که از حد تعادل و شئون عرفی خود خارج شده، به اسراف، تبذیر و چشم و هم چشمی رو آورده و کالاهایی را که هرگز به آن ها نیاز ندارد خریداری کند و یا کالاهایی را که هنوز قابل استفاده است دور اندازد.^۳

اگر کسی برای خود اهداف عالی معنوی ترسیم نکرده، تماماً مشغول زیبایی های وسایل زندگی می شود، بدون آنکه به ماوراء آن ها نظر دوخته باشد، اینجاست که زیبایی ها در جلوه تجمل خودنمایی می کنند و پای فخر و خودنمایی به میان می آید.^۴ تجمل گرا گذشته از آن که در فکر آرایش ها و تزئین های افراطی است، می کوشد از طریق رنگ و روغن کاری و فریب سازی و... شکل و ظاهر امور زندگی را با فرم های تقلیدی و مد روز و مطابق هوس های زودگذر خود به ترتیب و تنظیم کشد و این امر جزء تفریح و سرگرمی او می گردد و در نتیجه عامل بی حوصلگی عمر و تباهی زندگی او می شود. اسلام با انگیزه تجمل پرستی موافق نیست و اجازه نمی دهد انسانی که باید راه تکاملش را برای رسیدن به ابد ال های مقدس الهی بییابد، خویشتن را سرگرم خود آرایی و خود کامگی کرده و راه را، هم بر زندگی اقتصادی جامعه و هم بر کمال خود مسدود گرداند.^۵

۱. سوره احزاب، آیه ۶۷

۲. دهخدا لغت نامه دهخدا، ذیل واژه تجمل

۳. کلینی، مستطوی، کافی، ج ۴، ص ۲۲۵.

۴. طهرزاده، گزینش تکنولوژی از تریچه پیش توحیدی

۵. موسوی سفهانی، پیام های اقتصادی قرآن، ص ۳۶۹-۳۶۸.

چشم و هم‌چشمی: «چشم و هم‌چشمی» رقابت در تجمل است و ارتباطی مستقیم با میزان پذیرفته شدن افراد از سوی خود آن‌ها دارد. بدین معنی که هر چه افراد، وضعیت ظاهری، توانایی‌های فردی و مالی خود را همان‌گونه که هست، قبول داشته باشند کم‌تر به چشم و هم‌چشمی با اطرافیان خود مبادرت می‌ورزند و در تلاشند که خود را در چشم دیگری بزرگ نمایند و به نوعی خودنمایی کرده و برتری و چیرگی خویش را نشان دهند از نظر روان‌شناسی، زمانی که معیارهای ارزشی در وجود فرد نهادینه نشده باشد، فقط دیدگاه دیگران برای او مهم است؛ اما زمانی که معیارهای ارزشی درون ذهن فرد جای گرفت، آنگاه از وابستگی به نظر دیگران رها می‌شود و می‌تواند معیارهای اخلاقی و رفتاری خود را که در اثر تکامل عاطفه و اندیشه او به وجود آمده است به کاربرد.^۱

فرهنگ تکاثر و تفاخر: «تکاثر» به معنای فزون‌طلبی در اموال و اولاد، جهت فخرفروشی و مباحثات بر یکدیگر است.^۲ گاهی جهل انسان به ضعف‌ها و خودبزرگ‌پنداری و گاهی حقارت ناشی از شکست‌ها علت تفاخر و فخرفروشی است. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که «ما من رجل تکبر او نجبر الا للذلة وجدها فی نفسه»^۳ هیچ کس تکبر و فخرفروشی نمی‌کند مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می‌یابد. سایر عوامل عبارت‌اند از ذاللی چون جهل و غفلت،^۴ رفاه‌زدگی،^۵ تحقیر دیگران^۶ و...

طاغوتیان از مردم می‌خواهند که عقلشان در چشمشان باشد،^۷ مرفهین و حتی کسانی که به زور و ضرب زیر بار سنگین این رسم رفته‌اند هم همین‌طور. تکاثر و تفاخر، کیفر سختی دارد «الیهکم التکاثر... لئلا یذوقن العذاب»^۸ و بالاتر از آن، «ان الله لا یحب کل مختال فخور»^۹ لذا است که پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «من از فقر بر شما نمی‌ترسم؛ بلکه از فزون‌خواهی و تفاخر به زیاد داشتن برای شما نگرانم»^{۱۰} و امام علی (ع) نابودی مردم را در دو چیز می‌داند: «ترس از ناداری و فخرجویی»^{۱۱}.

۱. چشم و هم‌چشمی از نگاه قرآن، پایگاه اطلاع‌رسانی استاد حسین نصریان

۲. مکارم شیرازی، ذریه المعارف فقه مظن، ج ۲، ص ۳۲۹.

۳. کلینی، مصنفی، کفای، ج ۲، ص ۲۲۶.

۴. سوره نساء، آیه ۱۷-۲۲.

۵. سوره هود، آیه ۱۰.

۶. سوره زخرف، آیه ۵۱ و ۵۲.

۷. سوره زخرف، آیه ۵۱.

۸. سوره تکوین، آیه ۱.

۹. همان، آیه ۳۳. مختال به کسی گویند که بر لباس خیال و توهمها (و با معیارهای بوج خود) خود را برتر می‌داند و فخور به معنای فخرفروش است.

۱۰. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۱۵۴.

۱۱. حرلی، تحف العقول، ج ۱۵۸۱۹.

- **ترس از تحقیر شدن و به عبارتی «حرف مردم»:** یکی دیگر از مواردی که خرید سیمونی به شکل امروزی را برای مادران باردار مهم جلوه می‌دهد، ترس از تحقیر شدن در میان آشنایان و اقوام بویژه اقوام همسر است. متأسفانه بسیاری از تصمیماتی که مادر زندگی می‌گیریم متأثر از حرف مردم است. حضرت علی (ع) در یکی از وصایای خود به امام حسن (ع) به خوبی به این مسئله پرداخته و فرموده‌اند: «مردم این گونه‌اند که اگر تو انسان عالمی باشی، به تو حسد می‌برند و برای اینکه تو را از چشم دیگران بیندازند، در صدد عیب‌جویی و خرده‌گیری از تو برمی‌آیند و اگر مطلقاً راندانی و بخواهی از دیگران استفاده کنی، همت ندارند که تو را راهنمایی و ارشاد کنند. اگر به دنبال دقایق و ظرایف علمی باشی، طعنه می‌زنند که آدم بیکاری است که در پی چنین مسائلی است و اگر طلب علم را رها کنی، تو را کودن و کم استعداد می‌خوانند. اگر نسبت به انجام عبادات اهتمام داشته باشی، می‌گویند: این، آدم ظاهر ساز و ریاکاری است. اگر سکوت پیشه کنی، می‌گویند: لال است و اگر صحبت کنی، می‌گویند: چه قدر پر حرف است. اگر پول خرج کنی، می‌گویند: آدم و لخرجی است و اگر اقتصاد داشته باشی، تو را بخیل می‌نامند. اگر به پولشان نیاز داشته باشی و از آن‌ها درخواست کمک کنی، رابطه‌شان را با تو قطع می‌کنند و اگر نسبت به آن‌ها بی‌اعتنا باشی، حتی ممکن است تو را کافر و خارج از دین معرفی کنند!»^۱

- **مصرف گرایی:** «مصرف گرایی» اصالت دادن به مصرف و هدف قرار دادن رفاه و دارایی‌های مادی است. اسلام با تأکید بر لزوم حفظ مال، سرمایه‌گذاری اقتصادی، تأمین نیازهای زندگی برای خود و افراد تحت تکفل با معیار رعایت اعتدال و میانه‌روی، مسلمانان را به مصرف دعوت کرده و از هرگونه اسراف، تبذیر منع نموده است. اسراف به معنای خارج شدن از حد اعتدال است، بدون آن‌که چیزی در ظاهر ضایع شود^۲ و تبذیر آن است که آن‌چنان مصرف کنیم که به اتلاف و تضییع بیانجامد (تضییع مال)^۳ که در سیمونی‌های امروزی هر دو مصداق وجود دارد؛ اسرافش خریدهای چند ده میلیونی است و تبذیرش خرید وسایلی است که هرگز استفاده نمی‌شود، «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» و «إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «هر کس هر چه [دلش] خواست بخورد، هر چه دوست داشت بپوشد و هر چه از مرکب‌ها [نظرش را گرفت] سوار شود، خداوند [با نظر لطف‌آمیز] به او ننگرد تا او را مرگ فرارسد یا آن کارها را وانهد.»^۴

برخی عواقب این رسم:

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۶.

۲. مثل اینکه فرد لباس گرول قیمتی بپوشد که بهایش چنین برابر مورد نیازش باشد و با غلظی خود را آن چنان گرول قیمت تهیه کند که با قیمت آن بتوان عده زیادی را آبرومندانه تغذیه کرد در اینجا [حد تجاوز شده ولی در ظاهر چیزی ناپدید نشده است].

۳. مانند اینکه برای تو نفر مهمان غلای ده نفر را تهیه کنی، لکنه که بعضی از جاهلان می‌کنند و به آن افتخار می‌نمایند و باقی مانده را در زباله‌دان می‌ریزند و اتلاف می‌کنند.

۴. حرلی، تحف العقول، ج ۱، ص ۲۸.

تغییر سبک زندگی در نتیجه مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی، تأثیر منفی بر شخصیت کودکان؛ عقب انداختن فرزندآوری و تبعات فردی و اجتماعی‌اش، فشار اقتصادی و روانی برای امر غیرضروری و ایجاد اختلاف در خانواده‌ها، فراموش نمودن هدف اصلی زندگی در نتیجه چشم و هم‌چشمی و... ایجاد احساس فقر در برخی افراد جامعه، الگوسازی و... از جمله عواقبی است که پای بندی به این رسم به شکل امروزی آن دارد

اینک...

بر ماست که به تاسی از پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) و بزرگان اسلام که سنت‌های جاهلی را همواره سد راه تکامل جامعه میدانستند و به مبارزه و ستیز با آنها برخاستند، رسم و رسومی را که از جانب قشر مرفه و برخوردار جامعه، فربه^۱ و برگردهی قشر متوسط و ضعیف جامعه تحمیل می‌شود را بر انداخته، سنت‌های الهی و دستورات مرفی و آزادی بخش اسلام را به جای خرافات و اوهام و رسوم جاهلی بنشانیم و در این راه مقاومت و ایستادگی کنیم. چراکه به گواهی قرآن مبارزه با خرافات و آداب و رسوم جاهلی بسیار سنگین است.^۲ آن قدر سنگین که خداوند در جریان سنت شکنی پیامبر (ص)، خطاب به ایشان می‌فرماید: «وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ»^۳ در اصلاح یارد عناصر منفی فرهنگی، مواجهه قولی و زبانی به تنهایی کارساز نیست و باید به لغو سنت‌های نامعقول پرداخت و با معرفی الگوهای مناسب، قاطعانه و در عمل اقدام کرد و در این راه انتقادهای و سرزنش‌ها را به جان خرید. بدین منظور میتوان:

- علاوه بر شناساندن عظمت انسان و اهدافی که برای آن خلق شده، شناساندن واقعیت مرگ و زندگی^۴ برای رهایی از ضعف‌های این چنینی.
- مسئولیت فرزندان را خود به عهده بگیریم و از خانواده‌ها قاطعانه بخواهیم از این رسم صرف نظر کنند و پای خواسته خویش بایستیم.
- نیازهای حقیقی کودک را یادداشت کرده و هر کدام را در زمان مناسب خریداری کنیم.

۱. «كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا قَالَ: مَرْفُوعًا لَا وَجْدَ لِنَا عَلَىٰ شَيْءٍ وَلَا عَلَىٰ أَثَرِهِمْ مُقَدَّرُونَ قَالُوا لَوْ كُنْتُمْ بَاهِدِي بَمَا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آيَاتِنَا، لَأْتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ قَبْلِهِمْ وَأَنْتُمْ كَاذِبُونَ» و هم چنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دزاری نفرستادیم جز آن که اهل ثروت و مال آن ديار به رسولان گفتند که ما پدرن خود را بر این و عقاید باقیم و از آن‌ها آنته بیروی خواهیم کرد آن رسول ما به امان گفت: اگر من به ایمنی بهتر از دین باطل پدرنن شما را هدایت کنم، باز هم پدرن‌نن را تقلید می‌کنید! آن‌ها پاسخ دادند: ما به آنچه شما به رسالت آوردید کافریم».

۲. سوره شرح، آیه ۲.

۳. سوره احزاب، آیه ۳۷.

۴. ما میدان زندگی را با مرگ محدود کرتیم و این است که تنها برای هفتاد سال، برای فخر و بوی تکثر می‌کوشیم.

- بعضی از وسایل را از خانواده‌هایی که فرزندانشان بزرگ‌تر شده‌اند، امانت بگیریم و با از وسایل دست دوم نو بهره‌مند شویم.
- از شرکت در مراسم دیدن سیمونی خودداری کنیم.
- با معرفی الگوهایی که به این رسم مقید نبودند و هیچ اتفاقی هم نیفتاد به دامادها یاد دهیم که خود از خانواده‌ی همسر بخواهند که از این رسم صرف‌نظر کنند.
- با برپایی پوش مردمی عده زیادی را که منتظر یک اشاره‌اند که از زیر بار این رسم جاهلی و حرف مردم بیرون بیایند، با خود همراه کنیم.
- فرهنگ‌سازی اقتصادی و مطالبه‌گری برای نظارت فرهنگی بر عرضه اقلام غیرضروری و کالاهای تجملاتی از جمله تخت، مبل و میز توالت اتاق کودک و... از دیگر اقدامات است.

فصل دوم

هزینه‌های پس از ولادت

شیر مادر متناسب با نیاز کودک

سلامت یکی از نعمت‌های بزرگ پروردگار است که برای بهره‌مندی از این نعمت بی‌مانند، علاوه بر رعایت موازین بهداشتی باید در طول زندگی از تغذیه صحیح و مناسب برخوردار بود. شیر مادر تأمین‌کننده نیازهای غذایی کودک و همچنین دارای مواد ایمنی و تضمین‌کننده سلامتی فرد در طول زندگی است. ارتباطات عاطفی مادر و کودک به هنگام شیر دادن نیز یک امتیاز استثنایی برای شیر مادر است.

در آیات و روایات به اهمیت شیر مادر از زوایای مختلف پرداخته شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «برای طفل شیر خوار، هیچ شیرینی مبارک‌تر از شیر مادرش نیست»^۱ و به این مسئله تأکید شده است که «اجر پاسدار و مجاهد در راه خدا برای مادری است که کودکش را خود شیر می‌دهد»^۲ در همین باره نقل است که پیامبر خدا (ص) فرمودند: «وقتی زنی بار دارد، در ثواب مانند سرباز روزه‌داری است که جان و مال بر کف گرفته و در راه خدا جانبازی می‌کند، وقتی زایمان کرد اجر او آن‌چنان زیاد است که به حساب نمی‌آید و هنگامی که کودک را شیر می‌دهد هر مرتبه مکیده شدن پستان او معادل با آزاد کردن بنده‌ای از نسل حضرت اسماعیل (س) پاداش دارد و آنگاه که از شیر دادن فراغت حاصل می‌کند فرشته‌ای به پهلوی او می‌زند و می‌گوید: عملت را از سر گیر که خدا گناهانت را آمرزیده»^۳

قرآن درباره طول شیردهی می‌فرماید: مادرانی که بخواهند شیر دادن به فرزندانشان را کامل سازند، دو سال تمام شیرشان بدهند. امام صادق (ع) کمترین حد شیر دادن را ۲۱ ماه می‌داند و می‌فرماید: «شیرخواری ۲۱ ماه است، پس هر چه کم شود، سهم بر کودک است»^۴ در واقع به حداقل و حداکثر طول شیردهی اشاره شده است.

به اولین شیرینی که پس از زایمان ترشح می‌شود، آغوز (کولسترول) گفته می‌شود، این شیر حاوی مقادیر بالایی مواد معدنی و پروتئین است، همچنین آنتی‌بادی موجود در آن نوزاد را در برابر عفونت‌های روده‌ای محافظت می‌کند. از مهم‌ترین عواملی که ممکن است در روزهای اول، باعث نگرانی مادر شود، تصور کم بودن حجم شیر است.

۱. کلینی، مستطوی کافی، ج ۶، ص ۴۰.

۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۸.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۷.

۴. کلینی، مستطوی کافی، ج ۶، ص ۴۰.

باید به مادران آموزش داده شود که در روزهای اول پس از زایمان، گرچه به نظر می‌رسد مقدار شیر کم است ولی این مقدار به اندازه‌های است که نیاز نوزاد را برآورده نموده و متناسب با حجم معده او است و دلیل کمبود شیر مادر نیست این شیر در طی ۴ هفته به شیر کامل (رسیده) تبدیل می‌شود. ترکیبات شیر مادر در ابتدا تا انتهای هر وعده از شیردهی متفاوت است. شیر ابتدایی آبکی و دارای آب فراوان و چربی کم و قسمت انتهایی شیر غنی از چربی است و آب کمتری دارد. کمترین میزان چربی شیر در ساعت ۶ صبح است و در ساعت ۲ بعد از ظهر به حداکثر می‌رسد. چربی شیر مادر حاوی منبع انرژی و حاوی ویتامین محلول در چربی است و در تکامل سیستم عصبی مرکزی نقش اصلی را بر عهده دارد. کلسترول برای تشکیل میلین یافت عصبی، املاح صغراوی، هورمون‌های استروئیدی و آنزیم‌های لازم جهت کاتابولیسم ضروری است. چربی و پروتئین شیر نوزاد نارس از شیر نوزاد رسیده بیشتر است و منجر به رشد و تکامل بهتر نوزاد می‌شود. مهم‌ترین قند شیر، لاکتوز است و در شیر انسان بیشترین میزان این قند وجود دارد و سبب جذب بهتر کلسیم و منجر به رشد لاکتوباسیل (باکتری محافظت‌کننده روده نوزاد در برابر عفونت) در روده نوزاد و مهار رشد باکتری بیماری‌زای می‌شود.

شیر مادر متناسب با سن شیرخوار و در هر شرایطی برای او غذایی ایده‌آل است. این شیر حاوی عواملی است که به عنوان پیام‌های بیولوژیک برای تحریک رشد و تعایز سلولی عمل می‌کند و نقش محافظتی دارد. نوزادانی که از شیر مادر تغذیه می‌کنند در دوران مختلف زندگی، ابتلاشان به چاقی، بیماری‌های گوارشی، بیماری‌های قلبی و عروقی، دیابت نوع یک، کرون، کولیت اولسروز، آسم و آلرژی کمتر است.

مقایسه شیر مادر با سایر شیرها

شیر هر پستانداری مخصوص شیرخوار همان گونه است و در گونه‌های دیگر می‌تواند اثرات مضر داشته باشد. پروتئین شیر مادر نصف پروتئین شیر گاو و عمده آن از پروتئین whey تشکیل شده است و هضم و جذب آسان دارد، اما پروتئین شیر گاو از نوع کازئین است که هضم و جذب آن مشکل است. شیر مادر دارای دو اسید آمینه تورین و سیستین است که ضروری هستند ولی شیر گاو فاقد آن‌هاست، سیستین برای رشد جسم و تورین برای رشد و تکامل مغز ضروری است. مواد معدنی شیر مادر نسبت به شیر گاو کمتر است و این عامل منجر به کاهش بار کار کلیه نوزاد می‌شود. و اینکه آهن شیر مادر کم است اما جذب خوبی دارد.

همه‌ی مادران توانایی تولید شیر دارند

زنان در صورتی که انگیزه داشته و از حمایت خانواده، اجتماع و سیستم بهداشتی درمانی برخوردار باشند، قادر به شیردهی موفق هستند. جز کسی که بیماری نادری به نام آگالاکتیا داشته باشد، هیچ فردی نیست که توانایی

تولید و ترشح شیر را نداشته باشد،^۱ زنانی که پستان‌های کوچکی دارند نیز می‌توانند به نوزاد خود شیر دهند؛ چراکه اندازه پستان شاخص موفقیت شیردهی نیست. به طور کلی مادران در هر شرایطی که باشند قادرند شیر تولید کنند که از نظر کمی و کیفی رشد و سلامتی شیرخوار را تضمین کند حتی اگر دریافت غذای آنان محدود باشد.

با انجام زایمان، هورمون‌های استروژن و پروژسترون کاهش سریع و چشمگیری پیدا می‌کنند و اثر مهاری پروژسترون بر هورمون‌های تولیدکننده شیر برداشته می‌شود، اما بعد از آغاز تولید شیر، خوردن شیر توسط نوزاد شدت و مدت شیردهی بعدی را تا حد زیادی کنترل می‌کند؛ چراکه بر هورمون‌هایی که تولید شیر و خروج شیر را به عهده دارد، تأثیر می‌گذارد. در واقع مقدار شیر تولید شده در پستان‌ها، بستگی به مکیدن شیرخوار و مقدار شیر تخلیه شده از پستان‌ها دارد. گریه نوزاد خروج شیر را تحریک و ترس و استرس خروج شیر را مهار می‌کند. هر چه تغذیه با شیر مادر پس از تولد زودتر آغاز شود و در حین شیردهی از پستانک، شیشه شیر، آب قند و شیر مصنوعی استفاده نشود، موفقیت در شیردهی بیشتر است.

مزایای شیر مادر

برای کودک

- شیر مادر از لحظه تولد تا پایان ۶ ماهگی به تنهایی، تمام نیازهای غذایی شیرخوار را تأمین می‌نماید. حتی در چند روز اول تولد که میزان آغوز اندک است، نوزاد نیازی به هیچ نوع ماده غذایی ندارد.
- آغوز علاوه بر داشتن مواد غذایی منحصر به فرد برای نوزاد، نقش حفاظتی و ایمن‌سازی برای او دارد، همچنین عمل دفع را در نوزاد تحریک نموده و منجر به خروج موادی می‌شود که عامل زردی هستند.
- سلول‌های زنده و عوامل مختلف حفاظتی و پادتن‌های موجود در شیر مادر ابتلای شیرخوار به بسیاری از عفونت‌ها به خصوص عفونت گوش، عفونت‌های گوارشی و تنفسی را کاهش می‌دهد.

۱. در چه مواردی شیردهی به نوزاد ممنوع است؟ تغذیه از نروهای مصرفی مادر، در شیر ترشح می‌شوند و اثرات سوء بر شیرخوار دارند که در این موارد باید از شیردهی اجتناب کرد. جمله این نروها عبارتند از: داروهای ضد سرطان، مواد رادیواکتیو، پروموکورتین، فنتین دین، لاکتامین، مواد مخدر و... به طور کلی در دوران شیردهی باید از مصرف نرو بدون تجویز پزشک خودداری نمود.

در نوزاد مبتلا به گالاکتوزمی شیردهی ممنوعیت دارد. گالاکتوزمی قفلان یا نرسایی آنزیم‌هایی که در حالت طبیعی گالاکتوز را به گلوکز تبدیل می‌کنند، در کودکان مبتلا به گالاکتوزمی پس از چند نوبت تغذیه با شیر، علائم بیماری بروز می‌کند. اسهال، استفراغ، اختلال عملکرد کبدی، زردی و بزرگی کبد کانونات (اب مروارید) و اختلالات رشدی و در نهایت عصبانگی ذهنی در نوزاد دیده می‌شود.

تغذای بسیار اندکی از بیماری‌های مادر نیز ممنوعیت شیردهی در نوزاد توصیه شده، اما نظر پزشکان متفاوت در مورد ممنوعیت شیردهی ضد و نقیض است، مانند سبل فعال درمان نشده HIV.

- به علت کاهش ابتلا به بیماری‌ها در شیر خوارانی که با شیر مادر تغذیه می‌شوند، نیاز مراجعه به پزشک، درمان‌های دارویی و بستری شدن و در نتیجه احتمال جدایی از مادر کمتر می‌شود.
- در تکامل سیستم عصبی، بینایی، افزایش بهره‌هوشی و مهارت‌های تکاملی شیر خوار مؤثر است.
- احتمال ابتلا به دیابت، بیماری سلولیک، کرون، کولیت اولسراتیو، آلرژی، بیماری‌های قلبی عروقی، افزایش فشار خون، چاقی، مشکلات گوارشی و آلرژی، نفخ شکم، استفراغ و حساسیت نسبت به پروتئین شیر گاو در دوران مختلف زندگی نوزادان تغذیه شده با شیر مادر کمتر است.
- به علت آب کافی در شیر مادر، تشنگی شیر خوار بر طرف و اشتهای او تحریک می‌شود، در عین حال به دلیل این که بیشترین چربی شیر مادر در انتهای هر وعده شیردهی است، از ابتلای نوزاد به چاقی جلوگیری می‌کند.
- منجر به تقویت رابطه عاطفی بین مادر و فرزند می‌شود.
- مشکلات دندانی ناشی از پستانک و تغذیه مصنوعی در شیر خوار کمتر می‌شود.
- شیر مادر عاری از آلودگی است، دارای درجه حرارت مناسب و همه جاد در دسترس شیر خوار است.

برای زنان

- جمع شدن و برگشت رحم به اندازه طبیعی در زنان سریع‌تر است.
- تغذیه انحصاری و مکرر شیر خوار با شیر مادر در طول شبانه روز منجر به تأخیر در تخمک‌گذاری و کاهش احتمال بارداری زودرس و نایخوامت می‌شود.
- مادرانی که به فرزندشان شیر می‌دهند، میزان باقیمانده افزایش وزن در دوره بعد از زایمان کمتری دارند.
- احتمال ابتلا به سرطان پستان و بیماری کرونویری قلب در مادران کاهش می‌یابد.

مزایای اقتصادی

- تغذیه کودک با شیر مادر از هر روش دیگری ارزان‌تر است.
- کودکانی که با شیر مادر تغذیه می‌شوند، به دلیل ابتلا کمتر به بیماری، هزینه درمانی کمتری به خانواده و جامعه تحمیل می‌کنند.

تداوم شیردهی

- برخی از عواملی که در تداوم شیردهی مؤثرند عبارتند از: مکیدن درست و مکرر از پستان، به مدت کافی بعنوان مهمترین عامل، تغذیه برحسب میل و تقاضای شیرخوار و نهایتاً تخلیه پستان، آرامش خاطر و اعتماد به نفس مادر، وضعیت درست شیر دادن که میتواند از بروز درد پستان و ترک خوردن نوک پستان

جلوگیری نماید، پرهیز جدی از رژیم گرفتن و کاهش غیرعادی وزن و به جای آن انجام نرمش و حرکات ورزشی سبک، برنامه غذایی سالم و کافی بدون نیاز به مصرف غذای تقویتی خاص، پرهیز غذایی از سبزیجات خام، مصرف حبوبات (به علت ایجاد نفخ در نوزاد)، ادویه، سیر، پیاز (به علت تغییر در طعم شیر)، هم اتاق بودن مادر و شیرخوار، حمایت اعضاء خانواده به خصوص همسر به جهت استراحت کافی و حفظ نشاط مادر، در ادامه شیردهی نقش اساسی دارد.

مهم‌ترین علل عدم شیردهی مادران و استفاده از شیر مصنوعی

از میان مشکلات مربوط به مادر، کمبود شیر و شاغل بودن و از میان مشکلات مربوط به شیرخوار، بی‌قراری و نگرتن پستان^۱ به ترتیب مهم‌ترین علل شروع شیر مصنوعی می‌باشند. بنابراین آگاهی دادن به مادران و نیز حمایت بیشتر از مادران شاغل می‌تواند در ترویج تغذیه انحصاری با شیر مادر و تداوم آن مؤثر واقع شود. اذرواقع اشتغال و در نتیجه دوری از فرزند و تخلیه نشدن شیر و مکرر نبودن مک زدن، تبلی مادر و عدم آموزش صحیح در نحوه‌ی شیر دادن از مهم‌ترین عوامل هستند.

شیردهی در زنان شاغل

مادران شاغل ممکن است به علت دوری از فرزند، مکرر نبودن مک زدن پستان و خستگی، در شیردهی موفق نباشند و به استفاده از تغذیه مصنوعی روی آورند. بدین منظور باید ساز و کار قانونی برای حمایت از زنان شیرده در جامعه فراهم گردد از جمله مرخصی ساعتی شیردهی، کاهش ساعت کاری، وجود مهد کودک در محل کار، ایجاد تسهیلات لازم برای دوشیدن شیر هر ۳ ساعت یک بار و نگه داشتن آن در محل کار برای ادامه روند تولید شیر در ساعت‌های دوری از شیرخوار. لازم است مادر قبل از اتمام مرخصی زایمان، شیرخوار را با کسی که مراقبت از او را به عهده خواهد داشت آشنا کند و به یک باره شیرخوار با فرد غریبه رویرو نشود.

آیا مادری که شیردهی خود را قطع کرده است می‌تواند مجدداً به کودکش شیر دهد؟

مدت به شیر آمدن مجدد بر حسب سن شیرخوار و زمان جدایی او از مادر و شیر مادر متفاوت است و ممکن است یک تا دو هفته زمان نیاز داشته باشد تا شیر به مقدار زیاد جریان پیدا کند. علاوه بر ترغیب شیرخوار به مکیدن

۱. گریه و بی‌قراری شیرخوار ممکن است به علت گرسنگی و یا به دلایل دیگری نظیر تجمع هوا در معده، گرفتگی بینی، گرما، سرما، خیس بودن کپشه، درد آبرزی و یا بیماری، خستگی، محیط شلوغ، شرایط نامساعد محیط و یا پرخوری برگشت شیر از معده به مری و... باشد و مادر نباید آن را همیشه ناشی از گرسنگی و کم بودن شیر خود تلقی کند؛ چراکه این امر موجب نگرانی او شده و به طور ثانوی ممکن است مانع جاری شدن شیر شود. برخی مادران با تصور گرسنگی و ناکافی بودن شیر خود، شیر مصنوعی را وارد تغذیه کودک کرده و خود موجبات کم شدن شیرشان را فراهم می‌کنند. شیر مادر، ص ۷۱.

۲. کهبازی، یوسفی، نکاتی، پایان نامه بررسی علل عدم تغذیه انحصاری با شیرمادر و تداوم شیردهی تا ۲ سالگی در شیرخواران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی - درمانی شهر لراک.

مکرر پستان که تولید شیر را تحریک می‌کند، دوشیدن پستان مادر به دفعات مکرر یا استفاده از شیردوش برقی و یا دوشیدن با دست نیز کمک کننده است. برای تشویق شیرخوار به مکیدن و تحریک تولید شیر می‌توان از وسیله کمک شیردهی هم استفاده کرد. این وسیله لوله باریکی است که یک انتهای آن را باید در ظرف محتوی شیر، ترجیحاً شیر دایه مطمئن یا شیری که از بانگ شیر گرفته شده و در صورت عدم دسترسی به شیر دایه، در شیر مصنوعی قرار داد و انتهای دیگر آن را از زاویه بین دو لب شیرخوار وارد دهان او کرد. وقتی کودک پستان را می‌مکد، شیر داخل ظرف را هم از طریق لوله دریافت می‌کند. به این ترتیب پستان مادر به دلیل مکیدن‌های مکرر کودک برای تولید شیر، تحریک می‌شود. حتی خانمی که زایمان نداشته است و کودکی را به فرزندگی می‌پذیرد، با استفاده از این روش و استفاده از استروژن و پروژسترون، ایجاد حاملگی کاذب و قطع داروها در فاصله ۲۴ تا ۴۸ ساعت از شیردهی، تحریک مکرر پستان و نوک آن با کف دست و ماساژ آن با دو انگشت شست و میانه، می‌تواند شیردهی موفق‌تری داشته باشد.

توجه به این نکته نیز ضروری است:

در گذشته اگر مادر به هر دلیلی قادر به شیر دادن فرزند خود نبود برای کودک او دایه می‌گرفتند. امام علی (ع) می‌فرماید: «برای شیر دادن، [دایه‌های شایسته را] گزینش کنید، همان‌گونه که برای ازدواج گزینش می‌کنید؛ چراکه شیر، طبیعت‌ها را تغییر می‌دهد.» از پیامبر اکرم (ص) نیز روایت است: «مراقب باشید که برای شیر دادن فرزندان، از زن احمق و کم عقل استفاده نکنید؛ زیرا شیر، کودک را بر همان حالت [دایه] پرورش می‌دهد.» لذا در صورت ناتوانی از شیر دادن باید توجه نمود که چه نوع شیر خشک و یا چه ترکیبی با چه شیری برای تغذیه نوزاد انتخاب می‌شود.

۱. علامه مجلسی، بحر الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۳۳.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۲۸.

عقیقه

یکی از اعمال شایسته‌ای که والدین پس از تولد نوزاد انجام می‌دهند عقیقه کردن است. عقیقه از ماده «عق» و به معنای موی سر نوزادی است که تازه متولد شده^۱ و در اصطلاح به شتر، بز یا گوسفندی که در روز هفتم ولادت قربانی شود، گفته می‌شود.^۲ از امام صادق (ع) نقل شده است: «كُلُّ مُوَلَّدٍ قَرِيبٌ لِعَقِيْقَتِهِ فَكُلُّهُ وَالِدٌ أَوْ تَرَكَهُ»^۳ سلامتی هر نوزادی در گرو عقیقه‌ی اوست، خواه والدین عهده نوزاد را از عقیقه آزاد کنند یا نه.

اهمیت عقیقه تاجایی است که در روایت آمده است که عمر بن یزید می‌گوید: «به امام صادق (ع) عرض کردم به خدا سوگند نمی‌دانم پدرم برایم عقیقه کرده است یا خیر و حضرت از من خواست برای خودم عقیقه کنم در حالی که در سنین پیری بودم»^۴

نکاتی که در این عمل شایسته باید مورد توجه قرار گیرد، عبارت است از این که: عقیقه کردن برای فرزند مستحب مؤکد است بلکه برخی از فقها آن را واجب دانسته‌اند؛ مستحب است برای پسر، گوسفند نر و برای دختر، گوسفند ماده عقیقه شود؛ هنگام قربانی کردن، نام نوزاد و پدر او را برده و دعاهای وارد شده خوانده شود؛ زمان عقیقه کردن، روز هفتم ولادت است و اگر در آن تأخیر بیفتد، استحباب آن ساقط نمی‌شود؛ مستحب است که گوشت عقیقه بین مؤمنان تقسیم شود و از آنان بخواهند برای نوزاد، دعا کنند؛ بهتر است عقیقه را بپزند و حداقل ده نفر از اهل ایمان را برای خوردن آن دعوت کنند تا از آن بخورند و برای نوزاد دعا نمایند؛ در تقسیم کردن گوشت عقیقه، استخوان‌های آن را نشکنند و پا و ران، بلکه یک چهارم آن را برای ماما بفرستند؛ برای پدر و مادر نوزاد و عائله پدر، مکروه است از عقیقه نوزادشان بخورند و این کراهت، برای مادر نوزاد، بیشتر است. دعا کردن هنگام ذبح عقیقه نیز مستحب است.^۵

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۲۱۵.

۲. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۱، ص ۳۹۴.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۴۰.

۴. کنز، مصطفوی، کنز، ج ۶، ص ۲۵.

۵. محمدی ری شهری، حکمت‌نامه کودک، ج ۱، ص ۹۴.

ولیمه

ولیمه دادن در ۵ مورد سفارش شده^۱ که یکی از آن موارد به هنگام تولد نوزاد و ختنه کردن او است. «ولیمه» به معنای طناب و ریسمان است و در اصطلاح به مهمانی و اطعامی گفته می‌شود که حداقل ۱۰ نفر در آن حضور داشته باشند.^۲ شاید چون اطعام به مؤمنان به منزله ریسمان و حبل محبت است به آن ولیمه گفته می‌شود.^۳ از نظر اسلام ولیمه دادن بسیار مهم و پراهمیت است چنان‌که در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ إِهْرَاقَ الدَّمَاءِ وَإِطْعَامَ الطَّعَامِ»^۴ خداوند متعال قربانی کردن و ولیمه دادن را دوست می‌دارد.

شاید بتوان گفت فلسفه ولیمه نوزاد شکرانه‌ی این نعمت بزرگ الهی و بزرگداشت کودک است. بسیار عالی است اگر بتوان ولیمه‌ی فرزند را بسیار مفصل (نه متجمل، بلکه ساده اما گسترده) برگزار کرد؛ چراکه امروزه فرزندآوری به نوعی جهاد و لیبیک به امر ولی محسوب می‌شود و ولیمه دادن نوعی تبلیغ فرزندآوری است، به‌خصوص اگر برای فرزندان دوم، سوم و... باشد. نقل است که پیامبر (ص) پس از ازدواج با زینب بنت جحش، ولیمه نسبتاً مفصلی به مردم داد تا سنت جاهلیت در زمینه تحریم همسران مطلقه پسر خوانده با قاطعیت هر چه بیشتر شکسته شود و بازتاب گسترده‌ای در محیط داشته باشد. و نیز این سنت جاهلی که ازدواج با بیوه‌های بردگان آزاد شده عیب و ننگ محسوب می‌شد از میان برود.^۵

از آنجا که مستحب است که عقیقه و ختنه در روز هفتم انجام شود، می‌توان به منظور کمتر کردن هزینه‌ها، با همان گوسفندی که برای عقیقه در نظر گرفته شده است، ولیمه فرزند را نیز برگزار کرد و اگر پسر ناز روز هفتم ختنه شود، می‌توان یک ولیمه به نیت هر دو سنت داد.

پیامبر اکرم (ص) در باره‌ی بدترین و خوش‌ترین ولیمه می‌فرمایند: «به خوراکی است، خوراک ولیمه‌ای که توانگران از آن اطعام می‌شوند و مستمندان را از آن باز می‌دارند و خوش ولیمه‌ای است، ولیمه‌ای که فقیر و شریف و فرومایه و آزاد و برده از آن بخورند».^۶

سوگمندانه امروز این سنت حسنه گرفتار حواشی زیادی شده و گاهی بیش از آنکه عمل به امر الهی و فعل مستحب باشد، با انجام افعال ناشایستی چون چشم و هم چشمی، اسراف و تبذیر و علو و... آمیخته شده است.

۱. علامه مجلسی، بحر العلوم، ج ۸۶، ص ۲۸۴.

۲. محمود عبدالرحمن، مجمع لمصطلحات و الألفاظ لفقیه، ج ۳، ص ۵۰۴.

۳. طریحی، مجمع البحرین، ج ۶.

۴. کلینی، مصنفوی کللی، ج ۴، ص ۵۱.

۵. مکرم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۹۸.

۶. کسجدی ری شهری، فرهنگ‌نامه مهمانی، ج ۱، ص ۱۴۱.

برای صحیح برگزار کردن مراسم ولیمه پیشنهاد می‌گردد:

- مراسم در نهایت سادگی برگزار شود تا بتوان با فراغ بال از فقرا نیز دعوت کرد و ولیمه را به خوش‌ترین خوراک تبدیل نمود؛

- پذیرایی به مقدار وسیع مالی خانواده در نظر گرفته شود، همچنان‌که تعریف از ولیمه نیز اطعام حداقل

۱۰ نفر است؛

- در منزل برگزار شود؛ چه‌بسا در میهمانی مستمر در سالن، اهداف صلح‌رحم و نیز سادگی موردنظر

مراسم خیلی محقق نگردد. در صورت کوچکی فضای منزل میتوان از ظرفیت منزل اقوام نزدیک، همسایگان، اماکن مذهبی و فرهنگی همراه استفاده نمود.

پوشاک

در آیات و روایات برای لباس، کارکردهایی برشمرده شده که شاید ناهنجاری‌های مربوط به حوزه پوشاک به دلیل غفلت از آنها باشد. برخی از این کارکردها عبارتند از:

- **پوشش و زینت:** طبق آیه ۲۶ سوره اعراف، لباس نعمت الهی است که خداوند برای پوشاندن انسان^۱ و به عنوان زینت^۲ در اختیار او قرار داده است. تقدم جنبه پوششی بر جنبه آرایشی در آیه مذکور قابل توجه است.^۳ در فرهنگ اسلام انسان برای آن لباس به تن نمی‌کند که نگاه‌ها را جلب کند و سنگ راه شود و تن را عرضه کند؛ بلکه لباس می‌پوشد تا خود را بپوشد. لباس برای او یک حریم است که تن را از دستبرد محفوظ می‌دارد و کرامت او را حفظ می‌کند.^۴

خداوند در آیه ۲۷ سوره اعراف هشدار می‌دهد که مواظب باشید شیطان، این لباس و نعمت را از شما نگیرد. «یا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا»؛ بنابراین پوشش و پوشاندن کار خداست «أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤْوِي»^۵ ولی برهنگی و برهنه کردن کار شیطان است؛ «فَوَسْوَسَ ... لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا»^۶ در واقع برهنگی نوعی کفر الهی است «فَلَمَّا بَعَثْنَاهُمْ عَلَى الْأَرْضِ نَزَّلْنَا مِنَّا لِإِبْرَاهِيمَ إِسْحَاقَ وَيُزُوفَ وَأَسْمَاءَ وَكَانَ ابْنُ مَرْيَمَ مَعَهُمْ ذُنُوبًا مَّا يُفْتَنَنَّ الْإِنسَانَ بِمَا آتَاهُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَدِيرًا»^۷ نه نشانه‌ی کمال و تمدن!^۸

- **هویت‌سازی:** پوشاک نمادی هویت‌ساز است که ارزشش را از باورهای مرسوم جامعه گرفته و نقش مهمی در نگهداشت هویت اجتماعی و فرهنگی و استمرار و تداوم آن در حیات تاریخی نسل‌ها ایفا می‌کند و نمی‌توان آن

۱. سؤات به معنای هر آنچه ذکر و ظهورش در ملاء عام برای دیگران مایه شرمساری است.

۲. ریش به معنای پر پرتکان است که برای آن‌ها هم پوشش است و هم وسیله‌ی زیبایی. همچنین به لباسی که برای انسان نوعی زینت به حساب آید ریش گفته می‌شود. در ترجمه زینت آمده است: زینت یعنی آنچه که عیب و نقص را از بین می‌برد.

۳. قرآنی، تفسیر نور، ذیل آیه ۲۶ سوره اعراف.

۴. حنظل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی.

۵. همان.

۶. سوره اعراف، آیه ۲۷.

۷. سوره اعراف، آیه ۲۲.

۸. قرآنی، تفسیر نور، ذیل آیه ۲۲ سوره اعراف.

را صرفاً محصول سلیقه‌ی افراد دانست. امروزه مطالعه و نمایش تحول نحوه‌ی پوشش و لباس‌های یک ملت، نه تنها از لحاظ فهمیدن سیر تاریخی و درک زیبایی و تنوع آن جامعه ارزشمند است؛ بلکه از نظر فهم روان‌شناسانه و عادات و رسوم و ارزش‌های مخصوص آن ملت نیز شایان توجه است. پوشاک نمادی است که حامل اندیشه است. این که چگونه می‌اندیشیم یا چگونه فردی هستیم و یا می‌خواهیم چگونه فردی باشیم. پوشیدن لباس، پوشیدن پشم و نخ نیست، قبول کردن فکر و فرهنگ است.^۱

- **مظهر تولی و تبری** «تولی و تبری» به معنای تقویت جبهه‌ی حق و تضعیف جبهه‌ی باطل است. تمام رفتار انسان‌ها باید تجلی‌گر دفاع از حق و مبارزه با باطل باشد که به دلیل اهمیت و نقش اساسی لباس در هویت‌سازی باید در انتخاب نوع لباس نیز به طریق اولی منجلی شود. امام صادق (ع) در حدیثی فرمودند: «خداوند عزوجل، به پیامبری از پیامبرانش وحی نمود: به مؤمنان بگو! پوشش دشمنان من را نپوشند، از خوردنی‌های ایشان نخورند و راه‌های آنان را نیمایند، که در این صورت، پسان دشمنان من خواهند بود.^۲ همان‌گونه که گذشت لباس نشان‌دهنده نظام فکری افراد است. پوشیدن لباس‌های مارک‌دار و یا لباس‌هایی با نمادهای خاص، عملاً ترویج تفکرات غلط در میان جامعه مسلمین و در واقع تقویت جبهه‌ی باطل است و عواقب فرهنگی به دنبال خواهد داشت. ایشان همچنین در روایتی می‌فرمایند: «در برابر دشمن لباس شیک بپوشید تا دشمن نگوید مسلمان‌ها بدبخت هستند، فقیر هستند.»^۳ این سخن ناظر به بعد دیگری از ابعاد موضوع نقش لباس در تقویت جبهه‌ی حق است.

- **تأثیر لباس ظاهر در باطن آدمی** در روایات از پوشیدن لباس مشابه لباس فرعون و بنی‌امیه نهی شده است که می‌تواند حکایت‌گر همین مطلب باشد. امام علی (ع) در پاسخ به این سؤال که چرا لباس وصله‌دار می‌پوشند، می‌فرماید: «یَقْتَدِي بِهَ الْمُؤْمِنُونَ چون امام مؤمنان هستم (اجتماعی، سیاسی، تربیتی)، وَ يَخْشَعُ لَهُ الْقَلْبُ باعث خشوع قلب می‌شود (روایی)، وَ يَقْصِدُ بِهَ الْمُنَالِغُ باعث صرفه‌جویی می‌شود (اقتصادی)، اجتناب لِقَرَجِي باعث تهیج شهوات به سوی آدمی نمی‌شود، اَبْعَدُ لِي مِنَ الْكِبْرِ اخلاقی باعث جلوگیری از کبر می‌شود و اَسْتَبَهُ بِشِعَارِ الضَّالِّجِينَ مکتبی.^۴ به نظر می‌رسد این که اسلام مردان را از پوشیدن لباس زنان و زنان را از پوشیدن لباس مردان منع می‌کند^۵ و نیز علت منع انسان از پوشیدن لباسی که از پوست حیوان مرده یا حرام گوشت به دست می‌آید، تأثیر آن بر روح آدمی باشد.

۱. قرآنی، پایگاه ترسهای قرآن، ۱۳۷۰/۰۷/۲۵.

۲. شیخ صنوق، نظری، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۲.

۳. کلینی، مستطوی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۱.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۱. دقام الاسلام، ج ۲، ص ۱۶۱.

۵. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۹۶.

۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردانی را که لباس زنان را می‌پوشیدند و زنانی را که لباس مردان را می‌پوشیدند را از رحمت خدا دور می‌دانست.

اعتی بخشی در برابر گرما و سرما و آسیب‌ها،^۱ زمینه‌ی تسلیم شدن در برابر خدای سبحان،^۲ زمینه‌ی تذکر برای انسان،^۳ زمینه‌ی برای شکرگزاری^۴ از دیگر کارکردهایی است از قرآن و روایات برای لباس دریافت می‌شود.

بایدها و نبایدها

برخی بایدها و نبایدهایی که در روایات برای لباس وجود دارد عبارت‌اند از:

- **مقتصدانه بودن:** امام علی (ع) در خطبه‌ی متقین می‌فرماید: «وملبسهم الاقتصاد»^۵ متقین در لباس پوشیدن، مقتصدانه یکی از معانی که برای این عبارت بیان شده میانه‌روی در پوشش است هستند یعنی نه لباس‌هایی که خیلی گران قیمت یا فاخر یا شهرت نما باشد می‌پوشند، نه لباس‌های به دور از شخصیت پیامبر اکرم (ص) از پوشیدن دو نوع لباس نهی فرمودند: لباسی که به زیبایی شهره (انگشت‌نما) باشد و لباسی که به زشتی شهره باشد.^۶ امروز تیرج در میان بزرگسالان به لباس کودکان آن‌ها نیز سرایت کرده است و والدین بسیار تمایل دارند که با صرف هزینه‌های زیاد، پوشاکی را برای فرزندانشان خود تأمین کنند که جلب توجه کرده و کودک را متمایز کند.

- **عدم اسراف و تبذیر:** پوشش و آرامتگی با پوشاک و لباس‌های زیبا، مطلوب است و آراستن و زینت و بهره بردن از لباس‌های زیبایمانعی ندارد. خداوند فرمود: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الزَّيْنَةِ^۷ امانا آنجا که به اسراف کشیده نشود. در آیه ۳۱ سوره اعراف، نهی از اسراف هم مربوط به «كُلُوا وَاشْرَبُوا» است و هم مربوط به «يَا بَنِي آدَمَ كُلُوا وَشَرِبُوا» بنا بر این همان گونه که در خوردن و آشامیدن باید از اسراف پرهیز کرد، در لباس نیز باید از اسراف خودداری کرد. هم از حیث قیمت، هم از حیث عدد و هم جنس و مدل.^۸ در همین زمینه نقل است از اسحاق بن عمار که می‌گوید: به ابو ابراهیم امام کاظم (ع) گفتم: مردی ده پیراهن دارد، آیا در این کار اسراف کرده است؟ فرمودند: نه و این باعث دوام بیشتر جامه‌های او است، بلکه اسراف آن است که لباس آبرو مند خود را در جاهای آلوده بپوشی (و آن را ضایع کنی).^۹ از طرفی امام سجّاد (ع) می‌فرماید: «هر کس که لباس زیادی دارد و می‌تواند آن را به مؤمنی نیازمند بدهد و ندهد، خدا او را در روز قیامت به رو به آتش می‌اندازد»^{۱۰}

۱. سوره نحل، آیه ۸۱

۲. همان

۳. سوره اعراف، آیه ۲۶

۴. سوره نحل، آیه ۱۲

۵. نهج البلاغه، خطبه‌ی متقین

۶. همان ج ۱۰، ص ۲۲۶

۷. سوره اعراف، آیه ۳۲

۸. صفوی تفسیر آموزشی، ج ۴، ص ۲۲۴

۹. حکیم احیاء، ج ۴، ص ۲۱۲

۱۰. همان، ج ۴، ص ۱۵۴

این حدیث و همانندهای آن به حکمتی از حکمت‌های اقتصادی اشاره دارد؛ اینکه چند لباس داشتن برای باقی ماندن آن و دوام داشتن جامه در زمانی طولانی‌تر باشد، نه برای مقصودی دیگر و نیازمند به لباس در آن جا یافت نشود. بنابراین تعدد و تنوع مدامی که به تجمل و تفاخر نرسد و نیازمندی نباشد، مانعی ندارد.

برای بیان چرایی گرایش به این رفتار، شاید بتوان از این روایت کمک گرفت. حضرت صادق از پدرانش (ع) نقل می‌کند که رسول خدا (ص) صبح و شام می‌آمدند نزد اهل صفه و از آن‌ها احزابی می‌کردند. در یکی از روزها که رسول خدا (ص) تشریف آوردند... یکی از آن‌ها برخاست و عرض کرد یا رسول این خرمانی که هر روز می‌خوریم حرارت و گرمی آن، معده ما را به هم زده است. رسول خدا (ص) فرمودند: «اگر می‌توانستم دنیا را در اختیار شما می‌گذاشتم ولی پس از من روزگاری خواهد آمد که هر صبح و شام ظرف‌های پر از غذا در دست شما خواهد بود و از نظر لباس هم صبحگاهان در لباسی و عصرش در جامه دیگری خواهید بود و پرده‌های زیبا مانند پرده کعبه در خانه‌های خود می‌بینید. شخصی گفت چه وقت این چنین می‌شود که من آرزوی آن را دارم. حضرت فرمودند این زمان کنونی از آن زمان بهتر است، چون شما اگر از غذاهای حلال کاملاً اشباع شدید، بالاخره به غذاهای حرام متمایل خواهید شد.»^۱

- **مابهی تفاخر نبودن:** پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هر که جامه‌ای پوشد که بدان مباحات کند و مردم بدو نگرند، خدا بدو نگرند تا آن لباس را بکنند.»^۲ همچنین از ایشان نقل است که: «هر که پنج چیز را انجام دهد، لا محاله پنج چیز دیگر را انجام خواهد داد و هر که مرتکب این پنج چیز شود در جهنم خواهد بود...» (یکی از آن موارد این است)، هر که لباس فاخر پوشید لا محاله تکبر خواهد کرد و متکبر در جهنم است.»^۳

- **پوشیدن لباس دشمنان و بیگانگان:** حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «کم می‌شود کسی خود را شبیه قومی سازد و اندک اندک از آن‌ها نشود. نیز امام صادق (ع) درباره بهترین و بدترین لباس می‌فرمایند: «بهترین لباس، لباسی است که تو را از یاد خدا غافل نکند بلکه به شکر و ذکر و طاعت نزدیک کند و از عجب و ریا و فخر و تکبر دور نمایند»^۴، «بدترین لباس تو را به گناه خود پسندی، ریا، تظاهر، مباحات بر دیگران، فخر فروشی آلوده کند که تمام این پلییدی‌ها آفت دین و موجب سنگدلی است.»^۵

۱. علامه مجلسی، بحر الأوزار، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲. پانصد نهج الصامه، ج ۲۶۶۲.

۳. نیلی، ستر حمی، از نشأ القلوب، ج ۲، ص ۲۲۲.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۴-۳۲۵.

۵. کیلانی، مصباح الشریعه، ص ۶۹.

مطابقت با احکام شرع، متناسب بودن لباس با سن و زمانه،^۱ توجه به لباس از منظر راحتی و سبک بودن،^۲ جنس پنهامی یا کثانی بودن پارچه لباس^۳ از دیگر توصیه‌های اهل بیت در باب پوشش است. بایدها و نبایدها لباس مطرح شد و همان‌گونه که مشاهده میشود همه آنچه تهیهی پوشاک را تبدیل به دغدغه نموده است همین مواردی است که در روایات از آن نهی شده است؛ تفاخر و تکبر و تنوع طلبی و اسراف و تبذیر. در گذشته‌ی نزدیک خانواده‌ها علاوه بر بی توجهی به برخی از تفکرات اشتباه امروزی، به منظور پایین آوردن سقف هزینه‌ها از روش‌های مختلفی استفاده می‌کردند: بهره‌گیری حداکثری از لباس فرزند اول تا زمانی که سالم بود برای فرزندان بعدی، تبادل لباس بین اقوام و همسایه، کمی بزرگتر گرفتن لباس برای فرزند. در سن رشد، استفاده از هنر خیاطی و تهیه لباس در منزل توسط مادران که از این طریق مهر و محبت نیز به فرزند منتقل می‌شد.

نگرش‌های اشتباه نسبت به لباس کودکان علاوه بر پیامدهای اقتصادی که دارد، می‌تواند عواقب ناگوار فرهنگی نیز داشته باشد. کودک چندان به شیک بودن توجه ندارد، اگر او با بهترین لباس کنار یک حجم از گل سفال یا یک توپ باشد قطعاً سراغ آن خواهد رفت! این تأکید بر شیک و یکدست و مرتب بودن از طرف والدین به خصوص از جانب مادر است که بچه را کم به سمت جلوه‌گری و تنوع خواهی سوق می‌دهد و عمدتاً در نوجوانی خودش را بروز می‌دهد، همه چیز می‌خواهد و این تنوع خواهی او را به انتظارات بی‌پایان می‌برد و هر چه پدر و مادر خدمات دهند شاکر آن‌ها نخواهد بود.^۴

با توجه به نگرش‌ها و رفتارهای امروزی، باور «تن آدمی شریف است به جان آدمیت» نه همین لباس زیباست نشان آدمیت، چه جایگاهی در ذهن کودکان ما خواهد داشت!^۵

۱. محمدی ری‌شهری، میزان احکام، ج ۱۰، ص ۲۲۸، طبرسی، مکرم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲. شیخ صنوی، عین اخبار الرضا، ج ۴، ص ۱۲۸.

۳. حضرت علی (ع) متقول است که «جامه پنه پوشید که آن پوشش رسول خدا و ما اهل بیت است» همچنین از امام صادق (ع) روایت است که کثن پوشش پنهام است و بدن را فریب می‌کند حرطی، وسائل لشجه، ج ۵، ص ۲۹، جنس پنهامی پارچه از نظر علمی فواید نازک برخلاف بسیاری از پارچه‌های مصنوعی، عرق بدن را جذب و آن را به هوا تبدیل می‌کند مانند یک حوله رطوبت را از پوست نور کرده و نس گذارد باکتری‌ها و قارچ‌ها رشد کنند این ویژگی باعث شده است که پنه بهترین پارچه برای لباس ورزش، لباس زیر و لباس خواب باشد. توجه حرارت را مانند یک عایق کنترل می‌کند بدن را در تابستان سرد و در فصل زمستان گرم نگه می‌دارد و مناسب هر فصل سال است. طبیعی است و پوست را تحریک نمی‌کند قیمت پارچه نخی از سایر پارچه‌ها ارزان تر است. پارچه کتان نیز آبی طبیعی با منشأ گیاهی است که با دوام و جذب رطوبت است و دو برابر محکمتر از پنه است از مشخصات آن می‌توان به راحتی، استحکام، سهولت چپ و رنگرزی و مقاومت در برابر سایش اشاره نمود این لیاف در انواع مختلف از کم وزن تا بسیار متراکم و سنگین موجود است در این نوع لیاف مشکل الکتریسیته ساکن و کثیف شدن مشاهده نمی‌شود. سایت مجله پزشکی دکتر سلام، www.Hidoctor.ir

۴. جشی، سایت شاهان.

بازی و اسباب‌بازی

به رغم آنکه «بازی» فعالیتی برای سرگرمی و لذت و تفریح^۱ معنا شده است، بازی کودکان جنبه استراحت ندارد و صرفاً سرگرمی نیست. در نظریه تربیتی اسلام، مراحل رشد و تربیت کودک و نوجوان به سه دوره هفت ساله تقسیم^۲ شده و بازی یک مرحله زا به خود اختصاص داده است. اسلام بازی را برای کودکان محور اساسی زندگی و یکی از مهم‌ترین نیازهای داند^۳ و به والدین سفارش کرده که در هفت سال اول، فرزند خود را برای بازی آزاد بگذارند.^۴ با آنان همبازی شده و کودکی کنند. امام علی (ع) می‌فرماید: «هر کس کودکی دارد باید برای او کودک شود و به بازی و تفریح با وی پردازد»^۵

برخی از اثرات تربیتی بازی بر کودک عبارت‌اند از:^۶

تقویت خلاقیت و تخیل، کشف و کسب تجربه، تعامل با خود و دیگران، تعدیل الگوهای رفتاری و ایجاد سازگاری و تقویت روحیه جمعی در کودک در نتیجه حضور در فعالیت‌های جمعی، یادگیری مهارت‌های ارتباطی و دوست‌یابی، تمرین رعایت نظم و ترتیب، مسئولیت‌پذیری و عادت به آنها در خلال بازی، تحقق بهداشت روانی شامل افزایش اعتماد به نفس؛ کاهش اضطراب؛ عزت نفس؛ استحکام روابط خانوادگی؛ اجتماعی شدن؛ استقلال؛ تخلیه انرژی انرژی اضافی و نیروی تازه.

۱. عبید فرهنگ عبید ذیل واژه بازی

۲. شیخ قمی، سفینه البحار، ج ۸، ص ۵۸۰

۳. نجاشی، بازی کودک در اسلام، ص ۹۶

۴. کنی، مصطفوی، کلی، ج ۶، ص ۴۶

۵. کنی، مصطفوی، کلی، ج ۶، ص ۵۰

۶. مهجور، رولن‌شناسی بازی، ص ۴۹، ۶۹، ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۳۷.

مؤلفه‌های بازی

اینک اجمالاً به بیان مؤلفه‌های اصلی بازی که عبارت‌اند از: اسباب بازی، محیط بازی و هم‌بازی پرداخته می‌شود:

اسباب بازی

اسباب بازی عامل انتقال فرهنگ است، از هر جایباید و در هر جایشه داشته باشد فرهنگ همان‌جا را به همراه دارد.^۱ وسایل بازی می‌توانند به نوعی رابطه‌ی فرهنگی و احساسی بین فرد و جامعه ایجاد کنند و احساس نزدیکی با قومیت، ملیت و خانواده را بین کودکان و نوجوانان شکل دهند. به بیان دیگر یکی از کارکردهای پنهان وسایل بازی کودکان شکل‌دهی آداب و رسوم، القای ارزش‌ها، نگرش‌ها، ابتکارات و طرز تفکر هر قوم، قبیله، ملت و جامعه و انتقال آن‌ها به نسل‌های جدید است.

برای اسباب بازی سه منبع را می‌توان برشمرد:

محیط منزل: هر چیزی که در خانه هست بهترین اسباب بازی است، همه دور ریختنی‌ها، مواد غذایی خشک، همه‌ی ظروف داخل کابینت همراه با یک چهارچوب مشخص و حمایت و هدایت پدر و مادر. بسیاری از خانواده‌ها اذعان دارند که آن قدر که کودکان با اشیاء و وسایل منزل بازی می‌کنند و برایشان جذابیت دارد، با اسباب بازی‌های خودشان بازی نمی‌کنند. ضمناً می‌توان در منزل و با مشارکت فرزندان، اسباب بازی تولید کرد، با هر چیزی که ممکن است! اگرچه با دور ریختنی‌ها.

طبیعت: طبیعت یک منبع بی‌انتهای اسباب بازی است. باید کودک را با حمایت، در طبیعت رها کرد، او به پاسخ نیازهایش می‌رسد؛ در دوره‌ی سستی زندگی و بازی یکی بود و بازی و اسبابش به یک صنعت تبدیل نشده بودند، اسباب بازی کودکان هم واقعی بود. پدر، گوسفندها را می‌چراند، کودک هم به دنبالش در طبیعت و با آن‌ها بازی می‌کرد. کلیه‌ی وسایل بازی در میان مردم عبارت بود از چوب، سنگ، پارچه، استخوان، طناب نخ، توپ پارچه‌ای، کلاه، کمر بند، شلاق، گردو، بادام، تپله سنگی و شیشه‌ای و وسایل محدود دیگر...

فروشگاه: در فروشگاه‌های اسباب بازی درصد کمی از نیازهای کودکان پاسخ داده می‌شود. کودکان خیلی کم به اسباب بازی فروشگاه‌های نیاز دارند.

۱. شجاعی، بورس، پیامدهای تربیتی اسباب‌بازی کودکان، ص ۱۱.

ویژگی اسباب‌بازی خوب

انتخاب اسباب‌بازی‌های مناسب به یادگیری و تکوین شخصیت کودک کمک شایانی می‌کند، بر مهارت‌های جسمانی او می‌افزاید و در رشد شناختی و اجتماعی وی تأثیر دارد. بنابراین انتخاب و تهیه‌ی نوع مناسب اسباب‌بازی بسیار مهم و تعیین‌کننده است. اسباب‌بازی خوب ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:^۱

- **متناسب بودن با سن کودک:** اسباب‌بازی باید با توانایی ذهنی کودک هماهنگی داشته باشد.

- **سادگی:** هر چه اسباب‌بازی ساده‌تر باشد، تحرک ذهنی و ابتکاری کودک در مورد آن بیشتر خواهد بود، برای آن‌که اسباب‌بازی ارزش روان‌شناختی داشته باشد، باید از قطعات ساده و متنوعی تشکیل شده باشد تا کودک در به کار بردن آن‌ها شرکت فعالانه داشته باشد (مانند لگوها). وسایل مکانیکی محدوددهی فعالیت و وسیع‌تری نسبت به اسباب‌بازی‌های ساده دارند اما متقابلاً دایره‌ی عمل کودک را تنگ‌تر می‌کنند. و از قدرت ابداع و ابتکار او می‌کاهند.

- **خلاقیت زای بودن:** اسباب‌بازی باید چنان باشد که ذهن کودک را برانگیزد و او را به سوی سازندگی و نوآوری سوق دهد. بهترین وسیله بازی و سایلی است که شکل و اندازه خاصی ندارد و کودک خود می‌تواند هر گونه که مایل باشد آن‌ها را شکل دهد و هر آنچه بخواهد با آن‌ها بسازد. بازی با موادی مانند شن، گل رس، نخ، مهره، کاغذ، آب، خاک، خمیر و تکه‌های پارچه و مانند آن‌ها به خاطر ماهیت آزاد و انعطاف پذیرشان کودک را در کشف مطالب جدید یاری می‌کند.

- **واقعی بودن:** مانند اسباب منزل، خاک، آب، چوب، برگ و....

- **تجسس فرهنگی و ارزشی اسباب‌بازی:** اسباب‌بازی با پستی باید به گونه‌ای باشد که ارزش‌های جامعه را تقویت و تحکیم کند و در ستیز با آن‌ها قرار نگیرد و به بهداشت روان و سازگاری کودک با محیط اجتماعی‌اش صدمه نزند.

- **اقتصادی بودن اسباب‌بازی:** بهترین وسیله بازی لزوماً گران‌ترین آن‌ها نیست. کودک با اسباب‌بازی ارزان قیمت به راحتی می‌تواند بازی کند. آن را پرتاب کند، خراب کند و چیز تازه‌ای بسازد. اسباب‌بازی گران‌بها بیش از آن‌که در دست کودک باشد در دکور اتاق او قرار دارد. ثمره‌ی خرید اسباب‌بازی‌های گران قیمت و مراقبت‌ها آن است که کودک کم‌کم یاد می‌گیرد که با اسباب‌بازی‌ها بازی نکند و فقط آن‌ها را داشته باشد. نباید کودکان را طوری بار آوریم که آن‌ها در خدمت اسباب‌بازی‌هایشان قرار گیرند. کودک باید اسباب‌بازی‌هایش را مستهلک کند.

۱. سلطانی، سایت نور دیده

۲. منطقی، راهنمای انتخاب اسباب‌بازی، ص ۳۰۵؛ نجاشی، بررسی پیامدهای ترویج اسباب‌بازی کودکان، ص ۱۸۱، ۱۶، ۱۴؛ مهجور، رون‌شناسی بازی، ص ۱۵۲؛ نوکاس، گنجی، رون‌شناسی بازی، ص ۲۶۸؛ سایت نور دیده

در طبیعت، منبع بی‌زوال و بی‌انتهایی از اسباب بازی برای کودکان وجود دارد مانند خاک، آب، چوب، برگ و بسیاری منابع بی‌خطر دیگر که ضمن داشتن تمام ویژگی اسباب بازی خوب زمینه بروز خشونت را در آنان بسیار کاهش می‌دهد و در عین حال، هزینه‌ای به دنبال ندارد.

نکته‌ی قابل توجه دیگر آن که دسترسی به وسایل بازی گوناگون و متنوع، تضمین نمی‌کند که آن‌ها در زمینه رشد ذهنی سودمند باشند، این امر بیش از هر چیز دیگر به نحوه‌ی استفاده از وسایل و نگرش والدین کودکان بستگی دارد. باید توجه داشت که درست است که اسباب بازی‌های ساده و طبیعی برای رشد کودکان بسیار مؤثرند، اما این به معنای کنار گذاشتن کامل اسباب بازی‌های پیشرفته‌تر و لو با کارکردی کمتر نیست، چراکه کودک ممکن است چشمش به دنبال آن‌ها باشد و برایش آرزو شود، منظور پرداخت و تمرکز بیشتر بر اسباب بازی‌های ساده و طبیعی است.

هم‌بازی

هم‌بازی‌ها در شکل‌گیری شخصیت، رفتار اجتماعی، نظام ارزشی و نحوه‌ی نگرش‌های یکدیگر دخالت دارند. کودکان از طریق سرمشق‌دهی و سرمشق‌گیری در مورد اعمالی که قابل تقلید است و با ارزشیابی فعالیت‌های یکدیگر، برهم تأثیر می‌گذارند. آنان بسیاری از مهارت‌های اجتماعی را از طریق کنش متقابل یکدیگر یاد می‌گیرند، توانایی‌های خود را ارزیابی و اعتماد به نفس پیدا می‌کنند و به تدریج از خانواده مستقل شده و سرانجام با جامعه سازگار می‌شوند؛ بنابراین هشیاری و دقت والدین در انتخاب هم‌بازی‌هایی مناسب برای کودکان بسیار مهم است. باید توجه داشت هم‌بازی شرایطی داشته باشد که کودک بتواند راحت و با آسودگی با وی بازی نماید، به لحاظ فرهنگی و اقتصادی نیز باید به کودک نزدیک باشد؛ چراکه بازی کودک با افرادی که دارای سطح اقتصادی بالا و فرهنگی متمایز با فرهنگ کودک هستند، باعث می‌شود کودک احساس ضعف نماید و اعتماد به نفس کاهش یابد و همچنین متأثر از فرهنگی غیر از فرهنگ خانواده خود باشد. یکی از ویژگی‌های فوق‌العاده‌ی خانواده‌های پرجمعیت آن است که کودکان، می‌توانند هم‌بازی خوبی برای هم باشند، به ویژه اگر فاصله‌ی سنی مناسبی داشته باشند.

نباید فراموش کرد که والدین، مهم‌ترین افراد برای کودک هستند و کودک بیش از هر کس از بازی کردن با والدین لذت می‌برد. بازی کردن والدین با کودک موجب تکریم کودک و بالا رفتن عزت نفس او گشته و رابطه‌ی والدین با کودک را محکم می‌کند. بازی کردن بزرگان با کودکان، لهن و لعب نیست؛ بلکه کاری خردمندانه و حکیمانه است و موجب کسر شأن نمی‌گردد.^۱ یکی از دلایل مشکلات رفتاری کودکان این است که والدین شاد ندارند و یکی از

۱. محسنی‌ری شهری، حکمت‌شاه کودک

راه‌های شاد شدن والدین، همدلی، کودک شدن و بازی کردن یا کودک است. برخی والدین گمان می‌کنند یا خرید اسباب بازی می‌تواند نیاز کودکشان را برطرف کنند. درحالی‌که نباید اسباب بازی را جایگزین بازی کرد. اگر اثاث خانه اسمش زندگی شد، اسباب بازی هم بازی می‌شود!

ویژگی‌های بازی مفید

تأثیر تربیتی بازی بیان شده، اینک باید دید بازی‌هایی با این آثار تربیتی از چه ویژگی‌هایی برخوردارند؟^۱
— سازنده بودن: بازی سازنده بازی است که همراه با کشف، پردازش و ابداع و در واقع ایجاد چراها و دریافت پاسخ در نتیجه‌ی بازی باشد و نه فقط تقلید و تکرار.

کمک و یاد دادن بازی را خراب می‌کند؛ چراکه بازی برای یادگیری است نه یاد دادن. نباید به کودک نحوه‌ی بازی با اسباب بازی‌اش را آموزش داد، مثلاً در بازی حلقه‌ی هوش ممکن است چیدن حلقه‌ها به کودک یاد داده شود و تشویق هم شود، چون کودک به توجه نیاز دارد بنابراین شرطی شده، تکرار می‌کند، حفظ و اثبات می‌کند و ممکن است حلقه‌ها را هم بچیند و جلب توجه کند؛ اما حاصل آن چیست؟ بازی مخرب، بدون هیچ کشفی. حال آن‌که او می‌توانست با آن حلقه‌هایش از ده نوع بازی برای خود طراحی و کشف کند. آن‌ها را رنگو کند، قل دهد، تفاوت رنگ‌ها را تجربه کند و دائم کشف تازه تنها با همین وسیله برایش اتفاق افتد. کودک باید در بازی، عبور و حرکت را تمرین کند نه رسیدن را. والدین باید کودک را در بازی هدایت و حمایت کنند و حمایت به معنای جبران کمبودهاست.

علاوه بر آموزش، تأکید بسیار بر نظافت و نظم نیز از عوامل مخرب نمودن بازی است. منظور این نیست که بچه‌ها در هر زمان و هر مکان با هر ابزاری، هر کاری که دلشان خواست انجام بدهند؛ بلکه منظور این است که برای آن‌ها یک چهارچوب مشخص کرده و در محدوده آن آزادشان بگذاریم و در صورت خروج از این چهارچوب، بازدارندگی داشته باشند.

— مشارکت والدین: یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های بازی مفید مشارکت والدین در بازی است. این مشارکت در بازی، پیام دوستی را به کودک منتقل می‌کند.

— بچه شدن والدین در هنگام بازی: کودکان از بازی کردن با بزرگ‌ترها لذت می‌برند؛ البته در صورتی که بزرگ‌ترها در هنگام بازی، بچه شوند. امیر مؤمنان (ع) فرمودند: «هر کسی بچه‌ای دارد، بچگی کند».^۲

۱. سلفلی، سایت نور دیده عیسی ولدی، من دیگر ما، ص ۱۵۷.

۲. شیخ سنوبی، نظری من لاجنر تالقیه، ج ۲، ص ۲۸۳.

- **فعال و همراه با حرکت بودن بازی:** از اصلی‌ترین ویژگی‌های بازی مورد نیاز کودک، فعال بودن است. کودک به صورت طبیعی دارای انرژی نهفته‌ای است که باید با فعالیت، آن را تخلیه کند. عدم تخلیه‌ی انرژی کودک مشکلاتی برای او پیش می‌آورد که یکی از آن‌ها عصبی شدن اوست. متأسفانه سبک زندگی مدرن، والدین را بر آن داشته تا به جای بازی‌های فعال، زمینه‌ی سرگرمی‌های ساکن را برای فرزندانشان فراهم کنند.

- **انتخابی بودن بازی:** بچه‌ها از بازی‌هایی که خودشان انتخاب می‌کنند، لذت می‌برند و بازی‌های تحمیلی جذابیت چندانی برای آن‌ها ندارد و زود خسته می‌شوند. عمده دلیل تحمیل بازی‌های خاص به کودکان، فرار کردن از زحماتی است که بازی‌های مورد علاقه‌ی کودکان برای بزرگ‌ترها دارد.

- **متنوع بودن:** وقتی تنوع بازی‌ها کم باشد یا اصلاً تنوعی در میان نباشد، کودکان خیلی زود خسته می‌شوند، پس آشنایی والدین با انواع و اقسام بازی ضرورت دارد. پدر و مادری که با بازی‌های مختلف آشنا نیستند، از خستگی کودک خسته شده و او را به سوی بازی‌های رایانه‌ای که بسیار متنوع‌اند سوق می‌دهند.

- **واقعی و طبیعی بودن:** کودکان، بازی با اشیاء واقعی را دوست دارند. آن‌ها بیش از آن که دوست داشته باشند با خمیر بازی، بازی کنند، علاقه دارند با خاک و گل، بازی نمایند. بازی هر اندازه طبیعی باشد، برای کودکان جذاب‌تر است.

- **همراه بودن با تجربه:** بازی باید تجربه‌ی کودکان را زیاد کند و زیاد شدن تجربه به آزمون و خطایی است که کودکان در بازی انجام می‌دهند. کودکان تجربه کردن را دوست دارند و درست به همین دلیل اسباب بازی‌هایشان را خراب می‌کنند تا ببینند چه اتفاقی می‌افتد.

- **زمینه‌ساز بودن برای خلاقیت:** بازی باید تفکر و خلاقیت کودک را فعال کند و او در جریان بازی منفعل و بیننده نباشد. کودکان به صورت طبیعی از بازی‌هایی که اثر خودشان را در آن می‌بینند، بیشتر استقبال می‌کنند.

- **جمعی بودن:** انجام بازی‌های فردی پس از مدتی منجر به ایجاد روحیه‌ی فردگرایانه در کودک می‌شود و ممکن است این کودکان، همکاری دیگران را دخالت بدانند و در مواردی روحیه‌ی استبداد پیدا کنند.

- **در معرض دید بودن بازی:** کودکان دوست دارند بازی‌هایشان در معرض دید دیگران به ویژه بزرگ‌ترها باشد. در معرض دید بودن بازی، حوصله‌ی آنان را برای ادامه‌ی بازی بیشتر می‌کند و به کودک انگیزه می‌دهد تا بازی را با جدیت بیشتری انجام دهد. آنان هنگامی که توجه والدین را به بازی خود می‌بینند، احساس مهم بودن می‌کنند.

- **رقابتی بودن:** در بازی‌های مشارکی چند نفر با کودک بازی می‌کنند و مشارکت آن‌ها برای به انتها رساندن بازی است، اما در بازی‌های رقابتی، کودک با یک یا چند نفر دیگر بر سر رسیدن به پیروزی رقابت می‌کند. پیروزی

در اینجا یعنی غلبه بر دیگران. کودک به چشیدن طعم پیروزی و شکست به معنای رقابتی آن هم نیاز دارد. اگر کودکان طعم شکست را در بازی‌های رقابتی نچشند، آماده‌ی مواجهه با شکست در سنین بالاتر نخواهند بود.

جدول بازی‌های مناسب کودکان^۱

سن	ویژگی‌های عمومی	وسایل بازی مناسب
دو سالگی	مهارت‌های مربوط به عضله‌های بزرگ رشد می‌کنند اما کودک در استفاده از مهارت‌های مربوط به عضله‌های کوچک محدودیت دارد.	وسایل بازی مربوط به عضله‌های بزرگ: تاب، قطعه‌های خاتم‌سازی (چسباندن و جدا کردن)، اسباب بازی‌های سوار شنی، کشیدن، هل دادن، وسایل بازی حسی برای ورز دادن و فشار دادن و شکل دادن (رس، شن) و وسایل آب بازی (چلانیدن و فرو کردن اسفنج در آب، ریختن آب از ظرفی به ظرف دیگر، ترکاندن حباب‌ها، وان حمام)، کتاب خواندن، عروسک یا حیوانات پارچه‌ای
سه سالگی	توسعه‌ی خیال‌پردازی همراه با ترس‌های غیر واقعی، شیفتگی نسبت به نقش‌های بزرگسالان	وسایل لازم برای بازی تخیلی؛ وسایل پدر و مادر مانند لباس‌ها و... وسایل زندگی (واقعی یا مدل‌های کوچک)، جورچین‌ها، قطعه‌های خاتم‌سازی، لوازم هنری (رنگ انگشتی، مازیک، مداد رنگی و...)
چهار سالگی	نیازمند پذیرش و توجه بزرگسالان، خودنمایی کردن، خطرپذیری، کنترل بر عضله‌های کوچک و انجام اعمالی چون بریدن، چسباندن، دوختن و ساختن	وسایل نقلیه (سه چرخه و...)، خانه‌سازی، وسایل نقاشی، رنگ کردن، قیچی کردن، نجاری، خیاطی، به نخ کشیدن مهره‌ها، کتاب‌های با موضوع واقعی تر از دنیای کودکان و...
پنج سالگی	مایل به شراکت و همکاری با همسالان، واقع‌بین، عمل‌گرا و مسئولیت‌پذیر	بریدن و چسباندن، بازی‌های ساده با کارت، بازی‌های جدولی، بازی‌های صفحه‌ای همراه با طاس، خمیر بازی، کتاب‌های رنگ‌آمیزی، کاغذهای رنگی و چسب و قیچی

در مورد بازی‌های رایانه و تلفن همراه با بی‌حرکتی جسمی، بی‌حرکتی مثبت روحی و ذهن تسخیر شده کودک توسط دشمنان مواجهیم

محدودسازی و کاستن وابستگی کودکان به این ابزار، کمترین کار درستی است که والدین می‌توانند انجام دهند. کارهای درست و لازمی که عموماً غافل از آن می‌شویم عبارت است از: همبازی شدن با کودکان و ایجاد

۱. فرگس، کنج، رول شانس بازی ۱۲۸، بافتاس

فعالیت‌های مفیدی که کودک حتی با در اختیار داشتن این وسیله هم به آن بی‌اعتنا باشد، پرهیز از محروم‌سازی و وادارسازی و سوق این تصمیم به صورت مجاب کردن و قانع‌سازی و آگاهی بخشی کودکان، ایجاد مشارکت و حضور خود کودکان در این تصمیم درست، پرهیز والدین از آویختن خودشان به این ابزار.^۱

آسیب‌شناسی وضع حاضر

بازی از نیازهای اصلی کودکان است اما بسیاری از والدین به دلایل مختلفی از بازی کردن با کودکان و تهیهی مقدمات بازی برای آنها سر باز می‌زنند و بدون در نظر گرفتن اثرات تربیتی بازی، تنها به دنبال تهیهی ابزار برای سکوت و ساکن نگه داشتن کودک خود هستند. برخی از این دلایل عبارت‌اند از: ناآگاهی از ضرورت بازی، مساوی دانستن بازی با سرگرمی، بی‌معنا دانستن برخی بازی‌ها، ناآگاهی از انواع بازی‌ها و کارکردهای تربیتی که دارند، ویژگی‌های زندگی مدرن و سیطره‌ی رسانه و بی‌حوصلگی‌های ناشی از آن برای والدین و فرزند، وقت‌گیر بودن بازی و...^۲

برخی از والدین نیز به دنبال آموزش‌های زود هنگام، این نیاز اصلی کودکان را نادیده می‌گیرند، به نقش فعالیت و بازی در تکامل و رشد متعادل کودکان اهمیت لازم نمی‌دهند و این فرصت هفت ساله را به خیال‌نخبه‌پروری از کودکانشان می‌ستانند. طبق فرمایش رسول اکرم (ص) بازیگوشی (شیطننت) بچه در کودکی، مایه فرونی خرد او در بزرگسالی است.^۳ دقیقاً عکس راهی که خانواده‌ها برای خردورزی فرزندان برمی‌گزینند.

شهید مطهری (ره) در این باره می‌فرماید: «انسان اشخاصی را می‌بیند که می‌گویند می‌خواهم بچه‌ام را تربیت کنم، خوب، چطور می‌خواهی تربیت کنی؟ نمی‌گذارد بچه‌ی پنج شش ساله برود با بچه‌ها بازی کند، هر مجلسی که خودش می‌رود، بچه را هم می‌برد، برای این که تربیت بشود، جلوی خنده‌ی او را می‌گیرد. بچه بزرگ می‌شود در حالی که احتیاجات طبیعی وجودش برآورده نشده است، نادر سنین بیست و چند سالگی، این قوای ذخیره شده، این شهوت‌ها و تمایلات اشباع نشده یک مرتبه زنجیر را پاره می‌کند. این بچه‌ای که شما می‌دیدید در اثر تلقین پدر در دوازده سالگی نمازش بیست دقیقه طول می‌کشید، نماز شب می‌خواند، دعا می‌خواند، یک مرتبه می‌بینید در بیست و پنج سالگی یک قاسق و فاجری از آب درمی‌آید که آن سرش ناپیدا است. چرا؟ برای این که شما به بهانه‌ی مقامات عالی، سایر غرایز او را سرکوب کرده‌اید. البته در غریزه‌ی بچه، خدا بوده است، قیامت و عبادت بوده است، اما شما این غریزه‌ی خدا و عبادت و این‌ها را در حالی در این بچه تقویت کرده‌اید که جلوی سایر غرایز او را گرفته‌

۱. جشی، ناهت شاهن.

۲. عباسی واری، من دیگر ما بازی‌های سلی و غسل‌های بللی بخش دوم.

۳. هندی، کنز العمال، ج ۲۰۷۲۷.

اید، سایر غرایز او را حس کرده‌اید، عصبانی و ناراحت کرده‌اید، به زندان انداخته‌اید، حتی و حفظ آن‌ها را نداده‌اید، سهم آن‌ها را نداده‌اید، دنبال فرصتی می‌گردند. یک وقت شما می‌بینید یک جوان مرقه، جوانی که همه‌ی وسایل برایش فراهم بوده است، به یک بهانه‌ی کوچک خودکشی می‌کند. همه می‌گویند نمی‌دانیم چرا خودکشی کرد. ای آقا! این موضوع که خیلی کوچک بود! چرا خودکشی کرد؟ نمی‌داند که در وجود او نیروهای مقدسی زندانی بوده، آن نیروهای مقدس از این زندگی رنج می‌برده‌اند، طاقت نمی‌آورده‌اند، در نتیجه طغیانی به آن شکل به وجود آمده است.^۱

کودک، سرشار از انرژی است و نیاز دارد انرژی‌اش را به شکلی تخلیه کند. اگر در محیط زندگی کودک، زمینه‌های مثبت و سازنده‌ای برای تخلیه این انرژی‌ها وجود نداشته باشد، به بی‌قراری و ناهنجاری در کودک می‌انجامد. کودک صغتی، از ناهنجاری‌هایی است که برخی افراد در سنین جوانی و بزرگسالی به آن مبتلا هستند، در روایات متعدد خطاب به والدین آمده است که به کودکان فرصت بازی دهند.

خلاصه آنکه بازی و اسباب بازی کودکان هزینه چندانی ندارد و کودکان می‌توانند با حمایت و همراهی والدین با کم‌ترین هزینه همچون گذشته با ابتدایی‌ترین وسایل حتی دور ریختنی، بازی‌های جذابی را خلق و با اسباب بازی‌هایی بسازند و بازی‌های متنوعی داشته باشند و این مهم، صرف وقت و حوصله‌ی والدین و همچنین اصلاح سبک زندگی موجود را می‌طلبد.

۱. شهینعلوی آزادی ستوی، ص ۱۱۵.

شناسایی استعدادها

شناسایی استعدادها از دیگر هزینه‌هایی است که برای والدین دغدغه شده و طبیعتاً برای پاسخ دادن به دغدغه‌ی رشد باید بدان پرداخت. بنابراین این فصل در ابتدا به بحث رشد پرداخته و پس از آن وارد مقوله‌ی استعداد و استعدادشناسی که از ابزار رشد است می‌شود.

استعداد از عوامل مؤثر در رشد

«رشد» به معنای رسیدن به واقع مطلب و حقیقت امر و وسط طریق و لیاقت و شایستگی برای نگهداری و بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌هایی است که در اختیار انسان قرار داده شده است بنابراین شناخت امکانات و سرمایه‌ها و سپس قدرت و توانایی برای نگهداری آن امکانات و سرمایه‌ها از ارکان رشد است.^۱

«خسر» در مقابل رشد قرار دارد. آنچه به اوج خود رسید - مثلاً قدرت بازوها، قدرت فکری، قدرت عقلی، قدرت روحی و... - و از نقص‌ها رها شد، در این درجه در یکی از دو حالت رشد یا خسر خواهد بود. اگر با دست یا بازو در جهت عالی کار شد، رشد است و گرنه خسارت است و باخت^۲ و با این تفسیر، رشد محدود به رشد از حیث معنوی نمی‌شود؛ چراکه هر رشدی در هر زمینه‌ای عالی و دانی دارد، اگر در جهت خدمت و ایمان باشد عالی است و اگر در جهت خسر و فسق و نقص، دانی...^۳

باید توجه داشت که رشد ایجاد کردنی نیست، نوزاد وقتی به دنیا می‌آید با خود همه چیز را می‌آورد، او تنها به حمایت والدین نیاز دارد. مانند یک دانه که همه چیز با خودش دارد و به صورت طبیعی رشد می‌کند اما کاملاً به حمایت باغبان نیاز دارد. رشد مرحله به مرحله و بسیار نظام‌مند است و نیاز به صبوری دارد.^۴

۱. علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۲۳، تعریف با استفاده از آیه ۶ سوره نساء پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، بررسی

منابع مدیریت در اسلام، فصلنامه صیاح، سال سوم، ش ۱۱.

۲. صفایی حائری، رشد، ص ۲۳.

۳. سلفی، سبب نور دیده.

«عوامل مؤثر در رشد» اجمالاً عبارت اند از:

- **خصوصیات و محیط:** «خصوصیات» شامل زن و وراثت است که در افراد مختلف، متفاوت است و از والدین به کودک می‌رسد. در محیط امن و عاطفی، اعتماد و فرصت پرداخت به استعداد پیش می‌آید. داشتن یا نداشتن خصوصیت بد اختیاری نیست اما بالقوه است و به وسیله‌ی «محیط» و گاهی با تغییر آن می‌توان به تدریج بر خصوصیات بد نیز اثر گذاشت.^۱

- **استعداد:** «استعداد» به معنای آمادگی و توانایی و در اصطلاح، میزان نسبی پیشرفت فرد در یک فعالیت است. بارها با تفاوت میزان رشد افراد مختلفی که برای کسب مهارت، در شرایط و موقعیت یکسانی قرار گرفته اند مواجه شده‌ایم. چنین تفاوتی به میزان استعدادشان مربوط می‌شود. استعداد برآیند گزینه‌هایی از قبیل هوش، حافظه، سرعت، شخصیت، خلاقیت، دقت و... است.^۲

اکثر افراد نگاهی مادی به این آمادگی و توانایی فطری دارند و تا حدی خود را درگیر آن می‌کنند که از بُعد فرا مادی اش غافل می‌مانند، بعدی که اصل است و حتی می‌تواند زمینه و توفیقی باشد برای همان نگاه مادی.

عوامل ارتقای استعدادها

«عوامل مؤثر در استعدادها» عبارت اند از:

- **سن:** به تدریج که سن کودک بالا می‌رود توانایی او برای انجام کارهای مختلف بیشتر آشکار می‌شود. افرادی که در سنین پایین مورد سنجش استعداد قرار می‌گیرند چون هنوز توانمند نشده‌اند ممکن است با قضاوت‌های نادرستی روبرو شوند، این قضاوت باعث می‌شود که توانمندی‌های بالقوه‌شان نادیده گرفته شود. در طول تاریخ با موارد متعدد این چنینی مواجه هستیم. ادیسون، به دلیل این که از نظر معلمان در درس ناموفق بود از دبستان اخراج شد و مادرش تعلیم او را به عهده گرفت. انیشتین در ۹ سالگی زبان باز کرد و به گفته‌ی معلمانش استعداد کافی برای درس خواندن نداشت. حتی نقل است که معلم او به پدرش گفته بود: مهم نیست فرزند تو چه کاره خواهد شد، مهم این است که او به هیچ جایی نخواهد رسید. اگر پدر انیشتین با خود وی این قضاوت را می‌پذیرفتند جهان یکی از متفکران خود در عرصه‌ی فیزیک را از دست می‌داد.

- **جست:** کارهای متفاوت بین جنس زن و مرد تفکیک شده است و در مورد بعضی فعالیت‌ها این مسئله

معلوم تر است.^۳

۱. سلطانی، سایت نور دیده

۲. علیان، نظام مدیریت استعدادها، ص ۱۴.

۳. علیان، نظام مدیریت استعدادها، ص ۱۰۷.

- خانواده‌های شاد و سالم: وظیفه‌ی والدین ایجاد محیط امن و عاطفی و بدون اضطراب برای کودکان و نوجوانان است، فضایی که از یک سو دست‌خوش درد و ترس و تشویش نباشد و از سوی دیگر نازپرورده بار نیابند.

- آموزش و تمرین و...

استعدادشناسی

اگر کسی استعداد نداشته باشد ضعیف است اما اگر استعدادش شناخته نشود مستضعف است و خودش مسئول این کفران نعمت خواهد بود؛ بنابراین باید استعدادها را شناخت.

هر فردی در مسیر «استعدادشناسی» و در مواجهه با ابزار و مسائل محیطی پیرامون خود به تدریج دو مسئله را نشان می‌دهد: «نمایلات و توجهات»، «قابلیت‌ها و مهارت‌ها».

کودکی که سطح نمایلات و قابلیت‌هایش روی موضوعی فراوان، فراگیر، مؤثر و قابل اعتنا باشد، استعداد خود را معرفی می‌کند و والدین باید پس از مشاهده این دو موضوع، ابزار مربوط به آن استعداد خاص را فراهم کنند تا کودک در مسیر توجه و قابلیتش، میزان رشد خود را نمایش دهد.^۱

والدین باید صبورانه کمک کنند تا کودک از اولین مرحله نیازهای جسمی و روحی‌اش (بازی و...) تأمین شود و به همه نیازهایش برسد. عجله در شکوفایی استعدادها آفت است و یکی از امور مهمی که در توفیق یافتن انسان در شکوفانمودن استعدادها و بهره‌وری از آنها دخالت زیادی دارد و شرط موفقیت به‌ویژه در کارهای بزرگ می‌باشد، حوصله و صبر زیاد است.

کلاس‌های متنوع، فشار برای آموزش زودهنگام، فشار برای تغذیه و... همگی مانند آن است که باغبانی با زور غنچه را وادار به باز شدن نماید.^۲

امروزه بسیاری از خانواده‌ها دغدغه‌ی شناخت استعدادهای فرزندانشان را دارند، بله، مقوله‌ی استعداد و استعدادیابی بسیار مهم است اما نه آن‌قدر مهم که والدین از شش ماهگی کودک، نگران استعدادشناسی او باشند و بعضی افراد تنها یک فرزند بخواهند به بهای سرمایه‌گذاری برای شناسایی کامل و پرورش همه‌ی استعدادهای او. برخی مراکز استعدادشناسی از دو سالگی کودک، خانواده را در تب و تاب قرار می‌دهند؛ به گونه‌ای که در پس اضطراب و نگرانی‌ها، استعداد اصلی انسان یعنی بندگی، یعنی بزرگوار بودن و نه صرفاً بزرگی را فراموش می‌کنند. استعداد مقوله‌ای پنهان و پوشیده نیست که نیاز به کشف و کار خارق‌العاده داشته باشد.

۱. حبشی، سابت شاهین.

۲. سلطانی، سابت نور دیده.

راههای شناخت استعدادها

- شناسایی استعداد با «مدل علامت»^۱

- بر اساس این الگو برای تشخیص کیفی و برررسی وجود استعداد در هر فردی چهار نشانه لازم است:
- موفقیت: سنجش این که فرد در چه زمینه‌ای موفقیت بیشتری کسب کرده است.
- رشد: سنجش این که فرد در چه زمینه‌هایی رشد و یادگیری سریع‌تری دارد.
- نیاز: سنجش این که فرد همیشه در چه موردی احساس نیاز می‌کند و خود را نیازمند کامل شدن می‌بیند.
- علاقه: سنجش علاقه مندی و رغبت‌های اصلی فرد.

این روش فریاد می‌زند که عجله و تحمیل ممنوع!

برخی والدین بی‌توجه به آن که فرزندان، لزوماً به علایق والدینشان تمایل ندارند و یا آنان نمی‌خواهند مانند دیگران شوند با فشار به فرزندان خود (به هر دلیلی) می‌خواهند آن‌ها (به هر طریقی) دکتر، مهندس یا... شوند، اما باید پذیرفت که انسان‌ها و توانمندی‌ها و علایقشان با هم متفاوتند و این تفاوت‌ها ایداً ملاک برتری نیست.

- شناسایی استعداد با «فطرت مادری»

مادر مهم‌ترین فرد در دریافت علایق و استعداد فرزندان است؛ چون طبیعتاً بیش‌تر و نزدیک‌تر از همه، وقت خود را با کودک می‌گذراند و بر او نظارت دارد، بیش از بقیه با او به صحبت می‌نشیند و مواردی که کودک به آن‌ها اهمیت بسیاری می‌دهد را درک می‌کند و به راحتی می‌تواند به علایق و توانمندی‌های او آگاه شود. بهترین زمان برای اطلاع از درون و ویژگی‌های کودکان تماشای آن‌ها به هنگام بازی است. مادر با مشاهده‌ی بازی کودک و با مقایسه‌ی توانمندی‌های حین بازی او با سایرین، ارزیابی رفتار، پرسش‌ها، گفت‌وگوهای او میتواند مهارت‌هایش را دریابد. مادر میتواند برای پرورش استعدادی خاص در کودک بازی او را مدیریت کند. دادن فرصت برای کسب تجربه‌های متفاوت و رودررو شدن با هر محدودیت و دست و پنجه نرم کردن در حیطه‌هایی که کودک با مشکل مواجه است و نیز فراهم کردن محیطی که به لحاظ تحریکات حسی غنی باشد نیز کمک کننده خواهد بود. خواندن داستان‌های الهام‌بخش و زندگی‌نامه قهرمانان و بزرگان و آشنا کردن کودکان با افراد جالب و موفق و خلاق نیز در شکوفانمودن کودک و نوجوان مؤثر است.

در گذشته مادر همه چیز کودک بود، او را به دنیای آورد و روح و جسم و تحصیل و... کودک در اختیار او بود، و او با وجود کم بودن سطح اطلاعات عمدتاً موفق عمل میکرد امروز، در دوران انبوه اطلاعات و تخصص، متخصصین به وجود آمده‌اند و گویا مادر مطلع امروز، صرفاً خدمتکار شده و باقی مسئولیت‌های مادری به

۱. طیان، نظام مدیریت استعداد، ص ۱۴.

متخصصین واگذار شده است. این در حالی است که مادر چیزی را ندارد که هیچ متخصصی ندارد و آن فطرت مادری است.^۱ والدین، معتبرترین کارشناسان رشد کودک هستند به این دلیل ساده که آن‌ها نیازهای کودکان خود را بهتر از هر کس دیگری می‌دانند. نظریه‌های رشد باید پشت سر تجربه پدر و مادرها و درک غریزی آنان از نیازهای پرورشی کودکان قرار گیرند. شناسایی توانایی، استعداد و بهره‌ی هوشی کودک چندان کار دشواری نیست و مهم‌ترین نکته، صرف وقت است نه صرف هزینه‌های مالی. آگاهی از استعداد فرزندان، محدود به دوران کودکی نیست، بسیاری از استعدادها در کودکی مشخص نمی‌شوند؛ همان‌طور که ذکر شد یکی از عوامل مؤثر در استعداد سن است. ضمن آنکه تا یک سنی شناخت استعداد به عهده‌ی والدین است، بعد از طی مدتی فرزندان خودشان به مرور متوجه می‌شوند که در چه زمینه‌ای مستعدند، در این مرحله کار والدین مشورت و حمایت است. مدرسه و معلم نیز از کلیدی‌ترین عواملی هستند که در درک و آگاهی استعدادها مؤثرند؛ چراکه کودکان و نوجوانان وقت زیادی را در مدرسه و با معلمان سپری می‌کنند.

آنچه از استعداد مهم‌تر است

نخبگی مجموعه‌ای از سه ویژگی «هوش و استعداد»، «همت برجسته برای مطالعه و کار و تلاش» و «حوصله‌ی نحسین برانگیز برای پیگیری و مداومت» است.^۲ بسیاری از کسانی که از امکانات بسیار زیاد و شاید هوش بالا برخوردارند اما به سرانجام نیکویی نمی‌رسند، در مقابل کسانی که از هوش و استعداد متوسطی برخوردار بوده و با ابتکار عمل آن‌ها کاملاً متوسط است، ولی به پیروزی‌های بزرگی در زندگی نائل شده‌اند؛ بنابراین استعداد شرط لازم است نه کافی. در بیان عوامل پیروزی مردان بزرگ سخن بسیار گفته‌اند ولی از میان همه آن‌ها و در ردیف اول، مسئله استقامت و پایداری را باید نام برد.^۳

مهم، مقدار استعدادها نیست تا کسی بگوید ما کمتر از بقیه داریم. مقدار استعدادها و سرمایه‌ها متفاوت است، آنچه مهم است خرج کردن و به جریان انداختن همه‌ی داشته‌هاست. آنچه آدمی را بالا می‌برد، نه سرمایه است و نه عمل، بلکه سعی اوست و سعی یعنی نسبت عمل به سرمایه.

اگر ملاک برتری و بزرگترین استعداد انسان را عبودیت و رسیدن به قرب الهی دانستیم و نعمات را مسئولیت‌ساز، پذیرش تفاوت‌ها برایمان راحت‌تر خواهد بود و زور و اجبار و تحمیل علاقه به فرزندان نخواهیم داشت. مهم سعی است و استفاده از ظرفیت‌ها، نه زیر بار هر مشقنی رفتن برای پذیرفتن نقشی فراتر از ظرف.

۱. سلطانی، سایت نور دیده.

۲. امام خمینی، بیانات در هشتمین همایش ملی نخبگان، ۱۳۹۳/۰۷/۲۰.

۳. مکرم شیرازی، تفسیر نمونه ج ۱۰، ص ۲۳۹.

تعریف فراغت و انواع آن

«فراغت» به معنای آسایش و آسودگی از کار و شغل^۱ و اوقات فراغت زمانی برای انجام مجموعه فعالیت‌هایی است که افراد، پس از تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی با میل و اشتیاق به آن می‌پردازند و غرضشان استراحت، تفریح، توسعه دانش، به کمال رساندن شخصیت خویش یا به ظهور رساندن استعدادها، خلاقیت‌ها و یا بسط مشارکت آزادانه در اجتماع است.^۲

برای فراغت سطوحی است که عبارتند از:

- خلا فراغت (یا فراغت بدون برنامه): انلاف و بیهوده سپری نمودن وقت.

- فراغت انفعالی (غیر فعال): در این نوع فراغت، فرد بدون انجام واکنش، در معرض عمل یک محرک دیگر به راحتی تأثیر پذیرفته و گاهی بدون این که متوجه باشد تحت تأثیر پیام‌هایی قرار می‌گیرد که تبلیغ و القای گردند. مانند اوقاتی که صرف استفاده از انواع رسانه میشود.

- نیمه فراغت: وضعیتی است که طی آن، کار و فراغت توأمان انجام می‌شود. در این شرایط لذت، کار و به تبع آن درآمد در هم می‌آمیزند. بنابراین به آن نیمه فراغت می‌گویند؛ مانند اشتغالات هنری.

- فراغت فعال: مطلوب‌ترین شیوه گذران فراغت است. در این شیوه، اهداف عمومی فراغت یعنی رفع خستگی، کسب لذت، تحول و تعالی شخصیت محقق می‌شود. فراغت فعال واجد تحرک یا حضور ملموس و مؤثر در عرصه عمل است. گردشگری، صلح‌رجم، مطالعه، ورزش و... از شیوه‌های مطلوب گذران اوقات فراغت هستند.^۳

۱. عمید فرهنگ عمید، ذیل واژه فراغت.

۲. تور کینس، اردکانیان، اوقات فراغت و نیازهای مردم، ص ۱۱۱.

۳. سازمان ملی جوانان، بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، ص ۲۹۵-۲۹۲.

کارکردهای اوقات فراغت

«اوقات فراغت» جزئی از نظام فرهنگی است و در ارتباط با خرده نظام شخصیتی، در پی تحقق مطلوبیت فردی اعضای جامعه بوده و کارکرد عمده آن، علاوه بر تأمین نیازهای فراغگران، انتقال ارزش‌ها و هنجارها، تأمین حیات اجتماعی و ایجاد تعادل و توازن در نظام اجتماعی است.^۱ این اوقات در یک کلام آینه‌ی فرهنگ یک جامعه است که نمایانگر ارزش‌ها، نگرش‌ها و ذائقه‌های فرهنگی افراد آن است. از آنجایی که انسان در اوقات فراغت می‌تواند همان چیزی را که می‌پسندد انجام دهد، شخصیت اصلی خود را باز می‌یابد و آن را برآزمی‌کند و قابلیت‌هایش غالباً در عرصه‌های اوقات فراغت جلوه‌گر می‌شود. از چگونگی گذران اوقات فراغت یک خانواده می‌توان به شخصیت و راهبردی که برای تربیت فرزندشان دارند پی برد.^۲

اوقات فراغت تنها نهادی است که می‌تواند با مدرسه و خانواده رقابت داشته باشد؛ چراکه این اوقات تأثیر قاطعی بر رشد اجتماعی و روانی نوجوانان می‌گذارد.^۳ فراغت فرصت و نعمتی است برای حفظ نسل نوجوان و جوان از ناهنجاری‌های اجتماعی و روانی و اخلاقی و در صورت استفاده ناشایست از آن به نعمت تبدیل خواهد شد. طبق فرمایش امام علی (ع) «مَعَ الْفَرَاغِ تُكُونُ الصُّبُوَّةُ»^۴ همراه با فراغت تمایل به خواسته‌های شیطنی ظاهر می‌شود. بنابراین اوقات فراغت در کنار همه خوبی‌ها و برکاتی که دارد، اگر به درستی ساماندهی نشود، می‌تواند به عنوان یکی از جدی‌ترین تهدیدات برای سلامت اخلاقی و روانی جامعه به شمار آید. مهم‌ترین آثار سوء بی‌توجهی به نیازهای اوقات فراغت رشد انحرافات و بزهکاری، توقف رشد و بالندگی و از دست دادن هویت اجتماعی است.

استفاده مناسب از این اوقات آثاری به دنبال دارد که در قالب آثار فردی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی قابل بیان است:^۵

آثار فردی

- **تعالی شخصیت:** اوقات فراغت از دو جهت در تعالی بخشیدن به شخصیت نقش دارد: امکان ارزشیابی رفتار اجتماعی و فردی و شناخت نقاط ضعف، فرصتی مطلوب برای رشد و شکوفایی استعدادها و تعالی شخصیت فرد.

۱. رنر، لانی، نظریه‌های جامعه‌شناختی در دوران معاصر، ص ۱۲۵-۱۲۶.

۲. مهدوی‌نژاد، معماری اوقات فراغت در نظام توسعه فرهنگی شهر تهران، مجموعه مقالات همایش اوقات فراغت در شهر تهران، ص ۷.

۳. کریمی‌ان، نیم‌نگاهی به اوقات فراغت، معرفت، ش ۱۴۱.

۴. خواجه نوری و هاشمی‌نیا، نظام آموزش، ص ۷۱.

۵. غیرالحکوم، ج ۹۷۳.

۶. مؤلف رسمی، اصول برنامه‌ریزی اوقات فراغت، ص ۱۸؛ شرف‌الدین، سرگرمی‌رسانه‌ای، ص ۱۳۶.

- کسب احساس رضایت و ارزشمندی و عزت نفس، تقویت ارزش‌ها؛ نوجوانی که برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی دارد و در پس آن توانمندی‌اش را افزایش می‌دهد و پایه‌نمایش می‌گذارد از عزت نفس و حرمت والایی برخوردار خواهد بود. حرمت خود را دانستن (عزت نفس) در سنین نوجوانی بسیار مهم است و نوجوان را از انحراف نگاه می‌دارد.

- استراحت و تجدید قوا و به تبع آن بالا بردن ضریب موفقیت و کارآمدی، سلامتی و تندرستی و تخلیه

هیجانی

آثار اجتماعی

از بُعد روان‌شناختی و به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی، یکی از ملاک‌های داشتن جامعه‌ی سالم، برنامه‌ریزی مناسب و دقیق برای اوقات فراغت مردم است؛ چراکه بهترین زمان‌ها برای القای فکر و اندیشه و فرهنگ مورد قبول خود به افراد و جامعه، اوقات فراغت آنان است. با مدیریت اوقات فراغت افراد می‌توان باورها، ارزش‌ها، رفتارها و امیال و خواسته‌هایشان را به سمت و سوی مورد نظر سوق داد. در سایه‌ی پرداخت صحیح به اوقات فراغت، تمرین زندگی اجتماعی و رشد اجتماعی و حساسیت‌زدایی فرهنگی، ارضای نیاز به تعلق و همبستگی با اعضا، مسئولیت‌پذیری، استقلال و اتکا به نفس، کاهش گرایشها و اقدامات بزهکارانه و... شکل می‌گیرد. هویت‌سازی و انتقال فرهنگ به نسل‌های جدید نیز از دیگر آثار اجتماعی اوقات فراغت است.

آثار اقتصادی

نوجوانان با پر کردن صحیح اوقات فراغتشان، چه به صورت شغل موقت در کنار درس و چه یادگیری مهارت‌ها، فرصتی برای ایجاد اشتغال در آینده را برای خود رقم می‌زنند.

آثار سیاسی

کارکردهای سیاسی مثبت و منفی اوقات فراغت اجمالاً عبارت‌اند از ایجاد اشتغال؛ کاهش نرخ آسیب‌ها؛ تخلیه‌ی انرژی‌های مخرب و ضد اجتماعی؛ افزایش نشاط و طراوت و تأمین سلامت عمومی و در نتیجه افزایش سطح رضایت‌توده‌ای؛ جامعه‌پذیری سیاسی؛ کنترل انحرافات توجه از امور مهم.

فراغت سالم

فراغت سالم ویژگی‌هایی دارد که عبارت‌اند از:

- **آزادی:** فعالیت‌های تفریحی باید به طور ذاتی و درونی در افراد ایجاد رضایت کند و مشارکت در این فعالیت‌ها با آزادی و انگیزه‌ی درونی باشد. در غیر این صورت بر میزان مشارکت در فعالیت‌های فراغتی تأثیر منفی می‌گذارد.

- **شایستگی ابراز شده:** هر فردی برای داشتن یک تجربه موفق، باید احساس کند تا حد قابل قبولی مهارت‌ها و قابلیت‌های مورد نیاز و متناسب با آن فعالیت را داراست.

- **اثرات سودمند:** باید فرد حس کند بر روی فراغت خود کنترل یا تأثیر دارد و نقش فعالی در سازمان‌دهی فعالیت‌های فراغتی خود داشته باشد.^۱

متأسفانه برخی خانواده‌ها بی‌توجه به عوامل مذکور فرزندان را در فراغشان اسیر می‌کنند و آنان را چون عروسکان خیمه شب بازی به هر طرف که میل و فخر فروشی و آرزوهای برآورده نشدشان هدایت می‌کنند، می‌کشاند.

برخی سبک‌های فراغتی که پیوندهای اجتماعی را بین فرد با اعضای خانواده، گروه همسالان و جامعه، وابستگی و تعهد به الگوهای مثبت و اهداف مقبول و متعارف جامعه و مشارکت روزمره تضعیف کند، ناسالم است و به تمایلات بزهکارانه منجر می‌شود. بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی - یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان کنترل اجتماعی - چهار عنصر وابستگی، تعهد، مشارکت و اعتقاد، مانع رفتار بزهکارانه می‌شود. در همین جهت، ضعف هر یک از این چهار بُعد می‌تواند موجب بروز رفتارهای انحرافی شود:

- **وابستگی:** وابستگی میزان عاطفه و احترامی است که فرد برای دیگران قائل است. به عقیده هیرشی اگر فردی به واسطه فعالیت فراغتی، پیوندهای نزدیکی با دیگران برقرار کند، احتمال بیشتری هست که نسبت به آنچه آن‌ها درباره‌ی رفتار او فکر می‌کنند مراقب باشد. سبک‌های فراغتی که وابستگی و تعلق را به والدین، مدرسه، همسالان و دوستان بهنجار افزایش دهد، تمایلات و رفتارهای بزهکارانه را کاهش می‌دهد. فردی که از سبک فراغتی اینترنتی استفاده و به نوعی از تماس‌های اجتماعی کناره‌گیری می‌کند، در معرض آسیب‌پذیری اجتماعی بیشتری قرار می‌گیرد.

- **تعهد:** تعهد مربوط به میزان سرمایه‌گذاری است که فرد برای دست‌یابی به اهداف عرفی انجام می‌دهد. هر چه سرمایه‌گذاری بیشتر باشد یا انگیزه برای کسب آن بالاتر باشد، دلیل بیشتری برای همنوایی با هنجارهای جامعه

۱. حسین پور - سلفی زرنی، اوقات فراغت، ص ۵۰.

وجود دارد. به نظر می‌رسد مخاطبانی که آرزوی موفقیت‌های ورزشی، علمی، هنری و... را در سر می‌پرورانند یا برای این منظور هزینه می‌کنند و از سبک‌های فراغتی سالم استفاده می‌کنند، به واسطه‌ی احساس تعهد حاصل از آن، پیوند قوی‌تری با جامعه برقرار می‌کنند که می‌تواند منجر به کاهش احتمال بزهکاری شدنشان شود.

- **مشارکت:** درگیری در فعالیت‌های فراغتی مورد قبول جامعه، موجب می‌شود عمده وقت آزاد فرد صرف مشارکت شود و فراغت دیگری نداشته باشد. بنابراین، هرچقدر مشارکت نسبت به فعالیت‌های متعارف آموزشی، فرهنگی و... بیشتر باشد، تعادل نسبت به بزهکاری کمتر می‌شود.^۱

شیوه‌ی گذران اوقات از نظر اسلام

بانگامی به روایات می‌توان چند اصل کلی درباره‌ی گذران اوقات فراغت بیان نمود:

- **باعث خستگی و دلزدگی نشدن، به گناه آلوده نشدن:**^۲

- **لزوم برنامه‌ریزی برای نحوه گذراندن اوقات و بیکار نبودن:** حضرت علی (ع) درباره آفات بیکاری و نداشتن برنامه برای اوقات فراغت می‌فرماید: «دل بیکار بدی را جست و جو می‌کند و دست بیکار به سمت گناه کشیده می‌شود».^۳

- **لزوم تقسیم‌بندی اوقات و پرداختن به جوانب مختلف وجودی انسان:** امام کاظم (ع) فرمودند: «سعی کنید اوقات خود را چهار قسمت نمایید: زمانی برای مناجات با خدا و زمانی برای کسب و کار و زمانی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتمادی که عیب‌هایتان را به شما گوشزد می‌کنند و در باطن خیر خواه شما هستند و زمانی برای کام‌جویی از لذت‌های غیر حرام».^۴

- **هدایت سیری کردن این اوقات و لزوم رعایت کردن اولویت‌ها:** امام علی (ع) می‌فرماید: «کُنْ مَشْغُولًا بِمَا أَنْتَ عِنْدَهُ مَسْئُولٌ»^۵ به کاری مشغول باش که از آن سؤال خواهی شده. و تذکر می‌دهند هر که دور کند آنچه را مهم او باشد، بیفتد به سوی آنچه مهم او نباشد.^۶ ایشان به فرزندشان فرمودند: «مناسب دانستم که نخست کتاب خدا و

۱. احمدی، نجم شعاع، شیردل، ریلحه سبک‌های فراغتی یا تعادل به بزهکاری در دختران دبیرستانی شهر کرمان.

۲. صحیفه سجاده، دعای پازدهم.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۰۳.

۴. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۳۳۱.

۵. غررالحکم، ج ۲۲۵.

۶. غررالحکم، ج ۸۶۸۹.

تأویل آن را به تویباموزم و قوانین احکام اسلام و حلال و حرام آن را برایت بگویم و از این امور به چیز دیگری نپردازم»^۱ (چرایی این اولویت در ادامه مباحث می آید).

خداوند در این جهان نعمتی به نام اوقات فراغت گذاشته است تا انسان‌ها فرصت عبادت داشته باشند و در فرصت‌هایی که پیدا می‌کنند، هر چه بیشتر از دنیا فاصله بگیرند و به خدا نزدیک شوند. چنان‌که حضرت امام سجاده (ع) در دعای مکارم الاخلاق از خدا می‌خواهد اوقات فراغتش و سبب‌های زهد در دنیا شود و فرصت انس با خدا باشد. در مقابل فرهنگ مهاجم غرب با بستن راه عالم قدس بر روی قلب انسان‌ها و با ایجاد انواع سرگرمی‌ها، نعمتی همچون اوقات فراغت را ضایع نموده است و با ایجاد روحیه‌ی عیاشی، اوقات فراغت انسان‌ها را بستر نزدیک شدن هر چه بیشتر به دنیا و لذات آن کرده، به طوری که اوقات فراغت، عامل اضمحلال تفکر و عبادت شده است. در تمدن غربی، بشر به کلی فراموش می‌کند که حیات دنیایی را فرصتی بگیرد برای تغییر خود و شبایسته‌ی قرب الهی شدن. در اوقات فراغت و دوری از دنیا، انسان متوجه مقامات عالی درون خود می‌شود ولی در سرگرمی‌های ساختگی موجود، از مقامات عالی‌هستی انسانی غفلت می‌شود و عملاً اوقات فراغت از بین می‌رود.^۲

مصادیق اوقات فراغت

از مصادیق اوقات فراغت که امروزه بیش از باقی موارد دغدغه‌ی والدین برای فرزندانشان است و هزینه‌بر تلقی می‌شود، تفریح و سرگرمی و کلاس‌های آموزشی است. در ادامه هر یک از مصادیق به تفصیل بررسی می‌شود.

کلاس‌های آموزشی

امروزه خانواده‌ها پیش از تولد فرزندانشان برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند تا آنان را کودگانی نخبه و بزرگسالانی موفق بار آورند. در این برنامه‌ریزی نوع نگاه خانواده عمدتاً معطوف به محیط بیرون از خانه است و این نوع نگاه یا به خاطر فضاهای تبلیغاتی است و یا بی‌حوصله بودن والدین و مسائلی که تغییر سبک زندگی بر فضای خانواده بار کرده است. این والدین شاید به دلیل کاستی‌های دوران کودکی و یا به خاطر عجله داشتن در امر پرورش، کودکانشان را زودتر از سنشان در کلاس‌هایی نام‌نویسی می‌کنند که هنوز فکر کودک، قدرت درک آن‌ها را ندارد. کلاس‌هایی از قبیل حفظ قرآن، زبان، موسیقی و در بهترین حالت ورزش که تبعاتش از جمله فراگیر شدن و

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. ماهنامه عقل، تزلزل تمدن غرب، ص ۲۰۰.

رسم شدن دارد؛ به گونه‌ای که اگر خانواده‌ای تمکن مالی برای نام‌نویسی فرزند خردسالش در این کلاس هانداشته باشد گمان می‌کند که نمی‌تواند فرزندش خوب تربیت کند.

در این قسمت سعی می‌شود کلاس‌های آموزشی لازم برای سه دوره تربیتی فرزندان تبیین شود.

- هفت سال اول

بسیاری از روانشناسان از دوران طلایی هوش کودک یاد می‌کنند و معتقدند کودک در این سن می‌تواند حتی سه زبان را یاد بگیرد و در این راستا انواع برنامه‌های آموزشی برای کودکان تعبیه می‌شود. در مقابل، عده‌ای از روانشناسان، آموزش‌های رسمی در این دوران را فاقد اعتبار علمی می‌دانند و معتقدند در این سن (تا هفت سال) باید نسبت به رشد حس کنجکاوی از طریق بازی و مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی کودک تلاش شود. اینک به آموزه‌های ناب اسلامی رجوع می‌کنیم تا نظر این دین کامل را درباره‌ی بحث آموزش در هر یک از مراحل رشد بدانیم؟

امام صادق (ع) می‌فرماید: «فرزندت را رها کن تا هفت سال بازی کند، در هفت سال دوم او را تربیت کن و در هفت سال سوم مانند یک رفیق صمیمی مصاحب و ملازمش باش.»^۱ با توجه به این حدیث ارزشمند که به کرات و بایان‌های متفاوت از معصومین (ع) نقل شده است در می‌یابیم که در هفت سال اول و در بعضی روایات، در شش سال اول باید فرزند را رها کرد تا بازی کند و از طریق بازی و در سایه‌ی کارکردهایی که برای بازی برشمردیم، آمادگی‌های لازم را برای آینده به دست آورد و پس از آن آموزش‌های مستقیم را شروع نمود. حتی یاد دادن شکل ظاهری نماز هم به صورت بازی است تا زمانی که کودک بتواند دست راست و چپش را از هم تشخیص دهد.^۲

• آموزش زود هنگام کودکان چه مشکلاتی را به دنبال دارد؟

استفاده از آموزش در سنین پایین سبب می‌شود نگرش کودک نسبت به یادگیری تغییر پیدا کرده و حس کنجکاوی او ضعیف شود، علاقه‌اش نسبت به یادگیری از بین برود و سبب دل‌زدگی کودک از یادگیری شود. باید توجه داشت خوب یاد دادن و ذهن فعال کافی نیست؛ بلکه آمادگی یادگیری مهم‌ترین رکن در یادگیری است و زمان آن، سن هفت تا چهارده است؛ چراکه کودک نه بازیگوشی سابق را دارد و نه با مشکلات بلوغ مواجه است.

- فارغ از برخی استثناءها، ثمره حضور زود هنگام کودکان در کلاسهای آموزشی «نفر» یا «تغییر ذائقه» است:

۱. حرطلی، مسائل نشئه، ج ۵، ص ۱۲۵.

۲. مطهری، مکرم الاطلاق، ص ۲۲۲.

در مورد کلاس قرآن؛ برخی کارشناسان امور کودکان و نوجوانان از والدینی خبر می دهند که فرزندان خود را در سنین پایین در کلاس های قرآن ثبت نام کرده اند و این کار پس از مدتی ثمرهای جز ایجاد تنفر در کودک آنان نسبت به قرآن نداشته است؛ چراکه نیاز اصلی کودک یعنی بازی نادیده گرفته شده است.^۱ امام خامنه ای (دام ظلّه) در این باره می فرماید: «من عقیده ام این است که حفظ قرآن باید از بچگی شروع شود؛ یعنی حدوداً از دوازده سالگی، سیزده سالگی».^۲

اما در مورد کلاس موسیقی و زبان و ... تغییر ذائقه در میان است؛ امام خامنه ای می فرماید: «ناگهان از گوشه ای یک نفر تشخیص داده که باید ما به کودکان دبستانی، از کلاس اول - یا حتی پیش دبستانی - زبان انگلیسی یاد بدهیم؛ چرا؟ وقتی بزرگ شدند هر کس نیاز دارد، می رود زبان انگلیسی را یاد می گیرد. این بچه ی ما، این نوجوان ما و جوان ما [که] این زامی خواند، فقط زبان یاد نمی گیرد؛ حتی ممکن است آن زبان یادش برود، اما آنچه بیش تر در او اثر می گذارد آن تأثیر و انطباقی [است] که بر اثر خواندن این کتاب از سبک زندگی غربی در وجود او به وجود می آید، این ازین نمی رود».^۳

اکنون سؤال اینجاست که با استعداد های سرشار فرزندانمان چه کنیم و آنان را چگونه پرورش دهیم؟ کودک نباید تا قبل از هفت سال مسئولیت پاسخ گویی و حتی یادگیری را به دوش کشد؛ به خانواده های پردغدغه برای استفاده از استعداد های کودک می توان گفت به جای آموزش های زود هنگام با خواندن کتاب های متفاوت برای کودکان، با فراهم کردن شرایط عالی برای بازی کودک، اخلاقیات او را پرورش دهید و در خلال بازی های متفاوت، مهارت های زندگی را به او بیاموزید؛ چراکه بازی ها با این گونه آموزش ها منخبت بیشتری دارند.

دکتر ریموند اس. مور - دارای مدرک دکترای آموزش از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی - از روانشناسان حوزه رشد که در مشاغل معلمی، مدیریت مدرسه، بازرسی مدارس، استادی و ریاست کالج و اداره آموزش ایالات متحده تجربه کار داشته است به دلیل تحقیقات، آزمایش ها و نوشته های پستنازانه خود در زمینه ی درس و کار هم زمان و سن ورود به مدرسه برای بچه ها در سطح جهانی شناخته شده است. تحقیقات او مورد تحسین روانشناسان و متخصصان آموزش قرار گرفته و در مجلات تخصصی و پر طرفدار داخل و خارج از ایالات متحده چاپ شده است. نکاتی که در ادامه می آید بخش هایی از مقاله ی ایشان است با نام «بچه هایی که در خانه بزرگ می شوند، موفق ترند»^۴ در این تحقیق، نویسنده علاوه بر این که

۱. مصاحبه ی علیرضا ترکسون، ۱۳۹۵/۰۷/۱۶.

۲. امام خمینی، بیانات در دیدار قربان مصری، ۱۳۷۰/۱۷/۳.

۳. امام خمینی، بیانات در دیدار با مسئولان کلون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۷/۰۲/۲۳.

۴. گروه نویسندگان، و جنلی - منی، چه کسی که بزرگ را ننگان خواهد زد؟، ص ۱۱۳-۱۳۲.

آموزش زیر هشت سال زارد می کند، توصیه دارد که کودکان به مدرسه نروند! وقتی مدرسه رفتن ارجح باشد، سپردن کودکان به مهد کودک، مکان های آموزشی و آموزش زیر هفت سال جای خود دارد:

در بیشتر طول روز خانواده روی صندلی عقب نشسته و هدایت زندگی بچه ها را مدارس و مراکز آموزشی به عهده دارند! وقتی بچه ها بیش از آن که وقتشان را با ما بگذرانند، در کنار هم سن و سالان خودشان قرار می گیرند، وابسته به آنها شده و تسلیم عادات و رفتار و اخلاقیهای مخرب آنها میشوند.

سز نظر روانشناس آموزشی، ویلیام روبر تمام آموزش های لازم برای موفق شدن یک دانش آموز در دوره دبیرستان، تنها در عرض دو یا سه سال آموزش رسمی قابل دستیابی است. به تأخیر انداختن آموزش اجباری مهارت های پایه تا سنین راهنمایی، می تواند به معنای موفقیت تحصیلی میلیون ها بچه مدرسه ای باشد که در نظام آموزشی کنونی ما محکوم به شکست هستند.

دیوید کوین از دانشگاه اوکلاهاما بچه هایی که به طور معمول به کلاس های رسمی و حتی مدرسه رفتنند و بچه هایی که در خانه عمدتاً به روش های غیر رسمی و در سایه عکس العمل ها و برخوردهای گرم والدین و آزادی عمل قابل توجه برای کاوش و خلق کردن - آموزش دیده اند را مورد مطالعه قرار داده است. نتیجه: بچه هایی که از راه معمول در جامعه آموزش دیده اند در حدود ۱۵ الی ۲۰ سالگی به مرحله عملیات صوری (یعنی تعقل منسجم در سطح یک بزرگسال) می رسند؛ اما بچه هایی که در خانه به طور غیر رسمی و همراه با واکنش های والدین و کاوش آزادانه آموزش دیده اند بین سنین ۱۰ و ۱۱ یا ۱۲ سالگی به شناخت و ادراک در حد یک بزرگسال دست پیدا می کنند.

در تحقیقات به وضوح نشان داده شده است کودکانی که دیرتر وارد محیط آموزشی می شوند و وقت برای رشد یافتن پیدا می کنند، به سرعت خود را به دیگران رسانده و معمولاً از بچه هایی که زودتر به مدرسه رفتنند، پیشی می گیرند. در عین حال از اموری مثل عدم اعتماد به نفس، افسردگی، روان پریشی، شکست و برادر دوقلوی آن یعنی بزه کاری، بیشتر در امان می مانند. مطالعه پانزده ساله برنر و استات بر آمادگی بچه ها [برای رفتن به مدرسه] آنها را به این نتیجه کلی رساند که هر چه بچه ای بزرگتر باشد، بهتر عمل می کند و محیط اطراف خود را بهتر سر و سامان می دهد و تجربه و ادراک بهتری از جهان دارد. هر چقدر مجموعه دانایی های بچه در زمان ورود به مؤسسات آموزشی بزرگتر باشد، موفق تر خواهد بود.

در اینجا ما به راهکار خوبی برای آن دسته از والدینی می رسیم که دوست دارند بچه هایی جدلاً یا فکر، پرورش دهند. وقتی مادران و پدران، به دفعات زیاد و با گرمی به فرزندان واکنش نشان می دهند و هر چه بچه ها بزرگتر می شوند در گفتگوهای خود بیشتر از چراها و چگونگی ها برایشان می گویند. وقتی به علائق

فرزند خود بی برده و از آن بهره می‌برند، وقتی الگوی صحیح از ارزش‌ها و منش‌ها به او نشان می‌دهند. فرزندانی پرورش خواهند داد که از ثبات و قوت جسمی و روحی بسیار برخوردار خواهند بود. نیاز مبرمی وجود دارد که والدین در مدت بیشتری از عمر فرزند خود، چنین نقشی را در زندگی او ایفا کنند. در تمام طول تاریخ، خانه در پدید آوردن موفقیت، رفتار [صحیح] اجتماعی شدن و خلاقیت بچه‌ها عالی عمل کرده و این بی‌دلیل نبوده است. بچه‌های آموزش دیده در خانه، از این مزیت بهره‌مندند که والدینشان که واقعاً به ایشان اهمیت می‌دهند، بالای سرشان هستند. در آموزش خانگی چندین برابر بیش از مؤسسه به بچه‌ها پاسخ [و توجه نشان] داده می‌شود. جان گودکد دریافت معلمان مدرسه به‌طور متوسط در هر روز مجموعاً هفت دقیقه با دانش‌آموزان حرف شخصی می‌زنند. هم‌چنین این احتمال هست که توجه بیشتر نصیب بچه‌هایی شود که رفتار بدی دارند. بنابراین هر بچه بیش از یک یا دو واکنش از سوی معلم نمی‌بیند. سمگر این‌که بازیگوش باشد - درحالی که در آموزش خانگی بچه بیش از صد پاسخ در روز دریافت می‌کند. واکنش‌های مثبت و گرم و محبت‌آمیز رمز پدید آمدن نوایع و رهبران است. هارولد مک کاردی محقق ارشد این مطالعه، دو ماده دیگر هم به این رمز اضافه می‌کند: صرف زمان خیلی کم با همسالان و صرف زمان زیاد برای کاوش آزادانه، که طی آن، والدین مشوقِ علائق، انگیزه‌ها و گرایش خلاقانه بچه به کار کردن روی خیال پردازی‌های خود باشند و فشار روش «درس - کتب - امتحان» را تجربه نکنند. برای این بچه‌ها کتب درسی بیش از آن‌که یک قفس باشد، یک منبع محسوب می‌شود. آنها مستقیماً زندگینامه‌های افراد بزرگ را می‌خوانند، نه آن‌که غذای جویده دست دوم درون کتاب‌های معمول در سیستم آموزشی را قورت بدهند. ایشان پس از آن‌که مهارت‌های اولیه را آموختند دیگر نیازی به درگیری با والدین یا حل تمرین ندارند. این بچه‌ها بیشتر به چرا و چگونه توجه می‌کنند تا به چه چیز، چه زمان و چه مکان. اینان به جای تأمل بر تفکرات دیگران، خود به تفکر می‌پردازند و باز تنها هزینه، حوصله و خلاقیت والدین!

- هفت سال دوم

آموزش در دوران کودکی از آن جهت که مانند حک کردن نقش بر سنگ است، اهمیت دارد و لزوم آموزش در دوره‌ی نوجوانی به دلیل ویژگی‌های خاص این دوران است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «غلبک بالاحداث فإِنَّهُمْ اسرَعُ لِي كُلِّ خَيْرٍ» نوجوان را دریاب که این گروه در پذیرش هر خوبی بیشتر شتاب می‌کنند. آموزش و برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری این گروه سنی از وقتی حساس‌تر می‌شود که بدانیم تأثیرپذیری نوجوانان بسیار بالاست و چه زیبا امامان به این نکات آگاهمان کرده‌اند. امام علی (ع) می‌فرمایند: «قلب نوجوان چون زمین

ناکشته است که هر چه در آن افکنده شود می‌پذیرد!^۱ تأثیر پذیری شدید این سن را وقتی در کنار سایر ویژگی‌های دوره نوجوانی می‌گذاریم این امر بسیار مهم‌تر جلوه می‌کند.

نوجوان در این سن به دنبال استقلال و کم نمودن تسلط خانواده بر خویش، مقابل معیارهای والدین قرار گرفتن و گریز از فرهنگ و محیط زندگی، تمایل زیاد به انس با دیگران، تقلید از الگوهای مورد نظرش و آرمان‌گرایی است. نوجوان دچار آشوب درونی است و احساساتش بر افکار غلبه دارد. او به دنبال احراز شخصیت و هویت خویش است و از همه مهم‌تر باشک و تردید به بازسازی عقاید و افکار خود می‌پردازد.

نوجوانان مستعد آموختن و پرورش هر چیزی، خوب یا بد هستند و با توجه به ویژگی‌های این دوران، به‌ویژه استقلال‌طلبی و بازسازی عقاید، ممکن است بر اثر غفلت‌ها از صراط دور شوند. در این دوره حرف از آموختن یا نیاموختن نیست، نکته‌ی مهم در این دوران چه آموختن و چگونه آموختن و در چه محیط آموختن است. امام علی (ع) می‌فرماید: «دل بیکار بدی را جست و جو می‌کند و دست بیکار به سوی گناه کشیده می‌شود».^۲ اگر والدین برای فرزندان برنامه‌ریزی نکرده و وقتشان را پر نکنند عدو مبین بالشکرش از جنس و انس و با انواع تهاجمات از بیکاری آنان استفاده و با هزاران محصول و تبلیغ و حتی با انواع کلاس‌های آموزشی و محتوای تصحیح نشده‌اش ذائقه گردانی می‌کند.

توجه به این نکته لازم است که غرض، نهی از یادگیری علوم نیست. اتفاقاً یادگیری علوم و حتی زبان خارجه بسیار عالی است و سابقه‌ی تاریخی نیز دارد؛ چنان‌که در روایت است که زید بن ثابت می‌گوید: «پیامبر به من فرمان داد تا زبان یهودیان را بیاموزم، پس از فراگیری این زبان، هم نامه‌های ایشان را به یهودیان می‌نوشتم و هم نامه‌های یهودیان به ایشان را برایشان می‌خواندم».^۳ بلکه غرض رعایت «اولویت‌هاست و بدیهی است که رعایت اولویت مقدم است بر استعداد و علاقه. در روایت است که مردی نزد امام حاضر شد و پرسش را به ایشان معرفی کرد، امام از حال پرسش پرسیدند و او گفت: که شاعر است و امام فرمودند: «قرآن را به وی بیاموز که برایش از شعر بهتر است».^۴ بجاست که تافطرت کودکانمان زنگار نگرفته آنان را با حقایق آشنا سازیم و تعالیم الهی را، به‌ویژه قرآن (معارف و مفاهیم و نه لزوماً قرائت) را که سراسر نور است مقدم بر آموزه‌های دیگر نماییم. باید پیش از قساوت‌ها و مشغولیت‌ها، اولویت‌ها را در نظر گرفت؛ چنان‌که امام علی (ع) نیز در نامه به فرزندان می‌فرماید: «فرزندم!... قبل از

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۲۰، ص ۳۰۳.

۳. سیدی ساروی، هشام گل‌های بهاری؛ نگاهی نو به زندگی و شخصیت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم).

۴. ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۱۰، ص ۲۱.

آن که هوس‌ها و فتنه‌ها و شیفتگی‌های دنیا، پیش از اقدام من اتفاق بیفتد و نفست همچون شتر سرکش، لجام‌نگیرد و تربیت نپذیرد، اقدام به چنین وصیتی کردم».

• اولویت چه آموختن، چیست؟

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «به آموختن حدیث به نوجوانان پیش از آن که منحرفین آنها را گمراه کنند اقدام نمایند»^۱ امام علی (ع) نیز در نامه به فرزندانشان می‌فرمایند: «بر آن شدم که تربیت تو را از آموزش کتاب خداوند و تأویل آن و قوانین اسلام و احکام آن و حلال و حرام آن آغاز کنم» امام صادق (ع) در حدیث دیگری سن یادگیری هر یک از این آموزه‌ها را بیان می‌کنند، ایشان می‌فرمایند: «الغلام یلعبُ سنَّه سنَّه و یتعلمُ الکتب سنَّه سنَّه و یثقلُ الخلال و الحرام سنَّه سنَّه»^۲ فرزند هفت سال بازی می‌کند (و دوران بازی اوست) و هفت سال قرآن (و امثال آن را) فرامی‌گیرد و هفت سال (سوم) باید حلال و حرام را فرا گیرد».

در روایت است که پیغمبر (ص) در خطبه‌ای فرمودند: «وای به حال فرزندان آخر الزمان از پدرانشان و افزودند: زمانی خواهد آمد که پدر و مادرهای آخر الزمان فرزندانشان را به واجبات دینی آشنا نمی‌کنند... من از آنها بیزارم و آنها نیز از من رسول‌الله بیزارند؛ زیرا اگر آنها از من بیزار نبودند فرزندانانشان را به مسائل دینی آشنا می‌کردند و یا به آنها اجازه می‌دادند که خودشان یاد بگیرند»^۳ مباد که مشمول این خطاب شویم...!

• پس از اعتقادات، اولویت بعدی با چیست؟

از نظر امام علی (ع) بهترین آموختنی‌ها برای جوانان و نوجوانان چیزهایی است که در بزرگسالی به آن نیازمند می‌شوند^۴ (کسب مهارت‌ها). در این زمان است که والدین استعدادهایی را که از زمان کودکی و در خلال بازی‌ها و صحنه‌های مختلف زندگی شناسایی کرده‌اند را هدایت می‌کنند و در جهت تقویت آن برمی‌آیند. توجه به این نکته ضروری است که فرزند پسر در این دوره باید مهارتی را کسب کند که بتواند او را برای رسیدن به بلوغ اقتصادی که در دوره‌ی سوم زندگی او باید اتفاق بیفتد آماده کند. در زمان‌های گذشته خانواده‌ها بدرستی کار را ارزش میدانستند و به ثمرات تربیتی آن واقف بودند و لذا با ایجاد رغبت در نوجوانان، آنان بیشتر اوقات فراغت خود را به شاگردی کردن در حرفه‌ای که به آن علاقه‌مند بودند می‌گذراندند که این حرفه، هم در آینده کمک کارشان بود و هم در آن زمان در آمدی از خود داشتند.

• فرزندانمان را در چه محیطی آموزش دهیم؟

۱. تلووس، تهلیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۱.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۱۱۴.

۳. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳.

امروز صحبت از آموزش، عمدتاً مقارن است با معطوف شدن اذهان به محیط بیرون از منزل و کلاس‌ها و هزینه‌های هنگفت. همان‌گونه که در مباحث قبل گذشت، بهتر است آموزش در خانه و از سمت والدین به شرط توانمندی و با شرایط مذکور باشد. در غیر این صورت می‌توان از کانون‌های فرهنگی محل کمک گرفت. کانون‌های فرهنگی هنری مساجد در واقع همان شبکه جوان برخاسته از مسجد است که با محور امام و تکیه بر برنامه‌های فرهنگی تلاش دارد با برنامه‌ریزی جامع و دقیق و استفاده از تمام ظرفیت‌ها و در پرتو آموزه‌های دینی، نیروهای شایسته برای انقلاب اسلامی تربیت کند. مردم به مسجد اعتماد و اطمینان دارند و به دلیل این که برنامه‌های این مکان عمدتاً از استاندارد و تنوع لازم برخوردارند و برگزارکنندگان افرادی شایسته هستند، با استقبال مواجه می‌شوند.

- هفت سال سوم -

این سن علاوه بر کسب مهارت مورد نیاز در بزرگسالی، زمان آموزش حرام و حلال الهی به فرزند، دفع شبهات و به عبارتی مباحث عقلی و منطقی است. برعکس سنین ۷ تا ۱۴ سالگی که باید افکار صحیح و عقاید سالم را در اختیار آن‌ها قرار داد و از طرح اقوال مخالف و آرای نادرست در محضر آن‌ها حتی به قصد ابطال و رد کردن اجتناب ورزید و ذهن آن‌ها را درگیر شک و تردید و شبهه ننمود. در هفت سال سوم، نوجوان آرام خود را آماده مباحث نظری محض نموده و ذهن خود را ورزیده می‌سازد و پایه بلوغ و رشد فکری می‌گذارد و به مرور قابلیت فهم براهین عقلی را پیدا می‌کند، بنابراین لازم است والدین و آموزگاران به تدریج افکار و عقاید مخالف را نیز در کنار عقاید سالم طرح کنند و ادگه هر دو طرف را به نقد و بررسی گذارند و در این میان، ذهن نوجوان را نیز به کمک طلبند. امام علی (ع) در نامه ۳۱ به فرزندانشان می‌فرمایند: «در آغاز تربیت تصمیم گرفتیم کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات، به تو بیاموزم، و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام، به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم. اما از آن ترسیدم که مبادا رأی و هوایی که مردم را دچار اختلاف کرد و کار را بر آنان شبهه‌ناک ساخت، به تو نیز هجوم آورد، گرچه آگاه کردن تو را نسبت به این امور خوش نداشتم، اما آگاه شدن و استوار ماندن را ترجیح دادم تا تسلیم هلاکت‌های اجتماعی نگردی». وقتی امام علی (ع) به فرزندانشان می‌فرماید می‌خواهم از آموزش در معارف الهی و احکام شرعی پا فراتر نگذارم اما اگر تحلیلی از اختلافات موجود نداشته باشی خطر فرافتادن در مسیری برایت هست که از هلاکت تو در آن مسیر امن نیستم، می‌خواهند نکته‌ی بسیار ظریفی را به ما گوشزد کنند که اولاً: مسائل زندگی خود را اصل و فرع کنیم و معارف الهی و علم به احکام شریعت را اصل بدانیم. ثانیاً: از موضوعات اجتماعی غافل نگردیم.^۱

۱. طهرانی فرزندم این چنین باید بود ج ۱، ص ۲۶۲.

تفریح

امام علی (ع) می‌فرمایند: «عقل دنبال سه کار است: در پی اصلاح معاش؛ در کار معاد؛ دنبال لذت‌های غیر حرام». برای شناخت تفریحی که کارکردهای مثبت اوقات فراغت را داشته باشد، به دین به عنوان برنامه‌ای سازنده رجوع کرده و از گذرگاه آیات و روایات به بررسی چستی، چرایی و چگونگی تفریح می‌پردازیم.

تفریح سالم یکی از عواملی است که انسان را در جهت نیل به معنویات و انجام تکالیف بندگی کمک می‌کند. از پیامبر اکرم (ص) نقل است: «خردمند، مادام که خردش از او گرفته نشده، باید ساعاتی را برای خود در نظر گیرد؛ زمانی برای مناجات با پروردگارش، زمانی برای محاسبه نفس، زمانی برای اندیشیدن در آنچه خداوند عز و جل به وی ارزانی داشته است و زمانی برای کام‌جویی خود از راه حلال؛ زیرا این زمان کمکی است به آن سه زمان دیگر و مایه آسودگی و رفع خستگی دل‌ها»^۱ ایشان اهمیت تفریح را در بُعدی دیگر نیز بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «به سرگرمی و بازی بپردازید؛ زیرا دوست ندارم سخت‌گیری و خشونت در دینتان مشاهده شود»^۲.

باید توجه داشت این آثار مثبت و فواید ارزنده تفریح یعنی ایجاد نشاط به معنای آمادگی برای انجام کار، زمانی به دست می‌آید که سالم باشند، در غیر این صورت نه تنها به آرامش و لذت‌های مطلوب منجر نمی‌شوند بلکه آثار مخرب و سونی به دنبال خواهند داشت.

برخی کلیدواژه‌های قرآنی شادی و تفریح سالم و ناسالم عبارتند از:

فرح: به معنای باز شدن دل و خاطر به وسیله لذتی آنی و زودگذر که بیشتر محدود به لذت‌های دنیوی است.^۳ ذیل واژه‌ی «أشرف» بیان شده که فرح گاهی ناشی از سرور (به معنای شادی که در قلب پنهان است و ظاهر نمی‌شود)^۴ و به حسب فضایی عقلی نیز هست، ولی «أشرف» چیزی نیست جز فرح به حسب فضایی وهمی و هوس.^۵ فرح را به معنای «بطر» نیز تفسیر کرده‌اند؛^۶ بطر به معنای غفلت و سبک مغزی است که در اثر سوء استفاده از نعمت و قیام ننمودن به حق و مصرف کردن آن در غیر مورد، به آدمی دست می‌دهد. بطر، لازمه فرح و خوشحالی از ثروت دنیا است.^۷ بنابراین گاهی فرح به خاطر حق دست می‌دهد و چنین

۱. مجذبی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۰۹.

۲. جوانی املی، مناقب الحیدر، ص ۲۰۱.

۳. هملن، ذیل واژه فرح.

۴. رابع اصفهانی، مغزنته ذیل واژه سرور. شهید مطهری سرور را حالتی خوش و لذت بخش می‌داند که از علم و اطلاع بر این که یکی از اهداف و آرزوها انجام یافته به انسان دست می‌دهد شهید مطهری مقالات فلسفی، ج ۲، ص ۶۶.

۵. هملن، ذیل واژه آشرف.

۶. علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۱۱۶.

۷. در قرآن مجید فرح هم برای شادی‌های منموم به کار رفته و هم شادی‌های منموم؛ لکن در موارد منموم بیشتر به کار رفته است.

فرحی سالم است. گاهی هم می‌شود که به باطل دست می‌دهد که آن مذموم است، ولی مرح جز مضموم و باطل نمی‌تواند باشد.^۱

شرح: به معنای شدت فرح و بی‌بندوبازی در آن است.^۲ علامه طباطبایی در المیزان می‌گوید: «مرح به معنای برای باطل، زیاد خوشحالی کردن است... اگر خوشحالی به حدی شدت یافت که عقل را سبک نموده و آثار سبکی عقل در افعال و گفته‌ها و نشست و برخاستن و مخصوصاً در راه رفتن نمودار شده؛ چنین فرحی، فرح به باطل است».^۳

کلاس‌بندی تفریح

همان‌گونه که گذشت، کارکرد تفریح، ایجاد نشاط به معنای آمادگی برای انجام کار است و همین کارکرد نشان دهنده‌ی نسبی بودن تفریح برای افراد است. سرور و شادی برای هر کسی وقتی حاصل می‌شود که خواسته‌اش تأمین شود و طبیعتاً خواسته‌های افراد یکسان نیست. ممکن است در فردی چیزی ایجاد نشاط کند که در دیگری باعث کسالت شود. این که افراد به چه نوع تفریحی می‌پردازند و در نتیجه‌ی چه تفریحی با نشاط می‌شوند، گویای میزان رشد آن‌هاست. آنچه برای یک کودک ایجاد نشاط می‌کند قطعاً با بزرگسال فرق خواهد داشت، همین‌طور بین دانشمند و غیر آن؛ که فرمودند «الکتابُ بُسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ»^۴ در توصیه‌های ائمه هدی که رشد یافته‌ترین افراد هستند نیز می‌بینیم که کار و تلاش،^۵ شب زنده‌داری و یاد خدا، طاعت خدا^۶ و... بالاترین شادی و تفریح است.

معیارهای تفریح سالم

اسلام عزیز مبتنی بر عقل و وحی و اهداف تربیتی خود، قواعد ثابت و متغیری را در بحث تفریح و سرگرمی وضع کرده است، در واقع در صدد تعیین مصادیق ویژه تفریح بر نیامده؛ بلکه تنها معیار ارائه می‌دهد که به برخی از این معیارها اشاره می‌شود:

- **باطل نبودن:** خداوند در آیه ۷۵ سوره غافر می‌فرماید: «ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تُفْرِحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تُفْرِحُونَ» این قهر و عذاب بدان سبب است که همواره در پی تفریح‌های باطل و غیر حق بوده و دائم به شهوت‌پرستی

۱. علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۴۳۳.

۲. راجع به لغات، مفردات ذیل واژه مرح.

۳. علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۱۳۲.

۴. غرر الحکم، ج ۹۹۱.

۵. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۲۸۶.

۶. شادی مومن به طاعت پروردگار و نقش بر گناه و عیب است.

مشغول بودید. باطل نباشد یعنی ما را از یاد حق باز ندارد،^۱ یعنی حرام نباشد (غنا و طرب)، یعنی ضررش از فایده‌اش بیشتر نباشد (شراب، قمار) و...

- **هدف‌داری** از بررسی روایاتی که در مصداق تفریح وارد شده است، این نکته استخراج می‌شود که یکی از معیارهای تفریح سالم هدف‌دار بودن است. برای مثال در روایات توصیه به دو تفریح تیراندازی و اسب سواری شده است؛ همان‌طور که فرد از انجام این دو ورزش لذت کافی می‌برد، دو مهارت نیز یاد می‌گیرد که در مواقعی چون جنگ و جهاد و... از آن استفاده می‌کند.

- **مفوم اوقات دیگر و روحه کار و تلاش بیشتر** امام صادق (ع) می‌فرمایند: «هر مسلمان دانا، باید فرصت‌های زندگی خود را بر سه بخش تقسیم کند، بخشی از آن را جهت کسب درآمد و گذران زندگی صرف کرده و بخش دیگری را به جمع‌آوری توشه و زاد برای آخرت بپردازد. بخش سوم زندگی او نیز باید به تفریحات سالمی که از رفتار حرام در آن خبری نیست، سپری شود و پرداختن به این بخش سوم (تفریحات)، کمکی برای این فرد مؤمن خواهد بود که آن دو بخش اول را با کیفیتی بهتر انجام دهد.^۲ از دید اسلام سرگرمی نه برای سرگرمی، که برای کار و زندگی مطلوبیت دارد و اصل کار و تلاش مثبت، هدفمند و خستگی‌ناپذیر است. سرگرمی و تفریح در صورتی مطلوبیت خواهد داشت که فرد را برای انجام این مهم تجهیز و تقویت کند.

- **متناسب با ذائقه و توان جسمی هر جنس** یکی از معیارهای خوب این است که با جنسیت هر فرد تناسب داشته باشد؛ مثلاً از روایات به دست می‌آید که بهترین تفریح مرد، تیراندازی و بهترین تفریح زن، بافندگی است. (ذکر روایات از باب تعیین معیار است، نه تعیین مصداق).

- **لغو و عبث نبودن** «لغو» به معنای کاری است که فایده‌ای از آن عاید انسان نمی‌شود^۳ و «عبث» به هر چیزی گفته می‌شود که غرض و مقصود درست و صحیحی نداشته باشد. برای مثال قوم هود (س) بالای کوه‌ها و نقاط بلند، ساختمان‌هایی می‌ساختند، آن‌هم به بلندی کوه تا برای گردش و تفریح بدان جا روند، بدون این که غرض دیگری در کار داشته باشند؛ بلکه صرفاً به منظور فخر نمودن به دیگران و پیروی هوی و هوس، که خداوند در آیه «تَبْلُونَ بَلْغًا رِيعَ آيَةٍ تُعْتَبُونَ»^۴ آبا بنهایی بر بلندی‌ها می‌سازید تا مردم را به بازی گیرید؟، ایشان را بر این کارشان توبیخ می‌کند. امروز اما به شکل ویلاهایی در فراز کوه‌ها...

۱. سوره جمعه، آیه ۹.

۲. کلینی، مصنفی، کلی، ج ۵، ص ۸۷.

۳. مصنفی، التحقیق، ج ۱۰، ص ۲۳۰.

۴. سوره شعراء، آیه ۱۲۸.

- غفلت زان بودن: خداوند می فرماید یکی از راههای شیطان برای غافل کردن انسان این است که به سرگرمی های غفلت زایی چون شراب و قمار متوسل می شود.^۱
- عدم تناسب با مجالس لهو و لعب: هر عمل و گفتاری که هیچ فایده ای که غرض عقلا بر آن تعلق گیرد نداشته باشد لغو است و به طوری که گفته اند: شامل تمامی گناهان می شود.^۲
- رعایت اعتدال و پرهیز از زیاده روی: از زیاده روی در فرح ممدوح، به «طرب»، بالاتر از آن به «بطر» و باز بالاتر از آن به «أشر» تعبیر شده است که هر سه مذموم شمرده شده اند.^۳
- سازگاری با مروت و کرامت و اعتدال: امام رضا (ع) فرمودند: «از لذائذ دنیوی حلال نصیبی برای کامیابی خویش اختصاص دهید، لذائذی که به جوائع مردی و شرافت شما آسیب نزنند، مسرفانه نباشد و شما را در انجام دنیاتان یاری کند. از مانیت کسی که دنیای خویش را به خاطر دینش و دینش را به خاطر دنیایش ترک گوید.»^۴
- موجب آزار دیگران نشدن،^۵ کم خرج بودن، اجتناب از واقعیت گریزی، تقویت کانون های شادی آفرین درونی و...^۶

مصادیق تفریح سالم و ناسالم در آیات و روایات

تأکید می شود ذکر این مصادیق، تنها از جهت ذکر نمونه های مطابق معیار بوده و به موارد مذکور محدود نمی شود، هر چیزی که در آن غرض عقلایی باشد، حق است و تفریح بغير حق محسوب نمیشود.^۷

مصادیق تفریح سالم:

- همراهی با خانواده: طبق آیه ۲۱ سوره طور، یکی از پاداش بهشتیان، ملحق شدن خانواده هایشان به آنها برای افزون شدن شادی شان است.^۸ شاید بتوان از این آیه چنین نتیجه گرفت که تفریح همراه با خانواده می تواند مصادیقی از تفریحات سالم باشد و خوشی را چند برابر نماید.

۱. «لَمَّا بُرِدُ لِلشَّيْطَانِ أَنْ يُوَفِّقَ بَيْنَكُمْ لَعْنَةُ الْبَيْتِ فِي النَّعْمِ وَالْعَيْسِ وَيَضْرِبَكُمْ مِنْ دَائِرِ اللَّهِ وَغَنِ لَعْنَةُ فَيْلِ أَنْتُمْ مُتَّبِعُونَ» سوره مائده آیه ۹۱.

۲. علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۳۳۸.

۳. مصطفوی التحقیق، ج ۹، ص ۴۹.

۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۶.

۵. سوره حجرات آیه ۱۱.

۶. شرف الدین، سرگرمی رسالتی، ص ۲۲۲.

۷. شرف الدین، سرگرمی رسالتی، ص ۲۱۴.

۸. همان ص ۳۹۴.

۹. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هُمْ يُرِيدُونَ وَرَبُّهُمْ إِنَّهُمْ لَخَفَاءٌ بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا تَلْتَمِعُونَ مِنْ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلِّ لَهْرٍ بِنَاءِ كَسْبٍ وَهَيْبٍ»

- گردش در طبیعت: وصف بهشت^۱ در آیات قرآن کریم می‌تواند بیانگر این باشد که طبیعت و استفاده از زیبایی‌های آن، یکی از راه‌های تفریح است. به طور کلی هر لذت و زینتی که نشاط بخش است می‌تواند مصداق تفریح باشد؛ مانند طبیعت و تماشای ستاره‌ها که خداوند از آنها به عنوان زینت یاد می‌کند.^۲

- مطالعه و رشد فکری: امام علی (ع) می‌فرماید: «این دل‌ها همانند تن‌ها خسته می‌شوند، برای نشاط آن به سخنان تازه حکیمانه روی بیاورید».^۳

سفر، ورزش و مسابقه، فصله رحم، مزاح و شوخی با برادران دینی از دیگر مصداق است. روایت است امام علی (ع) به کمیل فرمودند: «هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی، لطفی برای او قرار می‌دهد که به هنگام مصیبت، چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزداید».^۴ به نظر می‌رسد معنی اصلی «ادخال سرور» در مؤمنین این است که بتوانیم خانه برای مؤمنی تهیه کنیم تا او را از غم بی‌خانمانی نجات دهیم، یا کتاب مفیدی برایش بخریم تا مشکل فکری او را مرتفع نماییم، یا در سطح پائین‌تر، چیزی بگوییم که از نگرانی درآید. یک وقت هدف تنها خندیدن و خنداندن می‌شود که حضرت علی (ع) ما را از این کار نهی می‌کنند؛ اما یک وقت بهلول‌وار، هدفی را دنبال می‌کنیم ولی در پرشش طنز آن کار را ارائه می‌دهیم، این در جای خودش یک هنر است و با طنزهای امروزه فاصله‌ی زیادی دارد.^۵

۱. چون بهشت سرسبز خوبی و خوشی است، مصداقش در این دنیا می‌تولد به نوعی تفریح باشد.

۲. سوره صفات، آیه ۶ سوره یونس، آیه ۶ سوره نحل، آیه ۲۴.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۹۷.

۴. در عاقل، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۷۷.

۵. علامه مجلسی، بحر الانوار، ج ۹، ص ۱۲۸.

۶. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۷.

۷. ماهرزاده فرزانه این چنین باید بود، ص ۸۴.

مصادیق تفریح ناسالم:

- **لهو الحدیث:**^۱ مراد از لهو الحدیث در آیه ۶ سوره لقمان، اخبار و حکایات و اطلاعات لذت بخش و در عین حال غیر مفیدی است که افراد، با انگیزه های مختلف به دنبال آنند که در این آیه به انگیزه گمراه سازی مردم اشاره شده است.^۲ علامه طباطبایی (ره) می گوید: «لهو الحدیث، آن سخنی است که آدمی را از حق منحرف نموده و به خود مشغول سازد؛ مانند حکایات خرافی و داستان هایی که آدمی را به فساد و فجور می کشاند و یا از قبیل سرگرمی به شعر و موسیقی و مزار و سایر آلات لهو که همه این ها مصادیق لهو الحدیث هستند.»^۳

- **شکار، مسخره کردن و لقب دادن، شامت و ساز به منظر خوش گذرانی**^۴ از دیگر مصادیقند.

معیارهای تفریح های سالم و ناسالم بیان شد، اما در نهایت خود فرد است که بهترین گزینه برای تشخیص هدف تفریح است که آیا انگیزه اش، تنوع در زندگی و آماده شدن برای تلاش های جدی است و یا گذران عمر به بطلالت. تفریحی که موجب نشاط شود و روح را جلادهد و قدم ها را از ادامه ی راه سست نکرده و موجب غفلت نشود هزینه ی چنانچه ندارد.

در گذشته تفریحات شامل کوهنوردی، صله ی رحم و شب نشینی ها، انواع بازی ها، گردش در طبیعت و... بود و البته تعداد زیاد بچه ها به نوعی تفریح و شادی و خلاقیت ها را به دنبال داشت، شادی و لذتی که سالم و پایدار بود. امروز هم می توان بار و ابط خانوادگی سالم و قوی، حضور در طبیعت، انجام انواع بازی و... روزهای شاد و سالمی را پشت سر گذاشت و نشاط کسب کرد.

۱. سوره لقمان، آیه ۶

۲. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۰، ص ۲۷۳.

۳. علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۴.

۴. علامه مجلسی، بحر الانوار، ج ۷۳، ص ۲۵۶.

۵. سوره حجرت، آیه ۱۱.

۶. سوره شعرا، آیه ۱۲۸.

نکته آخر

به عنوان نکته‌ی آخر، تذکر آقای عباسی ولدی در کتاب ارزشمند «ایران! جوان بمان!» تقدیم می‌شود: ما امروز درباره پیشینیان خودمان به قضاوت نشسته‌ایم و در برخی موارد، از آن‌ها به نیکی یاد کرده‌ایم و گاهی هم آن‌ها را سرزنش می‌کنیم؛ اما نباید فراموش کرد ما هم تاریخ آینده‌ی این کشور هستیم. مراقب باشیم با توجه به منافع فردی، طوری عمل نکنیم که مردم آینده، ما را به باد سرزنش گیرند و وقتی با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شوند درباره‌ی ما این‌گونه به قضاوت بنشینند که در دوره‌ای در کشور ما، مردم برای این‌که برخی سختی‌ها را به خودشان تحمیل نکنند، کاری کردند که ما باید تا چندین و چند نسل جور آنان را بکشیم.

اکنون جنگ هشت‌ساله ما به تاریخ پیوسته است. مگر جنگ ما با دنیایی از مرارت‌ها و سختی‌ها همراه نبود؟ اگر خانواده‌های ایرانی در زمان جنگ می‌گفتند چرا ما باید همسر یا فرزندانمان را خرج جبهه و جنگ کنیم؟ چرا باید راحتی خودمان را برای کشورمان خرج کنیم؟ و برای فرار از سختی‌ها کشور را دو دستی تقدیم صدام می‌کردند، امروز چه قضاوتی درباره‌ی آنان می‌کردیم؟ آن‌ها با نگاه توحیدی با خدا معامله کردند و امروز، نوبت ماست که با خدا معامله کنیم. روحیه جهادی داشتن در آن دوره به فرزند دادن بود و امروز به فرزند آوردن. فداکاری در آن موقع به تحمل دوری فرزند بود، امروز به تحمل سختی‌های فرزندآوری. در آن زمان با ریخته شدن خون هر شهید، امنیت و معنویت، ارمغان جامعه‌ی ما بود؛ اما امروز با زیادشدن جمعیت، کام دشمن رو به تلخی می‌رود و با کاهش جمعیت، دشمن شاد می‌شویم^۱

۱. عباسی ولدی، ایران! جوان بمان! ص ۳۳۳.

امام خامنه‌ای

«بلاشک از نظر سیاست کلی کشور، کشور باید پرود به سمت افزایش جمعیت؛ البته به نحو معقول و معتدل... جوانب قضیه را بسنجید: ببینید چه چیزهایی است که موجب می‌شود جامعه ی مادچار میل به کم‌فرزندی بشود؛ چرا افرادی ترجیح می‌دهند که فقط یک فرزند داشته باشند؛ چرا ترجیح می‌دهند فقط دو فرزند داشته باشند؟ چرا زن به شکلی، مرد به شکلی پرهیز می‌کنند از فرزندداری؟... این عوامل را پیدا کنید.»

۱۳۹۲/۰۸/۰۹

هفت‌خوان خیالی نگاشته‌ای است در باب «معیشت و تربیت» که به بررسی برخی عوامل مؤثر در میل به کم‌فرزندی در جامعه پرداخته و روایتگر خوان‌های خیالی است که خانواده‌ها در مسیر فرزندآوری خود ساخته‌اند.



قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

ISBN 622630802-8



9 786226 308021



همراه با جوایز نفیس و ارزنده:
(کارت هدیه، بن خرید، سکه پارسیان و...)

• قالب های شرکت در مسابقه:

• بزرگسالان:
پاسخ به آزمون آنلاین

• کودکان و نوجوانان:
ارسال نقاشی با موضوع سهم من از جوانی ایران

• مهلت شرکت: ۳۱ خرداد ۱۴۰۲

• نحوه شرکت در مسابقه و دریافت رایگان نسخه pdf کتاب:
مراجعه به سامانه مرکز مجازی مسابقات کتابخوانی

www.mketab.ir

دبیرخانه: موسسه فرهنگی هنری شهید روحی

پیام رسان ایفا: ۰۹۱۵ ۰۷۵ ۱۸ ۴۸



جوانی ایران

مسابقه ملی کتابخوانی

سهم من از جوانی ایران

از کتاب: هفت خوان خیالی

پژوهشی در باب ارتباط معیشت و تربیت فرزندان صالح

